پرونده علمی:

برابری

پژوهشگر:

سید اسد الله موسوی عبادی

## برابری در لغت

### آبادیس

#### برابری

با توجه به اینکه در لغت نامه های فارسی برابری به معنای مساوات هم آمده است اول برابری و بعد مساوات را بررسی کردیم

لغت نامه های فارسی در این سایت

https://abadis.ir/fatofa/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C/

##### لغت نامه دهخدا

برابری. [ ب َ ب َ ] ( حامص مرکب ) تعادل. تساوی. یکسانی. مساوات. ( ناظم الاطباء ) ( از آنندراج ). همسری. ( آنندراج ). همتایی. همسنگی :

با روی تو ماه آسمان را

امکان برابری ندیدم.

سعدی.

- برابری کردن ؛ مساوات و همسری و یکسانی نمودن با کسی. ( آنندراج ) :

خورشید را سخی چو تو دانند مردمان

خورشید با تو کرد نیارد برابری.

فرخی.

سپهر با تو برفعت برابری نکند

که شرمسار شود مدعی بلا برهان.

سعدی.

جز صورتت در آینه کس را نمیرسد

با طلعت بدیع تو کردن برابری .

سعدی.

|| مقابله. مقابلت. ( آنندراج ). مقابلتی. ( از ناظم الاطباء ). تقابل. ( دانشنامه علائی ). برابری هست و نیست ، تقابل سلب و ایجاب. ( دانشنامه علائی ).

- برابری کردن ؛ مقابلی کردن. ستیزه کردن. منازعه کردن. ( از ناظم الاطباء ). همسری و مساوات. ( ناظم الاطباء ).

|| مقاومت. ( یادداشت مؤلف ) : و گر اطراف چوبش ( آزاد درخت ) بکوبی و بیفشاری آبش با انگبین بسرشی برابری زهرهای قاتل کند. ( الابنیه عن حقایق الادویه ). وی ( اترج ) بمضرتها ببردن با زهرهای قاتل برابری کند. ( الابنیه عن حقایق الادویه ).

#### فرهنگ عمید

۱. برابر بودن، هم وزن یا هم سر بودن.

۲. روبه رو شدن.

\* برابری کردن: (مصدر لازم )

۱. با کسی روبه رو شدن.

۲. دعوی هم سنگی و هم زوری کردن.

۳. ستیزه کردن.

۴. همدوش و هم ردیف بودن.

#### مساوات

https://abadis.ir/fatofa/%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA/

##### لغت نامه دهخدا

مساوات. [ م ُ ] ( ع اِمص ) مساواة. برابری و همواری و برابرکردگی و برابرآمدگی و همسری و عدالت. ( ناظم الاطباء ). معادله. یکسانی. مماثله. تساوی. برابر شدن. برابر آمدن. و رجوع به مساواة شود. برابری :

در رتبه مساوات بود عالم را

از دایره هیچ نقطه رابیشی نیست.

؟

- مساوات شدن ؛ برابر شدن و مساوی شدن. ( ناظم الاطباء ).

- مساوات کردن ؛ عدالت کردن. ( ناظم الاطباء ). معاقلة. ( منتهی الارب ).

|| در اصطلاح محدثان ، از انواع عُلُوّ است نسبت به روایت یکی از کتب ، بدین ترتیب که بین راوی و پیامبر( ص ) یا صحابی یا مادون او تا شیخ یکی از اصحاب کتب حدیث آن تعداد فاصله باشد که بین یکی از اصحاب کتب و پیامبر( ص ) و صحابی یا مادون او می باشد. اگر آن راوی در تعداد واسطه ها یکی بیشتر باشد آن را مصافحة نامند. ( از کشاف اصطلاحات الفنون ). || در اصطلاح معانی ، برابر بودن لفظ است با معنی ، که آن واسطه بین ایجاز و اطناب باشد. رجوع به کشاف اصطلاحات الفنون و المعجم چ دانشگاه ص 279 شود. || در اصطلاح حقوق اساسی ، اصل مساوات برابری سکنه ٔیک کشور است از لحاظ حقوق و تکالیف بدون توجه به جنس ( زن و مرد ) و صغر و کبر و نژاد و مذهب و زبان و عقاید و تابعیت. ( فرهنگ حقوقی ).

- مساوات در اشتغال به مشاغل دولتی ؛ در اصطلاح حقوق اساسی ، تمام افراد واجد شرایطقانونی حق اشتغال به مشاغل دولتی را دارند و اختصاص مشاغل مهم به طبقه مخصوص خلاف قانون است. ( فرهنگ حقوقی ).

- مساوات در پرداخت مالیاتها ؛ تمام افراد باید به تناسب قدرت خود مالیات بدهند. ( اصل 97 متمم قانون اساسی ). ( از فرهنگ حقوقی ).

- مساوات در مقابل دادگاهها ؛ در حقوق اساسی عبارت است از صلاحیت دادگاههای کشور در محاکمه تمام سکنه کشور، یعنی نباید برای طبقه خاص محاکم مخصوص تشکیل شود. ( از فرهنگ حقوقی ).

- مساوات در مقابل قانون ؛ عبارت است از شمول تمام قوانین کشور نسبت به تمام اتباع آن ، یعنی برای طبقه مخصوص قوانین مخصوصی که امتیازی را برای آنان بشناسد وجود نداشته باشد.( اصل هشتم متمم قانون اساسی ) ( از فرهنگ حقوقی ).

- مساوات سیاسی ؛ عبارت است از مساوات اتباع کشور در حقوق سیاسی یعنی شرکت اتباع یک کشور در حاکمیت ملی خود مانند انتخاب نمایندگان و انتخاب شدن به نمایندگی یا عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و غیره... این اصطلاح در مقابل مساوات مدنی است. ( از فرهنگ حقوقی ).

- مساوات مدنی ؛ عبارت است از تساوی در قوانین مدنی و جزائی و اداری مخصوصاً در تکالیف عمومی و تساوی در دادگاهها و این اصطلاح در مقابل مساوات سیاسی است. ( از فرهنگ حقوقی ).

مساواة. [ م ُ ] ( ع مص ) برابری کردن و برابر آمدن. ( از المصادر زوزنی ) ( از تاج المصادر بیهقی ) ( دهار ). مساوات. رجوع به مساوات شود.

##### فرهنگ معین

(مُ ) [ ع . مساواة ] (مص ل . ) برابری ، با هم برابر بودن .

##### فرهنگ عمید

۱. با هم برابر بودن.

۲. برابری.

### قاموس نور

#### برابری

با توجه به اینکه در لغت نامه های فارسی برابری به معنای مساوات هم آمده است اول برابری و بعد مساوات را بررسی کردیم

لغت نامه های فارسی در این سایت

http://qamus.inoor.ir/fa/search?query=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&langOptionsId=3&searchDepth=root

##### فرهنگ نفیسی

برابرى [ barābari ]

[اسم‏][فارسی‏]مقابلى و مساوات.و هموارى.و هم‌وزنى. (فرهنگ نفیسی , ج1 , ص560)

برابرى كردن [فعل لازم‏]

ستيزه كردن و مقابلى كردن و منازعه كردن در همسرى و مساوات (فرهنگ نفیسی , ج1 , ص560)

دعواى برابرى كردن

ادعاى همسرى نمودن (فرهنگ نفیسی , ج2 , ص1514)

##### لغت نامه دهخدا

برابرى [بَ‌ بَ‌]

(حامص مر) تعادل. تساوى. ¦¦مقابله. تقابل. ¦¦مقاومت. (لغت نامه دهخدا , ج1 , ص381)

برابرى كردن

(مص مر) مساوات و همسرى و يكسانى نمودن با كسى. ¦¦ستيزه كردن. منازعه كردن. (لغت نامه دهخدا , ج1 , ص381)

دعوى برابرى كردن

ادعاى هم‌سانى كردن. (لغت نامه دهخدا , ج1 , ص1316)

### قاموس نور

#### المساواه

مساواه در این سایت

http://qamus.inoor.ir/fa/search?query=%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%8F%D8%B3%D9%8E%D8%A7%D9%88%D9%8E%D8%A7%D8%A9&langOptionsId=4&searchDepth=root

##### فرهنگ ابجدی

المُسَاوَاةُ

چگونگى دو چيز متساوى با هم معادل استفاده از حقوق يكسان براى همه در يك كشور. (فرهنگ ابجدی , ج1 , ص815)

هَذَا لاَ يُسَاوِي درهما

اين چيز ارزش يك درهم را ندارد (فرهنگ ابجدی , ج1 , ص472)

ساوَى الرجُلُ قِرنَهُ

آن مرد با رقيب خود برابر شد از نظر ارزش و قدر با وى يكسان شد در دانش و دليرى به او رسيد. (فرهنگ ابجدی , ج1 , ص472)

ساوَى بَينها

ميان آنرا تعديل كرد (فرهنگ ابجدی , ج1 , ص472)

سَاوَاهُ بهِ

آن را معادل و برابر ديگرى ساخت (فرهنگ ابجدی , ج1 , ص472)

##### ترجمه مفردات الفاظ قرآن

حَتّى إِذا ساوى بَيْنَ اَلصَّدَفَيْنِ قالَ اُنْفُخُوا

اَلْمُسَاوَاة: برابرى با در نظر گرفتن ذرع و وزن و پيمايش، و در هر سه مورد زير به كار مى‌رود. 1 - به اعتبار اندازه گرفتن، وزن كردن و پيمانه و حجم(طول و وزن و حجم) مى‌گويند: هذا ثوب مُسَاوٍ لذاك الثّوب: اين پارچه با آن پارچه مساوى و برابر است. و هذا الدّرهم مساو لذلك الدّرهم: اين پول برابر آن پول است. مساواة: در چيزهاى با ارزشى كه معمول و متعارف است، و اصلش از - سَاوَاهُ‌ فى القدر يعنى در مقدار و اندازه مساويند، گرفته شده. 2 - واژه - مساواة - در معنى برابرى به اعتبار كيفيّت، مثل: هذا السّواد مساو لذلك السّواد: اين سياهى برابر آن سياهى است هرچند كه تحقيق در معنى سياهى به اعتبار مكان و موقعيّت آن سياهى بازمى‌گردد، بدون توجّه به ذات آن. 3 - و گاهى به اعتبار گونه‌اى برابر است كه در آنجا، واژه - عدل - به كار مى‌رود. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص290)

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. يعنى عدالت در داورى و حكم. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

قُلْ يا أَهْلَ اَلْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. [يعنى: هر دو امر مساوى است و سودى ندارد. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. [يعنى: هر دو امر مساوى است و سودى ندارد. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

سَواءٌ عَلَيْنا أَ جَزِعْنا أَمْ صَبَرْنا

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. يعنى: هر دو امر جزع كردن يا پايدارى مساوى است و سودى بحال ما ندارد. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. [يعنى: هر دو امر مساوى است و سودى ندارد. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

سَواء اَلْعاكِفُ فِيهِ وَ اَلْبادِ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ اَلسَّبِيلِ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

فَرَآهُ فِي سَواءِ اَلْجَحِيمِ

مكان سُوَى و سَوَاء: جاى وسط‍‌ و ميانه، كه: سواء، سوى و سوى - نيز گفته مى‌شود يعنى جايى كه دو طرفش برابر باشد و اين‌چنين معنى بصورت صفت و ظرف مكان، هر دو به كار مى‌رود و اصل آن مصدر است. (ترجمه مفردات الفاظ قرآن , ج2 , ص294)

##### قاموس قرآن

سوى: مساوات بمعنى برابرى است در كيل يا وزن و غيره گوئيم: اين لباس با آن مساوى است. (قاموس قرآن , ج3 , ص357)

وَ إِمّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَة فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلى سَواءٍ إِنَّ اَللّهَ لا يُحِبُّ اَلْخائِنِينَ

سواء در آيه شايد مصدر باشد يعنى اگر از خيانت قومى كه با آنها پيمان بسته‌اى ترسيدى پيمان آنها را با برابرى بسويشان بيانداز و نقض كن (و اعلام كن تا تو و آنها در علم بنقض پيمان با هم باشيد) و شايد بمعنى عدل باشد يعنى با عدالت پيمان را بشكن و بخودشان رد كن. سواء: در اصل مصدر است بمعنى برابرى و بمعنى مساوى و وسط‍‌ (وصف و ظرف) بكار ميرود (راغب). (قاموس قرآن , ج3 , ص360)

سواء: در اصل مصدر است بمعنى برابرى و بمعنى مساوى و وسط‍‌ (وصف و ظرف) بكار ميرود (راغب). سواء بمعنى مساوى است. (قاموس قرآن , ج3 , ص360)

فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلى سَواءٍ

ايضا در آيۀ «فَقُلْ‌ آذَنْتُكُمْ‌ عَلى‌ سَواءٍ» انبياء: 109. بمعنى برابرى يا عدل است. سواء: در اصل مصدر است بمعنى برابرى و بمعنى مساوى و وسط‍‌ (وصف و ظرف) بكار ميرود (راغب). (قاموس قرآن , ج3 , ص360)

سواء: در اصل مصدر است بمعنى برابرى و بمعنى مساوى و وسط‍‌ (وصف و ظرف) بكار ميرود (راغب). سواء بمعنى وسط‍‌ است بهتر است بگوئيم سواء بمعنى مستوى و اضافۀ صفت بموصوف است يعنى از راه راست گم شده. (قاموس قرآن , ج3 , ص360)

### نرم افزار قاموس نور

ریشه سوی

**كتاب العين ؛ ج‏7 ؛ ص325**

سوي‏:

سَوَّيْتُ‏ الشي‏ءَ فَاسْتَوَى‏. و قوله في البيع: لا يَسْوَى‏ و لا يُسَاوِي‏، أي: لا يكون هذا مع هذا سِيَّيْنِ‏ من‏ السَّوَاءِ.

أي: على اختلاف أخلاقهم، أي: هم كبيت فيه الأَدَم فمنه الجيد و الوسط و الردي‏ء. و السَّوَاءُ، ممدود: وسط كل شي‏ء. و سِوَى‏، مقصور، إذا كان في موضع (غير) ففيها لغتان بكسر السين، مقصور، و بفتحها ممدود. و يقال: هما على‏ سَوِيَّةٍ من الأَمْرِ، أي: على‏ سَوَاءٍ و تَسْوِيَةٍ و اسْتِوَاءٍ.[[1]](#footnote-1)

[[2]](#footnote-2) ( 398) سورة الكهف 96.

[[3]](#footnote-3) ( 399) اللسان( سوا) غير منسوب أيضا.

**المحيط في اللغة ؛ ج‏8 ؛ ص413**

و سَوَّيْتُ‏ الشَّيْ‏ءَ تَسْوِيَةً.

و قَوْلُهم في البَيْعِ: لا يَسْوى‏ و لا يُسَاوي‏: أي لا يكونُ هذا مَعَ هذا سِيَّيْنِ، من السَّوَاء[[4]](#footnote-4). و المُسَاوَاةُ: مِثْلُه، و كذلك‏ التَّسْوِيَةُ و السَّوِيَّةُ.

و السَّوَاء: الذي سَوّى‏ اللّهُ خَلْقَه، و هو السَّوِيُ‏.[[5]](#footnote-5)

[[6]](#footnote-6) ( 5) هكذا ضُبطت الكلمة في الأصول، و نصَّ في تركيب( لوى) في القاموس على‏ كسر السين.

[[7]](#footnote-7) ( 6) سقطت كلمة( و اللياء) من ك.

[[8]](#footnote-8) ( 7) في ك: و سواسية( كسابقتها).

[[9]](#footnote-9) ( 8) تقدم من المؤلف ذكر المثل في تركيب سنن.

**معجم مقاييس اللغه ؛ ج‏3 ؛ ص112**

سوى‏

السين و الواو و الياء أصلٌ يدلُّ على استقامةٍ و اعتدالٍ بين شيئين. يقال هذا لا يساوى‏ كذا، أى لا يعادله. و فلانٌ و فلانٌ على‏ سَوِيّةٍ من هذا الأمر، أى‏ سواءٍ. و مكان‏ سُوًى‏، أى مَعْلَمٌ قد عَلِم القومُ الدّخولَ فيه و الخروج منه. و يقال‏ أسْوَى‏ الرّجلُ، إذا كان خَلَفُه و ولدُه‏ سَويًّا.

و حدثنا على بن إبراهيم القَطّان، عن على بن عبد العزيز، عن أبى عُبيد، عن الكسائىّ قال: يقال كيف أمسيتم؟ فيقال: مستَوُون‏ صالحون. يريدون أولادُنا و ماشيتُنا سَوِيّةٌ صالحة.

و من الباب‏ السِّىُ‏: الفضاء من الأرض، فى قول القائل‏[[10]](#footnote-10):

|  |
| --- |
| كأنَّ نَعَامَ‏ السِّىِ‏ باضَ عليهمُ‏[[11]](#footnote-11) |

و السِّىّ‏: المِثْل. و قولهم‏ سِيّانِ‏، أى مِثلان.

و من ذلك قولهم: لا سيّما، أى لا مثلَ ما. هُو من السِّين و الواو و الياء، كما يقال و لا سَواء. و الدّليل على أن‏ السّىَ‏ المِثل قولُ الحطيئة:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فإيّاكم و حَيَّةَ بطنِ وادٍ |  | هَمُوزَ النّابِ لكم بسِىِ‏[[12]](#footnote-12) |
|  |  |  |

و من الباب‏ السَّواء: وسَط الدَّارِ و غيرِها، و سمِّى بذلك لاستوائه. قال اللَّه جل ثناؤه: فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي‏ سَواءِ الْجَحِيمِ‏.[[13]](#footnote-13)

**مفردات ألفاظ القرآن ؛ ص439**

الْمُسَاوَاةُ: المعادلة المعتبرة بالذّرع و الوزن، و الكيل، يقال: هذا ثوب‏ مُسَاوٍ لذاك الثّوب، و هذا الدّرهم مساو لذلك الدّرهم، و قد يعتبر بالكيفيّة، نحو: هذا السّواد مساو لذلك السّواد، و إن كان تحقيقه راجعا إلى اعتبار مكانه دون ذاته، و لاعتبار المعادلة التي فيه استعمل استعمال العدل، قال الشاعر:

256-

|  |
| --- |
| أبينا فلا نعطي‏ السَّوَاءَ عدوّنا[[14]](#footnote-14) |

و اسْتَوَى‏ يقال على وجهين:

أحدهما: يسند إليه فاعلان فصاعدا، نحو:

اسْتَوَى‏ زيد و عمرو في كذا، أي: تَسَاوَيَا، و قال:

لا يَسْتَوُونَ‏ عِنْدَ اللَّهِ‏ [التوبة/ 19].

و الثاني: أن يقال لاعتدال الشي‏ء في ذاته، نحو: ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوى‏ [النجم/ 6]، و قال:

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ‏ أَنْتَ‏ [المؤمنون/ 28]، لِتَسْتَوُوا عَلى‏ ظُهُورِهِ‏ [الزخرف/ 13]، فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِهِ‏ [الفتح/ 29]، و استوى فلان على عمالته، و استوى أمر فلان، و متى عدّي بعلى اقتضى معنى الاستيلاء، كقوله:

الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ‏ اسْتَوى‏ [طه/ 5]، و قيل: معناه استوى له ما في السموات و ما في الأرض، أي: استقام الكلّ على مراده‏ بِتَسْوِيَةِ اللّه تعالى إيّاه، كقوله: ثُمَ‏ اسْتَوى‏ إِلَى السَّماءِ فَسَوَّاهُنَ‏ [البقرة/ 29]، و قيل: معناه استوى كلّ شي‏ء في النّسبة إليه، فلا شي‏ء أقرب إليه من شي‏ء، إذ كان تعالى ليس كالأجسام الحالة في مكان دون مكان، و إذا عدّي بإلى اقتضى معنى الانتهاء إليه، إمّا بالذّات، أو بالتّدبير،[[15]](#footnote-15)

**مفردات الفاظ قرآن ؛ ج‏2 ؛ ص290**

: الْمُسَاوَاة: برابرى با در نظر گرفتن ذرع و وزن و پيمايش، و در هر سه مورد زير بكار مى‏رود.

1- به اعتبار اندازه گرفتن، وزن كردن و پيمانه و حجم (طول و وزن و حجم) مى‏گويند: هذا ثوب‏ مُسَاوٍ لذاك الثّوب: اين پارچه با آن پارچه مساوى و برابر است.

و هذا الدّرهم مساو لذلك الدّرهم: اين پول برابر آن پول است.

2- واژه- مساواة- در معنى برابرى به اعتبار كيفيّت، مثل: هذا السّواد مساو لذلك السّواد: اين سياهى برابر آن سياهى است هر چند كه تحقيق در معنى سياهى به اعتبار مكان و موقعيّت آن سياهى باز مى‏گردد، بدون توجّه به ذات آن.

3- و گاهى به اعتبار گونه‏اى برابر است كه در آنجا، واژه- عدل- بكار مى‏رود.

شاعر گويد:

|  |
| --- |
| ابينا فلا نعطى السّواء عدوّنا |

يعنى: (ما دشمنان همسان خويش را بطور عادلانه نمى‏بخشيم و از آن كار خوددارى كرده‏ايم). اسْتَوَى‏ دو وجه دارد:[[16]](#footnote-16)

**أساس البلاغة ؛ ص315**

سوي-

استوى‏ الشيئان و تساوَيا، و ساوى‏ أحدهما صاحبه، و فلان‏ يساويك‏ في العلم. و ساوى‏ بين الشيئين، و سوّى‏ بينهما، و ساويتُ‏ هذا بهذا و سوّيته‏؛ قال الرّاعي:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بجُرْدٍ عَلَيهِنّ الأجلّةُ سُوّيَتْ‏ |  | بضَيفِ الشّتاء و البَنينَ الأصاغِر |
|  |  |  |

أي يصونها صيانة الضّيوف و الأطفال. و سوّيتُ‏ المعوجّ‏ فاستوى‏ و هو سَوِيّ‏. و رزقك اللّه تعالى ولداً سويّاً: لا داء به و لا عيب.

و هما على‏ سوية من الأمر و سواء. و فيه النَّصَفة و السَّويَّة.

و هما سَواء، و هم سَواسِية في الشرّ، و أنتما سِيّان‏. و ما هو بسِيّ لك. و فعل القوم كذا و لا سيما زيد. و مكان‏ سِوًى‏:

وسطٌ بين الحدّين. و جاؤوا سِوى‏ فلان و سَواءه‏ (فَرَآهُ فِي‏ سَواءِ الْجَحِيمِ): في وسطها، و ضرب‏ سَواءه‏: وسطه.

و ضربه على‏ مُستَوَى‏ مَفرِقه؛ قال بعض بني أزنم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نَحنُ مِن خَيرِ مَعَدٍّ حَسَباً |  | و لَنا قِدْماً على النّاسِ المَهَلْ‏ |
| إذْ ضَرَبْنا الصِّمّةَ الخَيرَ على‏ |  | مُستَوَى‏ مَفْرِقهِ حتى انجَدَلْ‏ |
|  |  |  |

و رجل‏ سَواء القَدَم: مستويها ليس لها أخْمَصٌ. و أسْوَى‏ برزخاً من القرآن: أسقطه و سها عنه.

و من المجاز: إذا صَليّتُ الفجر استوَيتُ‏ إليك‏: قصدتك قصداً لا ألوي على شي‏ء. (ثُمَ‏ اسْتَوى‏ إِلَى السَّماءِ)\*. و استوَى‏ على الدابة و على السّرير و الفراش‏. و انتهَى شبابه و استوَى‏.[[17]](#footnote-17)

**المغرب ؛ ج‏1 ؛ ص423**

سوي:

(سَوَّى‏) المعْوجَ‏[[18]](#footnote-18) (فاستوى‏).

في الحديث‏:

«قَدِم زيدٌ بشيراً بفتح بدْرٍ حين (سَوَّينا) على رُقَيَّةَ، رضي اللّه عنها[[19]](#footnote-19)»

، يَعني دَفنّاها و سَوَّينا ترابَ القبْر عليها. و قوله:

و فيه نظَر، و إنما المشهور: «شي‏ءٌ واحد».[[20]](#footnote-20)

[[21]](#footnote-21) ( 1) من ع. و في ط:« و قوله تعالى». و الآية رقمها« 58» من الأنفال:

« وَ إِمَّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلى‏ سَواءٍ».

[[22]](#footnote-22) ( 2) ع:« يظهر» مع رفع« نبذ».

[[23]](#footnote-23) ( 3) ع،:« أو» بدل« أي»،

**المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ؛ ج‏1 ؛ ص298**

سَاوَاهُ‏: (مُسَاوَاةً) مَاثَلَهُ و عَادَلَهُ قَدْراً أَوْ قِيمَةً و مِنْهُ قَوْلُهُمْ هذَا يُسَاوِى دِرْهَماً أَىْ تُعَادِلُ قِيمَتُهُ دِرْهَماً وَ فِى لُغَةٍ قَلِيلَةٍ (سَوِىَ‏) دِرْهَماً (يَسْوَاهُ‏) مِنْ بَابِ تَعِبَ و مَنَعَهَا أَبُو زَيْدٍ فَقَالَ يُقَالُ (يُسَاوِيهِ‏) وَ لَا يُقَالُ (يَسْوَاهُ‏) قَالَ الْأَزْهَرِىُّ و قَوْلُهُمْ (لَا يَسْوَى‏) لَيْسَ عَرَبِيّاً صَحِيحاً. و (اسْتَوَى‏) الطَّعَامُ أَىْ نَضَجَ و (اسْتَوَى‏) الْقَوْمُ فِى الْمَالِ إذَا لَمْ يَفْضُلْ مِنْهُمْ أَحَدٌ عَلَى غَيْرِهِ و (تَسَاوَوْا) فِيهِ وَ هُمْ فِيهِ (سَوَاءٌ) و (اسْتَوَى‏) جَالِساً و (اسْتَوَى‏) عَلَى الْفَرَسِ اسْتَقَرّ و (اسْتَوَى‏) الْمَكَانُ اعْتَدَلَ و (سَوَّيْتُهُ‏) عَدَّلْتُهُ و (اسْتَوَى‏) إلَى الْعِرَاقِ قَصَدَ و (اسْتَوَى‏) عَلَى سَرِيرِ الْمُلْكِ كِنَايَةٌ عَنِ التَّمَلُّكِ و إِنْ لَمْ يَجْلِسْ عَلَيْهِ كَمَا قِيلَ مَبْسُوطُ الْيَدِ و مَقْبُوضُ الْيَدِ كِنَايَةٌ عَنِ الْجُودِ و الْبُخْلِ و قَصَدْتُ الْقَوْمَ سِوَى زَيْدٍ أَىْ غَيْرَهُ.[[24]](#footnote-24)

### المعانی

مساواه در لغت نامه های عربی در این سایت . در این سایت اطلاعات بسیار زیادی آمده است ما فقط صفحه اول را آوردیم ده ها صفحه اطلاعات در باره مساواه وجود دارد در صورت نیاز مراجعه شود

https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%A9/

#### تعريف و معنى المساواة في معجم المعاني الجامع - معجم عربي عربي

‏المساواة بين الخصوم‏: (مصطلحات)

‏العدل بينهم‏. (فقهية)

المساواة الأفقية: (مصطلحات)

المساواة على فرض الضريبة على مَن لهم ذات القدرة على الدفع. (مالية)

المساواة الرأسية: (مصطلحات)

فرض الضرائب حسب القدرة المالية للمكلفين. (مالية)

المساواة: (مصطلحات)

العدول والمماثلة. (فقهية)

مُساواة: (اسم)

مُساواة : مصدر ساوَى

مساواة: (اسم)

مصدر ساوى

مذهب المساواة: (القانون) مذهب يهدف إلى المساواة المدنيّة والسِّياسيّة والاجتماعيّة بين النَّاس

على قدم المساواة: بالتَّساوي، دون تفضيل أحدٍ على غيره

‏المساواة بين الخصوم‏: (مصطلحات فقهية)

‏العدل بينهم‏.

الْمُسَاوَاةُ في العَمَلِ:

التَّسَاوِي، التَّعَادُلُ. إِرَادَةُ الشَّعْبِ هِيَ أَنْ تَعُمَّ الْمُسَاوَاةُ بَيْنَ جَمِيعِ الأَفْرَادِ، مُسَاوَاةً فِي الحُقُوقِ وَالوَاجِبَاتِ.

المساواة الأفقية:

المساواة على فرض الضريبة على مَن لهم ذات القدرة على الدفع.

المساواة الرأسية:

فرض الضرائب حسب القدرة المالية للمكلفين.

سَوَّى: (فعل)

سوَّى يسوِّي ، سَوِّ ، تسويةً ، فهو مُسَوٍّ ، والمفعول مُسَوًّى - للمتعدِّي

سَوَّاهُ: قوّمه وعدّله، جعله سوِيًّا لا عِوَج فيه

ساوَى: (فعل)

ساوى يساوِي ، مُساواةً ، فهو مُساوٍ ، والمفعول مُساوًى - للمتعدِّي

ساوى بينهما :سوّى؛ جعلهما متعادلَيْن ومتماثلين ،

ساوَى صاحِبَهُ : ماثَلَهُ، عادَلَهُ

سَاواهُ بِهِ : رَفَعَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مَبْلَغَهُ

سَاوَى بَيْنَ النَّاسِ: عادَلَ بَيْنَهُمْ، أَصْلَحَ

هذا لا يساوي درهمًا: لا يعادله، غير ذي قيمة،

سَاوَى عَمَلَهُ : ضَبَطَهُ، رَتَّبَهُ

يُساوي وزنه ذهبًا: قَيِّم، نافع جدًّا

سَويَ: (فعل)

سوِيَ يَسْوَى ، اسْوَ ، سِوًى ، فهو سَوِيّ ، والمفعول مَسْوِيّ

سَوِيَ الرَّجُلُ : استقام أمْرُه، استوى؛ اعتدل

سوِي ثمنُه كذا: اسْتَحقّ أن يكون ثمنُه كذا هذا يَسْوَى دينارًا،

هو لا يَسْوَى شيئًا: لا يعادل شيئًا، كأنّه مُعْدَم

سَويّ: (اسم)

الجمع : أَسْوِياءُ ، سَوايا

السَّوِيُّ : المستوِي

السَّوِيُّ :المعتدلُ لا إفراط فيه ولا تفريط

السَّوِيُّ :العاديُّ لا شذوذَ فيه

السَّوِيُّ: الوسط

السَّوِيُّ: مُعتدِل، مستقيم، صحيح، لا عيب فيه خالٍ من الأضرار

غير سَوِيّ: (طب) ذو تركيب خَلْقِيّ غير طبيعيّ عُضْو غير سوِيّ

وَجَدَ الطَّريقَ سَوِيّاً : مُعَبَّداً مُسْتَوِياً

نَهَجَ طَريقاً سَوِيّاً: طَريقاً مُسْتَقيماً مريم آية 43 فاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِراطاً سَوِيّاً (قرآن)

وَلَدٌ سَوِيٌّ : لاَ عَيْبَ فيهِ، تامُّ الخِلْقَةِ

هُما على سَوِيَّةٍ في هَذا الأَمْرِ : أَيْ مُسْتَوِيانِ

تَساوَى: (فعل)

تساوى بـ / تساوى في يتساوَى ، تَساوَ ، تساويًا ، فهو مُتساوٍ ، والمفعول مُتساوًى به

تساوى بالأسيادِ: جعل نفسَه مساويًا لغيره، ضاهى غيرَه في الجدارة والمنزلة

تساوى الرَّجُلان في العلمِ والفضلِ: تعادَلا وتماثَلا

يتساوى الرِّبح مع الخسارة: لا رابح ولا خاسر

اِستَوَى: (فعل)

استوى / استوى على يستوي ، استَوِ ، استواءً ، فهو مُسْتَوٍ ، والمفعول مُسْتَوًى عليه

اِسْتَوَى الطَّعامُ، أَوِ التَّمْرُ، أَوِ الفاكِهَةُ : نَضِجَ

اِسْتَوَتِ الأَرْضُ : صارَتْ مُنْبَسِطَةً

اِسْتَوَتْ بِهِ الأرْضُ : هلَكَ فِيها

اِسْتَوى عَلَيْهِ : اِسْتَوْلى، مَلَكَ

اسْتَوَى : استقامَ واعتدَلَ

اسْتَوَى الشيئان: تساويا

اسْتَوَى فلانٌ: تَمَّ شبابُه

اسْتَوَت الأرضُ: صارت جَدْبًا

اسْتَوَت به الأرضُ: هلك فيها

اسْتَوَى على كذا، أو فوقه: علا وصَعد

اسْتَوَى :استقرَّ وثبت

اسْتَوَى إِليه: قَصَدَ وتوجَّه لا يَلوِي على شيء

أَسْوَى: (فعل)

أسوى يُسْوي ، أَسْوِ ، إسواءً ، فهو مُسْوٍ ، والمفعول مُسْوًى - للمتعدِّي

أَسْوَى : استقام واعتدلَ

أَسْوَى فلانٌ: استقام أمرُه

أَسْوَى: عُوفِيَ بعد علَّةٍ

أَسْوَى: نَسِيَ

أَسْوَى: أساءَ

أَسْوَى في الحساب وغيره: غلِطَ وأخطَأ

أَسْوَى: خَزِيَ

أَسْوَى: أَحْدَثَ

أَسْوَى :بَرِصَ

أَسْوَى الشيءَ: جعلَه سَوِيًّا

أَسْوَى الشيءَ بالشيء: سوَّاهُ به وجعله يماثلُه ويعادله

أَسْوَى الشيءَ: ترَكه وأغفَلَه

تَسَوَّى: (فعل)

تسوَّى يتسوَّى ، تَسوَّ ، تسوّيًا ، فهو مُتَسوٍّ

تسوَّى الشَّيءُ مُطاوع سوَّى: صار سويًّا

تَسَوَّتِ الأَرْضُ : تَسَطَّحَتْ، سَوِيَتْ

تَسَوَّتْ بِهِ الأَرْضُ : مَاتَ فِيهَا، هَلَكَ

تَسَوَّى : مطاوع سوّاه

مُستَوَى: (اسم)

الجمع : مُستَوَيات

اسم مفعول من استوى/ استوى على

المُسْتَوى : الدرجةُ والمكانةُ التي استوى عليها الشيء

معيار الحكم، نسبيَّة المقارنة، درجة

مستوى عقليّ أو فكريّ أو علميّ: درجة المعارف أو التَّطوُّر العقليّ عند الفرد بالنِّسبة إلى معدّل يقدِّر اختبارات نفسيَّة تِقنيَّة،

سطح أو خطّ أفقي تُقاس عليه الأشياء بالنِّسبة لمقدار ارتفاعها

نطاق أو رتبة

رتبة اجتماعيَّة، أو أدبيَّة أو علميَّة أو ماديّة

كَانَ فِي مُسْتَوَى الْمَسْؤُولِيًّةِ : فِي قِمَّةِ أَيْ أَهْلٌ لَهَا

عَلَى الْمُسْتَوَى الوَطَنِيِّ : عَلَى النِّطَاقِ، عَلَى الصَّعِيدِ عَلَى الْمُسْتَوَى الإِقْلِيمِيِّ

مستوى الحياة: مستوى المعيشة، طريقة حياة مَنْ عنده دخل متوسِّط في بلدٍ ما

مُسْتَوَى الْمَاءِ : سَطْحُ الْمَاءِ، مَنْسُوبُهُ

تَسوية: (اسم)

الجمع : تسويات

مصدر سوَّى

حلّ، اتّفاق وَسَط ، سَعَى إِلى تَسْوِيَةِ الخِلاَفِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَرِيكِهِ : إِيجَادُ حَلٍّ، اِتِّفَاقٌ لِإِنْهَاءِ الخِلاَفِ

بالتَّسوية: بالتَّراضي،

تحت التَّسوية: مُعلَّق غير مبتوت أو مفصول فيه،

تسوية حساب: انتقام،

تَسوية: طابق اسفل العمارة بمسوتى الارض ، طابق التسوية

#### تعريف و معنى المساواة في قاموس الكل. قاموس عربي عربي

المساواة

ينظر الإسلام الى البشرية على أنها شعب واحد ، على أساس ان جميع الناس خلقوا من اصل واحد ، متساوون أمام القانون و متساوون في الحقوق و الواجبات .

المعجم: عربي عامة

مُسَاوَاةٌ

[س و ي]. (مصدر سَاوَى).

1. :-الْمُسَاوَاةُ في العَمَلِ :- : التَّسَاوِي، التَّعَادُلُ. :-إِرَادَةُ الشَّعْبِ هِيَ أَنْ تَعُمَّ الْمُسَاوَاةُ بَيْنَ جَمِيعِ الأَفْرَادِ، مُسَاوَاةً فِي الحُقُوقِ وَالوَاجِبَاتِ.

2. :-يُعَامِلُ النَّاسَ عَلَى قَدَمِ الْمُسَاوَاةِ :- : أَيْ بِصُورَةٍ عَادِلَةٍ، مُتَسَاوِيَةٍ، مُعَامَلَةُ النِّدِّ لِلنِّدِّ. :-حُرِّرَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ حَيْثُ سُفُورُهَا وَمُسَاوَاتُهَا لِلرَّجُلِ.

المعجم: الغني

مساواة

مساواة :-

مصدر ساوى.

• مذهب المساواة: (القانون) مذهب يهدف إلى المساواة المدنيّة والسِّياسيّة والاجتماعيّة بين النَّاس :-المساواة الاجتماعيَّة، - المساواة لا تلِد حَرْبًا:-

• المساواة أساس الإنصاف: عنُصرُه الأساسيّ، - على قدم المساواة: بالتَّساوي، دون تفضيل أحدٍ على غيره.

المعجم: اللغة العربية المعاصر

مساواة

مساواة

1- مصدر ساوى. 2- في اللغة : أن يكون اللفظ المعبر عن المعنى المراد مساويا له لا ينقص ولا يزيد. والمساواة هي الأصل.

المعجم: الرائد

استوى

استوى / استوى على يستوي ، استَوِ ، استواءً ، فهو مُسْتَوٍ ، والمفعول مُسْتَوًى عليه :-

• استوى فلانٌ

1 - اعتدلَ، استقامَ :-أجبره على أن يستوي.

2 - تمّ شبابُه :- {وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا} .

• استوى الطَّعامُ ونحوُه: نضِج :-استوى العِنَبُ:-

• استوت الثَّمرةُ: أينعت، - استوى على سُوقه: نضج واستحصد أي آن وقت حصاده.

• استوى الشَّيئان: تساويا ولم يَفضُل أحدُهما الآخرَ :-استوى هذا مع ذاك، - {قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الأَعْمَ...

المزيد

المعجم: اللغة العربية المعاصر

سَواءُ

ـ سَواءُ: العَدْلُ، والوَسَطُ، والغَيْرُ، كالسِوَى والسُوَى في الكُلِّ، والمُسْتَوِي،

ـ سَواءُ من الجَبَلِ: ذِرْوَتُهُ،

ـ سَواءُ من النهارِ: مُتَّسَعُهُ، وموضع، وحِصْنٌ في جَبَلِ صَبْرٍ، وابنُ الحَارِثِ، وابنُ خالِدٍ الصَّحابِيَّانِ، والمِثْلُ، ج: أسْواءٌ وسَوَاسِيَةٌ وسَوَاسٍ وسَواسِوَةٌ.

ـ سَواءٌ تَطْلُبُ اثْنَيْنِ: سَواءٌ زَيْدٌ وعَمْرٌو، أي: ذَوَا سَواءٍ.

ـ اسْتَوَيا وتَسَاوَيا: تَمَاثَلا، وسَوَّيْتُهُ به تَسْوِيَةً، وسَوَّيْتُ بينهما، وساوَيْتُ، وأسْوَيْتُهُ به.

ـ ه...

المزيد

المعجم: القاموس المحيط

أسوى

أسوى يُسْوي ، أَسْوِ ، إسواءً ، فهو مُسْوٍ ، والمفعول مُسْوًى (للمتعدِّي) :-

• أسوى الشَّخصُ

1 - استقام واعتدل.

2 - استقام أمرُه :-أسوى الشَّابّ بعد مجون وطيش.

• أسوى الشَّيءَ: سَوَّاه، قوَّمه وعدَّله.

• أسواه بالآخر: ساواه به، عادله.

المعجم: اللغة العربية المعاصر

تساوى

تساوى بـ / تساوى في يتساوَى ، تَساوَ ، تساويًا ، فهو مُتساوٍ ، والمفعول مُتساوًى به :-

• تساوى بالأسيادِ جعل نفسَه مساويًا لغيره، ضاهى غيرَه في الجدارة والمنزلة.

• تساوى الرَّجُلان في العلمِ والفضلِ: تعادَلا وتماثَلا

• يتساوى الرِّبح مع الخسارة: لا رابح ولا خاسر.

المعجم: اللغة العربية المعاصر

تسوَّى

تسوَّى يتسوَّى ، تَسوَّ ، تسوّيًا ، فهو مُتَسوٍّ :-

• تسوَّى الشَّيءُ

1 - مُطاوع سوَّى: :- {يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الأَرْضُ} [قرآن]: أصلها تَتَسَوَّى أي: تتهدَّم.

2 - صار سويًّا :-تسوّى فلانٌ:-

• تسوّت به الأرض: هلك فيها.

المعجم: اللغة العربية المعاصر

سوَّى

سوَّى يسوِّي ، سَوِّ ، تسويةً ، فهو مُسَوٍّ ، والمفعول مُسَوًّى (للمتعدِّي) :-

• سوَّى بينهما ساوى؛ جعلهما متعادلين :-سوّى بين أخوين.

• سَوَّاهُ: قوّمه وعدّله، جعله سوِيًّا لا عِوَج فيه :-سوَّى أطرافَ السِّجَّادة بقدميه، - سوّى سلوكَه، - {الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ} .

• سوَّى الطَّعامَ: أنضجهُ.

• سوَّى الأرضَ: مهَّدها، جعلها منبسطةً :-سوَّى الطَّريقَ.

• سوَّى المشكلةَ: اتّفَقَ على حلِّها :-سوّى حسابَه معه، - سوّى الخلافات بين الدَّولتين: أصلح الع...

المزيد

المعجم: اللغة العربية المعاصر

ساوى

ساوى يساوِي ، مُساواةً ، فهو مُساوٍ ، والمفعول مُساوًى (للمتعدِّي) :-

• ساوى بينهما سوّى؛ جعلهما متعادلَيْن ومتماثلين :-ساوى بين النَّاس في العبء الضَّريبيّ، - {حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ} .

• ساواه: عادله وماثله قَدْرًا أو قيمةً :-ساوى فلانٌ أخاه في العِلْم، - هذه البضاعة تساوي تلك في الجودة والثَّمن:-

• هذا لا يساوي درهمًا: لا يعادله، غير ذي قيمة، - يُساوي وزنه ذهبًا: قَيِّم، نافع جدًّا.

• ساواه بغيره: جعله يعادله ويماثله :-ساوى هذا بذاك: رفعه حتى بلغ...

المزيد

المعجم: اللغة العربية المعاصر

مُتَسَاوٍ

جمع: ـون، ـات. [س و ي]. (فاعل مِنْ تَسَاوَى).

1. :-مُتَسَاوٍ مَعَ زَمِيلِهِ :- : مُتَعَادِلٌ مُتَكَافِئٌ. :-يُولَدُ جَمِيعُ النَّاسِ أَحْرَاراً مُتَسَاوِينَ فِي الكَرَامَةِ وَالْحُقُوقِ.

2. :-الْمُرَبَّعُ مُتَسَاوِي الأَضْلاَعِ :- : أَضْلاَعُهُ لَهَا الْمَسَافَةُ نَفْسُها. :-مُثَلَّثٌ مُتَسَاوِي الزَّوَايَا :- :-مُثَلَّثَانِ مُتَسَاوِيَانِ.

المعجم: الغني

مُسَاوٍ

جمع: ـون، ـات. [س و ي]. (فاعل مِنْ سَاوَى). :-خَطٌّ مُسَاوٍ لِلْخَطِّ الآخَرِ :- : مُعَادِلٌ لَهُ.

المعجم: الغني

مُسْتَوٍ

جمع: ـون، ـات. [س و ي]. (فاعل مِن اِسْتَوَى).

1. :-طَعَامٌ مُسْتَوٍ :- : نَاضِجٌ.

2. :-طَرِيقٌ مُسْتَوٍ :- : مُسْتَقِيمٌ.

3. :-سَطْحٌ مُسْتَوٍ :- (هن) : إِذَا قَابَلْتَ فِيهِ أَيَّ نُقْطَتَيْنِ كَانَ الْمُسْتَقِيمُ الوَاصِلُ بَيْنَهُمَا مُنْطَبِقاً عَلَيْهِ.

المعجم: الغني

سوِيَ

سوِيَ يَسْوَى ، اسْوَ ، سِوًى ، فهو سَوِيّ ، والمفعول مَسْوِيّ :-

• سوِي فلانٌ

1 - استقامَ أمرُه :-سوِي حالُ المؤمن، - {فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا} .

2 - استوى؛ استقام واعتدل.

• سوِي ثمنُه كذا: اسْتَحقّ أن يكون ثمنُه كذا :-هذا يَسْوَى دينارًا، - هو لا يَسْوَى شيئًا: لا يعادل شيئًا، كأنّه مُعْدَم.

المعجم: اللغة العربية المعاصر

سَوي

سوي - يسوى ، سوى

1-إستقام أمره

المعجم: الرائد

المساواة الأفقية

المساواة على فرض الضريبة على مَن لهم ذات القدرة على الدفع ، وتعني بالانجليزية: horizontal equity

المعجم: مالية

المساواة الرأسية

فرض الضرائب حسب القدرة المالية للمكلفين ، وتعني بالانجليزية: vertical equity

المعجم: مالية

بنك التسويات الدولية

مؤسسة دولية مقرها في بازل بسويسرا تقوم بدور مصرف للبنوك المركزية في دول صناعية رئيسة. أسس في عام 1930 من قبل مجموعة من البنوك المركزية الأوروبية ، وتعني بالانجليزية: Bank for International Settlements

المعجم: مالية

تاريخ التسوية

تاريخ تسلّم منشأة لاصل (أو موجود) مالي ، وتعني بالانجليزية: settlement date

المعجم: مالية

## برابری در اصطلاحنامه ها

### قاموس نور

#### برابری

http://qamus.inoor.ir/fa/search?query=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&langOptionsId=3&searchDepth=root

برابرى [ barābari ]

← تساوى (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام , ج2 , ص87)

#### المساواه

http://qamus.inoor.ir/fa/search?query=%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%8F%D8%B3%D9%8E%D8%A7%D9%88%D9%8E%D8%A7%D8%A9&langOptionsId=2&searchDepth=root

المُسَاوَاةُ

[في الانكليزية] Equality، equivalence [في الفرنسية] Egalite، equivalence معناها عند المتكلّمين و الحكماء و المنطقيين قد عرفت قبيل هذا. و أمّا معناها عند أهل المعاني فقد ورد في لفظ الإطناب و هي واسطة بين الإيجاز و الإطناب. و قيل هي داخلة في الإيجاز. قال في الإتقان: المساواة لا تكاد توجد خصوصا في القرآن و قد مثّل لها في التلخيص بقوله وَ لاٰ يَحِيقُ اَلْمَكْرُ اَلسَّيِّئُ إِلاّٰ بِأَهْلِهِ و في الإيضاح بقوله تعالى وَ إِذٰا رَأَيْتَ اَلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيٰاتِنٰا و تعقب بأنّ الآية الثانية حذف موصوف الذين و في الأولى إطناب بلفظ السّيّئ لأنّ المكر لا يكون إلاّ سيّئا و إيجاز بالحذف إن كان الاستثناء غير مفرّغ أي بأحد و بالقصر في الاستثناء. و أمّا عند المحدّثين فهي من أنواع العلوّ بالنسبة إلى رواية أحد الكتب، و هي أن يكون بين الراوي و النبي صلى اللّه عليه و آله و سلم أو الصحابي أو من دونه إلى شيخ أحد أصحاب كتب الحديث من العدد مثل ما بين أحد أصحاب الكتب و النبي صلى اللّه عليه و آله و سلم و الصحابي أو من دونه، فإن كان ذلك الراوي أكثر عددا منه بواسطة يسمّى مصافحة كذا في الاتقان، أي المساواة أن يقلّ عدد إسنادك إلى النبي عليه السلام في المرفوع أو الصحابي في الموقوف أو التابعي فمن بعده في المقطوع، بحيث يقع بينك و بين النبي صلى اللّه عليه و سلم أو الصحابي أو من دونه من العدد مثل ما يقع بين أحد أصحاب الكتب كمسلم و بين النبي عليه السلام أو الصحابي أو من دونه مع قطع النظر عن ملاحظة رجال ذلك الإسناد الخاص، و كونهم في أعلى الرتبة. و المصافحة هي أن تقع هذه المساواة لشيخك لا لك. و بعبارة أخرى هي الاستواء مع تلميذ أحد أصحاب الكتب، يعني أنّ المصافحة هي أن يقلّ عدد إسنادك إلى النبي عليه السلام أو الصحابي أو التابعي بحيث يكون الإسناد من الراوي إلى آخره مساويا لإسناد أحد أصحاب الكتب مع تلميذه. فيعلو طريق أحد أصحاب الكتب من المساواة بدرجة واحدة، سمّيت مصافحة لأنّ العادة جرت في الغالب بالمصافحة بين من تلاقيا. و بالجملة فإن وقعت المساواة لشيخك فيكون لك مصافحة إذ كأنّك لقيت و صافحت فأخذت عن أحد أصحاب الكتب كمسلم ذلك الحديث الذي رويت، و إن وقعت المساواة لشيخ شيخك كانت المصافحة لشيخك فتقول كأنّ شيخي صافح أحد أصحاب الكتب أي مسلما مثلا، و إن كانت المساواة لشيخ شيخ شيخك فالمصافحة لشيخ شيخك فتقول كأنّ شيخ شيخي صافح مسلما. ثم قال ابن الصّلاح: لا يخفى على المتأمّل أنّ في المساواة و المصافحة الواقعتين لك من مسلم لا يلتقي إسنادك و إسناد مسلم إلاّ بعيدا عن شيخ مسلم فيلتقيان في الصحابي أو قريبا منه انتهى. فالقلّة معتبرة في المساواة بالنسبة إلى رواية أحد أصحاب الكتب و لا تعتبر بحيث ينتهي إليه. مثال المساواة أن يروي النّسائي مثلا حديثا يقع بينه و بين النبي صلى اللّه عليه و سلم أحد عشر نفسا، فيقع لنا ذلك الحديث بعينه بإسناد آخر إلى النبي صلى اللّه عليه و سلم يقع بيننا و بين النبي صلى اللّه عليه و آله و سلم أحد عشر نفسا، فنساوي نحن النّسائي من حيث العدد مع قطع النظر عن ملاحظة رجال ذلك الإسناد. فإن وقع بيننا و بين النبي صلى اللّه عليه و سلم اثنا عشر نفسا كان بيننا و بين النّسائي مصافحة. هذا كلّه خلاصة ما في شرح النخبة و شرحه و غيرهما، و على هذا القياس تقع المصافحة و المساواة في فنّ القراءة كما وقع في الاتقان. (موسوعة کشاف إصطلاحات الفنون و العلوم , ج2 , ص1527)

سواء الشيء:مثله.يقال:ساويت بينهما و سوّيت و ساويت الشيء ساويت به . عرض الجاحظ للمساواة و قال:«حقّ المعنى أن يكون الاسم له طبقا و تلك الحال لها وفقا،و يكون الاسم له لا فاضلا و لا مفضولا» .و ذكرها المبرّد فقال معلّقا على بعض الأبيات:«فهذا كلام ليس فيه فضل عن معناه» و أدخلها قدامة في نعت ائتلاف اللفظ و المعنى و قال:«المساواة و هو أن يكون اللفظ مساويا للمعنى حتى لا يزيد عليه و لا ينقص عنه،و هذه هي البلاغة التي وصف بها بعض الكتّاب رجلا فقال: «كانت ألفاظه قوالب لمعانيه»أي:هي مساوية لها لا يفضل أحدهما عن الآخر» . و ذكر الرّمّاني نوعا من الإيجاز و هو«مطابقة اللفظ للمعنى»و قال ابن رشيق عنه:«فهم يسمّونه المساواة» .و كان قدامة من قبل قد أطلق على قولهم:«أن يكون اللفظ مساويا للمعنى»اسم المساواة،و هو ما أخذه البلاغيون و أداروه في مباحثهم التي تعرّضت للإيجاز و الإطناب. و عرّف الكلاعي هذا النوع تعريفا بديعا فقال انها: «ما خيط ثوب لفظه على جسد معناه» .و قال العسكري:«هو أن تكون المعاني بقدر الألفاظ و الألفاظ بقدر المعاني لا يزيد بعضها على بعض، و هو المذهب المتوسّط بين الإيجاز و الإطناب» . و نقل الباقلاّني تعريف قدامة و قال عن المساواة: «و ذلك يعدّ من البلاغة» ،و نقله ابن سنان و التبّريزي و البغدادي و ابن الزملكاني و المصري و النّويري و ابن قيّم الجوزيّة و الحموي ،و قد أغرب الأخير حينما عدّ المساواة في قسمي الإيجاز و الإطناب و مثّل لها لاعتبارها في قسم الإطناب بقوله تعالى: إِنَّ اَللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ اَلْإِحْسٰانِ وَ إِيتٰاءِ ذِي اَلْقُرْبىٰ‌ .و قد قال المدني إنّ كلامه هذا غريب و الاستشهاد بهذه الآية أغرب . و أدخل السّكّاكي المساواة في علم المعاني، و جعلها غير محمودة و لا مذمومة لأنّه فسّرها بالمتعارف من كلام أوساط الناس،قال:«أمّا الإيجاز و الإطناب فلكونهما نسبيين لا يتيسّر الكلام فيهما إلاّ بترك التحقيق و البناء على شيء عرفي مثل جعل كلام الأوساط على مجرى متعارفهم في التأدية للمعاني فيما بينهم،و لا بدّ من الاعتراف بذلك مقيسا عليه و لنسمه متعارف الأوساط،و إنّه في باب البلاغة لا يحمد منهم و لا يذمّ‌» .و ليس الأمر كذلك لأنّ المساواة أسلوب له أغراضه و قد ردّ القزويني كلام السّكّاكي و أوضح معنى المساواة بقوله:«المراد بالمساواة أن يكون اللفظ بمقدار أصل المراد لا ناقصا عنه بحذف أو غيره و لا زائدا عليه» . و قال العلوي:«هي في مصطلح فرسان البيان عبارة عن تأدية المقصود بمقدار معناه من غير زيادة فيه و لا نقصان عنه» ،و قسّمها الى نوعين: الأوّل:أن تكون مساواة مع الاختصار،و هذا نحو أن يتحرّى البليغ في تأدية معنى كلامه أوجز ما يكون من الألفاظ القليلة الأحرف الكثيرة المعاني التي يتعسّر تحصيلها على من دونه في البلاغة، و من هذا قوله تعالى: هَلْ جَزٰاءُ اَلْإِحْسٰانِ إِلاَّ اَلْإِحْسٰانُ‌ ،و قوله تعالى: وَ هَلْ نُجٰازِي إِلاَّ اَلْكَفُورَ فهذه أحرف قليلة تحتها فوائد غزيرة و نكت كثيرة. الثاني:أن يكون المقصود المساواة من غير تحرّ و لا طلب اختصار و يسمّى«المتعارف». قال العلوي:«و الوجهان محمودان في البلاغة جميعا خلا أنّ الأوّل أدلّ على البلاغة و أقوى على تحصيل المراد» .و قال السجلماسي:«هي مساوقة القول و بالجملة اللفظ للمعنى المدلول عليه به و مطابقته» . و يتضّح من كلام البلاغيين اتّجاهان: الأوّل:أنّ المساواة واسطة بين الإيجاز و الإطناب، و الى ذلك ذهب السّكّاكي و التيفاشي و القزويني و شرّاح التلخيص. الثاني:أنّ المساواة داخلة في قسم الإيجاز،و الى ذلك ذهب ابن الأثير و الطيبي الذي سماها:«إيجاز قصر»و قال:«هو أن تقصر اللفظ على المعنى» . قال المدني:«فالقزويني و التيفاشي و الزنجاني و جميع أصحاب البديعيات على أنّها محمودة بل معدودة من البلاغة التي وصف فيها بعض الوصّاف أحد البلغاء:«كانت ألفاظه قوالب لمعانيه»،و هذا قول من أدخلها في قسم الإيجاز أيضا.و أما السّكّاكي و أتباعه فعلى الثاني لأنّهم فسّروها بالمتعارف من كلام أوساط الناس الذين ليسوا في رتبة البلاغة» . و ورد مصطلح المساواة بمعنى آخر،فقد عقد ابن منقذ بابا للمساواة و قال:«هو مساواة الآخذ منه للآخذ عنه،و الأوّل أحق به لأنّه ابتدع،و الثاني اتّبع،فالأوّل سابق و الثاني لاحق» من ذلك ما قاله البحتري في بركة: إذا علتها الصّبا أبدت لها حبكا مثل الجواشن مصقولا حواشيها أخذه الصولي فقال: إذا ما الريح هبت قلت درع و إن سكنت فمرآة صقيل و لكنّ ابن منقذ جمع المساواة مع التضييق و التوسيع في باب واحد و قال:«إنّ النقاد قالوا: أن يكون اللفظ على قدر المعنى و لا يكون أطول منه و لا أقصر،و لذلك قالوا:«خير الكلام ما كانت ألفاظه قوالب لمعانيه» . و عقد ابن الأثير الحلبي بابا لمساواة اللفظ للمعنى و ائتلافه و قسّمه الى عدّة أقسام،و كانت مساواة الألفاظ للمعاني من غير زيادة و لا نقص أحد تلك الأقسام . (معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها , ج1 , ص616)

اتّحاد را در كم مساواة خوانند. (درّة التاج 20/3) الاتّحاد في النّوع يسمّى مماثلة، و في العرض إن كان في الكمّ‌، كاتّحاد ثوبين في الطّول يسمّى مساواتا. (مطالع الأنظار/ 64) الاتّحاد في الكمّ مساواة. (المبدأ و المعاد لصدر الدّين / 65، اصل الأصول/ 139) هو الوحدة في الكمّ‌، عددا كان أو مقدارا. (كشّاف اصطلاحات الفنون/ 717) إنّ لأقسام الواحد الغير الحقيقي أسامي مخصوصة، فالمشاركة و الاتّحاد في الجنس مجانسة، و في النّوع مماثلة، و في الكيف مشابهة، و في الكمّ مساواة. (تعليقة على الشّفاء لصدر الدّين/ 86) هي اتّحاد في الكميّة. و التّرتيب الّذي أخذ في حدّ العدد أيضا هو ممّا لا يفهم إلاّ بعد فهم العدد. (إلهيّات الشّفاء/ 106) ← الاتّحاد، المشابهة، المشاكلة، المشتركات. (شرح المصطلحات الفلسفیة , ج1 , ص366)

هي تناسب بين الأشياء. (الألفين/ 162) إنّ الوصف العرضيّ و هو المضاف إليه الوحدة إن كان كيفا سمّي مشابهة، و إن كان في الكمّ‌ سمّي مساواة. (كشف المراد/ 74) ←إنّ الوحدة في الكمّ مساواة. (شرح تجريد العقائد/ 102) - المشابهة. (شرح المصطلحات الکلامیة , ج1 , ص327)

- من الواحد ما هو غير حقيقي، و هو إمّا بحسب شركة في محمول، فما بحسب اتّحاد النوع يسمّى مشاكلة، و ما بحسب الجنس مجانسة، و ما بحسب الوضع مطابقة، و ما بحسب الكيف مشابهة، و ما بحسب الكم مساواة، و ما بحسب الإضافة يسمّى واحدا بالنسبة، كما يقال نسبة النفس إلى البدن كنسبة الملك إلى المدينة، و إمّا في الموضوع كما يقال: الحلو و الأصفر واحد، أي موضوعهما واحد (سه، ل، 126، 4) - الاتّحاد في الجنس يسمّى مجانسة، و في النوع مماثلة، و في الخاصّة مشاكلة، و في الكيف مشابهة، و في الكمّ مساواة، و في الأطراف مطابقة، و في الإضافة مناسبة، و في وضع الأجزاء موازنة (جر، ت، 6، 13) (موسوعة مصطلحات الفلسفة عند العرب , ج1 , ص795)

قسم من العلوّ بالنسبة إلى رواية أحد كتب الحديث المعتمدة، و هي من علوّ التنزيل. -: هي قلّة عدد الإسناد، بحيث يقع بين الراوي و بين المعصوم عليه السلام، أو أحد أصحابه، أو من اُخذ عن أحد أصحابه من العدد. مثل ما وقع بين الشيخ الطوسي مثلاً و بينه، و هذا النوع لا يقع في عصرنا أصلاً. وصول الأخيار، ص 146؛ نهاية الدراية، ص 211؛ مقباس الهداية، ج 1، ص 250. (معجم مصطلحات الرجال و الدراية , ج1 , ص157)

يقال في اللغة: تساوت الأمور و استوت و ساويت بينهما أي: سويت، و استوى الشيئان و تساويا: تماثلا . و يلحظ الفرق بين المساواة و المماثلة بأن المماثلة تعني: أن يسد أحد الشيئين مسد الآخر كالسوادين، في حين أن المساواة تعني: التكافؤ في المقدار، و بالتالي لا بد أن تكون المساواة في المقدارين اللذين لا يزيد أحدهما على الآخر و لا ينقص منه و ورد هذا المصطلح في القرآن الكريم في أكثر من أربعة عشر موضعا، كما أن مصطلح القسط - و هو بمعنى المساواة - ورد أيضا في أكثر من ستة عشر موضعا ، على أن الشريعة الإسلامية تقرر أن هذا المبدأ يكون في المساواة بين المتماثلين - و هو العدل - و ليس بين المختلفين - و هو الظلم . و هذا المصطلح يقرر مبدأ عظيما ضمن نظام الإسلام السياسي حيث لا فضل لعربي على أعجمي إلا بالتقوى، بل تعمق الفقهاء في هذا المبدأ حتى قرروا أن الخليفة - الحاكم الأعلى - لا يتميز عن سائر المسلمين إلا من حيث كونه منفذا للأحكام و حارسا للدين. فقد قال الماوردي (ت 450 ه‍): «و ينبغي للملك و إن كان بالملك مفضلا معظما و بالسلطان مطاعا مقدما أن يساوي بين نفسه و رعيته في الحق لهم و عليهم... و قيل اعدل في القضية، و اقسم بالسوية، و اعدد بنفسك واحدا من الرعية» ، بل تصل المساواة إلى حق المواطنة داخل الدولة الإسلامية، فالذّمي له حق المواطنة كما هي للمسلم، و عليه يسوي بينهما في الحقوق و الواجبات. (معجم المصطلحات السیاسیة في تراث الفقهاء , ج1 , ص213)

- الاسم (عليه) أي المعنى هو ظرف النسبة في المقايسة بحسب الحقيقة، (فالمفهوم) الذي هو معنى الإسم (بالنسبة إلى) مفهوم (آخر إما مساو) له، و تفسير المساواة أنّه (يصدق كل) منهما (على كل ما يصدق عليه الآخر) فالجملة مستأنفة بيانية، (أو مباين مباينة كلّية لا يتصادقان) أصلا أي لا يصدق كل منهما على شيء مما يصدق عليه الآخر كالإنسان و الفرس، (أو) مباين له مباينة (جزئية يتصادقان) في الجملة (و يتفارقان) في الجملة بأن يصدق كل منهما على شيء لا يصدق عليه الآخر (كالإنسان، و الأبيض) يتصادقان في الرومي، و يتفارقان في الزنجي، و الفرس الأبيض (و العامّ و المجاز) يتصادقان في المجاز المستغرق أفراد المعنى المجازي، و يتفارقان في المعنى الحقيقي، و المجاز الخاص (و لا واجب و لا مندوب) يتصادقان في الحرام و المكروه، و يتفارقان في العام المستعمل في المعنى الحقيقي و المندوب و الواجب (با، يسر 1، 179، 4) (موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین , ج2 , ص1406)

و هي في علوّ الإسناد من الحديث تطلق على استواء عدد الإسناد من الراوي إلى آخره مع إسناد أحد المصنّفين. و ذلك كأن يروي الراوي و هو النّسائي، مثلا، حديثا يقع بينه و بين النبي عليه السلام فيه أحد عشر نفسا، فيقع ذلك الحديث بعينه لراو آخر بإسناد آخر عن النبي عليه السلام يقع بين ذلك الراوي الآخر فيه و بين النبي أحد عشر نفسا، فيساوي النّسائيّ من حيث العدد مع قطع النظر عن ملاحظة ذلك الإسناد الخاص. و يلاحظ أن هذا في العصور المتأخرة دالّ على مطلق العدد، إذ لا يوجد في حديث بعينه، كما كان قديما في الرواية، بل في أحاديث كما وقع للحافظ العراقيّ‌ في المساواة بينه و بين حديث للنّسائيّ فيه عشرة أنفس، و لكن في ثلاثة أحاديث للعراقي. (را: الاتحاد). (معجم مصطلح الأصول , ج1 , ص290)

- المساواة هي الحالة التي تكون عند توهمك تطبيق أبعاد المتّصل أو آحاد المنفصل بعينها على بعض مارة في تزيّدها، فلا تجد أحد المطبّقين يحصل عند حدّ لم يحصل الآخر عند ذلك الحدّ. و غير المساواة أن يجاوز أحدهما أو يقصر. فالمطابقة التي لا يوجد فيها إختلاف الحدود تسمى مساواة؛ فإن اختلفت الحدود لم تكن مساواة (س، م، 142، 19) - المساواة... هي موافقة في الكميّة (س، م، 161، 11) - المساواة فإنّها إضافة في كميّة، و نسبة إلى كميّة (س، ج، 263، 6) - المساواة هي كون اللفظ مقيسا إلى لفظ آخر غير أعمّ و لا أخصّ ك‍ (الناطق) و (الضاحك)، فكل أفراد (الناطق) هم كل أفراد (الضاحك) و كل أفراد (الضاحك) هم كل أفراد (الناطق) (غ، ع، 375، 22) - المساواة هي انطباق طرفي شيء على طرفي آخر مع انطباق الشيئين ذوي ذينك الطرفين (سي، ب، 63، 17) - المساواة في الحمل فهو أن كل ما يحمل عليه المحدود يحمل عليه هذا القول، و كل ما يحمل عليه هذا القول يحمل عليه المحدود (سي، ب، 265، 15) - المساواة في المعنى فهو الاشتمال على جميع ذاتيات المحدود بحيث لا يشذ منها شيء، و كثير من الأقوال المساوية في الحمل لا يكون مساويا في المعنى بل يفوته كثير من الذاتيات كما تقول الإنسان جسم ناطق (سي، ب، 265، 16) - المساواة: اتفاق في نفس الكميّة (ط، ش، 218، 4) - «المساواة» فإنّ «الكمية» أعرف منها عند العقل الصريح، لأنّ «المساواة» من الأعراض الخاصة ب‍ «الكمية» التي يجب أن تؤخذ في حدّها «الكميّة»، فيقال «إن المساواة» هي «اتحاد في الكمية» (ت، ر 1، 70، 5) (موسوعة مصطلحات علم المنطق عند العرب , ج1 , ص875)

لغة: مصدر «ساواه» أي: ماثله. و اصطلاحا: و هي استواء عدد الإسناد من الرّاوي إلى آخره مع إسناد أحد المصنّفين. مثاله: مثال ذلك كما قال الحافظ ابن حجر: «كأن يروي النّسائي - مثلا - حديثا يقع بينه و بين النبيّ صلّى اللّه عليه و سلّم فيه أحد عشر نفسا، فيقع لنا ذلك الحديث بعينه بإسناد آخر إلى النبيّ صلّى اللّه عليه و سلّم يقع بيننا فيه و بين النبيّ صلّى اللّه عليه و سلّم أحد عشر نفسا، فنساوي النّسائيّ من حيث العدد، مع قطع النظر عن ملاحظة ذلك الإسناد الخاص». (انظر: «نزهة النظر» ص: 71). (معجم المصطلحات الحدیثیة , ج1 , ص709)

و هي تساوي عدد الإسناد من الراوي إلى آخره مع إسناد أحد المصنفين. مثاله:كأن يروي النسائي مثلا حديثا يقع بينه و بين النبي صلى اللّه عليه و سلم فيه أحد عشر نفسا،فيقع لنا ذلك الحديث بعينه بإسناد آخر بيننا و بين النبي صلى اللّه عليه و سلم فيه أحد عشر نفسا،فتساوي النسائيّ من حيث العدد. \*\*\* \*انظر: 1-«علوم الحديث»،ابن الصلاح،ص 233. 2-«الباعث الحثيث»،ابن كثير،447/2. 3-«المقنع»،ابن الملقن،423/2. 4-«التقييد و الإيضاح»،ص 259. 5-«فتح المغيث»،السخاوي،15/3. 6-«تدريب الراوي»،السيوطي،151/2. \*\*\* (معجم مصطلحات الحديث , ج1 , ص128)

من أقسام الإسناد العالي، و هو استواء عدد الإسناد من الراوي إلى آخر. و مثل له الحافظ ابن حجر بقوله: كأن يروي النسائي مثلا حديثا يقع بينه و بين النبي صلّى اللّه عليه و سلم فيه أحد عشر نفسا، فيقع لنا ذلك الحديث بعينه بإسناد آخر إلى النبي صلّى اللّه عليه و سلم يقع بيننا فيه و بين النبي صلّى اللّه عليه و سلم أحد عشر نفسا، فيساوي النسائي من حيث العدد، مع قطع النظر عن ملاحظة ذلك الإسناد الخاص . انظر مزيدا من التفصيل في: (العالي و النازل من الإسناد). \*\*\* (‏معجم مصطلحات الحديث و لطائف الأسانيد , ج1 , ص406)

هي أن يكون اللفظ مساوياً للمعنى بحيث لا يزيد عليه و لا ينقص عنه، نحو قول زهير بن أبي سلمى [من الطويل]: و مَهْما تَكُنْ عندَ امرِىءٍ منْ خليقَةٍ‌ و إنْ خالَها تَخْفَى على الناسِ تُعْلَمِ‌ (المعجم المفصل في علوم اللغة (الألسنیات) , ج2 , ص569)

قياس المساواة

هو الذي يكون متعلق محمول صغراه موضوعا فى الكبرى فان استلزامه لا بالذات بل بواسطة مقدمة أجنبية حيث تصدق بتحقق الاستلزام كما فى قولنا ا مساو لب و ب مساو لج فأ مساو لج اذ المساوى للمساوى للشيء مساو لذلك الشيء و حيث لا يصدق و لا يتحقق كما فى قولنا ا نصف لب و ب نصف لج فلا يصدق أ نصف لج لان نصف النصف ليس بنصف بل ربع. (التعریفات (جرجانی) , ج1 , ص79)

قلب المساواة

و يقال له: «قلب التسوية». من أنواع «القلب» الذي يعدّ من «قوادح العلة» و يراد به أن يكون في «الأصل» حكمان، أحدهما منتصف من «الفرع» بالاتفاق بينهما، و الآخر مختلف فيه، فإذا أراد المستدل إثبات المختلف فيه بالقياس على «الأصل» فالمعترض يقول: «تجب التسوية بين الحكمين في «الفرع» بالقياس على «الأصل» فيقول المعترض: «تجب التسوية بين الحكمين في «الفرع» بالقياس على «الأصل». و يلزم من وجوب التسوية بينهما في «الفرع» انتفاء مذهبه. مثاله: استدلال الحنفية على وقوع طلاق المكره بقولهم: «المكره مالك للطلاق مكلّف، فيقع طلاقه بالقياس على «المختار» فيقول الشافعي: «المكره مالك مكلّف فنسوي بين إقراره بالطلاق و إيقاعه إياه، قياسا على المختار و يلزم من هذا ألا يقع طلاقه ضمنا، لأنه إذا ثبتت المساواة بين إقراره و إيقاعه مع أنّ إقراره غير معتبر بالاتفاق، لزم أن يكون الإيقاع، أيضا، غير معتبر». (معجم مصطلح الأصول , ج1 , ص251)

(- قلب التسوية) (معجم مفردات أصول الفقه المقارن , ج1 , ص232)

- القلب، و هو أن يربط. خلاف قول المستدل على علّته إلحاقا بأصله، و هو إما نفي مذهبه صريحا، كقولهم المسح ركن من الوضوء فلا يكتفى فيه أقلّ ما ينطلق عليه الاسم، كالوجه. فيقول ركن منه فلا يقدّر بالرّبع كأوجه. أو ضمنا كقولهم بيع الغائب عقد معارضة فيصحّ‌ كالنّكاح، فيقول فلا يثبت فيه خيار الرؤية، و منه قلب المساواة، كقولهم المكره مالك مكلّف فيقع طلاقه كالمختار (اس، مهس 3، 127، 1) - قلب المساواة، و هو أن يكون في الأصل حكمان. أحدهما منتف عن الفرع بالاتفاق بينهما و الآخر مختلف فيه، فإذا أراد المستدلّ‌ إثبات المختلف فيه بالقياس على الأصل. فيقول المعترض تجب التسوية بين الحكمين في الفرع بالقياس على الأصل، و يلزم من وجوب التسوية بينهما في الفرع انتفاء مذهبه، مثاله استدلال الحنفية على وقوع طلاق المنكره بقولهم المنكره مالك للطلاق مكلّف فيقع طلاقه، بالقياس على المختار. فيقول الشافعي المنكره مالك مكلّف فنسوّي بين إقراره بالطلاق و إيقاعه إيّاه، قياسيّا على المختار، و يلزم من هذا أن لا يقع طلاقه ضمنا، لأنّه إذا ثبتت المساواة بين إقراره و إيقاعه، مع أنّ إقراره معتبر بالاتفاق، لزم أن يكون الإيقاع أيضا غير معتبر، الثالث أن يكون لإثبات مذهب المعترض، كاستدلال الحنفية على اشتراط الصوم في صحّة الاعتكاف، بقولهم الاعتكاف لبث مخصوص فلا يكون بمجرّده قربة كالوقوف بعرفة، فإنّما صار قربة بانضمام عبادة أخرى إليه و هو الإحرام، فيقول الشافعي لبث مخصوص فلا يشترط فيه الصوم كالوقوف بعرفة (اس، مهس 3، 130، 15) - قلب المساواة، و هو أن يكون في الأصل حكمان. أحدهما: منفي عن الفرع وفاقا، و الثاني: مختلف فيه كالمختار فإنّ فيه يعاد إقراره بالطلاق المنفي في المكروه وفاقا، و وقوع الطلاق بالإيقاع المختلف فيه في الفرع و هو المكروه. فإذا أثبت المستدلّ الحكم المختلف فيه في الفرع قياسا على الأصل، كقولهم المكره مالك للطلاق، مكلّف فيقع طلاقه كالمختار، فيقول أي فالقالب يقول المكلّف مالك للطلاق؛ فنسوّي بين إقراره بالطلاق و إيقاعه إيّاه كالمختار، و إذا سوى بينهما فإمّا أن يكون في الثبوت و هو باطل وفاقا، أو في الانتفاء و هو المطلوب (بد، بدخ 3، 127، 15) - من القلب لإبطال مذهب المستدلّ بالالتزام (قلب المساواة فيقبل في الأصحّ‌) و هو أن يكون في جهة الأصل حكمان أحدهما منتف عن جهة الفرع باتفاق الخصمين و الآخر متنازع فيه بينهما، فإذا أثبته المستدلّ في الفرع قياسا على الأصل يقول المعترض فيجب التسوية بين الحكمين في جهة الفرع كما في جهة الأصل. (مثل) قول الحنفي في الوضوء و الغسل كل منهما (طهر بمائع فلا تجب فيه النيّة كالنجاسة) أي إزالتها لا يجب فيها النيّة بخلاف التيمّم يجب فيه النيّة، (فيقال) من جانب المعترض كالشافعي (يستوي جامده و مائعه) أي الطهر (كالنجاسة) يستوي جامد طهرها و مائعه في جميع أحكامها و قد وجبت النيّة في التيمّم فتجب في الوضوء و الغسل، و قيل لا يقبل قلب المساواة لأنّ التسوية في جهة الفرع غيرها في جهة الأصل. و أجاب الأكثر بأنّ هذا الاختلاف لا يضرّ في القياس لأنّه غير مناف لأصل الاستواء في الوصف الذي جعل جامعا و هو الطهارة (نص، لب، 131، 10) (موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین , ج2 , ص1148)

اللاّمساواة و المساواة

هو أن يجاوز أحدهما (متّصل و منفصل) أو يقصر. (مجموعۀ مصنّفات شيخ إشراق 244/1) المساواة هي حالة تكون عند توهّم تطبيق أبعاد المتّصل، أو آحاد المنفصل بعضها على بعض، فلا يوجد أحد المنطبقين يحصل عند حدّ لا يحصل الآخر عنده. و اللاّمساواة هي أن يجاوز أحدهما أو يقصر. (مجموعة مصنّفات شيخ إشراق 243/1 و 244) ← المساواة. (شرح المصطلحات الفلسفیة , ج1 , ص331)

المساواة و الاشتراك و التماثل

انظر: تَفَاعَلَ‌. (المعجم المفصل في علوم اللغة (الألسنیات) , ج2 , ص859)

مساو

- أنواع القياس سبعة: قياس الأولى، و المساوي، و الأدنى، و العلّة، و العكس، و التركيب، و الدلالة. فالأول: ما قطع فيه بنفي الفارق، أو كان ثبوته فيه ضعيفا، كقياس الضرب على التأفيف في التحريم، و قياس العمياء على العوراء في المنع من التضحية. و الثاني: ما يكون ثبوت الحكم فيه في الفرع مساويا للأصل، كقياس إحراق مال اليتيم على أكله في التحريم. و الثالث: القياس الأدون، كقياس التفاح على البر في الربا. و الرابع: قياس العلّة، و هو ما صرّح فيه بها، نحو: يحرّم النبيذ كالخمر للإسكار. و الخامس: قياس العكس، و هو إثبات نقيض حكم الأصل في الفرع، باعتبار علّة تناقض علّة الأصل. و ذلك كما إذا نذر أن يعتكف صائما، فلا يصحّ‌ الاعتكاف إلا مع الصوم، و إذا نذر أن يعتكف مصلّيا صحّ اعتكافه بدونها، و عند عدم نذر الصوم ذهب الشافعي إلى صحّة الاعتكاف بدونه، و أبو حنيفة إلى عدمه، و استدلّ بقياس العكس، و هو لما وجب الصيام في الاعتكاف بالنذر؛ وجب بغير النذر، قياسا على عكسه في الصلاة، فإنها لما لم تجب في النذر لم تجب بدونه. و السادس: قياس الدلالة، و هو ما جمع فيه بلازم العلّة فأثرها فحكمها. فالأول نحو: النبيذ حرام كالخمر، بجامع الرائحة القوية، و هي لازمة للإسكار. و الثاني نحو: القتل بمثقل يوجب القياس كالقتل بمحدّد، بجامع الإثم، و هي أثر العلّة التي هي القتل العدوان. و الثالث نحو: يقطع الجماعة بالواحد، كما يقتلون به بجامع وجوب الدّية عليهم في ذلك، حيث كان غير عمد، و هو حكم للعلّة التي هي القطع منهم في الصورة الأولى، و القتل في الصورة الثانية. و السابع: القياس المركّب، و هو ما كان الحكم فيه في الأصل متّفقا عليه بين المتناظرين، و لا يخلو إما أن يكون ذلك الحكم ثابتا بعلّتين مختلفتين، كما في قياس حلي البالغة على حلي الصبية في عدم وجوب الزكاة في الأصل متّفق عليه بينهم و بين الحنفية، و العلّة فيه عند الشافعية كونه حليّا مباحا، و عند الحنفية كونه مال صبية، فهذا القياس مركّب الأصل (سو، حصل، 242، 3) (موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین , ج2 , ص1406)

مساو

- المساوي يقابله لا مساو (ش، ت، 321، 8) - المساوي الذي هو أحد خواص الواحد يقابله الكبير و الصغير (ش، ت، 1320، 12) - إن المساوي يظهر من أمره أنه متوسّط بين الكبير و الصغير و ليس واحد من الضدّين متوسّط بين طرفين (ش، ت، ت، 1328، 4) (موسوعة مصطلحات الفلسفة عند العرب , ج1 , ص795)

سواء الوجه في الدارين

هو: الفناء في اللّه بالكلية بحيث لا وجود لصاحبه ظاهرا و باطنا، دنيا و آخرة، و هو الفقر الحقيقي، و الرجوع إلى العدم الأصلي. و لهذا قالوا: «إذا تم الفقر فهو اللّه». و اللّه الهادي. (اصطلاحات الصوفیة للشیخ عبدالرزاق القاسانی , ج1 , ص36)

اَلسَّوَاءُ

بطون الحق فى الخلق فان التعينات الخلقية ستائر الحق تعالى و الحق ظاهر فى نفسها بحسبها و بطون الخلق فى الحق فان الخلقية معقولة باقية على عدميتها فى وجود الحق المشهود الظاهر بحسبها. بطون الحق فى الخلق و الخلق فى الحق . (التعریفات (جرجانی) , ج1 , ص54)

[في الانكليزية] Justice، equality، intention [في الفرنسية] Justice، egalite، intention بطون الحقّ في الخلق فإنّ التعينات الخلقية ستائر الحق تعالى و الحق ظاهر في نفسها بحسبها و بطون الخلق في الحق، فإنّ الخلقية معقولة باقية على عدميتها في وجود الحقّ المشهود الظاهر بحسبها كذا في الجرجاني. (موسوعة کشاف إصطلاحات الفنون و العلوم , ج1 , ص988)

اسم مصدر بمعنى الاستواء. للمفرد، و الجمع، و للمذكر و المؤنث. -: العدل. -: المثل، و النظير. - من النهار، و نحوه: وسطه. (ج) أسواء. (القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا , ج1 , ص188)

1 - السّواء بطون الحقّ في الخلق، و الخلق في الحقّ (ابن عربي، ص 17). 2 - السّواء بطون الحقّ في الخلق. فإنّ التّعيّنات الخلقيّة ستائر الحقّ تعالى، و الحقّ ظاهر في نفسها فحسبها. و بطون الخلق في الحقّ‌، فإنّ الخلقيّة معقولة باقية على عدميّتها في وجود الحقّ المشهود الظّاهر بحسبها (الجرجاني، ص 128). (معجم المصطلحات الصوفیة , ج1 , ص101)

«بطون الحق في الخلق». فإن التعينات الخلقية ساتر الحق، و الحق ظاهر في لبسها بحسبها. و بطون الخلق في الحق. فإن الخلقية معقولة باقية على عدميتها في وجود الحق المشهود الظاهر بحسبها، و كلا الحكمين معلوم المعارف في كشفه على السواء. (اصطلاحات الصوفیة للشیخ عبدالرزاق القاسانی , ج1 , ص265)

اسم مصدر بمعنى الاستواء. -:العدل. -:المقل،و النظير. -من النهار،و نحوه:وسطه. (معجم مصطلحات ألفاظ الفقه الإسلامي , ج1 , ص325)

سواء

تأتي بمعنى:مستو،و يوصف بها المكان بمعنى أنّه نصف بين مكانين،و الأكثر فيها هنا أن تقصر مع الكسر،نحو الآية: مَكٰاناً سُوىً (طه:58)و بمعنى الوسط فتمدّ،نحو الآية: فِي سَوٰاءِ اَلْجَحِيمِ (الصافات: 55)،و بمعنى«تامّ»فتمد أيضا،نحو:«هذا درهم سواء»،و بمعنى:«مكان»أو«غير»على خلاف في ذلك،فتمدّ مع الفتح(سواء)، و تقصر مع الضمّ(سوى)،و يجوز مدّها و قصرها مع الكسر(سوى،أو سواء)،و هي تعرب بهذا المعنى الأخير،كما تعرب«غير» (انظر:غير).و في غير هذا المعنى تعرب صفة،أما«سواء»التي تأتي بعدها همزة التسوية المتلوّة ب‍«أم»،فتعرب خبرا مقدّما، و الهمزة و الفعل بعدها في تأويل مصدر في محل رفع مبتدأ مؤخّر،نحو الآية: سَوٰاءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ (البقرة:6) (انظر إعراب هذه الآية في همزة التسوية). (موسوعة النحو و الصرف و الإعراب , ج1 , ص403)

السِّوَى

هو الغير و هو الاعيان من حيث تعيناتها. هو غير الجسد كل روح ظهر فى جسم نارى أو نورى. (التعریفات (جرجانی) , ج1 , ص54)

1 - السّوى هو الغير (ابن عربي، ص 14). 2 - السّوى هو الغير. و هو الإيمان من حيث تعيّناتها. (الجرجاني، ص 128). السّؤال: طلب الحقيقة (الهجويري، ص 631). سؤال الحضرتين: سؤال الحضرتين هو السّؤال الصّادر عن حضرة الوجوب بلسان الأسماء الإلهيّة الطّالبة في نفس الرّحمن ظهورها بصور الأعيان، و عن حضرة الإمكان بلسان الأعيان ظهورها بالأسماء. و إمداد النّفس على الاتّصال، إجابة سؤالها أبدا (الكاشي، ص 88). سواد أعظم: الفقر لأنّ الفقر سواد الوجه في الدّارين. و كلّ ما يكون في جميع الموجودات مفصّلا يكون في هذه المرتبة بطريق الإجمال كالشّجر في النّواة (التّهانوي، ج 3، ص 151). سواد الوجه في الدّارين: سواد الوجه في الدّارين هو الفناء في اللّه بالكلّيّة، بحيث لا وجود لصاحبه ظاهرا و باطنا دنيا و آخرة. و هو الفقر الحقيقيّ‌، و الرّجوع إلى العدم الأصليّ‌، و لهذا قالوا: «إذا تمّ الفقر فهو اللّه» و اللّه الهادي (الكاشي، ص 88). السّير: السّير نوعان: سير إلى اللّه، و سير في اللّه. و السّير إلى اللّه له نهاية، و أهل التّصوّف يقولون إنّ السّالك ينبغي أن يسير حتّى يعرف اللّه، فإذا عرف اللّه انتهى السّير. و يحصل في الابتداء السّير في اللّه، ثمّ يكون السّير إلى اللّه غاية و نهاية. و السّير في اللّه بلا انتهاء (التّهانوي، ج 3، ص 168). (معجم المصطلحات الصوفیة , ج1 , ص101)

سِوَى

انظر: الاستثناء ب‍ «غير» و «سوى». (المعجم المفصل في علوم اللغة (الألسنیات) , ج2 , ص818)

### اصطلاحنامه های علم اسلامی

#### گنجینه اطلاعات علوم اسلامی

در این آدرس اصطلاحنامه های تخصصی علوم اسلامی موجود است و برابر در 19 اصطلاح با مرتبطات آن در این آدرس بیان شده است

https://thesaurus.isca.ac.ir/search/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C/0/1

### نرم افزار فرهنگ اصطلاح علوم

در این نرم افزار فقط سر فصل های را آوردم که در آن مساواه آمده است در متن کتابها در باره مساواه و برابری اطلاعات خیلی زیادی است مراجعه شود

موسوعة مصطلحات الكندي و الفارابي / القسم‏الاول / 186 / واحد بالمساواة ..... ص : 186

واحد بالمساواة

موسوعة مصطلحات الكندي و الفارابي / القسم‏الثانى / 566 / مساواة ..... ص : 566

مساواة

موسوعة مصطلحات ابن سينا / المتن / 932 / قياس المساواة ..... ص : 932

قياس المساواة

موسوعة مصطلحات ابن سينا / المتن / 1072 / مساواة ..... ص : 1072

مساواة

موسوعة مصطلحات ابن سينا / المتن / 1210 / نسبة المساواة ..... ص : 1210

نسبة المساواة

موسوعة مصطلحات ابن سينا / المتن / 1291 / واحد بالمساواة ..... ص : 1291

واحد بالمساواة

موسوعة مصطلحات الامام الغزالي / النص / 705 / مساواة ..... ص : 705

مساواة

موسوعة مصطلحات صدرالدين الشيرازي / ج‏1 / 941 / مساواة ..... ص : 941

مساواة

موسوعة مصطلحات صدرالدين الشيرازي / ج‏1 / 942 / مساواة في الكم ..... ص : 942

مساواة في الكم‏

موسوعة مصطلحات ابن رشد / النص / 1233 / واحد بالمساواة ..... ص : 1233

واحد بالمساواة

المعجم الشامل للمصطلحات العلمية و الدينية / ج‏1 / 523 / المساواة: ..... ص : 523

المساواة:

المعجم الشامل للمصطلحات العلمية و الدينية / ج‏2 / 278 / المساواة: ..... ص : 278

المساواة:

المعجم الشامل للمصطلحات العلمية و الدينية / ج‏2 / 442 / قياس المساواة: ..... ص : 442

قياس المساواة:

المعجم الشامل للمصطلحات العلمية و الدينية / ج‏2 / 666 / المساواة: ..... ص : 666

المساواة:

معجم مصطلحات اصول الفقه / 302 / عموم نفي المساواة بين شيئين ..... ص : 302

عموم نفي المساواة بين شيئين‏

موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمين / ج‏2 / 1148 / قلب المساواة ..... ص : 1148

قلب المساواة

موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمين / ج‏2 / 1406 / مساواة ..... ص : 1406

مساواة

اصطلاحات فقهى / 485 / مساواة - ..... ص : 485

مساواة-

معجم المصطلحات السياسية في تراث الفقهاء / 213 / المساواة ytilauqE ..... ص : 213

المساواةEquality

شرح المصطلحات الكلامية / النص / 327 / (1163) المساواة ..... ص : 327

(1163) المساواة

الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الاسلامي / ج‏1 / 1075 / حق المساواة ..... ص : 1075

حقّ المساواة

الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الاسلامي / ج‏2 / 2611 / مساواة ..... ص : 2611

مساواة

الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الاسلامي / ج‏2 / 2615 / مساواة مثلى ..... ص : 2615

مساواة مثلى‏

المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفه / 670 / قياس مساواة...(. F)? etilag? E'd emsigollyS;(. E) ytilauqE fo msigollyS ..... ص : 670

قياس مساواة ...Syllogism of Equality (E .) ;Syllogisme d'E ?galite ?)F .(

المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفه / 783 / مذهب المساواة...(. +) sumsiratilagE;(. F) emsiratilag? E;(. E) msinairatilagE ..... ص : 783

مذهب المساواة ...Egalitarianism (E .) ;E ?galitarisme )F .( ;Egalitarismus )G .(

المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفه / 791 / مساواة...(. +) tiehcielG;(. L) satilauqeA;(. F)? etilag? E;(. E) ytilauqE ..... ص : 791

مساواة ...Equality (E .) ;E ?galite ?)F .( ;Aequalitas )L .( ;Gleicheit )G .(

معجم مصطلح الأصول / 251 / قلب المساواة ..... ص : 251

قلب المساواة

معجم مصطلح الأصول / 290 / المساواة ..... ص : 290

المساواة

معجم المصطلحات الحديثية / 709 / المساواة: ..... ص : 709

المساواة:

معجم المصطلحات البلاغيه و تطورها / 616 / المساواة: ..... ص : 616

المساواة:

الفارابى في حدوده و رسومه / 537 / المساواة: ..... ص : 537

المساواة:

موسوعة مصطلحات علم المنطق / النص / 709 / قياس المساواة ..... ص : 709

قياس المساواة

موسوعة مصطلحات علم المنطق / النص / 875 / مساواة ..... ص : 875

مساواة

موسوعة مصطلحات الامام فخرالدين الرازي / النص / 609 / قياس المساواة ..... ص : 609

قياس المساواة

موسوعة مصطلحات الامام فخرالدين الرازي / النص / 707 / مساواة ..... ص : 707

مساواة

التعريفات / 79 / (قياس المساواة) ..... ص : 79

(قياس المساواة)

المعجم الفلسفي / ج‏1-02 / 367 / المساواة ..... ص : 367

المساواة

شرح المصطلحات الفلسفية / النص / 331 / (1332) اللامساواة و المساواة ..... ص : 331

(1332) اللّامساواة و المساواة

شرح المصطلحات الفلسفية / النص / 366 / (1513) المساواة ..... ص : 366

(1513) المساواة

موسوعة مصطلحات الفلسفة / النص / 795 / مساواة ..... ص : 795

مساواة

موسوعة مصطلحات الفلسفة / النص / 984 / واحد بالمساواة ..... ص : 984

واحد بالمساواة

موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم / ج‏2 / 1527 / المساواة: ..... ص : 1527

المساواة:

موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشريف علي محمد الجرجاني / ج‏2 / 354 / قياس المساواة ..... ص : 354

قياس المساواة

موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشريف علي محمد الجرجاني / ج‏2 / 425 / مساواة ..... ص : 425

مساواة

موسوعة مصطلحات ابن خلدون و الشريف علي محمد الجرجاني / ج‏2 / 426 / مساواة و لا مساواة ..... ص : 426

مساواة و لا مساواة

## برابری در فرهنگ نامه ها ی موضوعی

### تفسیر راهنما

https://quran.isca.ac.ir/fa/Qurantopic

مساوات

{مساوات}

2 - آل عمران - 3 - 64 - قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ - 9

9 ـ همه انسان ها با يكديگر برابرند و هيچكس بر ديگرى ربوبيّت ندارد .

و لا يتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

مساوات انسان ها

3 - نساء - 4 - 1 - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ - 9

9 ـ تساوى مردم در اصل آفرينش و نبودن امتياز در خلقت آنان ، موجب مسؤوليت تمامى آنان در برابر قوانين الهى

اتّقوا ربّكم الذى خلقكم من نفس واحدة و خلق منها زوجها

جمله <خلقكم من نفس واحدة>، علاوه بر بيان اين حقيقت كه تمامى انسانها از نسلى واحدند، به اين معنا اشاره دارد كه بين آنان در خلقت هيچگونه امتياز و تبعيضى نيست و لذا همه موظف به رعايت تقوا هستند.

مساوات در قصاص

4 - مائده - 5 - 45 - وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ - 7،8

7 ـ برابرى تمامى يهوديان با يكديگر در برابر قانون قصاص بيان شده در تورات

و كتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس

<ال> در <النفس> و <العين> و . .. به معناى كل مى باشد و بيانگر اين است كه تورات همه افراد يهود را در برابر قانون قصاص يكسان دانسته است. مؤيد اين معناست نزول آيه پس از شكايت بنى قريظه در پيشگاه پيامبر(ص) مبنى بر اينكه بنى نظير افراد را در برابر قانون قصاص يكسان نمى دانند.

8 ـ گروهى از يهوديان ، رويگردان از پذيرش قانون قصاص و برابرى آن نسبت به تمامى يهوديان

و كيف يحكمونك و عندهم التورية . .. و كتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بيان اعراض يهود از حكم تورات، حاكى از آن است كه احكامى كه آنان نپذيرفتند، قانون قصاص و برابرى آن نسبت به همه افراد بوده است.

منشأ مساوات

3 - نساء - 4 - 25 - وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُح - 9

9 ـ نشأت گرفتن انسان ها از يكديگر ، نشانه همسانى منزلت انسانى آنان

بعضكم من بعض

### فرهنگ قرآن

بزرگترین فرهنگ موضوعی قرآن در 33 جلد

فرهنگ قرآن بحث برابری در عدالت آورده است البته موضوعات عدالت خیلی گسترده است بعضی از بخش های این از موضوع عدالت به مساوات و برابری مربوط است که مولف محترم باید در اطلاعات ذیل ملاحظه نماید در ضمن در تفسیر راهنما و فرهنگ موضوعی تفاسیر عنوان مساوات داشت که هردو را آوردم با مقایسه آنها می شود از فرهنگ قرآن نیز ملاحظه نمود

اطلاعات ذیل از نرم افزار جامع التفاسیر است و در این سایت نیز موجود است

https://quran.isca.ac.ir/fa/Qurantopic

**فرهنگ قرآن    ج‏20    137**

عدالت‏

عدل نقيض جور و ستم است.[[25]](#footnote-25) معناى مادّه آن‏ [عدل‏] حدّ وسط بين افراط و تفريط است به‏گونه‏اى كه در آن هيچ زياده و نقصان نباشد.[[26]](#footnote-26) عدالت، لفظى است كه‏ اقتضاى معناى برابرى دارد.[[27]](#footnote-27) در اين مدخل از واژه‏ «عدل» و مشتقّات آن و جملاتى كه مفيد اين معنا باشد، استفاده شده است.

اهمّ عناوين: آثار عدالت، اجراى عدالت، اهمّيّت عدالت و عدالت‏خواهان.

آثار عدالت‏

1. اثبات توحيد

1. حاكميّت قسط و عدل بر نظام عالم، نمايانگر توحيد و يگانگى خداوند:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.[[28]](#footnote-28) آل‏عمران (3) 18

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 138

2. امداد خدا

2. عدالت، در مقابله به مثل در جنگ، از موجبات جلب حمايت و امدادهاى الهى:

... فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. بقره (2) 194

3. فرجام نيك‏

3. رعايت عدالت در امور اقتصادى، درپى‏دارنده فرجام نيك، براى افراد و جوامع:

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

اسراء (17) 35

4. گواهى به حق‏

4. عدالت و پايبندى به آن موجب گواهى به حق و براى خدا:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.[[29]](#footnote-29) نساء (4) 135

5. محبّت خدا

5. داورى براساس عدل و داد، موجب جلب محبّت خداوند:

... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. مائده (5) 42

... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

... وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

ممتحنه (60) 8

آمران به عدالت‏

--) همين مدخل، عدالت‏خواهان‏

اجراى عدالت‏

6. لزوم اجراى عدالت در روابط خانوادگى و خويشاوندى و عاطفى:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

7. لزوم تقدّم عدالت بر احساسات:

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

8. امر خداوند به اجراى عدالت، به دست مؤمنان:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ‏ ....

نساء (4) 58

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 139

تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

9. پر كردن پيمانه‏ها و مطابق بودن كالا با وزنه ترازو (اجتناب از كم‏فروشى) از مصاديق اجراى عدالت و قسط در مبادلات:

... وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ ....

انعام (6) 152

وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 182

10. عدم جواز ازدواج متعدّد، در صورت ناتوانى از اجراى قسط و عدل، در مورد همسران خود:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

11. لزوم اجراى عدالت و قسط، درباره يتيمان:

... وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ .... نساء (4) 127

12. ربوبيّت الهى بر همگان، مقتضى اجراى عدالت، در ميان آنان:

... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ‏ ....

شورى (42) 15

13. برپايى عدالت در جامعه، هدف الهى از بعثت پيامبران:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

14. برپايى عدالت در جامعه، فلسفه تشريع ميزان (دين و قوانين عادلانه):

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...[[30]](#footnote-30) حديد (57) 25

15. مراعات عدالت، در محبّت قلبى بين همسران متعدّد خود، خارج از توان و اختيار مردان:

وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً.[[31]](#footnote-31) نساء (4) 129

16. اقامه قسط و عدل، وظيفه عموم مردم:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ .... اعراف (7) 29

وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

اعراف (7) 181

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

اسراء (17) 35

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ.

شعراء (26) 181 و 182

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 140

وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ.

الرّحمن (55) 9

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

17. مؤثّر بودن سلاح آهنين، در اهداف اجراى عدالت:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. حديد (57) 25

18. گرايش به توحيد و اجراى عدالت در خريد و فروش، مايه خسارت، در ديدگاه اشراف كفرپيشه قوم مدين:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ وَ قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْباً إِنَّكُمْ إِذاً لَخاسِرُونَ. اعراف (7) 85 و 90

19. سرباز زنندگان از اجراى عدالت، مورد تهديد خداوند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

20. اجراى عدالت، نشانه بارز عمل صالح:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ‏ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ.

مائده (5) 8 و 9

21. اطمينان به توانايى در اجراى عدالت در بين همسران، موجب جواز مشروعيّتِ برگزيدن چند همسر:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

22. عدالت‏پيشگى گروهى از انسانها و جنّيان:

وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ كَثِيراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ‏ ...

وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

اعراف (7) 179 و 181

23. جايز نبودن خروج از جادّه عدالت، در يارى رساندن به مظلومان:

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ‏ وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِكَ ما عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ. شورى (42) 40 و 41

24. رابطه نزديك عدالت و صراط مستقيم:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 141

عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

25. برپايى عدالت و قسط در جامعه، هدف الهى از فرستادن كتابهاى آسمانى:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

26. نيازمندى مردم در اقامه قسط و عدل به پيامبران الهى و تعاليم آسمانى:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. حديد (57) 25

27. برپايى عدالت و قسط، از مصاديق بارز خيرات و نيكيها:

... وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً. نساء (4) 127

... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

اسراء (17) 35

28. تهديد خداوند نسبت به اجتناب از اجراى عدالت يا كوتاهى در اجراى آن:

... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ‏ ... وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.[[32]](#footnote-32) نساء (4) 135

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ. مائده (5) 2

29. لزوم رعايت عدالت، در صورت همسرگزينى متعدّد:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

30. اجرا و تحقّق عدالت، در پرتو اطاعت از خدا و رسول صلى الله عليه و آله و اولواالامر:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ‏ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا. نساء (4) 59

31. شانه خالى كردن از اجراى عدالت، نشئت گرفته از هواى نفسانى:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

32. اجراى عدالت در جامعه، نشانه حركت در راه راست:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 142

لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

عوامل اجراى عدالت‏

1. ايمان‏

33. اجراى عدالت و گواهى به حق، مقتضاى ايمان:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ‏ .... نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ‏ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ. هود (11) 85 و 86

2. تقوا

34. تقواى الهى، عامل اجراى عدالت:

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. بقره (2) 194

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ‏ ... فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ‏ ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ‏ .... بقره (2) 282

وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً. نساء (4) 129

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ‏ ....

مائده (5) 2

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ‏ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

حجرات (49) 9 و 10

3. توجّه به علم خدا

35. اعتقاد به علم الهى، زمينه‏ساز اجراى عدالت و قسط:

... وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً. نساء (4) 127

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 143

تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

4. توجّه به كيفر خدا

36. توجّه به كيفر شديد خداوند، زمينه‏ساز اجراى عدالت و پرهيز از بى‏عدالتى:

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ. مائده (5) 2

5. توجّه به معاد

37. توجّه به معاد، پشتوانه اجراى رعايت عدالت:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَما بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ. اعراف (7) 29

6. قدرت‏

38. مؤثّر بودن سلاح آهنين (قدرت)، در اجراى اهداف عدالت‏خواهانه:

... وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ ...[[33]](#footnote-33) حديد (57) 25

موانع اجراى عدالت‏

1. دشمنى‏

39. دشمنى و كينه با يك گروه، از موانع اجراى عدالت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلائِدَ وَ لَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى‏ وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ. مائده (5) 2

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا ....

مائده (5) 8

2. سودجويى‏

40. سودجويى، زمينه عدم اجراى عدالت در مبادلات اقتصادى و مالى:

وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. انعام (6) 152

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ. هود (11) 84

وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ‏ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 7-/ 9

3. ناتوانى در نفقه‏

41. ناتوانى در هزينه زندگى، از موانع رعايت عدالت، درباره همسران متعدّد خود:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا.[[34]](#footnote-34) نساء (4) 3

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 144

4. هواى نفس‏

42. پيروى از هواى نفس، مانع اجراى عدالت:

... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ‏ ... فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ .... نساء (4) 135

... فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ عَمَّا جاءَكَ مِنَ الْحَقِ‏ .... مائده (5) 48

... وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ‏ ....

شورى (42) 15

نيز--) همين مدخل، انحراف از عدالت و دعوت به عدالت‏

ارزش عدالت‏

43. عدالت، بنيان نظام اقتصادى اسلام:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ.

بقره (2) 278 و 279

44. عدالت، معيار مفاهيم اساسى و ارزشى اسلام:

وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. انعام (6) 115

امر به عدالت‏

--) همين مدخل، اجراى عدالت و دعوت به عدالت‏

انبيا و عدالت‏

45. ايجاد عدالت اقتصادى، از برنامه‏هاى اصلى پيامبران:

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. يونس (10) 47

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ‏ ....

حديد (57) 25

نيز--) همين مدخل، عدالت اقتصادى‏

انحراف از عدالت‏

46. ازدواج با يتيمان، لغزشگاهى براى خيانت در اموال آنان و انحراف از عدالت:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ .... نساء (4) 3

47. تعدّد زوجات، لغزشگاهى براى انحراف از عدالت:

... فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً ....

نساء (4) 3

وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً. نساء (4) 129

48. انحراف از عدالت، موجب گرفتارى به عذاب الهى در قيامت:

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ. مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ‏ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 145

بِآياتِنا أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحِيمِ.[[35]](#footnote-35) مائده (5) 8 و 10

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ. هود (11) 84

يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوى‏ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ شَدِيدٌ بِما نَسُوا يَوْمَ الْحِسابِ.

ص (38) 26

49. مبادلات اقتصادى، از لغزشگاههاى مهم، و زمينه‏ساز ابتلاى انسان به بى‏عدالتى:

وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. انعام (6) 152

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ. هود (11) 84

... وَ وَضَعَ الْمِيزانَ‏ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ.

الرّحمن (55) 7- 9

نيز--) همين مدخل، اجراى عدالت، موانع اجراى عدالت‏

اهمّيّت عدالت‏

50. عدالت، بنيان وضع قوانين در اسلام:

... وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ. بقره (2) 279

ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى‏ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى‏ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ.

حشر (59) 7

51. عدالت، از شرايط احراز مقام امامت و رهبرى جامعه:

... قالَ إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.[[36]](#footnote-36) بقره (2) 124

52. مؤمنان، موظّف به رعايت عدالت، در مسير زندگى:

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

شورى (42) 40

53. مؤمنان، موظّف به رعايت عدالت، در تنظيم سند دين و مطالبات:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ‏ ...

فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ‏ ....

بقره (2) 282

54. وجوب رعايت عدالت در اقامه شهادت و گواهى نسبت به خود و ديگران:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 146

شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.[[37]](#footnote-37) نساء (4) 135

55. رعايت عدالت، مهم‏تر از رعايت حال خود، والدين، خويشاوندان فقير و غنى:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

56. لزوم مراعات عدل، در رفع اختلافهاى بين مؤمنان:

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ‏ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

حجرات (49) 9 و 10

57. برنامه جهاد و سختگيرى در دين الهى، جهت تحكيم اقامه قسط و عدل در جامعه:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. حديد (57) 25

58. يكسان نبودن ارزش و مقام انسان گنگ، با انسان آمر به عدل:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

59. انسان، مكلّف به رعايت عدالت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يَأْبَ كاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى‏ وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلى‏ أَجَلِهِ ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنى‏ أَلَّا تَرْتابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدِيرُونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلَّا تَكْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبايَعْتُمْ وَ لا يُضَارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَلِيمٌ.

بقره (2) 282

وَ آتُوا الْيَتامى‏ أَمْوالَهُمْ وَ لا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 147

بِالطَّيِّبِ وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَهُمْ إِلى‏ أَمْوالِكُمْ إِنَّهُ كانَ حُوباً كَبِيراً. نساء (4) 2

وَ لْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعافاً خافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً. نساء (4) 9

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً.

نساء (4) 58

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. انعام (6) 152

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى‏ وَ يَنْهى‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. نحل (16) 90

فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ‏ .... شورى (42) 15

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

60. تأمين و گسترش عدالت، از جمله حكمتهاى لزوم ثبت و تنظيم اسناد مبادلاتى:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يَأْبَ كاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى‏ وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلى‏ أَجَلِهِ ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنى‏ أَلَّا تَرْتابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدِيرُونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلَّا تَكْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبايَعْتُمْ وَ لا يُضَارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَلِيمٌ.

بقره (2) 282

61. وصيت ناعادلانه، موجب جواز تغيير آن از طرف وارثان:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 148

بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

بقره (2) 182

62. واجب نبودن عمل به وصيّت ناعادلانه متوفى، از طرف وارثان:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

بقره (2) 182

63. اهمّيّت رعايت عدالت، در روابط خانوادگى:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

64. جواز تعدّد همسران، مشروط به رعايت عدالت در نفقه آنان:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

65. مسلمانان، موظّف به رعايت عدالت، حتّى در جنگ با دشمنان:

وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2) 190

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ‏ .... بقره (2) 194

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

66. راستى و عدل، از ملاكها و مفاهيم اساسى و ارزشى اسلام:

وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا ....

انعام (6) 115

67. حاكمان، عهده‏دار اجراى عدالت، در جامعه:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً.

نساء (4) 58

68. رعايت عدالت، اولى و بايسته‏تر از احسان به مردم و بخشش به خويشاوندان:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى‏ ...[[38]](#footnote-38) نحل (16) 90

69. رعايت عدالت، از موعظه‏هاى خداوند به انسان:

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. مائده (5) 42

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ‏ ... يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

نحل (16) 90

خَلَقَ الْإِنْسانَ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 3 و 9

70. برپايى عدالت، از اهداف اصلى دعوت پيامبر صلى الله عليه و آله:

فَلِذلِكَ فَادْعُ‏ ... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ‏ ....

شورى (42) 15

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 149

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ‏ ....

حديد (57) 25

نيز--) همين مدخل، اجراى عدالت و عدالت با دشمن‏

بى‏عدالتى‏

71. بى‏مورد بودن خوف از بى‏عدالتى، از جانب خدا و رسول صلى الله عليه و آله:

وَ إِذا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ‏ أَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتابُوا أَمْ يَخافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

نور (24) 48 و 50

72. بى‏عدالتى مشركان، در برگزيدن دختر براى خدا و پسر براى خود:

أَ لَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثى‏ تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزى‏.[[39]](#footnote-39) نجم (53) 21 و 22

73. اعتراض خداوند به تعبير ناعادلانه مشركان، در برگزيدن دختر براى خدا و پسر براى خود:

أَ لَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثى‏ تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزى‏.

نجم (53) 21 و 22

نيز--) همين مدخل، اجراى عدالت، موانع اجراى عدالت و انحراف از عدالت‏

پاداش عدالت‏

1. پاداش آخرتى‏

74. رعايت عدالت، موجب برخوردارى از پاداش بزرگ در قيامت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ‏ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ.[[40]](#footnote-40) مائده (5) 8 و 9

75. علم خداوند، ضامن پاداش عدالت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

2. مغفرت‏

76. رعايت عدالت، موجب برخوردارى از مغفرت خداوند، در قيامت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ‏ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ.

مائده (5) 8 و 9

حاكميّت عدالت‏

--) همين مدخل، اجراى عدالت‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 150

داود عليه السلام و عدالت‏

77. داود عليه السلام موظّف به رعايت عدالت از سوى خداوند:

يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوى‏ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ شَدِيدٌ بِما نَسُوا يَوْمَ الْحِسابِ.

ص (38) 26

دعوت به عدالت‏

78. دعوت مردم به رعايت عدالت، از سوى خداوند:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ‏ ... وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ‏ .... نساء (4) 58

... وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ .... نساء (4) 127

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ....

نساء (4) 135

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ .... مائده (5) 8

... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. مائده (5) 42

... وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ ... وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا .... انعام (6) 152

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ .... اعراف (7) 29

... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ‏ .... اعراف (7) 85

وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ ....

هود (11) 85

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى‏ وَ يَنْهى‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. نحل (16) 90

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ‏ .... اسراء (17) 35

... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا ....

حجرات (49) 9

وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ .... الرّحمن (55) 9

... وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

ممتحنه (60) 8

79. دعوت خداوند از پيامبر صلى الله عليه و آله به رعايت عدالت، هنگام داورى بين يهوديان:

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قالُوا آمَنَّا بِأَفْواهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ هادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هذا فَخُذُوهُ وَ إِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا ... سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 151

يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

مائده (5) 41 و 42

80. انبيا، دعوت‏كننده مردم به اقامه قسط و عدل:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ. آل‏عمران (3) 21

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

81. دعوت به عدل، مهم‏ترين نشان انسان ارزشمند:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ‏ ... هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ‏ .... نحل (16) 76

82. دعوت ديگران به عدل، تنها شايسته انسان درستكار و قرار گرفته در صراط مستقيم:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

83. فرمان به قسط و عدل، برخاسته از ربوبيّت خداوند:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَما بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ. اعراف (7) 29

84. دعوت مردم به رعايت عدالت در خريد و فروش، از رسالتهاى شعيب عليه السلام براى قوم خويش:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ‏ ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ‏ .... اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ‏ ... وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ .... هود (11) 84 و 85

إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ‏ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 177 و 181 و 182

85. داود پيامبر عليه السلام، موظّف به رعايت عدالت از سوى خداوند:

يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوى‏ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ شَدِيدٌ بِما نَسُوا يَوْمَ الْحِسابِ.

ص (38) 26

86. پيامبر صلى الله عليه و آله مأمور رعايت عدالت از جانب خداوند:

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

مائده (5) 42

فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ لا حُجَّةَ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. شورى (42) 15

نيز--) همين مدخل، عدالت با اهل‏كتاب، عدالت با دشمن، عدالت با فقرا، عدالت با كافران، عدالت با كنيزان و عدالت با يهوديان‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 152

شعيب عليه السلام و عدالت‏

87. شعيب عليه السلام، دعوت‏كننده مردم به اجراى عدالت در مبادلات اقتصادى و مالى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ‏ ... وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

هود (11) 84 و 85

إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ‏ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 177 و 181 و 182

عدالت اجتماعى‏

88. رسالت پيامبر صلى الله عليه و آله در راستاى رفع تبعيضها و ايجاد عدالت در جامعه بشرى:

شَرَعَ لَكُمْ‏ ... فَلِذلِكَ فَادْعُ‏ ... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ‏ .... شورى (42) 13 و 15

89. رفتار عادلانه بين طبقات مختلف اجتماع، در مقام تبليغ، هدايت و اجراى شريعت، از وظايف پيامبر صلى الله عليه و آله:

... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ‏ .... شورى (42) 15

90. گواهى به حق و براى خدا، زمينه تأمين عدالت اجتماعى:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ‏ .... نساء (4) 135

نيز--) همين مدخل، عدالت‏خواهان، مصاديق عدالت‏خواهان، انبيا

عدالت اقتصادى‏

91. تعيين مصارف ششگانه براى «فى‏ء»، به منظور تعديل ثروت و عدالت اقتصادى:

ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى‏ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى‏ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ ....

حشر (59) 7

92. عدالت، اصلى مهم در نظام اقتصادى و مالى اسلام:

... وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ.[[41]](#footnote-41) بقره (2) 278 و 279

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يَأْبَ كاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى‏ وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلى‏ أَجَلِهِ ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 153

وَ أَدْنى‏ أَلَّا تَرْتابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدِيرُونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلَّا تَكْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبايَعْتُمْ وَ لا يُضَارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَلِيمٌ.

بقره (2) 282

... وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ ....

انعام (6) 152

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 8 و 9

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

93. ايجاد عدالت اقتصادى، از برنامه‏هاى اصلى پيامبران:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

94. رعايت نكردن عدالت در امور اقتصادى و مبادلات تجارى، موجب فساد و تباهى جامعه:

وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. هود (11) 85

95. نفى نظام اقتصاد ربوى و ايجاد بسط نظام اقتصاد عادلانه، از جمله اهداف والاى انبيا:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ.

بقره (2) 278 و 279

96. رعايت عدل و انصاف اقتصادى، درپى‏دارنده عاقبت و فرجامى نيك:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

اسراء (17) 35

97. اصلاح جوامع بشرى، در گرو رعايت عدالت و انصاف، در امور اقتصادى و تجارى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ‏ ... إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ. هود (11) 84 و 85 و 88

98. مبادلات اقتصادى و تجارى، از لغزشگاههاى مهم و زمينه‏ساز ابتلاى انسان به بى‏عدالتى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 154

وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. هود (11) 84 و 85

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ.

شعراء (26) 181 و 182

وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ.

الرّحمن (55) 9

99. رعايت عدالت در روابط اقتصادى و تجارى، از آثار توحيد:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ. هود (11) 84

100. دعوت شعيب عليه السلام از مردم به رعايت عدالت، در امور اقتصادى و تجارى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ‏ ....

اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً ... وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ .... هود (11) 84 و 85

إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ‏ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 177 و 181 و 182

101. برخوردارى قوم شعيب از دليلى روشن، براى التزام به عدالت در امور اقتصادى و تجارى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ‏ ... قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ‏ .... اعراف (7) 85

102. ابتلاى قوم شعيب به كم فروشى و بى عدالتى در امور اقتصادى و مالى:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ‏ ....

اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

هود (11) 84 و 85

إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ‏ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 177 و 181 و 182

نيز--) همين مدخل، عدالت در تجارت‏

عدالت با اهل‏كتاب‏

103. رعايت عدالت، ميان گروههاى مختلف اهل‏كتاب، مأموريّت الهى پيامبر صلى الله عليه و آله:

... وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ‏ ... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ‏ ....

شورى (42) 14 و 15

نيز--) همين مدخل، عدالت با يهوديان‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 155

عدالت با دشمن‏

104. اهتمام اسلام به لزوم اجراى عدالت و قسط، حتّى در مورد دشمنان:

وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2) 190

... فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ‏ .... بقره (2) 194

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ .... مائده (5) 8

... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ...[[42]](#footnote-42) مائده (5) 42

وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ‏ ....

نحل (16) 126

ذلِكَ وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ‏ ....

حجّ (22) 60

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها .... شورى (42) 40

لا يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ‏ .... ممتحنه (60) 8

عدالت با زنان‏

105. دستور خداوند به رعايت عدالت، نسبت به حقوق زنان:

وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّساءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ ما يُتْلى‏ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتابِ فِي يَتامَى النِّساءِ اللَّاتِي لا تُؤْتُونَهُنَّ ما كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً. نساء (4) 127

عدالت با ضعيفان‏

106. لزوم رعايت عدالت، نسبت به حقوق ضعيفان:

وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّساءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ ما يُتْلى‏ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتابِ فِي يَتامَى النِّساءِ اللَّاتِي لا تُؤْتُونَهُنَّ ما كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً. نساء (4) 127

عدالت با فقيران‏

107. لزوم اجراى عدالت، نسبت به فقير، در گواهى دادن:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى‏ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيراً فَاللَّهُ أَوْلى‏ بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً.

نساء (4) 135

عدالت با كافران‏

108. رفتار نيك و عادلانه با كافران غير معاند با دين مورد توصيه خداوند:

لا يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 156

وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

ممتحنه (60) 8

109. عدالت‏پيشگان در روابط با كافران غير معاند مشمول محبّت خداوند به عدالت‏پيشگان:

لا يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

ممتحنه (60) 8

عدالت با همسران‏

110. لزوم رعايت عدالت بين زنان از سوى مردان، در صورت ازدواج با همسران متعدّد:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً .... نساء (4) 3

111. لزوم رعايت عدالت در پرداخت مهريه به همسران خود:

وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْ‏ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً.

نساء (4) 4

112. مشروعيّت برگزيدن تعدّد زوجات، در گرو اطمينان به اجراى عدالت ميان آنان:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

113. اكتفا به يك همسر يا بهره‏گيرى از كنيزان، بهترين راه براى منحرف نشدن از عدالت، در مورد زنان متعدّد خود:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

114. مردان، ناتوان از رعايت عدالت كامل (در محبّت قلبى) ميان همسران متعدّد خويش:

وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ‏ ...[[43]](#footnote-43) نساء (4) 129

عدالت با يتيمان‏

115. سفارش خداوند، درباره حفظ حقوق يتيمان و رعايت عدالت، درباره آنان:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

... وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ .... نساء (4) 127

116. توجّه به علم خداوند به كارهاى خير، زمينه‏ساز رعايت قسط و عدل درباره يتيمان:

وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّساءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ ما يُتْلى‏ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتابِ فِي يَتامَى النِّساءِ اللَّاتِي لا تُؤْتُونَهُنَّ ما كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتامى‏ بِالْقِسْطِ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِهِ عَلِيماً. نساء (4) 127

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 157

117. لزوم اجراى قسط و عدل، در مورد يتيمان، در صورت ازدواج با آنان:[[44]](#footnote-44)

**فرهنگ قرآن    ج‏20    157**

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذلِكَ أَدْنى‏ أَلَّا تَعُولُوا. نساء (4) 3

118. ممنوعيّت ازدواج با دختران يتيم، در صورت ترس از بى‏عدالتى نسبت به آنان:

وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى‏ فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ .... نساء (4) 3

عدالت با يهوديان‏

119. پيامبر صلى الله عليه و آله مأمور قضاوت عادلانه بين يهوديان، در صورت تصميم بر داورى ميان آنان:

... وَ مِنَ الَّذِينَ هادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ‏ ...

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ‏ ... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ....

مائده (5) 41 و 42

عدالت بنى‏اسرائيل‏

120. عدالت‏ورزى اقلّيّتى از بنى‏اسرائيل:

وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى‏ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.[[45]](#footnote-45) اعراف (7) 159

عدالت خدا

آثار عدالت خدا

1. رعايت عدالت‏

121. قرار دادن ترازو براى انسانها از آثار عدالت خدا:

وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ‏ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 7-/ 9

2. مجازات‏

122. عدالت خداوند و دورى ساحت وى از ظلم، مقتضى مجازات بخيلان و قاتلان انبيا:

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ سَنَكْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. آل‏عمران (3) 181 و 182

ترديد در عدالت خدا

123. ناروا بودن ترديد در عدالت خداوند، نسبت به انسانها:

ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. آل‏عمران (3) 182

ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. انفال (8) 51

ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ يَداكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. حج (22) 10

مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها وَ ما رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. فصّلت (41) 46

جلوه‏هاى عدالت خدا

1. اتمام‏حجّت‏

124. اتمام‏حجّت الهى بر كافران، قبل از هلاكت آنان، جلوه‏اى از عدالت خدا:

يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَ لَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 158

يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آياتِي وَ يُنْذِرُونَكُمْ لِقاءَ يَوْمِكُمْ هذا قالُوا شَهِدْنا عَلى‏ أَنْفُسِنا ... ذلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُها غافِلُونَ.[[46]](#footnote-46) انعام (6) 130 و 131

أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْراهِيمَ وَ أَصْحابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

توبه (9) 70

وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَلِيمٌ.

توبه (9) 115

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. يونس (10) 47

وَ ما أَهْلَكْنا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَها مُنْذِرُونَ‏ ذِكْرى‏ وَ ما كُنَّا ظالِمِينَ. شعراء (26) 208 و 209

أَ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

روم (30) 9

2. قيامت‏

125. برپايى قيامت و نظامهاى آن، جلوه‏اى از عدالت خداوند:

وَ وُضِعَ الْكِتابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يا وَيْلَتَنا ما لِهذَا الْكِتابِ لا يُغادِرُ صَغِيرَةً وَ لا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصاها وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً وَ لا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَداً.

كهف (18) 49

وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً .... انبياء (21) 47

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ وُضِعَ الْكِتابُ وَ جِي‏ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. زمر (39) 69

منشأ عدالت خدا

1. الوهيّت‏

126. امر به عدالت، مقتضاى الوهيّت خداوند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ‏ ... وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ‏ .... نساء (4) 58

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ‏ .... نحل (16) 90

127. الوهيّت خداوند، منشأ برپايى قسط و عدل، در جوامع بشرى:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.[[47]](#footnote-47) آل‏عمران (3) 18

2. حكمت‏

128. حكمت خدا، اساس قسط و عدل او:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. آل‏عمران (3) 18

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 159

3. ربوبيّت‏

129. فرمان به قسط و عدل، فرمانى برخاسته از ربوبيّت خداوند:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ .... اعراف (7) 29

قالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَ رَبُّنَا الرَّحْمنُ الْمُسْتَعانُ عَلى‏ ما تَصِفُونَ. انبياء (21) 112

... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ‏ ....

شورى (42) 15

4. رحمانيّت‏

130. امر به رعايت عدالت، جلوه‏اى از رحمانيّت خداوند:

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

الرَّحْمنُ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 1 و 9

5. قدرت‏

131. قدرت خدا، اساس قسط و عدل او:

... قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

آل‏عمران (3) 18

موارد عدالت خدا

1. اعطاى مقام‏

132. عدالت خداوند در يكسان قرار ندادن مقام مؤمنان با مفسدان:

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ. ص (38) 28

133. عدالت خداوند، در يكسان قرار ندادن جايگاه متّقين با فاجران:

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ. ص (38) 28

134. نظام جزايى عادلانه خداوند، مقتضى يكسان قرار ندادن مقام گناهكاران با مؤمنانِ داراى عمل صالح:

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ.

جاثيه (45) 21

135. نظام عادلانه خداوند، مقتضى مساوى قرار ندادن انسان آمر به عدل، با انسان گنگ:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 76

136. عدالت خداوند، مقتضى يكسان قرار ندادن جايگاه مؤمن و فاسق:

أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ.

سجده (32) 18

137. عدالت خداوند، مقتضى يكسان قرار ندادن مقام مؤمن و كافر محروم از ديدن حق:

أَ فَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمى‏ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ.[[48]](#footnote-48) رعد (13) 19

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 160

138. عدل الهى مقتضى يكسان قرار ندادن درجات تابعان رضاى خداوند و مبتلايان به غضب او:

أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللَّهِ كَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ هُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِما يَعْمَلُونَ.

آل‏عمران (3) 162 و 163

2. پاداش‏

139. عدالت خداوند، در پاداش انفاق‏كننده در راه خدا:

... وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَ ما تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ. بقره (2) 272

140. عدالت خداوند، در اعطاى درجه و پاداش به مؤمنان، به مقدار تلاش آنان براى دين:

لا يَسْتَوِي الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً. نساء (4) 95

... وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ. بقره (2) 143

وَ اتَّقُوا يَوْماً تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. بقره (2) 281

فَكَيْفَ إِذا جَمَعْناهُمْ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

آل‏عمران (3) 25

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذاباً شَدِيداً فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ‏ وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

آل‏عمران (3) 56 و 57

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ‏ وَ أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ فِيها خالِدُونَ‏ تِلْكَ آياتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعالَمِينَ.

آل‏عمران (3) 106-/ 108

وَ ما كانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِما غَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. آل‏عمران (3) 161

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ سَنَكْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. آل‏عمران (3) 181 و 182

إِنَّ اللَّهَ لا يَظْلِمُ مِثْقالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضاعِفْها وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْراً عَظِيماً فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى‏ هؤُلاءِ شَهِيداً. نساء (4) 40 و 41

أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتالُ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قالُوا رَبَّنا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلى‏ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنْيا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقى‏ وَ لا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا.

نساء (4) 77

لَيْسَ بِأَمانِيِّكُمْ وَ لا أَمانِيِّ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ يَعْمَلْ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 161

سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَ لا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصِيراً وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمُونَ نَقِيراً. نساء (4) 123 و 124

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى‏ إِلَّا مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

انعام (6) 160

وَ الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ‏ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ. اعراف (7) 8 و 9

وَ لَوْ تَرى‏ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. انفال (8) 50 و 51

... وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْ‏ءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ. انفال (8) 60

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ بِالْقِسْطِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ.

يونس (10) 4

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنى‏ وَ زِيادَةٌ وَ لا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لا ذِلَّةٌ أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيها خالِدُونَ‏ وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئاتِ جَزاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِها .... يونس (10) 26 و 27

إِنَّ اللَّهَ لا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَ لكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ‏ وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا ساعَةً مِنَ النَّهارِ يَتَعارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقاءِ اللَّهِ وَ ما كانُوا مُهْتَدِينَ‏ وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 44 و 45 و 47

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 54

مَنْ كانَ يُرِيدُ الْحَياةَ الدُّنْيا وَ زِينَتَها نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمالَهُمْ فِيها وَ هُمْ فِيها لا يُبْخَسُونَ.

هود (11) 15

فَلا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هؤُلاءِ ما يَعْبُدُونَ إِلَّا كَما يَعْبُدُ آباؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ. هود (11) 109

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ نَفْسِها وَ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

نحل (16) 111

وَ كُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ كِتاباً يَلْقاهُ مَنْشُوراً اقْرَأْ كِتابَكَ كَفى‏ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيباً مَنِ اهْتَدى‏ فَإِنَّما يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى‏ وَ ما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا. اسراء (17) 13-/ 15

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتابَهُمْ وَ لا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا. اسراء (17) 71

وَ وُضِعَ الْكِتابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يا وَيْلَتَنا ما لِهذَا الْكِتابِ لا يُغادِرُ صَغِيرَةً وَ لا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصاها وَ وَجَدُوا ما

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 162

عَمِلُوا حاضِراً وَ لا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَداً.

كهف (18) 49

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمُونَ شَيْئاً. مريم (19) 59 و 60

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا يَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً. طه (20) 112

وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنا بِها وَ كَفى‏ بِنا حاسِبِينَ. انبياء (21) 47

ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ يَداكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. حج (22) 10

وَ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ لَدَيْنا كِتابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. مؤمنون (23) 62

فَالْيَوْمَ لا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ لا تُجْزَوْنَ إِلَّا ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. يس (36) 54

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ وُضِعَ الْكِتابُ وَ جِي‏ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ‏ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِما يَفْعَلُونَ. زمر (39) 69 و 70

وَ تَرَى الْمَلائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ. زمر (39) 75

الْيَوْمَ تُجْزى‏ كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ لا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ. غافر (40) 17

مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها وَ ما رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. فصّلت (41) 46

وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ.

زخرف (43) 76

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزى‏ كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

جاثيه (45) 22

وَ لِكُلٍّ دَرَجاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمالَهُمْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. احقاف (46) 19

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَأَلْقِياهُ فِي الْعَذابِ الشَّدِيدِ ما يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَ ما أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. ق (50) 26 و 29

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ‏ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ‏ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. زلزال (99) 6-/ 8

قُلْ أَ تُحَاجُّونَنا فِي اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ وَ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ.

بقره (2) 139

وَ ما كانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتاباً مُؤَجَّلًا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوابَ الدُّنْيا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ يُرِدْ ثَوابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ. آل‏عمران (3) 145

نيز--) پاداش، پاداش عادلانه‏

3. تحريم‏

141. تحريم عادلانه بعضى از حلالها بر يهوديان از سوى خداوند بر اساس ستم‏پيشگى آنها:

وَ عَلَى الَّذِينَ هادُوا حَرَّمْنا ما قَصَصْنا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.[[49]](#footnote-49) نحل (16) 118

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 163

4. ثبت اعمال‏

142. رعايت عدالت خداوند، در ثبت اعمال انسان، و بدون كمترين ظلم:

وَ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ لَدَيْنا كِتابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. مؤمنون (23) 62

5. سنّت‏

143. سنّتها و قوانين خداوند در نظام هستى، بر اساس عدل و داد:

وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.[[50]](#footnote-50) انعام (6) 115

6. شهادت‏

144. شهادت خداوند بر يگانگى خود بر اساس عدل:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ ... قائِماً بِالْقِسْطِ ...[[51]](#footnote-51) آل‏عمران (3) 18

7. عذاب‏

145. عذاب خداوند بر فرعون و فرعونيان، مقتضاى عدل و مطابق با عمل آنان:

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآياتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْناهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَغْرَقْنا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلٌّ كانُوا ظالِمِينَ. انفال (8) 54

إِلى‏ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ ما أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ أُتْبِعُوا فِي هذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ‏ .... هود (11) 97-/ 99 و 101

146. عذاب خداوند بر ظالمان و مجرمان، بر پايه عدل و داد و مطابق با عمل آنان:

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 54

وَ لَمَّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا شُعَيْباً وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ أَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيارِهِمْ جاثِمِينَ‏ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ‏ .... هود (11) 94 و 98 و 101

فَلَوْ لا كانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا ما أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كانُوا مُجْرِمِينَ‏ وَ ما كانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرى‏ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُها مُصْلِحُونَ. هود (11) 116 و 117

وَ تِلْكَ الْقُرى‏ أَهْلَكْناهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِداً. كهف (18) 59

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها وَ هِيَ ظالِمَةٌ فَهِيَ خاوِيَةٌ عَلى‏ عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ. حج (22) 45

وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَها وَ هِيَ ظالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُها وَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ. حج (22) 48

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْناهُمْ غُثاءً فَبُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. مؤمنون (23) 41

وَ ما كانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّها

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 164

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِنا وَ ما كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرى‏ إِلَّا وَ أَهْلُها ظالِمُونَ. قصص (28) 59

وَ لَمَّا جاءَتْ رُسُلُنا إِبْراهِيمَ بِالْبُشْرى‏ قالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلِ هذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَها كانُوا ظالِمِينَ‏ قالَ إِنَّ فِيها لُوطاً قالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيها لَنُنَجِّيَنَّهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كانَتْ مِنَ الْغابِرِينَ. عنكبوت (29) 31 و 32

أَ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

روم (30) 9

147. عذاب قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آن، براساس عدل و بدور از هرگونه ستم:

أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْراهِيمَ وَ أَصْحابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

توبه (9) 70

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبادِ.

غافر (40) 31

148. عذاب قوم سبأ، مطابق با عدالت خداوند و نتيجه اعمال آنان:

لَقَدْ كانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْناهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَواتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَيْ‏ءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ‏ ذلِكَ جَزَيْناهُمْ بِما كَفَرُوا وَ هَلْ نُجازِي إِلَّا الْكَفُورَ.

سبأ (34) 15-/ 17

149. جاودانگى كافران مجرم در عذاب جهنّم، خالى از ظلم و بى‏عدالتى خداوند:

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذابِ جَهَنَّمَ خالِدُونَ‏ لا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ‏ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ. زخرف (43) 74-/ 76

150. عدالت خداوند، در كيفر نمودن گناهكاران:

وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ. بقره (2) 48

وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا تَنْفَعُها شَفاعَةٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ. بقره (2) 123

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما كَسَبَتْ وَ لَكُمْ ما كَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمَّا كانُوا يَعْمَلُونَ. بقره (2) 134

قُلْ أَ تُحَاجُّونَنا فِي اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ وَ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ.

بقره (2) 139

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما كَسَبَتْ وَ لَكُمْ ما كَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمَّا كانُوا يَعْمَلُونَ. بقره (2) 141

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ‏ءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسانٍ ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ فَلَهُ عَذابٌ أَلِيمٌ. بقره (2) 178

أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتابِ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 165

يُدْعَوْنَ إِلى‏ كِتابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ‏ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ وَ غَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ‏ فَكَيْفَ إِذا جَمَعْناهُمْ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. آل‏عمران (3) 23-/ 25

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ‏ تِلْكَ آياتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعالَمِينَ. آل‏عمران (3) 106 و 108

وَ ما كانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِما غَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. آل‏عمران (3) 161

وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لِلَّهِ مِيراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ سَنَكْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ.

آل‏عمران (3) 180-/ 182

لَيْسَ بِأَمانِيِّكُمْ وَ لا أَمانِيِّ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَ لا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصِيراً وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمُونَ نَقِيراً. نساء (4) 123 و 124

قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ. انعام (6) 47

وَ ذَرُوا ظاهِرَ الْإِثْمِ وَ باطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِما كانُوا يَقْتَرِفُونَ. انعام (6) 120

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً يا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ قالَ أَوْلِياؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنا بِبَعْضٍ وَ بَلَغْنا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنا قالَ النَّارُ مَثْواكُمْ خالِدِينَ فِيها إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ‏ ذلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُها غافِلُونَ.

انعام (6) 128 و 131

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى‏ إِلَّا مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

انعام (6) 160

قُلْ أَ غَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْ‏ءٍ وَ لا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى‏ ثُمَّ إِلى‏ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ. انعام (6) 164

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ لِقاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا ما كانُوا يَعْمَلُونَ.

اعراف (7) 147

وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى‏ فَادْعُوهُ بِها وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمائِهِ سَيُجْزَوْنَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ. اعراف (7) 180

وَ لَوْ تَرى‏ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. انفال (8) 50 و 51

أَ لَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْراهِيمَ وَ أَصْحابِ مَدْيَنَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 166

وَ الْمُؤْتَفِكاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

توبه (9) 70

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ بِالْقِسْطِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ.

يونس (10) 4

وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئاتِ جَزاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِها ....

يونس (10) 27

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.[[52]](#footnote-52) يونس (10) 47

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِما كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ. يونس (10) 52

... وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. يونس (10) 54

فَلَمَّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا صالِحاً وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيارِهِمْ جاثِمِينَ.

هود (11) 66 و 67

وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْ‏ءٍ لَمَّا جاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ. هود (11) 101

فَلا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هؤُلاءِ ما يَعْبُدُونَ إِلَّا كَما يَعْبُدُ آباؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ. هود (11) 109

وَ ما كانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرى‏ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُها مُصْلِحُونَ. هود (11) 117

سَرابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرانٍ وَ تَغْشى‏ وُجُوهَهُمُ النَّارُ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ. ابراهيم (14) 50 و 51

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. نحل (16) 33

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ نَفْسِها وَ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

نحل (16) 111

مَنِ اهْتَدى‏ فَإِنَّما يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى‏ وَ ما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا. اسراء (17) 15

وَ وُضِعَ الْكِتابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يا وَيْلَتَنا ما لِهذَا الْكِتابِ لا يُغادِرُ صَغِيرَةً وَ لا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصاها وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً وَ لا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَداً.

كهف (18) 49

وَ لَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يا وَيْلَنا إِنَّا كُنَّا ظالِمِينَ‏ وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنا بِها وَ كَفى‏ بِنا حاسِبِينَ. انبياء (21) 46 و 47

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 167

ثانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ نُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَذابَ الْحَرِيقِ‏ ذلِكَ بِما قَدَّمَتْ يَداكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. حج (22) 9 و 10

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ. نور (24) 25

وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. نمل (27) 90

وَ ما كانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّها رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِنا وَ ما كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرى‏ إِلَّا وَ أَهْلُها ظالِمُونَ. قصص (28) 59

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئاتِ إِلَّا ما كانُوا يَعْمَلُونَ. قصص (28) 84

وَ لَمَّا جاءَتْ رُسُلُنا إِبْراهِيمَ بِالْبُشْرى‏ قالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلِ هذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَها كانُوا ظالِمِينَ. عنكبوت (29) 31

فَكُلًّا أَخَذْنا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنا عَلَيْهِ حاصِباً وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَ مِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنا وَ ما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

عنكبوت (29) 40

أَ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

روم (30) 9

وَ قالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ إِذْ تَأْمُرُونَنا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْداداً وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلالَ فِي أَعْناقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا ما كانُوا يَعْمَلُونَ. سبأ (34) 33

إِنَّكُمْ لَذائِقُوا الْعَذابِ الْأَلِيمِ‏ وَ ما تُجْزَوْنَ إِلَّا ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. صافّات (37) 38 و 39

وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِما يَفْعَلُونَ. زمر (39) 70

وَ تَرَى الْمَلائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ. زمر (39) 75

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبادِ.

غافر (40) 31

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلا يُجْزى‏ إِلَّا مِثْلَها وَ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيها بِغَيْرِ حِسابٍ.

غافر (40) 40

مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها وَ ما رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ. فصّلت (41) 46

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

شورى (42) 40

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذابِ جَهَنَّمَ خالِدُونَ‏ لا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ‏ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ. زخرف (43) 74-/ 76

مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها ثُمَّ إِلى‏ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ‏ وَ لَقَدْ آتَيْنا بَنِي إِسْرائِيلَ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 168

الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلَى الْعالَمِينَ.

جاثيه (45) 15 و 16

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ‏ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزى‏ كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

جاثيه (45) 21 و 22

وَ تَرى‏ كُلَّ أُمَّةٍ جاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعى‏ إِلى‏ كِتابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ‏ هذا كِتابُنا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. جاثيه (45) 28 و 29

أُولئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كانُوا خاسِرِينَ‏ وَ لِكُلٍّ دَرَجاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمالَهُمْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

احقاف (46) 18 19

اصْلَوْها فَاصْبِرُوا أَوْ لا تَصْبِرُوا سَواءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّما تُجْزَوْنَ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. طور (52) 16

وَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَساؤُا بِما عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. نجم (53) 31

أَلَّا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى‏ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى‏ وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى‏ ثُمَّ يُجْزاهُ الْجَزاءَ الْأَوْفى‏ وَ أَنَّ إِلى‏ رَبِّكَ الْمُنْتَهى‏. نجم (53) 38-/ 42

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلى‏ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ وَ كُلُّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ.

قمر (54) 48 و 53

يا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّما تُجْزَوْنَ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. تحريم (66) 7

إِنَّ جَهَنَّمَ كانَتْ مِرْصاداً لِلطَّاغِينَ مَآباً لابِثِينَ فِيها أَحْقاباً لا يَذُوقُونَ فِيها بَرْداً وَ لا شَراباً إِلَّا حَمِيماً وَ غَسَّاقاً جَزاءً وِفاقاً. نبأ (78) 21-/ 26

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. زلزال (99) 8

151. داورى خداوند در قيامت نسبت به عذاب بندگانش براساس عدل و داد:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ماتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْ‏ءُ الْأَرْضِ ذَهَباً وَ لَوِ افْتَدى‏ بِهِ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ.

آل‏عمران (3) 91

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ. آل‏عمران (3) 171

فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لا أُضِيعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ.

آل‏عمران (3) 195

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذابِ يَوْمِ الْقِيامَةِ ما تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ. مائده (5) 36

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى‏ إِلَّا مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

انعام (6) 160

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَؤُا

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 169

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ بِالْقِسْطِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ.

يونس (10) 4

وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئاتِ جَزاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِها وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ما لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عاصِمٍ كَأَنَّما أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعاً مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِماً أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ.

يونس (10) 27

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 54

وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنا بِها وَ كَفى‏ بِنا حاسِبِينَ. انبياء (21) 47

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئاتِ إِلَّا ما كانُوا يَعْمَلُونَ. قصص (28) 84

يا بُنَيَّ إِنَّها إِنْ تَكُ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّماواتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ. لقمان (31) 16

وَ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلى‏ وَ رَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عالِمِ الْغَيْبِ لا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقالُ ذَرَّةٍ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الْأَرْضِ وَ لا أَصْغَرُ مِنْ ذلِكَ وَ لا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتابٍ مُبِينٍ.

سبأ (34) 3

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ وُضِعَ الْكِتابُ وَ جِي‏ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. زمر (39) 69

وَ تَرَى الْمَلائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ. زمر (39) 75

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلا يُجْزى‏ إِلَّا مِثْلَها وَ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيها بِغَيْرِ حِسابٍ.

غافر (40) 40

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ‏ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزى‏ كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

جاثيه (45) 21 و 22

وَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَساؤُا بِما عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. نجم (53) 31

فَالْيَوْمَ لا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْواكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلاكُمْ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ.

حديد (57) 15

... وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ... أَ فَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ‏ ما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ.

قلم (68) 33 و 35 و 36

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ‏ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ‏ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. زلزال (99) 6-/ 8

152. عدالت در كيفر دادن بدكاران در قيامت، از ناحيه خداوند:

وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئاتِ جَزاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِها ....

يونس (10) 27

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 170

153. كيفر عادلانه خداوند نسبت به ستمگران در قيامت:

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 54

154. مراعات عدالت در كيفر الهى نسبت به گناهكاران و ستمگران:

وَ لَمَّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا شُعَيْباً وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ أَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيارِهِمْ جاثِمِينَ‏ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْ‏ءٍ لَمَّا جاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ. هود (11) 94 و 98 و 101

8. قضاوت‏

155. قضاوت و داورى خداوند، درباره ستمگران، قضاوتى بر پايه قسط و عدل:

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ‏ ... لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.

يونس (10) 54

عدالت‏خواهان‏

156. حق، معيار عدالت‏پيشگان، در داورى:

وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.[[53]](#footnote-53) اعراف (7) 181

157. خداوند، دوستدار عدالت‏پيشگان:

... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. مائده (5) 42

... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. ممتحنه (60) 8

قتل عدالت‏خواهان‏

158. كشتن عدالت‏خواهان، موجب حبط و تباهى اعمال، در دنيا و آخرت:

إِنَّ الَّذِينَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ‏ أُولئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ. آل‏عمران (3) 21 و 22

159. كشتن عدالتخواهان، موجب محروميّت از حمايت و شفاعت در آخرت:

إِنَّ الَّذِينَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ‏ أُولئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ. آل‏عمران (3) 21 و 22

160. كفر، عامل قتل عدالت‏خواهان:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ ... فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ. آل‏عمران (3) 21

161. كشته شدن عدالت‏خواهان، به دست قوم يهود:

إِنَّ الَّذِينَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ.[[54]](#footnote-54) آل‏عمران (3) 21

162. عذاب سخت الهى، براى قاتلان عدالت‏خواهان:

إِنَّ الَّذِينَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ. آل‏عمران (3) 21

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 171

مصاديق عدالت‏خواهان‏

1. ائمّه عليهم السلام‏

163. امامان معصوم عليهم السلام، عهده‏دار اجراى عدالت در جامعه:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً.[[55]](#footnote-55) نساء (4) 58

2. انبيا

164. رسولان الهى، پيام‏آوران عدالت براى جامعه:

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ. يونس (10) 47

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ....

حديد (57) 25

3. خدا

165. خدا خواستار رعايت عدالت در ميان بشر:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً.

نساء (4) 58

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ...

فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى‏ أَنْ تَعْدِلُوا .... نساء (4) 135

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ. مائده (5) 8

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

مائده (5) 42

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ .... اعراف (7) 29

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ‏ .... نحل (16) 90

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

خَلَقَ الْإِنْسانَ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 3 و 9

4. داود عليه السلام‏

166. داود عليه السلام، داورى عادل در نظر مردم عصر خود:

إِذْ دَخَلُوا عَلى‏ داوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قالُوا لا تَخَفْ خَصْمانِ بَغى‏ بَعْضُنا عَلى‏ بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنا بِالْحَقِّ وَ لا تُشْطِطْ وَ اهْدِنا إِلى‏ سَواءِ الصِّراطِ.

ص (38) 22

167. درخواست ملائكه از داود عليه السلام براى داورى عادلانه در حلّ و فصل خصومتشان:

وَ هَلْ أَتاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرابَ‏ إِذْ دَخَلُوا عَلى‏ داوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قالُوا لا تَخَفْ خَصْمانِ بَغى‏ بَعْضُنا عَلى‏ بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنا بِالْحَقِّ وَ لا تُشْطِطْ وَ اهْدِنا إِلى‏ سَواءِ الصِّراطِ.[[56]](#footnote-56) ص (38) 21 و 22

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 172

5. شعيب عليه السلام‏

168. عدالت در داد و ستد، يكى از اهداف تبليغى شعيب عليه السلام:

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اعراف (7) 85

وَ إِلى‏ مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ وَ لا تَنْقُصُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ إِنِّي أَراكُمْ بِخَيْرٍ وَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. هود (11) 84 و 85

إِذْ قالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَ لا تَتَّقُونَ‏ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ. شعراء (26) 177 و 181 و 182

6. قوم موسى‏

169. عدالت‏پيشگى گروهى از قوم موسى:

وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى‏ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.[[57]](#footnote-57) اعراف (7) 159

7. محمّد صلى الله عليه و آله‏

170. پيامبراكرم صلى الله عليه و آله مأمور به رعايت عدالت در جامعه:

... وَ قُلْ‏ ... وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ‏ .... شورى (42) 15

نيز--) همين مدخل، عدالت محمّد صلى الله عليه و آله‏

مقام عدالت‏خواهان‏

171. ارجمندى عدالت‏خواهى و عدالت‏خواهان، نزد خداوند:

إِنَّ الَّذِينَ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ. آل‏عمران (3) 21

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

مائده (5) 42

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

... وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

ممتحنه (60) 8

عدالت در ارزيابى‏

172. رعايت عدالت، در برآورد شخصيّت انسانها و گروهها و احترام به ارزشهاى متعالى آنان روشى الهى:

أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللَّهِ كَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ هُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِما يَعْمَلُونَ.

آل‏عمران (3) 162 و 163

لا يَسْتَوِي الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ بِأَمْوالِهِمْ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 173

وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً. نساء (4) 95

قُلْ لا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. مائده (5) 100

قُلْ لا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزائِنُ اللَّهِ وَ لا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما يُوحى‏ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ أَ فَلا تَتَفَكَّرُونَ. انعام (6) 50

أَ جَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. توبه (9) 19

أَ فَمَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ عَلى‏ تَقْوى‏ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ عَلى‏ شَفا جُرُفٍ هارٍ فَانْهارَ بِهِ فِي نارِ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. توبه (9) 109

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى‏ فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. يونس (10) 35

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمى‏ وَ الْأَصَمِّ وَ الْبَصِيرِ وَ السَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلًا أَ فَلا تَذَكَّرُونَ.

هود (11) 24

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَ فَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ لا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ.

رعد (13) 16

أَ فَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمى‏ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ. رعد (13) 19

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْداً مَمْلُوكاً لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْراً هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ‏ وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى‏ مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ. نحل (16) 75 و 76

أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ.

سجده (32) 18

أَ فَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَناً فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ فَلا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَراتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِما يَصْنَعُونَ.[[58]](#footnote-58) فاطر (35) 8

وَ ما يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ. فاطر (35) 19

وَ ما يَسْتَوِي الْأَحْياءُ وَ لَا الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشاءُ وَ ما أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

فاطر (35) 22

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ. ص (38) 28

أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَ قائِماً يَحْذَرُ

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 174

الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ. زمر (39) 9

وَ ما يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ لَا الْمُسِي‏ءُ قَلِيلًا ما تَتَذَكَّرُونَ. غافر (40) 58

وَ لا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَداوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. فصّلت (41) 34

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آياتِنا لا يَخْفَوْنَ عَلَيْنا أَ فَمَنْ يُلْقى‏ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِناً يَوْمَ الْقِيامَةِ اعْمَلُوا ما شِئْتُمْ إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

فصّلت (41) 40

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْياهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ.

جاثيه (45) 21

وَ ما لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. حديد (57) 10

لا يَسْتَوِي أَصْحابُ النَّارِ وَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفائِزُونَ. حشر (59) 20

عدالت در اصلاح‏

173. ضرورت رعايت عدل و انصاف، در ايجاد صلح، ميان دو گروه مؤمنِ متخاصم:

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

174. توجّه به عنايت و دوستى خداوند با عدالت‏پيشگان، زمينه‏ساز رعايت عدالت، در ايجاد صلح و آشتى، ميان مؤمنانِ متخاصم:

وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى‏ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِي‏ءَ إِلى‏ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. حجرات (49) 9

عدالت در انتقام‏

175. لزوم رعايت عدالت، در انتقام از ستمگران:

وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2) 190

... فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ‏ .... بقره (2) 194

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ .... مائده (5) 8

وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ‏ .... نحل (16) 126

ذلِكَ وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ‏ ....

حج (22) 60

وَ الَّذِينَ إِذا أَصابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 175

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها .... شورى (42) 39 و 40

176. رعايت عدالت در انتقام گرفتن از دشمن از مصاديق تقواپيشگى:

وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ‏ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ. نحل (16) 126 و 128

نيز--) همين مدخل، عدالت در قصاص‏

عدالت در پاداش‏

--) همين مدخل، عدالت خدا، موارد عدالت خدا، پاداش‏

عدالت در تجارت‏

177. لزوم مراعات عدل و قسط، در معاملات:

وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ ....

انعام (6) 152

وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. هود (11) 85

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

اسراء (17) 35

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ‏ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ.

شعراء (26) 181 و 182

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ‏ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ. الرّحمن (55) 8 و 9

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...[[59]](#footnote-59) حديد (57) 25

عدالت در تنظيم اسناد دِين‏

178. لزوم مراعات عدالت، در تنظيم اسناد دِيْن و مطالبات:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ‏ ... وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ‏ ...[[60]](#footnote-60) بقره (2) 282

عدالت در جنگ‏

179. مسلمانان، موظّف به رعايت عدالت، حتّى در جنگ با دشمنان:

وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. بقره (2) 190

... فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ‏ .... بقره (2) 194

... وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا .... مائده (5) 2

180. رعايت عدالت در جنگ، موجب جلب حمايت الهى:

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. بقره (2) 194

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 176

عدالت در حلّ اختلاف‏

--) همين مدخل، عدالت در اصلاح‏

عدالت در خانواده‏

--) همين مدخل، عدالت با همسران‏

عدالت در خلقت‏

181. خلقت آسمان و زمين بر اساس حق و عدل براى اجراى عدالت و جريان آن در زندگى بشر:

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزى‏ كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ.[[61]](#footnote-61) جاثيه (45) 22

عدالت در سخن‏

182. لزوم رعايت عدالت، در اظهار نظر و سخن گفتن:

... وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا .... انعام (6) 152

ادْعُوهُمْ لِآبائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ‏ ....

احزاب (33) 5

183. رعايت عدالت در گفتار، حتّى در مورد خويشاوندان، از سفارشهاى خداوند:

... وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

انعام (6) 152

184. لزوم رعايت عدالت، در اظهار نظر و سخن گفتن، درباره پسرخوانده‏ها:

ادْعُوهُمْ لِآبائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آباءَهُمْ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ فِيما أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لكِنْ ما تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً.

احزاب (33) 5

عدالت در عذاب‏

--) همين مدخل، عدالت خدا، موارد عدالت خدا، عذاب‏[[62]](#footnote-62)

**فرهنگ قرآن    ج‏20    176**

عدالت در قصاص‏

185. لزوم رعايت حق و عدل، در قصاص:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ‏ءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسانٍ ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ فَلَهُ عَذابٌ أَلِيمٌ. بقره (2) 178

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. بقره (2) 194

وَ كَتَبْنا عَلَيْهِمْ فِيها أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. مائده (5) 45

وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ. نحل (16) 126

... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 177

فَلا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ‏ .... اسراء (17) 33

186. رعايت و حفظ عدالت در قصاص، از نشانه‏هاى تقوا:

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. بقره (2) 194

187. لزوم رعايت عدالت و انصاف در مقابله به مثل:

وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ‏ ....

نحل (16) 126

وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

شورى (42) 40

عدالت در قضاوت‏

--) قضا، عدالت در قضا

عدالت در قيامت‏

--) همين مدخل، عدالت خدا

عدالت در كيفر

--) همين مدخل، عدالت خدا، موارد عدالت خدا، عذاب‏

عدالت در گواهى‏

188. شهادت دو مرد مسلمان عادل، طريقى براى اثبات وصيّت و حدود آن:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهادَةُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ‏ .... مائده (5) 106

189. لزوم گواه گرفتن دو شاهد عادل، بر طلاق:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ... فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ أَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ‏ ....

طلاق (65) 1 و 2

190. لزوم رعايت عدالت، هنگام اداى گواهى:

... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ‏ ....

نساء (4) 135

... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ .... مائده (5) 8

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ‏ .... مائده (5) 95

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهادَةُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَيْرِكُمْ‏ .... مائده (5) 106

... وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ ....

انعام (6) 152

فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ أَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهادَةَ لِلَّهِ‏ .... طلاق (65) 2

191. رعايت عدالت در گواهى، از مصاديق عمل صالح:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ ... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ‏ ...[[63]](#footnote-63) مائده (5) 8 و 9

192. وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان عادل و يا يك مرد و دو زن مسلمان عادل در صورت نبود آن دو، در ثبت و تنظيم اسناد ديون و مبادلات:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى‏ أَجَلٍ‏

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 178

مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ‏ ... وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ ...[[64]](#footnote-64) بقره (2) 282

عدالت در معامله‏

--) همين مدخل، عدالت در تجارت‏

عدالت در نفقه‏

193. جواز تعدّد همسران، مشروط به رعايت عدالت در نفقه آنها:

... فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً ...[[65]](#footnote-65) نساء (4) 3

عدالت در وصيّت‏

194. عادلانه بودن وصيّت، ملاك وجوب عمل به آن:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ‏ ...[[66]](#footnote-66) بقره (2) 182

195. جايز نبودن وصيّتهاى ناعادلانه:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.[[67]](#footnote-67) بقره (2) 182

196. جواز تغيير وصيّتهاى ناعادلانه:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

بقره (2) 182

197. وصىّ ميّت، داراى حق ولايت در تغيير و اصلاح وصيّتهاى ناعادلانه ميّت:

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ‏ .... بقره (2) 182

عدالت در ولايت‏

198. لزوم رعايت عدالت از سوى اوليا و سرپرستان، در شئون افراد تحت ولايت خود:

... فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً ...

فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ‏ .... بقره (2) 282

199. نفوذ املا و اعمالِ ولايتِ ولىّ، در شئون افراد تحت ولايت خود، در صورت رعايت عدالت:

... فَإِنْ كانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ ... فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ‏ ....

بقره (2) 282

عدالت رهبرى‏

200. عدالت، از شرايط احراز مقام امامت و رهبرى:

وَ إِذِ ابْتَلى‏ إِبْراهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قالَ لا

فرهنگ قرآن، ج‏20، ص: 179

يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.[[68]](#footnote-68) بقره (2) 124

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.[[69]](#footnote-69) اسراء (17) 35

عدالت قاضى‏

201. عدالت، از شرايط قاضى، در امر قضاوت:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى‏ أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَمِيعاً بَصِيراً.

نساء (4) 58

... فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. مائده (5) 42

إِذْ دَخَلُوا عَلى‏ داوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قالُوا لا تَخَفْ خَصْمانِ بَغى‏ بَعْضُنا عَلى‏ بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنا بِالْحَقِّ وَ لا تُشْطِطْ وَ اهْدِنا إِلى‏ سَواءِ الصِّراطِ.

ص (38) 22

يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِ‏ .... ص (38) 26

عدالت محمّد صلى الله عليه و آله‏

--) محمّد صلى الله عليه و آله، عدالت محمّد صلى الله عليه و آله‏

گرايش به عدالت‏

202. عدل و احسان از تمايلات فطرى انسان:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ‏ ... لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.[[70]](#footnote-70) نحل (16) 90

مبارزه براى عدالت‏

203. وجود عدالت‏خواهانى در امّتهاى گذشته و مرگ آنها در راه عدالت:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللَّهِ‏ ... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ .... آل‏عمران (3) 21

محمّد صلى الله عليه و آله و عدالت‏

204. پيامبر صلى الله عليه و آله مأمور رعايت عدالت از جانب خداوند:

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

مائده (5) 42

فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ لا حُجَّةَ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. شورى (42) 15

معيار عدالت‏

205. حق، معيار عدالت در جامعه:

وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى‏ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ. اعراف (7) 159

نيز--) ظلم‏[[71]](#footnote-71)

### فرهنگ موضوعی تفاسیر

اطلاعات ذیل از نرم افزار دانشنامه جامع علوم و معارف قرآن است و این اطلاعات در نرم افزار جامع التفاسیر نور نیز موجود است

اهمّيّت مساوات

- المنير - 15 - 245 - كهف - 18 - 28 - وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ ...

مساوات اجتماعى

- الميزان - 2 - 274 - بقره - 2 - 242 - كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ ...

مساوات در پاداش

تساوى زن با مرد در استحقاق پاداش

- التحرير - 4 - 203 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- كاشف - 2 - 233 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- مراغى - 4 - 166 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- المنار - 4 - 305 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- المنير - 4 - 209 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- المنير - 4 - 211 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- الميزان - 5 - 88 - نساء - 4 - 124 - وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ ...

مساوات در تكليف

تساوى زن با مرد در تكليف

- التحرير - 22 - 20 - احزاب - 33 - 35 - إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ ...

- المنير - 4 - 209 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- المنير - 4 - 211 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

- الميزان - 2 - 272 - بقره - 2 - 242 - كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ ...

تساوى مردم در تكليف

- المنير - 19 - 238 - شعراء - 26 - 213 - فَلاَ تَدْعُ مَعَ اللهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ...

تساوى محمّد(ص) با مردم در احكام

- المنار - 7 - 438 - انعام - 6 - 52 - وَلاَ تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ ...

مساوات در حدود

مساوات زن با مرد در اجراى حدّ دزدى

- التحرير - 6 - 190 - مائده - 5 - 33 - إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللهَ ...

مساوات در حقوق

تساوى حقوق انسان ها

- الميزان - 3 - 250 - آل عمران - 3 - 64 - قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ ...

تساوى حقوق زن با مرد

(ح) - التحرير - 2 - 398 - بقره - 2 - 228 - وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ...

(ح) - كاشف - 6 - 338 - صافات - 37 - 49 - كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ

- مراغى - 2 - 166 - بقره - 2 - 228 - وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ...

(ح) - المنار - 4 - 305 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

(ح) - نمونه - 2 - 111 - بقره - 2 - 228 - وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ...

(ح) - نمونه - 2 - 115 - بقره - 2 - 228 - وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ...

- نمونه - 3 - 223 - آل عمران - 3 - 195 - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لاَ أُضِيعُ عَمَلَ ...

(ح) - نمونه - 17 - 313 - احزاب - 33 - 35 - إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ ...

تساوى انسان ها در برابر قانون

- كاشف - 3 - 72 - مائده - 5 - 51 - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَتَّخِذُوا ...

مساوات در حقوق همسران

- تبيان - 3 - 349 - نساء - 4 - 129 - وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ ...

## برابری در دائره المعارف ها

### دائره المعارف قرآن

فعلا مقاله ندارد

دائره المعارف بزرگ اسلامی

نظریه برابری

http://lib.eshia.ir/23019/1/845

برابری ، نظریه ای بر پایة اعتقاد به همانند بودن انسانها از جنبة وجودی و در نتیجه ، لزوم رفتار یکسان با آنها. تأکید بر برابری انسانها با یکدیگر پیشینه ای طولانی دارد، ولی در چند قرن گذشته ، بویژه بعد از انقلاب فرانسه و دورة روشنگری ، این اندیشه به نیرویی عمده برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی در اروپا و شمال امریکا تبدیل شده و بتدریج بر کشورهای غیر اروپایی نیز اثر گذاشته است > فرهنگ تاریخ عقاید < ، ذیل «برابری » . در دهه های اخیر، مجامع بین المللی ، به منظور تأکید بر برابری انسانها با قطع نظر از نژاد، رنگ ، طبقة اجتماعی ، مذهب ، ثروت ، مقام ، جنس و جز اینها، چندین مقاوله نامه و اعلامیه ، تصویب کرده اند (مدنی ، ج 7، ص 39ـ43).

آنچه در اندیشة برابری از دیر باز مطرح می شده ، جنبة نظری آن بوده است . باتوجه به این که امور در ظاهر با یکدیگر تفاوتهای محسوسی دارند، اعتقاد به برابری ، مستلزم فرعی دانستن تفاوتها و یکسان دیدن این اشیای بظاهر متفاوت و متنوّع از نگاهی کلّی است . با توجه به این نکتة مهم که «برابری حکم می کند تا افراد همسان از حقوق همسان برخوردار شوند» (ارسطو، ص 313)، پرسش جدّی این است که وجود تفاوتهای بسیار در نژاد، رنگ ، خصوصیات محیطی ، وضع تاریخی و سیاسی و مالی ، بهره هوشی ، قابلیّت فنّی ، ویژگیهای جسمی و سایر تفاوتهای میان انسانها، و نیز با تمایزهایی که در مراحل مختلف زندگی برای آنها پیش می آید (مانند کسب مهارت ، موفقّیت در امتحان ، شهروند یا بیگانه بودن ، التزام به قانون ، و فضیلتهای اخلاقی )، آیا همة انسانها باید در یک گروه قرار گیرند و قوانین و امکانات و فرصتها برای همة آنها یکسان باشد، یا آنکه در طبقات و گروههای متعدّد دسته بندی شوند و با افراد هر طبقه و گروه یکسان برخورد شود ( > فرهنگ تاریخ عقاید < ، همانجا). این پرسش ، بویژه از آنرو که با عدالت ارتباط دارد، حایز اهمیّت است . ارسطو (همانجا) با تصریح بر اینکه «هیچ حکومتی نپاید، مگر آنکه بر پایة دادگری استوار باشد»، تمایز بین برخی گروههای اجتماع را ضروری می دانست ، و نیز باور داشت که کسانی «بطبع ، سزاوار بندگی اند» و بنابراین ، بر آن بود که یونانیان می توانند آنان را به زیر فرمان آورند (همان ، ص 317). این نظر او بدان معنا بود که برابری همة انسانها در برخورداری از مواهب اجتماعی و سیاسی عادلانه نیست . سن سیمون ، فیلسوف فرانسوی (1760ـ1825)، نیز با این استدلال که نابرابری به صورت مشهود در طبیعت وجود دارد و هماهنگی با طبیعت لازم است ، از نابرابری انسانها در زندگی اجتماعی دفاع می کرد و البتّه ، بر لزوم برابری فرصتها به منظور رشددادن استعدادها تأکید می ورزید ( > فرهنگ تاریخ عقاید < ، ذیل «طبقه » ). اما برای مثال ، در دیدگاه مسیحیت ، همة انسانها از آنرو که آفریدگان خدا هستند، همسان تلقّی می شدند؛ یا حقوقدانان رومی ، انسانها را از لحاظ جوهر برابر می دانستند؛ و همین تلقّی بود که در اعلامیة حقوق بشر در 1948 تجلّی کرد (همان ، ذیل «برابری »).

در هر حال ، اعتقاد به برابری غالباً به منزلة نادیده گرفتن یا کوچک شمردن برخی تفاوتها و اصلی دانستن و بزرگ شمردن برخی دیگر است ؛ مثلاً ممکن است اختلاف نژادی یا قومی را اصل بگیرند و فقط افراد یک نژاد یا قوم را یکسان بینگارند. در برابر، ممکن است تفاوت در استعداد و قابلیت یا کار بر جسته را ملاک طبقه بندی قرار دهند و سایر تفاوتها را کنار بگذارند (همانجا). از این گذشته ، در سیر تاریخی اندیشة برابری ، گاهی فقط یکسانی مالی و اقتصادی وجهة نظر بوده است ، گاهی بر همسانی در برابر قانون تأکید می شده است ، گاهی از برابری فرصتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیر آن سخن می گفته اند و گاهی به برابری پاداش در برابر کار یکسان نظر داشته اند (همانجا).

در قرآن ، حدیث ، فقه و آرای دانشمندان مسلمان ، نکاتی از جنبه های نظری دربارة برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشة برابری دیده می شود. یکی از آیاتی که در این باره جلب توجه می کند، آیة 13 سورة حجرات است که به نصّ آن ، تفاوتهای ظاهری و طبیعی بین انسانها، چه از نظر جنس و چه از نظر نسبتهای خانوادگی ، قبیله ای و نژادی ، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است (وَجَعَلْنا کُم شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَع'ارَفُوا: و شما را جماعتها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید). لذا این اختلافات نه همسانی جوهری انسانها را نفی می کند و نه می تواند ملاک ارزشگذاری ، از جنبه های اخلاقی ، فقهی و حقوقی باشد. به گفتة مفسّران ، این آیه ، بویژه بر نکوهش فخر فروشی و برتری طلبی طبقاتی ، نژادی و نَسَبی تأکید کرده است (از جمله رجوع کنید به طبرسی ؛ فخر رازی ؛ مراغی ؛ طباطبائی ، ذیل آیه ). روایاتی نیز که از پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم در توضیح مراد این آیه یا به صورت مطلق نقل کرده اند همین نگرش را افاده می کند؛ از آن جمله است خطبة مشهور آن حضرت در حَجّة الوداع در مِنی ' (اِنَّ رَبَّکُمْ و'احِدٌ وَ اِنَّ اَباکُم واحِدٌ، و ا'دَمُ مِنْ تُرابٍ، لیس لِعَرَبّیٍ عَلی ' عَجَمِیٍّ فضلٌ اِلاّ بَالتَّقْوی '؛ ابن شعبه ، ص 29ـ30؛ متّقی ، ج 3، ص 93)؛ و نیز این جمله که همة مردم از دورترین زمان تاکنون ، همچون دندانه های یک شانه با یکدیگر برابرند (ابن بابویه ، ج 4، ص 379؛ مجلسی ، ج 22، ص 348؛ زُحَیلی ، ج 7، ص 230). همچنین است تأکیدی که حضرت علی علیه السّلام در عهدنامة مالک اشتر بر همسانی انسانها از نظر آفرینش داشته اند ( نهج البلاغة ، نامة 53). بنابر برخی احادیث ، تشریع احکامی مانند قصاص \* (مجلسی ، ج 101، ص 388 به نقل از امام سجّاد) و عباداتِ اجتماعی چون حجّ (همان ، ج 48، ص 141، به نقل از امام کاظم علیه السّلام ) از همین نگرش دربارة برابری حقیقی انسانها برخاسته است .

مؤلفّان و متفکران مسلمانی که در دهه های اخیر از برابری در اسلام بحث کرده اند، به این نکته توجّه داده اند که وجود اصول اساسی و مهمّی چون توحید در عبودیّت (برای نمونه رجوع کنید به آل عمران : 64؛ نساء: 36؛ انعام : 102 و برای موارد دیگر رجوع کنید به عبدالباقی ، ذیل «عبد»)، انتساب همة انسانها به یک منشأ (زمر: 6؛ نساء: 1؛ اعراف : 189، و انعام : 98: «وَهُوَالَّذی اَنْشَأکُمْ مِن نَفسٍ واحِدَةٍ») و مخلوق بودن همة آنها به دست یک آفریدگار (عبدالباقی ، ذیل «خلق ») که علاوه بر قرآن در حدیث (از جمله : حدیث حجّة الوداع در ابتدای مقاله ؛ مجلسی ، ج 10، ص 170 از پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم : اِنّی وَجَدْتُ اَصْلَ الْخَلْقِ التُرابَ ... خَلَقَهُمْ اِل'هٌ و'احِدٌ) بارها مطرح شده است ، و نیز «تکریم انسانها» (اسراء: 70) که همگانی است (طباطبائی ، ج 13، ص 155)، مقتضی برابری همة انسانها در برخورداری از زیر بنایی ترین حقوق فردی و جمعی ، مانند حقّ حیات ، امنیّت مالی و جانی ، حقّ تملّک و تصّرف و اکتساب ، حقّ کار و استحقاق اجرت و سایر حقوق و آزادیهای اساسی از دیدگاه اسلام است (سبحانی ، ج 2، ص 410؛ قطب ، ص 49ـ50،57ـ58؛ بغا، ص 289، 308؛ حکیمی ، ج 5، ص 152ـ165).

با اینهمه ، این نگاه برابر به انسانها به منزلة نادیده انگاشتن تفاوتهای موجود در میان آنها از نظر استعداد، لیاقت ، کوشش ، ارائه کار مفید، پاداش و نیز نفی فضایل و برتریهای فردی یا نفی درجات و مراتب اجتماعی نیست و به تعبیر برخی مؤلفان ، نادیده گرفتن این نکته در واقع ، ظلم به فرد و جامعه است (مطهری ، 1361 ش ، ص 89ـ92؛ منتظری ، ج 2، ص 189؛ بغا، ص 292؛ مدنی ، ج 7، ص 99). از آن بالاتر، به گفتة این مؤلفان تفاوت استعدادها و وجود رتبه ها و مقامات اجتماعی برای استقرار نظام اجتماعی اجتناب ناپذیر است . آیة 32 سورة زُخرف همین واقعیت را بیان می کند و در سخنان فلاسفه (برای نمونه رجوع کنید به نصیرالدین طوسی ، ص 251: لَوْ تَس'اوَی الناّسُ لَهَلَکوُا) نیز تصریحات و اشاراتی به این امر دیده می شود. مطهری (1361 ش ، ص 86ـ89) بر همین اساس ، مراد از برابری در عرصة زندگی اجتماعی را برابری در فرصتها و امکانات می داند تا هر کس به فراخور قابلیّت و کوشش خود از این فرصتها بهره بگیرد.

در واقع ، این بحث به این دیدگاه باز می گردد که برابری در نظام حقوقی و فقهی اسلام ، تحت شعاع اصلی مهمتر و اساسیتر، یعنی عدالت قرار دارد؛ زیرا هدف نهایی از آمدن پیامبران و تنها عامل اصلاح جامعه از نگاه دینی تحقّق قسط و عدالت اجتماعی است (برای آیات رجوع کنید به سبحانی ، ج 2، ص 418ـ420؛ منتظری ، ج 2، ص 185ـ187 و برای احادیث رجوع کنید به حکیمی ، ج 6، ص 324 به بعد).

هر چند، یکی از معانی واژة «عدل » و برخی مشتقّات آن در لغت (رجوع کنید به ابن فارس ؛ طریحی ؛ فیروزآبادی ، ذیل «عدل ») و قرآن کریم و احادیث (رجوع کنید به راغب اصفهانی ؛ طریحی ؛ ابن منظور، ذیل همان واژه )، مساوات و برابری ذکر شده است و در احادیث متعدّدی این دو واژه با هم آمده اند (مانند « الاّ علی ' عدلٍ و سواء» رجوع کنید به کلینی ، ج 5، ص 31؛ طوسی ، ج 6، ص 140ـ141؛ «القَسْم بالسّویّه و العَدْل فی الرّعیّة » رجوع کنید به مجلسی ، ج 41، ص 106ـ107، 111، ج 35، ص 346) و گاهی واژة «عدل » به معنای برابری به کار رفته است (از جمله : «فاتّقوا اللّه و اَعدلوا بینَ اولادکم ...» رجوع کنید به شهید ثانی ، ج 3، ص 194؛ «وَ اَنْ یقسَّم النّظر فیما بینهُما بالعدل » رجوع کنید به حکیمی ، ج 6، ص 408 و موارد دیگر)، اما مفهوم عدالت در متون اسلامی و نیز نزد فلاسفه و حقوقدانان مسلمان عیناً مترادف برابری نیست بلکه عدالت به معنای دادن هر حقّی به صاحب آن است (اِعطاء کلّ ذی حقٍّ حقَّه ؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، ص 201 به بعد؛ نیز دربارة منشأ ایجاد حقّ از نظر اسلام رجوع کنید به همان ، ص 217ـ218؛ مطهری ، 1361 ش ، ص 44ـ55). نهایت اینکه در شرایط یکسان ، مقتضایِ عدالت ، برابری در حقوق و تکالیف است (مطهری ، 1361 ش ، ص 89؛ قس : ارسطو، ص 313) همچنانکه در بسیاری موارد، لازمة عدالت نابرابری و تفاوت گذاشتن است (مطهری ، 1361 ش ، همانجا؛ منتظری ، ج 2، ص 189).

بنابراین ، از آنجا که برابری از نظر دانشمندان اسلامی از لوازم و شاخه های عدالت است (سبحانی ، ج 2، ص 416)، آنچه در مرحلة وضع قوانین اهیمت می یابد تحقّق عدالتِ حقوقی و ایجاد تعادل و تشابه میان حقوق ، مسئولیتها و تکالیفِ هر فرد است نه برابری همة قوانین نسبت به تمامی افراد.

به عبارت دیگر، برابری در حقوق اسلامی را می توان در دو عرصه مورد توجّه قرار داد: 1)برابری افراد در برابر قانون موجود یا اجرای یکسان و بی تبعیض هر حکم قانونی نسبت به مصادیق موضوع آن ؛ 2)برابریِ احکام و قوانین نسبت به تمامی افراد به طوری که همة افراد و گروههای بشر مشمول قوانینی یکسان با عناوینی کلّی و عام باشند و هر حکم قانونی بتواند بالقوّه شامل هر فرد انسان شود.

فقها و متفکران مسلمان نسبت به وجود نوع نخستِ برابری در قانونگذاری اسلام تردید نکرده اند تا آنجا که برخی از آنان مراد از برابری و مساوات ، یا دست کم مصداق بارز آن را منحصراً همین امر دانسته اند. نایینی (ص 69ـ71) برابری را اجرای یکسان و بدون تبعیض عناوین احکام ، چه عناوین عام و مشترک میان همة افراد انسان و چه عناوین خاصّ نسبت به افراد موضوعِ خود دانسته است . از این گذشته ، عده ای ازمؤلفان ، گسترة برابری در فقه را فراختر از این شمرده و به عرصة دوم یعنی «یکسان بودن قوانین برای همة افراد» تعمیم داده اند. از جمله دلایل و شواهد اقامه شده بر وجود این نوع برابری در حقوق اسلامی ، تعابیر عام قرآن و حدیث - (مانند: یا ایّها النّاس ، یا ایّهاالّذین آمنوا) و نیز شیوة کلی بیان احکام و تکالیف در منابع فقهی است (عودة ، ج 1، ص 339، سبحانی ، ج 2، ص 416؛

بغا، ص 289؛

قطب ، ص 49). این محققّان ، وجود مواردی از نابرابری حقوقی میان افراد و گروههای جامعه را، به دلیل برخی تفاوتها، بر پایة اصل مهّم و بنیادین «عدالت » توضیح داده اند. برای مثال ، به موجب فقه اسلامی ، غیر مسلمانان مقیم در جامعة اسلامی از حقوق عام مدنی و اساسی ، از قبیل حقّ مالکیت و تصرّف ، حقّ حیات ، حقّ امنیت جانی و شغلی ، حقّ دادخواهی از دادگاه برخوردارند (بنابر روایتی از حضرت علی علیه السّلام : «لَهُ لَن'ا وَ عَلَیْهِ م'ا عَلَیْنا مُسْلِماً کان او کافراً» رجوع کنید به حکیمی ، ج 1، ص 381ـ382). در پاره ای موارد نیز که ادّعای نابرابری میان احکام ویژة مسلمانان و اقلیتهای دینی شده است ، مذاهب مختلف اسلامی اختلاف نظر دارند و بعلاوه ، گاه این نابرابری به سود غیر مسلمانان است (در این باره و نیز برای مقایسة احکام قصاص و کیفر فحشاء رجوع کنید به عودة ، ج 1، ص 339ـ340؛

زحیلی ، ج 6، ص 42، 269؛

شهید ثانی ، ج 10، ص 54؛

نجفی ، ج 15، ص 91). از آن مهمتر، یکی از ادلّة فقها دربارة مواردی از این نابرابری ، با استناد به آیة 141 نساء، اصل عدم سلطة کافران بر مؤمنان است (و لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلکافِرینَ عَلَی المُؤْمنینَ سَبیلاً رجوع کنید به نجفی ، ج 15، ص 91؛

زحیلی ، ج 8، ص 134) و این لازمة جدّی بقای جامعة دینی است .

همچنین فقها و محقّقان با بیان این نکته که در اسلام بر اشتراک و برابری زن و مرد در حیثیت انسانی و پاداش اخروی تأکید شده است ، به برابریِ آن دو در قوانین از کرامت انسانی و قوانین عام مدنی و اساسی اشاره کرده و دربارة احکام نابرابر در حق زن و مرد، با الهام از احادیث ، به حکمت تشریع آن احکام توجّه کرده این نابرابری را ناشی از تفاوتهای غریزی و طبیعی ـ اعّم از جسمی و روانی ـ میان آن دو دانسته اند. به عبارت دیگر، از نظر فقها وجود این تفاوتها لازمة عدالت است . به عقیدة آنان ویژگیهای طبیعی ، اعمّ از جسمی و روانی در هر یک از این دو جنس ، موجِب شده است که مرد در وظایفی مانند تأمین نفقة خانواده ، جهاد، قضاوت ، شهادت و طلاق نقش بیشتر یا انحصاری داشته باشد و در برابر، حق دخالت زن در حضانت \* و تربیت فرزند و مادری افزایش یافته و در نتیجه حقوق آنان دربارة ارث \* ، قصاص و دیه \* نابرابر شده است (مطهری ، 1357 ش ، ص 121 به بعد؛

قطب ، ص 53ـ54؛

عودة ، ج 1، ص 27ـ 28؛

مدنی ، ج 7، ص 100). ازینرو، این محقّقان با یادآوری نقش تاریخی و اساسی اسلام در ایجاد برابری در حقوق بنیادین و تکالیف زن و مرد، مجموعة حقوق هر یک از آن دو و مسئولیتها و تکالیف آنها را برابر و متعادل دانسته اند (بقره : 228: «وَ لَُهنَّ مثلُ الذَّی عَلَیْهِنَّ بالمَعْروف » رجوع کنید به عودة ، ج 1، ص 27؛

مطهری ، 1357 ش ، ص 112ـ113؛

قطب ، ص 54ـ55؛

و نیز رجوع کنید به حقوق زن \* ). در هر حال ، گسترة برابری در اسلام ، هم شامل خودِ احکام و قوانین است و هم شامل اجرای قانون نسبت به مشمولان خود.

اصل برابری افراد از نظر کرامت انسانی و عدم رجحان جان ، مال و حیثیتِ یک فرد بر فرد دیگر در گزارشهای روشنی که در سیرة پیامبر بر جای مانده و در بسیاری از احکام فقهی مشهود است . احکام و مقرّرات در منابع فقهی و اصولی ، به تبعِ آیات و احادیث ، به صورت کلّی و خطاب به تمامی افراد بشر، یا دست کم مسلمانان و مؤمنان ، است و تنها در پاره ای احکام ، به سبب برخی مصالح و به اقتضای عدالت ، گروههایی خاص مورد خطاب قرار گرفته اند (به فرمودة امام صادق علیه السّلام : «لِاَنَّ حُکْمَ اللّهِ فی الاَوّلینَ والا´خِرینَ و فرائِضَهُ علیهم سواءٌ اِلاّ' مِنْ عِلةٍ اوح'ادِثٍ ... رجوع کنید به مجلسی ، ج 2، ص 280).

همچنین در قرآن و احادیث ، از برابری همه افراد، از زن و مرد، نزد خدا و نیز برابری پاداش و کیفر کارهای آنان سخن رفته است (از جمله : زلزال : 7ـ 8. فَمَنْ یَعْمَلْ مِثقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ ... ؛

اعراف : 147؛

سبأ: 33؛

آل عمران : 195؛

و بنا به روایتی پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه وآله وسلّم : کُلُّکُمْ فی الاجرِ سَواءٌ رجوع کنید به مجلسی ، ج 93، ص 26).

در سنّتِ پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم و حضرت علی علیه السّلام ، و در احادیث و فقه اسلامی بر برخی از مصادیق برابری ، چه در احکام چه در اجرای قانون ، تصریح و تأکید خاص شده است ؛

از جمله : برابری افراد در برخی حقوق و احکام اقتصادی (مانند سهم یکسان همگان از بیت المال ) و مسئولیت و اختیارات سیاسی ، لزوم اجرای یکسان و بی تبعیض قانون نسبت به مشمولان آن زیر نظر حاکم اسلامی ، و برابریِ طرفینِ دعوا نزد قاضی در دادگاه . در منابع حدیثی و تاریخی نمونه هایی از سخنان و سیرة پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم دربارة اِعمال اصل برابری در تقسیم اموال عمومی دیده می شود؛

مانند تقسیم یکسان غنایم جنگی میان جهادگران در جنگها (تستری ، ج 2، ص 202؛

مجلسی ، ج 19، ص 211ـ212، ج 27، ص 244، ج 33، ص 327). بنا به حدیثی ، آیة 58 سورة توبه دربارة شخصی نازل شده است که مدعی بود حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه وآله وسلّم اصل برابری را رعایت نمی کرده است (مجلسی ، ج 22، ص 37ـ 38). به طور کلی ، رعایت برابری در تقسیم اموال بیت المال از اهمّ نکاتی است که در سیرة حضرت رسول گزارش شده است (رجوع کنید به همان منابع ؛

طوسی ، ج 6، ص 146)؛

همچنانکه حضرت علی علیه السّلام بارها در خطبه ها و مناظرات خود به سیرة آن حضرت استناد جسته اند (ابن ابی الحدید، ج 7، ص 41؛

مجلسی ، ج 32، ص 16). در سیرة اجتماعی و سیاسی حضرت علی علیه السّلام نیز اصرار و تأکیدی خاص به برابریِ حقوق افراد از بیت المال به چشم می خورد. او در خطبة خود به مناسبت درخواست مردم برای پذیرش منصب خلافت ، بر لزوم استرداد اموال دنیاپرستان به بیت المال و اعطای حقّی برابر با دیگران به آنان تأکید کرد (مجلسی ، ج 32، ص 16، 133ـ134؛

ابن ابی الحدید، ج 7، ص 35ـ42) و پس از تصدّی امر خلافت ، در هنگام تقسیم اموال ، به خزانه دارش ، ابن ابی رافع \* ، دستور داد که سهم هر یک از مهاجران و انصار را به طور برابر سه دینار بپردازد. البته این نگاه برابر، از همان روز نخست با اعتراض برخی صحابیان ، که به استناد سوابق خود سهم بیشتری می خواستند، روبرو شد. به عقیدة برخی دانشمندان (مجلسی ، ج 27، ص 245؛

نایینی ، ص 32؛

تستری ، ج 2، ص 197ـ 198؛

ابن ابی الحدید، ج 2، ص 197ـ 198؛

مطهّری ، 1361 ش ، ص 17ـ 18) همین سیرة برابری خواهانة امیر مؤمنان ، مهمترین عامل آزردگی اشراف و ثروتمندان عرب از ایشان و بر پا داشتن جنگ و گرویدن برخی از آنان به معاویه بود. حتی گاهی در مناظرات خود با آن حضرت به این امر تصریح می کردند و برابری عمومی را ناصواب می خواندند (رجوع کنید به ابن ابی الحدید، ج 7، ص 41؛

مجلسی ، ج 32، ص 16، 110).

فشار اجتماعی و سیاسی این اعتراضات چنان بود که برخی از یاران امام ، با این استدلال که برابری عرب و غیرعرب خشم قریش را بر انگیخته است ، خواستار تجدید نظر در این شیوه شدند. اما امام در پاسخ خواستة خیرخواهانة این گروه و نیز به منظور پیشگیری از تندرویهای اشراف عرب و بزرگان صحابه ، با سخنرانی در مسجد، و استناد به قرآن و سیرة پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه وآله وسلّم ، بر تداوم سیاست خود تأکید کرد ( نهج البلاغة ، خطبة 126، نامة 70؛

مجلسی ، ج 41، ص 110ـ 111، 116، 122، ج 75، ص 96). به نقل برخی از مورّخان ، آن حضرت پس از پایان جنگ جمل ، در تقسیم غنایم میان بردگان و غیربردگان تفاوتی نگذاشت (تستری ، ج 2، ص 202)، بعلاوه ، خواستة برخی یاران و خویشاوندان خود از جمله عقیل بن ابیطالب ، عاصم بن میثم و عبدالّله بن زمعه را در خصوص افزایشِ سهمشان از بیت المال نپذیرفت ( نهج البلاغة ، خطبة 224، 232؛

تستری ، ج 2، ص 216).

برخی از دانشمندان با استناد به سیرة پیامبر صلّی اللّه علیه و آله وسلّم و حضرت علی علیه السلام و احادیث (از جمله حدیثی از امام باقر علیه السلام رجوع کنید به مجلسی ، ج 27، ص 244)، رعایت و نظارت بر برابری در تقسیم اموال عمومی را از وظایف حاکم اسلامی دانسته اند (حرّ عاملی ، ج 15، ص 105 به بعد؛

نجفی ، ج 7، ص 593؛

حکیمی ، ج 6، ص 309). به نظر بعضی نویسندگان (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، ص 232؛

حکیمی ، ج 5، ص 151ـ152، ج 6، ص 115، 379) هر چند در اسلام نظریة برابری مالی افراد مطرح نشده است ، می توان گفت با مقرّر کردن حقوق برابر در اموال عمومی و نیز تشریع احکام حقوقی و اخلاقی مانند خمس ، زکات و انفاق برای توانگران واقدامات دیگر، اهدافی را پیگیری کرده است که به از میان رفتن فقر مادّی و ایجاد برابری نسبی ، بویژه از نظر امکانات و فرصتها می انجامد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام (مجلسی ، ج 93، ص 371) علت تشریع روزه ایجاد برابری میان اغنیا و فقرا دانسته شده است ؛

همچنانکه یکی از ویژگیهای حکومت حضرت مهدی عجل اللّه تعالی فرجه «تقسیم برابرِ اموال » (همان ، ج 51، ص 29، 81، 84، 92، ج 52، ص 351، 385) ذکر شده است .

به موجب حدیث مشهور نبوی («النّ'اسُ شُرَکاءٌ (یا: سَو'اءٌ) فی ثَلاثٍ: النّارُ و الماءُ و الکلاء» رجوع کنید به همان ، ج 63، ص 446؛

طوسی ، ج 7، ص 146) تمامی مردم در آب رودخانه ها و چشمه ها، چاهها و نیز گیاهان خودرو، از نظر اباحه و حقّ بهره برداری ، شریک و دارای حقوقی برابرند، و این اموال به فتوای بیشتر فقهای شیعه و عامّه غیر قابل تملّک و تملیک فردی است (رجوع کنید به نجفی ، ج 8، ص 176، 180؛

زحیلی ، ج 5، ص 542، 594، 597؛

ابن قدامه مقدسی ، ج 4، ص 21).

از دیگر مصادیق برابری در حقوق اسلامی ، برابری افراد در برخی احکام سیاسی است . در منشوری ، که پیامبر اسلام خطاب به مهاجران و انصار دربارة چگونگی رفتار متقابل آنان با یهود اعلام کردند، تعبیراتی متضمّن برابری مسلمانان با یکدیگر و با یهودیان ، بویژه از نظر حرمت مال ، جان و دین و نیز انجام مصالحه و معاملة عادلانه و برابر با هم ، وجود دارد. همچنین بخشی از این منشور (لا'یُسالِمُ مُؤمنٌ دونَ مؤمنٍ فی قتالٍ فی سبیل اللّ'ه الاّ' علی عدلٍ و سَواءٍ؛

رجوع کنید به طوسی ، ج 6، ص 140ـ141؛

کلینی ، ج 5، ص 31؛

نیز برای منابع اهل سنّت رجوع کنید به مجلسی ، ج 19، ص 168ـ170، پانویس به نقل از السیرة النبویة ابن هشام ) دالّ بر حقّ مشارکتِ برابر فرد فرد مسلمانان در تصمیم گیری برای مصالحه با دشمن است ؛

هر چند انعقاد پیمان مصالحه به عهدة امام یا نایب اوست (نجفی ، ج 7، ص 651؛

زحیلی ، ص 437). بعلاوه ، فقهای شیعه و اهل سنّت به استنادِ قرآن (توبه : 6) و احادیث (از جمله : ذِمَّةُ المسلمینَ واحدةٌ یَسْعی ' بِهااَدْناهُمْ؛

... یَسْعی ' بِذِمَّتهِم اَدناهُم رجوع کنید به حرّ عاملی ، ج 15، ص 66ـ69؛

طوسی ، ج 6، ص 140؛

کلینی ، ج 5، ص 30؛

زحیلی ، ج 6، ص 432) و نیز سیرة پیامبر صلّی اللّه علیه وآله و سلّم چنین نظر داده اند که هر یک از مسلمانان ـ زن یا مرد، برده یا غیر برده ، و حتی کودک ممیّز به نظر برخی مذاهب ـ در هنگام جنگ می تواند با انعقاد عقد امان \* با افراد معدودی از کافران (کمتر از ده نفر)، آنان را پناه دهد (برای شرایط و تفاصیل مطلب رجوع کنید به شمس الائمه سرخسی ، ج 10، ص 72؛

ابن قدامه ، ج 10، ص 432؛

زحیلی ، ج 6، ص 429ـ437؛

نجفی ، ج 7، ص 536 به بعد).

همچنین از آنجا که وجود تبعیض و نابرابری در اجرای قوانین ، موجبِ سستی قانون و نقض غرض از قانونگذاری و آثار نامطلوب دیگر می شود (سبحانی ، ج 2، ص 410)، در فقه بر رفع تبعیضها و اختلافات ناروا و اجرای برابر قانون نسبت به همة افراد جامعه سخت تأکید شده است .

پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم ، به منظور ایجاد روح برابری در میان مردمی که غرق در امتیاز طلبیهای قبیله ای و نژادی و فخرفروشیهای دوران جاهلیت بودند، به اقداماتی اساسی مبادرت کردند، از جمله اصرار بر اصل برابری در اجرای قانون (به فرمودة علی علیه السّلام : «عَمَّمتَ حتی ' صار النّاسُ فیک سِواءٌ رجوع کنید به نهج البلاغة ، خطبة 235؛

مجلسی ، ج 22، ص 527؛

نیز دربارة نامة سلمان به عمر در این خصوص رجوع کنید به مجلسی ، ج 22، ص 360) و ردّ هر گونه میانجیگری برای تعلیق اجرای احکام کیفری ، از جمله دربارة کیفر سرقت زنی از اشراف قریش ، کیفر دزدیِ کنیز همسرشان امّ سلمه (رجوع کنید به بخاری جعفی ، ج 4، ص 213؛

حرّ عاملی ، ج 28، ص 42). اقدامات دیگر آن حضرت ، ایجاد پیوند خانوادگی بین افراد قبایل و خانواده های مختلف با طبقات اجتماعی متفاوت بود، مانند پیشنهاد ازدواج جُوَیْبِر فقیر و سیاه پوست با ذَلْف'اء دختر زیادبن لُبَیلْ، از بزرگان و ثروتمندان مدینه ، که آن حضرت در برابر تعّجبِ جویبر از این پیشنهاد، برابری و همسانی افراد بشر را در منشأ و اصل آفرینش یادآور شدند (مجلسی ، ج 22، ص 118ـ119؛

کلینی ، ج 5، ص 339ـ341)؛

اقدام به خواستگاری و تزویج دختر عمة خود زینب برای زیدبن حارثه ، که فرزند خواندة آن حضرت بود، و موارد بسیار دیگر. زحیلی (ج 7،ص 244ـ245) با بر شمردن شماری از این پیوندهای ازدواج ، شرط بودن «کَفائت \* در نَسَب » (خویشاوند بودن زوجین ) را در عقد نکاح انکار و نیز در صحّتِ روایاتی که داّل بر برتری قریش بر سایر مردم عرب یا عرب بر عجم است ، مناقشه کرده است . حتی معدودی از فقهای اهل سنّت با استناد به ادلّة برابری ، کفائت را نه شرط صحّت ازدواج شمرده اند و نه شرط لزوم آن (همان ، ص 230)؛

همچنانکه فقهای امامی ، کُفوْ بودن را تنها از نظر همدین بودن شرط می دانند (مغنیه ، ص 42؛

شهید ثانی ، ج 5، ص 234ـ236).

به نوشتة مطهری (1361 ش ، ص 98ـ99)، جنبه های مختلفی از سیرة پیامبر مانند نشستن در مجالس به صورت دایره و به دور از تشریفات ، نشستن بر روی خاک ، انجام کارهای شخصی با دست خود و جز اینها ـ علاوه بر جنبة اخلاقی و تواضع ـ از نظر آثار اجتماعی و تأثیر آن بر رفع تمایزات ناپسند و ایجاد برابری قابل تأمّل است . همچنانکه در احادیث ، تأثیر متقابل برابریِ اجتماعی بر برادری و همبستگی اجتماعی و نیز نقش آن در اصلاح اخلاق ناپسند فردی و اجتماعی چون تکبّر، عصیان و کینه جویی تصریح شده است (همان ، ص 69ـ71؛

حکیمی ، ج 5، ص 107ـ109؛

نیز برای احادیث رجوع کنید به مجلسی ، ج 66، ص 13، ج 71، ص 226ـ227، ج 89، ص 249).

بنا به متون تاریخی و حدیثی ، پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه وآله وسلّم و حضرت علی علیه السّلام بارها تصریح کرده اند که حتی اگر نزدیکترین افراد به آنان مانند فرزندانشان مرتکب خلاف قانون بشوند، از شمول قوانین و کیفر مستثنی نخواهند بود (برای سخن آن حضرت دربارة دخترشان فاطمه سلام الله علیها رجوع کنید به بخاری جعفی ، ج 4، ص 213ـ214؛

نایینی ، ص 31ـ32؛

و برای سخن حضرت علی علیه السلام دربارة امام حسن و امام حسین علیهماالسلام رجوع کنید به نهج البلاغه ، نامة 41، و دربارة یکی از دختران خود رجوع کنید به طوسی ، ج 10، ص 151). بعلاوه ، آنان چه بسا احکام الهی را ابتدا دربارة خود یا نزدیکانشان اجرا می کردند و سپس دربارة دیگران (برای نمونه رجوع کنید به سبحانی ، ج 2، ص 414) و هیچ امتیازی برای خود قایل نبودند؛

در این باره اعلام آمادگی رسول اکرم در روزهای آخر عمر برای ادای حقوق احتمالی مردم (طبری ، ج 2، ص 227، سبحانی ، ج 2، ص 413) و نیز حضور حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت خود نزد قاضی به موجب ادّعایِ کذب یک یهودی (که منجر به اسلام آوردن او شد رجوع کنید به مجلسی ، ج 41، ص 56ـ57) در خور ذکر است . به گفتة برخی نویسندگان (مطهری ، 1361 ش ، ص 54؛

لوبون ، ص 159، 764؛

بغا، ص 309ـ310، زحیلی ، ج 7، ص 245) رعایت اصل برابری میان مردم عرب و تازه مسلمانان غیرعرب یکی از عوامل مهم جذب مردم و ملتها به اسلام بوده است .

همچنین حضرت علی علیه السّلام ضمنِ التزام عملی خود به اصل برابری در اجرای قانون و عدم پذیرش هر گونه میانجیگری در این زمینه (از جمله اجرای حدّ شرب خمر بر نجاشی علی رغم اعتراض نزدیکان او رجوع کنید به مجلسی ، ج 33، ص 272ـ273، ج 41، ص 9)، به خلفای وقت (دربارة توصیه به خلیفة دوم رجوع کنید به طوسی ، ج 6، ص 227) و نیز کارگزارانِ خود (از جمله : مالک اشتر، اسودبن قُطبَة و حُذیفه رجوع کنید به نهج البلاغة ، نامة 53، 59؛

مجلسی ، ج 28، ص 88) نسبت به رعایت این اصل برای آحاد مردم ، حتی در اموری مانند نگاه ، اشاره و سلام کردن سفارش می کردند (رجوع کنید به نهج البلاغة ، نامة 27، 46؛

مجلسی ، ج 33، ص 540) و در موارد اِعمال تبعیض ، با توبیخِ آنان ، خواستار جبران خسارات وارده می شدند؛

از جمله مَصْقَلَة بن هُبَیْرة شیبانی ، حاکم اردشیر خرّه (فیروزآباد فارس )، برای تقسیم فَیْء \* میان خویشاوندانش ( نهج البلاغة )، نامة 43) و نیز مؤاخذه خزانه دارشان ، ابن ابی رافع ، در ماجرای عاریه دادن گردنبندی از بیت المال به یکی از دختران امام (رجوع کنید به طوسی ، ج 10، ص 151).

بنا به احادیث و فقه ( نهج البلاغة )، نامة 50، 59؛

مجلسی ، ج 32، ص 416، ج 72، ص 354، 356؛

منتظری ، ج 2، ص 190؛

سبحانی ، ج 2، ص 409؛

زحیلی ، ج 6، ص 719)، حاکم اسلامی مکلّف به رعایت برابری در اجرای قوانین نسبت به عموم افراد با قطع نظر از نژاد، رنگ ، زبان ، وابستگی قبیله ای و خانوادگی ، غنا و فقر، مقام اجتماعی و حتی نیکوکار یا بدکار بودن افراد است ، و این از حقوق مردم بر والی است .

از مصادیق بارز برابری در فقه ، برابری طرفین دعوا در برابر دادگاه و قاضی است . فقهای عامّه و بعضی فقهای امامی با استناد به احادیثی از پیامبر صلّی اللّه علیه وآله وسلّم و حضرت علی علیه السّلام (فَلْیُواسِ بَیْنَهُم فیِ الاِشارةِ و النَّظَرِ ...؛

برای احادیث و مدارک آن رجوع کنید به نجفی ، ج 14، ص 83ـ84؛

زحیلی ، ج 6، ص 500) گفته اند که رعایت برابری میان طرفین دعوا در اموری مانند اجازة ورود به دادگاه ، محلّ نشستن ، ایستاده یا نشسته بودن و نیز دربارة رفتار قاضی با آنان از جمله سلام دادن ، پاسخ سلام گفتن ، اشاره ، نگاه ، استماع سخنان آنان و هر گونه توجه نسبت به آن دو بر قاضی واجب است . شماری از فقها نیز به استحباب این کارها نظر داده اند (زحیلی ، ج 6، ص 499ـ 501؛

الموسوعة الفقهّیة ، ج 11، ص 357ـ358؛

شهید ثانی ، ج 3، ص 72؛

نجفی ، ج 14، ص 83ـ85).

در سنّت و احادیث پیشوایان دین علیهم السّلام ، و به تبع آن در فقه ، دربارة اصل رعایت برابری در رفتار اجتماعی ، از جمله در زمینه های آموزشی و تربیتی ، نکات فراوانی آمده که بعضی درخور اشاره است : یکسان نگریستن پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله وسلّم به یاران خویش ، (کلینی ، ج 2، ص 671) و یکسان گوش دادن به سخنان و اظهارات ایشان (رجوع کنید به مجلسی ، ج 16، ص 153)؛

توصیه کردن ایشان به رعایت برابری در آموزش کودکان (طوسی ، ج 6، ص 364) و نیز دربارة بخشش و هدیه به آنها و وجوب یا استحباب آن بنابر مذاهب مختلف (شهید ثانی ، ج 3، ص 193ـ194؛

الموسوعة الفقهیّة ، ج 11، ص 359ـ360)؛

و وجوب تقسیم برابر زکات میان گروههای هشتگانه بنابر برخی مذاهب اهل سنّت ( الموسوعة الفقهیّة ، ج 11، ص 355ـ356؛

و نیز رجوع کنید به زکات \* ).

منابع :

(1) علاوه بر قرآن ؛

(2) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة ، مصر 1959ـ1964؛

(3) ابن بابویه ، من لایحضره الفقیه ، قم 1363 ش ؛

(4) ابن شعبه ، تحف العقول عن آل الرسول (ص ) ، بیروت 1394/1974؛

(5) ابن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، بیروت 1411/1991؛

(6) ابن قدامه ، المغنی ، بیروت 1403/1983؛

(7) ابن قدامه مقدسی ، الشرح الکبیر ، در ابن قدامه ، المغنی ، بیروت 1403/1983؛

(8) ابن منظور، لسان العرب ، بیروت 1408/1988؛

(9) ارسطو، سیاست ، ترجمة حمید عنایت ، تهران 1358 ش ؛

(10) محمدبن اسماعیل بخاری جعفی ، صحیح البخاری ، استانبول 1981؛

(11) مصطفی بغا، بُحوث فی نظام الاسلام ، چاپ خالدبن ولید، دمشق 1403/1983؛

(12) محمدتقی تستری ، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة ، تهران 1390ـ1400؛

(13) محمدبن حسن حرّ عاملی ، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة ، قم 1409ـ1412؛

(14) محمدرضا حکیمی ، محمد حکیمی ، و علی حکیمی ، الحیاة ، تهران 1358ـ 1368 ش ؛

(15) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، گروه حقوق و علوم سیاسی ، درآمدی بر حقوق اسلامی ، تهران 1368 ش ؛

(16) حسین بن محمد راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، چاپ محمد سید کیلانی ، ؛

(17) وهبه مصطفی تهران 1409/1989؛

(18) ( 1332 ش ) زحیلی ، الفقه الاسلامی و ادلّته ، دمشق جعفر سبحانی تبریزی ، مفاهیم القرآن فی معالم الحکومة الاسلامیة ، قم 1364 ش ؛

(19) محمدبن احمد شمس الائمه سرخسی ، کتاب المبسوط ، بیروت 1406/1986؛

(20) زین الدین بن علی شهید ثانی ، الروضة البهیّة فی شرح اللّمعة الدمشقیّة ، چاپ محمد کلانتر، نجف 1387/1967؛

(21) محمدحسین طباطبائی ، المیزان فی تفسیر القرآن ، بیروت 1390ـ1394/ 1971ـ1974؛

(22) فضل بن حسن طبرسی ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی ، بیروت 1408/1988؛

(23) محمدبن جریر طبری ، تاریخ الامم و الملوک ، بیروت 1408؛

(24) فخرالدین بن محمد طریحی ، مجمع البحرین ، تهران 1365 ش ؛

(25) محمدبن حسن طوسی ، تهذیب الاحکام ، چاپ حسن موسوی خرسان ، بیروت 1401/1981؛

(26) محمد فؤاد عبدالباقی ، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم ، قاهره 1364؛

(27) علی بن ابی طالب (ع )، امام اول ، نهج البلاغة ، چاپ صبحی صالح ، قاهره 1411/1991؛

(28) عبدالقادر عودة ، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی ، بیروت ( بی تا. ) ؛

محمدبن عمر فخر رازی ، التفسیر الکبیر، قاهره ، ( بی تا. ) ، چاپ

(29) افست تهران ( بی تا. ) ؛

(30) محمدبن یعقوب فیروزآبادی ، القاموس المحیط ، بیروت 1407/1987؛

(31) سید قطب ، العدالة الاجتماعیّة فی الاسلام ، مصر 1377/1958؛

(32) محمدبن یعقوب کلینی ، الکافی ، چاپ علی اکبر غفاری ، بیروت 1401؛

(33) گوستاولوبون ، تمدّن اسلام و عرب ، ترجمة هاشم حسینی ، تهران 1364 ش ؛

(34) علی بن حسام الدین متقی ، کنزالعمال ، ج 3، چاپ صفوة سقا، بیروت 1405/1985؛

(35) محمد باقربن محمدتقی مجلسی ، بحارالانوار ، بیروت 1403/1983؛

(36) جلال الدین مدنی ، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران ، ج 7 : حقوق و آزادیهای افراد ملت ، تهران 1369 ش ؛

(37) احمد مصطفی مراغی ، تفسیر المراغی ، بیروت 1985؛

(38) مرتضی مطهری ، بیست گفتار ، قم 1361 ش ؛

(39) همو، نظام حقوق زن در اسلام ، قم 1357 ش ؛

(40) محمد جواد مغنیه ، الاحوال الشخصیّة علی المذاهب الخمسة ، بیروت 1964؛

(41) حسینعلی منتظری ، ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیّة ، قم 1408؛

(42) الموسوعة الفقهیّة ، کویت 1408/1988؛

(43) محمد حسین نایینی ، تنبیه الامُة و تنزیه الملّة ، یا، حکومت از نظر اسلام ، به ضمیمه مقدمه و با صفحه و توضیحات بقلم محمود طالقانی ، تهران 1361 ش ؛

(44) محمد حسن بن باقر نجفی ، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ، بیروت 1412/1992؛

(45) محمدبن محمد نصیرالدین طوسی ، اخلاق ناصری ، چاپ مجتبی مینوی و علیرضا حیدری ، تهران 1360 ش ؛

(46) Dictionary of the history of ideas , ed, Philip P. Wiener, New York 1973, s. vv. "Class" (by Lewis A. Coser), "Equality" (by R. R.Palmer).

/ رضا هاشمی /

### دانشنامه جهان اسلام

مقاله برابری در این سایت

https://rch.ac.ir/article/Details/6233?%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

برابری

رضا هاشمی

نظریه‌ای‌ بر پایة‌ اعتقاد به‌ همانند بودن‌ انسانها از جنبة‌ وجودی‌ و در نتیجه‌، لزوم‌ رفتار یکسان‌ با آنها

متن

برابری‌ ، نظریه‌ای‌ بر پایة‌ اعتقاد به‌ همانند بودن‌ انسانها از جنبة‌ وجودی‌ و در نتیجه‌، لزوم‌ رفتار یکسان‌ با آنها. تأکید بر برابری‌ انسانها با یکدیگر پیشینه‌ای‌ طولانی‌ دارد، ولی‌ در چند قرن‌ گذشته‌، بویژه‌ بعد از انقلاب‌ فرانسه‌ و دورة‌ روشنگری‌، این‌ اندیشه‌ به‌ نیرویی‌ عمده‌ برای‌ تغییرات‌ اساسی‌ در حقوق‌ عمومی‌ و سیاسی‌ در اروپا و شمال‌ امریکا تبدیل‌ شده‌ و بتدریج‌ بر کشورهای‌ غیر اروپایی‌ نیز اثر گذاشته‌ است‌ ) فرهنگ‌ تاریخ‌ عقاید ( ، ذیل‌ «برابری‌» . در دهه‌های‌ اخیر، مجامع‌ بین‌المللی‌، به‌ منظور تأکید بر برابری‌ انسانها با قطع‌ نظر از نژاد، رنگ‌، طبقة‌ اجتماعی‌، مذهب‌، ثروت‌، مقام‌، جنس‌ و جز اینها، چندین‌ مقاوله‌ نامه‌ و اعلامیه‌، تصویب‌ کرده‌اند (مدنی‌، ج‌ 7، ص‌ 39ـ43).آنچه‌ در اندیشة‌ برابری‌ از دیر باز مطرح‌ می‌شده‌، جنبة‌ نظری‌ آن‌ بوده‌ است‌. باتوجه‌ به‌ این‌ که‌ امور در ظاهر با یکدیگر تفاوتهای‌ محسوسی‌ دارند، اعتقاد به‌ برابری‌، مستلزم‌ فرعی‌ دانستن‌ تفاوتها و یکسان‌ دیدن‌ این‌ اشیای‌ بظاهر متفاوت‌ و متنوّع‌ از نگاهی‌ کلّی‌ است‌. با توجه‌ به‌ این‌ نکتة‌ مهم‌ که‌ «برابری‌ حکم‌ می‌کند تا افراد همسان‌ از حقوق‌ همسان‌ برخوردار شوند» (ارسطو، ص‌ 313)، پرسش‌ جدّی‌ این‌ است‌ که‌ وجود تفاوتهای‌ بسیار در نژاد، رنگ‌، خصوصیات‌ محیطی‌، وضع‌ تاریخی‌ و سیاسی‌ و مالی‌، بهره‌هوشی‌، قابلیّت‌ فنّی‌، ویژگیهای‌ جسمی‌ و سایر تفاوتهای‌ میان‌ انسانها، و نیز با تمایزهایی‌ که‌ در مراحل‌ مختلف‌ زندگی‌ برای‌ آنها پیش‌ می‌آید (مانند کسب‌ مهارت‌، موفقّیت‌ در امتحان‌، شهروند یا بیگانه‌ بودن‌، التزام‌ به‌ قانون‌، و فضیلتهای‌ اخلاقی‌)، آیا همة‌ انسانها باید در یک‌ گروه‌ قرار گیرند و قوانین‌ و امکانات‌ و فرصتها برای‌ همة‌ آنها یکسان‌ باشد، یا آنکه‌ در طبقات‌ و گروههای‌ متعدّد دسته‌بندی‌ شوند و با افراد هر طبقه‌ و گروه‌ یکسان‌ برخورد شود ( ) فرهنگ‌ تاریخ‌ عقاید ( ، همانجا). این‌ پرسش‌، بویژه‌ از آنرو که‌ با عدالت‌ ارتباط‌ دارد، حایز اهمیّت‌ است‌. ارسطو (همانجا) با تصریح‌ بر اینکه‌ «هیچ‌ حکومتی‌ نپاید، مگر آنکه‌ بر پایة‌ دادگری‌ استوار باشد»، تمایز بین‌ برخی‌ گروههای‌ اجتماع‌ را ضروری‌ می‌دانست‌، و نیز باور داشت‌ که‌ کسانی‌ «بطبع‌، سزاوار بندگی‌اند» و بنابراین‌، بر آن‌ بود که‌ یونانیان‌ می‌توانند آنان‌ را به‌ زیر فرمان‌ آورند (همان‌، ص‌ 317). این‌ نظر او بدان‌ معنا بود که‌ برابری‌ همة‌ انسانها در برخورداری‌ از مواهب‌ اجتماعی‌ و سیاسی‌ عادلانه‌ نیست‌. سن‌ سیمون‌ ، فیلسوف‌ فرانسوی‌ (1760ـ1825)، نیز با این‌ استدلال‌ که‌ نابرابری‌ به‌ صورت‌ مشهود در طبیعت‌ وجود دارد و هماهنگی‌ با طبیعت‌ لازم‌ است‌، از نابرابری‌ انسانها در زندگی‌ اجتماعی‌ دفاع‌ می‌کرد و البتّه‌، بر لزوم‌ برابری‌ فرصتها به‌ منظور رشددادن‌ استعدادها تأکید می‌ورزید ( ) فرهنگ‌ تاریخ‌ عقاید ( ، ذیل‌ «طبقه‌» ). اما برای‌ مثال‌، در دیدگاه‌ مسیحیت‌، همة‌ انسانها از آنرو که‌ آفریدگان‌ خدا هستند، همسان‌ تلقّی‌ می‌شدند؛ یا حقوقدانان‌ رومی‌، انسانها را از لحاظ‌ جوهر برابر می‌دانستند؛ و همین‌ تلقّی‌ بود که‌ در اعلامیة‌ حقوق‌ بشر در 1948 تجلّی‌ کرد (همان‌، ذیل‌ «برابری‌»).در هر حال‌، اعتقاد به‌ برابری‌ غالباً به‌ منزلة‌ نادیده‌ گرفتن‌ یا کوچک‌ شمردن‌ برخی‌ تفاوتها و اصلی‌ دانستن‌ و بزرگ‌ شمردن‌ برخی‌ دیگر است‌؛ مثلاً ممکن‌ است‌ اختلاف‌ نژادی‌ یا قومی‌ را اصل‌ بگیرند و فقط‌ افراد یک‌ نژاد یا قوم‌ را یکسان‌ بینگارند. در برابر، ممکن‌ است‌ تفاوت‌ در استعداد و قابلیت‌ یا کار بر جسته‌ را ملاک‌ طبقه‌ بندی‌ قرار دهند و سایر تفاوتها را کنار بگذارند (همانجا). از این‌ گذشته‌، در سیر تاریخی‌ اندیشة‌ برابری‌، گاهی‌ فقط‌ یکسانی‌ مالی‌ و اقتصادی‌ وجهة‌ نظر بوده‌ است‌، گاهی‌ بر همسانی‌ در برابر قانون‌ تأکید می‌شده‌ است‌، گاهی‌ از برابری‌ فرصتهای‌ اجتماعی‌ و سیاسی‌ و اقتصادی‌ و غیر آن‌ سخن‌ می‌گفته‌اند و گاهی‌ به‌ برابری‌ پاداش‌ در برابر کار یکسان‌ نظر داشته‌اند (همانجا).در قرآن‌، حدیث‌، فقه‌ و آرای‌ دانشمندان‌ مسلمان‌، نکاتی‌ از جنبه‌های‌ نظری‌ دربارة‌ برابری‌ و نیز مواردی‌ از احکام‌ فقهی‌ ناظر به‌ اندیشة‌ برابری‌ دیده‌ می‌شود. یکی‌ از آیاتی‌ که‌ در این‌ باره‌ جلب‌ توجه‌ می‌کند، آیة‌ 13 سورة‌ حجرات‌ است‌ که‌ به‌ نصّ آن‌، تفاوتهای‌ ظاهری‌ و طبیعی‌ بین‌ انسانها، چه‌ از نظر جنس‌ و چه‌ از نظر نسبتهای‌ خانوادگی‌، قبیله‌ای‌ و نژادی‌، واقعیتی‌ طبیعی‌ است‌ و کارکرد آن‌ فقط‌ کمک‌ به‌ شناسایی‌ افراد است‌ (وَجَعَلْنا کُم‌ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَع'ارَفُوا: و شما را جماعتها و قبیله‌ها کردیم‌ تا یکدیگر را بشناسید). لذا این‌ اختلافات‌ نه‌ همسانی‌ جوهری‌ انسانها را نفی‌ می‌کند و نه‌ می‌تواند ملاک‌ ارزشگذاری‌، از جنبه‌های‌ اخلاقی‌، فقهی‌ و حقوقی‌ باشد. به‌ گفتة‌ مفسّران‌، این‌ آیه‌، بویژه‌ بر نکوهش‌ فخر فروشی‌ و برتری‌ طلبی‌ طبقاتی‌، نژادی‌ و نَسَبی‌ تأکید کرده‌ است‌ (از جمله‌ رجوع کنید به طبرسی‌؛ فخر رازی‌؛ مراغی‌؛ طباطبائی‌، ذیل‌ آیه‌). روایاتی‌ نیز که‌ از پیامبر صلّی‌اللّه‌ علیه‌وآله‌وسلّم‌ در توضیح‌ مراد این‌ آیه‌ یا به‌ صورت‌ مطلق‌ نقل‌ کرده‌اند همین‌ نگرش‌ را افاده‌ می‌کند؛ از آن‌ جمله‌ است‌ خطبة‌ مشهور آن‌ حضرت‌ در حَجّة‌الوداع‌ در مِنی‌' (اِنَّ رَبَّکُمْ و'احِدٌ وَ اِنَّ اَباکُم‌ واحِدٌ، و ا'دَمُ مِنْ تُرابٍ، لیس‌ لِعَرَبّیٍ عَلی‌' عَجَمِیٍّ فضلٌ اِلاّ بَالتَّقْوی‌'؛ ابن‌ شعبه‌، ص‌ 29ـ30؛ متّقی‌، ج‌ 3، ص‌ 93)؛ و نیز این‌ جمله‌ که‌ همة‌ مردم‌ از دورترین‌ زمان‌ تاکنون‌، همچون‌ دندانه‌های‌ یک‌ شانه‌ با یکدیگر برابرند (ابن‌ بابویه‌، ج‌ 4، ص‌ 379؛ مجلسی‌، ج‌ 22، ص‌ 348؛ زُحَیلی‌، ج‌ 7، ص‌ 230). همچنین‌ است‌ تأکیدی‌ که‌ حضرت‌ علی‌علیه‌السّلام‌ در عهدنامة‌ مالک‌ اشتر بر همسانی‌ انسانها از نظر آفرینش‌ داشته‌اند ( نهج‌البلاغة‌ ، نامة‌ 53). بنابر برخی‌ احادیث‌، تشریع‌ احکامی‌ مانند قصاص‌ \* (مجلسی‌، ج‌ 101، ص‌ 388 به‌ نقل‌ از امام‌ سجّاد) و عباداتِ اجتماعی‌ چون‌ حجّ (همان‌، ج‌ 48، ص‌ 141، به‌ نقل‌ از امام‌ کاظم‌ علیه‌السّلام‌) از همین‌ نگرش‌ دربارة‌ برابری‌ حقیقی‌ انسانها برخاسته‌ است‌.مؤلفّان‌ و متفکران‌ مسلمانی‌ که‌ در دهه‌های‌ اخیر از برابری‌ در اسلام‌ بحث‌ کرده‌اند، به‌ این‌ نکته‌ توجّه‌ داده‌اند که‌ وجود اصول‌ اساسی‌ و مهمّی‌ چون‌ توحید در عبودیّت‌ (برای‌ نمونه‌ رجوع کنید به آل‌ عمران‌: 64؛ نساء: 36؛ انعام‌: 102 و برای‌ موارد دیگر رجوع کنید به عبدالباقی‌، ذیل‌ «عبد»)، انتساب‌ همة‌ انسانها به‌ یک‌ منشأ (زمر: 6؛ نساء: 1؛ اعراف‌: 189، و انعام‌: 98: «وَهُوَالَّذی‌ اَنْشَأکُمْ مِن‌ نَفسٍ واحِدَةٍ») و مخلوق‌ بودن‌ همة‌ آنها به‌ دست‌ یک‌ آفریدگار (عبدالباقی‌، ذیل‌ «خلق‌») که‌ علاوه‌ بر قرآن‌ در حدیث‌ (از جمله‌: حدیث‌ حجّة‌الوداع‌ در ابتدای‌ مقاله‌؛ مجلسی‌، ج‌ 10، ص‌ 170 از پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌: اِنّی‌ وَجَدْتُ اَصْلَ الْخَلْقِ التُرابَ ... خَلَقَهُمْ اِل'هٌ و'احِدٌ) بارها مطرح‌ شده‌ است‌، و نیز «تکریم‌ انسانها» (اسراء: 70) که‌ همگانی‌ است‌ (طباطبائی‌، ج‌ 13، ص‌ 155)، مقتضی‌ برابری‌ همة‌ انسانها در برخورداری‌ از زیر بنایی‌ترین‌ حقوق‌ فردی‌ و جمعی‌، مانند حقّ حیات‌، امنیّت‌ مالی‌ و جانی‌، حقّ تملّک‌ و تصّرف‌ و اکتساب‌، حقّ کار و استحقاق‌ اجرت‌ و سایر حقوق‌ و آزادیهای‌ اساسی‌ از دیدگاه‌ اسلام‌ است‌ (سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 410؛ قطب‌، ص‌ 49ـ50،57ـ58؛ بغا، ص‌ 289، 308؛ حکیمی‌، ج‌ 5، ص‌ 152ـ165).با اینهمه‌، این‌ نگاه‌ برابر به‌ انسانها به‌ منزلة‌ نادیده‌ انگاشتن‌ تفاوتهای‌ موجود در میان‌ آنها از نظر استعداد، لیاقت‌، کوشش‌، ارائه‌ کار مفید، پاداش‌ و نیز نفی‌ فضایل‌ و برتریهای‌ فردی‌ یا نفی‌ درجات‌ و مراتب‌ اجتماعی‌ نیست‌ و به‌ تعبیر برخی‌ مؤلفان‌، نادیده‌ گرفتن‌ این‌ نکته‌ در واقع‌، ظلم‌ به‌ فرد و جامعه‌ است‌ (مطهری‌، 1361 ش‌، ص‌ 89ـ92؛ منتظری‌، ج‌ 2، ص‌ 189؛ بغا، ص‌ 292؛ مدنی‌، ج‌ 7، ص‌ 99). از آن‌ بالاتر، به‌ گفتة‌ این‌ مؤلفان‌ تفاوت‌ استعدادها و وجود رتبه‌ها و مقامات‌ اجتماعی‌ برای‌ استقرار نظام‌ اجتماعی‌ اجتناب‌ ناپذیر است‌. آیة‌ 32 سورة‌ زُخرف‌ همین‌ واقعیت‌ را بیان‌ می‌کند و در سخنان‌ فلاسفه‌ (برای‌ نمونه‌ رجوع کنید به نصیرالدین‌ طوسی‌، ص‌ 251: لَوْ تَس'اوَی‌ الناّسُ لَهَلَکوُا) نیز تصریحات‌ و اشاراتی‌ به‌ این‌ امر دیده‌ می‌شود. مطهری‌ (1361 ش‌، ص‌ 86ـ89) بر همین‌ اساس‌، مراد از برابری‌ در عرصة‌ زندگی‌ اجتماعی‌ را برابری‌ در فرصتها و امکانات‌ می‌داند تا هر کس‌ به‌ فراخور قابلیّت‌ و کوشش‌ خود از این‌ فرصتها بهره‌ بگیرد.در واقع‌، این‌ بحث‌ به‌ این‌ دیدگاه‌ باز می‌گردد که‌ برابری‌ در نظام‌ حقوقی‌ و فقهی‌ اسلام‌، تحت‌ شعاع‌ اصلی‌ مهمتر و اساسیتر، یعنی‌ عدالت‌ قرار دارد؛ زیرا هدف‌ نهایی‌ از آمدن‌ پیامبران‌ و تنها عامل‌ اصلاح‌ جامعه‌ از نگاه‌ دینی‌ تحقّق‌ قسط‌ و عدالت‌ اجتماعی‌ است‌ (برای‌ آیات‌ رجوع کنید به سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 418ـ420؛ منتظری‌، ج‌ 2، ص‌ 185ـ187 و برای‌ احادیث‌ رجوع کنید به حکیمی‌، ج‌ 6، ص‌ 324 به‌ بعد).هر چند، یکی‌ از معانی‌ واژة‌ «عدل‌» و برخی‌ مشتقّات‌ آن‌ در لغت‌ (رجوع کنید به ابن‌ فارس‌؛ طریحی‌؛ فیروزآبادی‌، ذیل‌ «عدل‌») و قرآن‌ کریم‌ و احادیث‌ (رجوع کنید به راغب‌ اصفهانی‌؛ طریحی‌؛ ابن‌ منظور، ذیل‌ همان‌ واژه‌)، مساوات‌ و برابری‌ ذکر شده‌ است‌ و در احادیث‌ متعدّدی‌ این‌ دو واژه‌ با هم‌ آمده‌اند (مانند « الاّ علی‌' عدلٍ و سواء» رجوع کنید به کلینی‌، ج‌ 5، ص‌ 31؛ طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 140ـ141؛ «القَسْم‌ بالسّویّه‌ و العَدْل‌ فی‌ الرّعیّة‌» رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 41، ص‌ 106ـ107، 111، ج‌ 35، ص‌ 346) و گاهی‌ واژة‌ «عدل‌» به‌ معنای‌ برابری‌ به‌ کار رفته‌ است‌ (از جمله‌: «فاتّقوا اللّه‌ و اَعدلوا بینَ اولادکم‌ ...» رجوع کنید به شهید ثانی‌، ج‌ 3، ص‌ 194؛ «وَ اَنْ یقسَّم‌ النّظر فیما بینهُما بالعدل‌» رجوع کنید به حکیمی‌، ج‌ 6، ص‌ 408 و موارد دیگر)، اما مفهوم‌ عدالت‌ در متون‌ اسلامی‌ و نیز نزد فلاسفه‌ و حقوقدانان‌ مسلمان‌ عیناً مترادف‌ برابری‌ نیست‌ بلکه‌ عدالت‌ به‌ معنای‌ دادن‌ هر حقّی‌ به‌ صاحب‌ آن‌ است‌ (اِعطاء کلّ ذی‌ حقٍّ حقَّه‌؛ دفتر همکاری‌ حوزه‌ و دانشگاه‌، ص‌ 201 به‌ بعد؛ نیز دربارة‌ منشأ ایجاد حقّ از نظر اسلام‌ رجوع کنید به همان‌، ص‌ 217ـ218؛ مطهری‌، 1361 ش‌، ص‌ 44ـ55). نهایت‌ اینکه‌ در شرایط‌ یکسان‌، مقتضایِ عدالت‌، برابری‌ در حقوق‌ و تکالیف‌ است‌ (مطهری‌، 1361 ش‌، ص‌ 89؛ قس‌: ارسطو، ص‌ 313) همچنانکه‌ در بسیاری‌ موارد، لازمة‌ عدالت‌ نابرابری‌ و تفاوت‌ گذاشتن‌ است‌ (مطهری‌، 1361 ش‌، همانجا؛ منتظری‌، ج‌ 2، ص‌ 189).بنابراین‌، از آنجا که‌ برابری‌ از نظر دانشمندان‌ اسلامی‌ از لوازم‌ و شاخه‌های‌ عدالت‌ است‌ (سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 416)، آنچه‌ در مرحلة‌ وضع‌ قوانین‌ اهیمت‌ می‌یابد تحقّق‌ عدالتِ حقوقی‌ و ایجاد تعادل‌ و تشابه‌ میان‌ حقوق‌، مسئولیتها و تکالیفِ هر فرد است‌ نه‌ برابری‌ همة‌ قوانین‌ نسبت‌ به‌ تمامی‌ افراد.به‌ عبارت‌ دیگر، برابری‌ در حقوق‌ اسلامی‌ را می‌توان‌ در دو عرصه‌ مورد توجّه‌ قرار داد: 1)برابری‌ افراد در برابر قانون‌ موجود یا اجرای‌ یکسان‌ و بی‌تبعیض‌ هر حکم‌ قانونی‌ نسبت‌ به‌ مصادیق‌ موضوع‌ آن‌؛ 2)برابریِ احکام‌ و قوانین‌ نسبت‌ به‌ تمامی‌ افراد به‌ طوری‌ که‌ همة‌ افراد و گروههای‌ بشر مشمول‌ قوانینی‌ یکسان‌ با عناوینی‌ کلّی‌ و عام‌ باشند و هر حکم‌ قانونی‌ بتواند بالقوّه‌ شامل‌ هر فرد انسان‌ شود.فقها و متفکران‌ مسلمان‌ نسبت‌ به‌ وجود نوع‌ نخستِ برابری‌ در قانونگذاری‌ اسلام‌ تردید نکرده‌اند تا آنجا که‌ برخی‌ از آنان‌ مراد از برابری‌ و مساوات‌، یا دست‌ کم‌ مصداق‌ بارز آن‌ را منحصراً همین‌ امر دانسته‌اند. نایینی‌ (ص‌ 69ـ71) برابری‌ را اجرای‌ یکسان‌ و بدون‌ تبعیض‌ عناوین‌ احکام‌، چه‌ عناوین‌ عام‌ و مشترک‌ میان‌ همة‌ افراد انسان‌ و چه‌ عناوین‌ خاصّ نسبت‌ به‌ افراد موضوعِ خود دانسته‌ است‌. از این‌ گذشته‌، عده‌ای‌ ازمؤلفان‌، گسترة‌ برابری‌ در فقه‌ را فراختر از این‌ شمرده‌ و به‌ عرصة‌ دوم‌ یعنی‌ «یکسان‌ بودن‌ قوانین‌ برای‌ همة‌ افراد» تعمیم‌ داده‌اند. از جمله‌ دلایل‌ و شواهد اقامه‌ شده‌ بر وجود این‌ نوع‌ برابری‌ در حقوق‌ اسلامی‌، تعابیر عام‌ قرآن‌ و حدیث‌ - (مانند: یا ایّها النّاس‌، یا ایّهاالّذین‌ آمنوا) و نیز شیوة‌ کلی‌ بیان‌ احکام‌ و تکالیف‌ در منابع‌ فقهی‌ است‌ (عودة‌، ج‌ 1، ص‌ 339، سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 416؛ بغا، ص‌ 289؛ قطب‌، ص‌ 49). این‌ محققّان‌، وجود مواردی‌ از نابرابری‌ حقوقی‌ میان‌ افراد و گروههای‌ جامعه‌ را، به‌ دلیل‌ برخی‌ تفاوتها، بر پایة‌ اصل‌ مهّم‌ و بنیادین‌ «عدالت‌» توضیح‌ داده‌اند. برای‌ مثال‌، به‌ موجب‌ فقه‌ اسلامی‌، غیر مسلمانان‌ مقیم‌ در جامعة‌ اسلامی‌ از حقوق‌ عام‌ مدنی‌ و اساسی‌، از قبیل‌ حقّ مالکیت‌ و تصرّف‌، حقّ حیات‌، حقّ امنیت‌ جانی‌ و شغلی‌، حقّ دادخواهی‌ از دادگاه‌ برخوردارند (بنابر روایتی‌ از حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌: «لَهُ لَن'ا وَ عَلَیْهِ م'ا عَلَیْنا مُسْلِماً کان‌ او کافراً» رجوع کنید به حکیمی‌، ج‌ 1، ص‌ 381ـ382). در پاره‌ای‌ موارد نیز که‌ ادّعای‌ نابرابری‌ میان‌ احکام‌ ویژة‌ مسلمانان‌ و اقلیتهای‌ دینی‌ شده‌ است‌، مذاهب‌ مختلف‌ اسلامی‌ اختلاف‌ نظر دارند و بعلاوه‌، گاه‌ این‌ نابرابری‌ به‌ سود غیر مسلمانان‌ است‌ (در این‌ باره‌ و نیز برای‌ مقایسة‌ احکام‌ قصاص‌ و کیفر فحشاء رجوع کنید به عودة‌، ج‌ 1، ص‌ 339ـ340؛ زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 42، 269؛ شهید ثانی‌، ج‌ 10، ص‌ 54؛ نجفی‌، ج‌ 15، ص‌ 91). از آن‌ مهمتر، یکی‌ از ادلّة‌ فقها دربارة‌ مواردی‌ از این‌ نابرابری‌، با استناد به‌ آیة‌ 141 نساء، اصل‌ عدم‌ سلطة‌ کافران‌ بر مؤمنان‌ است‌ (و لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلکافِرینَ عَلَی‌ المُؤْمنینَ سَبیلاً رجوع کنید به نجفی‌، ج‌ 15، ص‌ 91؛ زحیلی‌، ج‌ 8، ص‌ 134) و این‌ لازمة‌ جدّی‌ بقای‌ جامعة‌ دینی‌ است‌.همچنین‌ فقها و محقّقان‌ با بیان‌ این‌ نکته‌ که‌ در اسلام‌ بر اشتراک‌ و برابری‌ زن‌ و مرد در حیثیت‌ انسانی‌ و پاداش‌ اخروی‌ تأکید شده‌ است‌، به‌ برابریِ آن‌ دو در قوانین‌ از کرامت‌ انسانی‌ و قوانین‌ عام‌ مدنی‌ و اساسی‌ اشاره‌ کرده‌ و دربارة‌ احکام‌ نابرابر در حق‌ زن‌ و مرد، با الهام‌ از احادیث‌، به‌ حکمت‌ تشریع‌ آن‌ احکام‌ توجّه‌ کرده‌ این‌ نابرابری‌ را ناشی‌ از تفاوتهای‌ غریزی‌ و طبیعی‌ ـ اعّم‌ از جسمی‌ و روانی‌ ـ میان‌ آن‌ دو دانسته‌اند. به‌ عبارت‌ دیگر، از نظر فقها وجود این‌ تفاوتها لازمة‌ عدالت‌ است‌. به‌ عقیدة‌ آنان‌ ویژگیهای‌ طبیعی‌، اعمّ از جسمی‌ و روانی‌ در هر یک‌ از این‌ دو جنس‌، موجِب‌ شده‌ است‌ که‌ مرد در وظایفی‌ مانند تأمین‌ نفقة‌ خانواده‌، جهاد، قضاوت‌، شهادت‌ و طلاق‌ نقش‌ بیشتر یا انحصاری‌ داشته‌ باشد و در برابر، حق‌ دخالت‌ زن‌ در حضانت‌ \* و تربیت‌ فرزند و مادری‌ افزایش‌ یافته‌ و در نتیجه‌ حقوق‌ آنان‌ دربارة‌ ارث‌ \* ، قصاص‌ و دیه‌ \* نابرابر شده‌ است‌ (مطهری‌، 1357 ش‌، ص‌ 121 به‌ بعد؛ قطب‌، ص‌ 53ـ54؛ عودة‌، ج‌ 1، ص‌ 27ـ 28؛ مدنی‌، ج‌ 7، ص‌ 100). ازینرو، این‌ محقّقان‌ با یادآوری‌ نقش‌ تاریخی‌ و اساسی‌ اسلام‌ در ایجاد برابری‌ در حقوق‌ بنیادین‌ و تکالیف‌ زن‌ و مرد، مجموعة‌ حقوق‌ هر یک‌ از آن‌ دو و مسئولیتها و تکالیف‌ آنها را برابر و متعادل‌ دانسته‌اند (بقره‌: 228: «وَ لَُهنَّ مثلُ الذَّی‌ عَلَیْهِنَّ بالمَعْروف‌» رجوع کنید به عودة‌، ج‌ 1، ص‌ 27؛ مطهری‌، 1357 ش‌، ص‌ 112ـ113؛ قطب‌، ص‌ 54ـ55؛ و نیز رجوع کنید به حقوق‌ زن‌ \* ). در هر حال‌، گسترة‌ برابری‌ در اسلام‌، هم‌ شامل‌ خودِ احکام‌ و قوانین‌ است‌ و هم‌ شامل‌ اجرای‌ قانون‌ نسبت‌ به‌ مشمولان‌ خود.اصل‌ برابری‌ افراد از نظر کرامت‌ انسانی‌ و عدم‌ رجحان‌ جان‌، مال‌ و حیثیتِ یک‌ فرد بر فرد دیگر در گزارشهای‌ روشنی‌ که‌ در سیرة‌ پیامبر بر جای‌ مانده‌ و در بسیاری‌ از احکام‌ فقهی‌ مشهود است‌. احکام‌ و مقرّرات‌ در منابع‌ فقهی‌ و اصولی‌، به‌ تبعِ آیات‌ و احادیث‌، به‌ صورت‌ کلّی‌ و خطاب‌ به‌ تمامی‌ افراد بشر، یا دست‌ کم‌ مسلمانان‌ و مؤمنان‌، است‌ و تنها در پاره‌ای‌ احکام‌، به‌ سبب‌ برخی‌ مصالح‌ و به‌ اقتضای‌ عدالت‌، گروههایی‌ خاص‌ مورد خطاب‌ قرار گرفته‌اند (به‌ فرمودة‌ امام‌ صادق‌ علیه‌السّلام‌: «لِاَنَّ حُکْمَ اللّهِ فی‌ الاَوّلینَ والا´خِرینَ و فرائِضَهُ علیهم‌ سواءٌ اِلاّ' مِنْ عِلةٍ اوح'ادِثٍ ... رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 2، ص‌ 280(.همچنین‌ در قرآن‌ و احادیث‌، از برابری‌ همه‌ افراد، از زن‌ و مرد، نزد خدا و نیز برابری‌ پاداش‌ و کیفر کارهای‌ آنان‌ سخن‌ رفته‌ است‌ (از جمله‌: زلزال‌: 7ـ 8. فَمَنْ یَعْمَلْ مِثقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ ... ؛ اعراف‌: 147؛ سبأ: 33؛ آل‌ عمران‌: 195؛ و بنا به‌ روایتی‌ پیامبر اکرم‌ صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌: کُلُّکُمْ فی‌ الاجرِ سَواءٌ رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 93، ص‌ 26(.در سنّتِ پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌ و حضرت‌ علی‌علیه‌السّلام‌، و در احادیث‌ و فقه‌ اسلامی‌ بر برخی‌ از مصادیق‌ برابری‌، چه‌ در احکام‌ چه‌ در اجرای‌ قانون‌، تصریح‌ و تأکید خاص‌ شده‌ است‌؛ از جمله‌: برابری‌ افراد در برخی‌ حقوق‌ و احکام‌ اقتصادی‌ (مانند سهم‌ یکسان‌ همگان‌ از بیت‌المال‌) و مسئولیت‌ و اختیارات‌ سیاسی‌، لزوم‌ اجرای‌ یکسان‌ و بی‌تبعیض‌ قانون‌ نسبت‌ به‌ مشمولان‌ آن‌ زیر نظر حاکم‌ اسلامی‌، و برابریِ طرفینِ دعوا نزد قاضی‌ در دادگاه‌. در منابع‌ حدیثی‌ و تاریخی‌ نمونه‌هایی‌ از سخنان‌ و سیرة‌ پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌ دربارة‌ اِعمال‌ اصل‌ برابری‌ در تقسیم‌ اموال‌ عمومی‌ دیده‌ می‌شود؛ مانند تقسیم‌ یکسان‌ غنایم‌ جنگی‌ میان‌ جهادگران‌ در جنگها (تستری‌، ج‌ 2، ص‌ 202؛ مجلسی‌، ج‌ 19، ص‌ 211ـ212، ج‌ 27، ص‌ 244، ج‌ 33، ص‌ 327). بنا به‌ حدیثی‌، آیة‌ 58 سورة‌ توبه‌ دربارة‌ شخصی‌ نازل‌ شده‌ است‌ که‌ مدعی‌ بود حضرت‌ رسول‌ اکرم‌ صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌ اصل‌ برابری‌ را رعایت‌ نمی‌کرده‌ است‌ (مجلسی‌، ج‌ 22، ص‌ 37ـ 38). به‌ طور کلی‌، رعایت‌ برابری‌ در تقسیم‌ اموال‌ بیت‌المال‌ از اهمّ نکاتی‌ است‌ که‌ در سیرة‌ حضرت‌ رسول‌ گزارش‌ شده‌ است‌ (رجوع کنید به همان‌ منابع‌؛ طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 146)؛ همچنانکه‌ حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌ بارها در خطبه‌ها و مناظرات‌ خود به‌ سیرة‌ آن‌ حضرت‌ استناد جسته‌اند (ابن‌ ابی‌ الحدید، ج‌ 7، ص‌ 41؛ مجلسی‌، ج‌ 32، ص‌ 16). در سیرة‌ اجتماعی‌ و سیاسی‌ حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌ نیز اصرار و تأکیدی‌ خاص‌ به‌ برابریِ حقوق‌ افراد از بیت‌المال‌ به‌ چشم‌ می‌خورد. او در خطبة‌ خود به‌ مناسبت‌ درخواست‌ مردم‌ برای‌ پذیرش‌ منصب‌ خلافت‌، بر لزوم‌ استرداد اموال‌ دنیاپرستان‌ به‌ بیت‌المال‌ و اعطای‌ حقّی‌ برابر با دیگران‌ به‌ آنان‌ تأکید کرد (مجلسی‌، ج‌ 32، ص‌ 16، 133ـ134؛ ابن‌ ابی‌ الحدید، ج‌ 7، ص‌ 35ـ42) و پس‌ از تصدّی‌ امر خلافت‌، در هنگام‌ تقسیم‌ اموال‌، به‌ خزانه‌دارش‌، ابن‌ ابی‌ رافع‌ \* ، دستور داد که‌ سهم‌ هر یک‌ از مهاجران‌ و انصار را به‌ طور برابر سه‌ دینار بپردازد. البته‌ این‌ نگاه‌ برابر، از همان‌ روز نخست‌ با اعتراض‌ برخی‌ صحابیان‌، که‌ به‌ استناد سوابق‌ خود سهم‌ بیشتری‌ می‌خواستند، روبرو شد. به‌ عقیدة‌ برخی‌ دانشمندان‌ (مجلسی‌، ج‌ 27، ص‌ 245؛ نایینی‌، ص‌ 32؛ تستری‌، ج‌ 2، ص‌ 197ـ 198؛ ابن‌ ابی‌ الحدید، ج‌ 2، ص‌ 197ـ 198؛ مطهّری‌، 1361 ش‌، ص‌ 17ـ 18) همین‌ سیرة‌ برابری‌ خواهانة‌ امیر مؤمنان‌، مهمترین‌ عامل‌ آزردگی‌ اشراف‌ و ثروتمندان‌ عرب‌ از ایشان‌ و بر پا داشتن‌ جنگ‌ و گرویدن‌ برخی‌ از آنان‌ به‌ معاویه‌ بود. حتی‌ گاهی‌ در مناظرات‌ خود با آن‌ حضرت‌ به‌ این‌ امر تصریح‌ می‌کردند و برابری‌ عمومی‌ را ناصواب‌ می‌خواندند (رجوع کنید به ابن‌ابی‌الحدید، ج‌ 7، ص‌ 41؛ مجلسی‌، ج‌ 32، ص‌ 16، 110).فشار اجتماعی‌ و سیاسی‌ این‌ اعتراضات‌ چنان‌ بود که‌ برخی‌ از یاران‌ امام‌، با این‌ استدلال‌ که‌ برابری‌ عرب‌ و غیرعرب‌ خشم‌ قریش‌ را بر انگیخته‌ است‌، خواستار تجدید نظر در این‌ شیوه‌ شدند. اما امام‌ در پاسخ‌ خواستة‌ خیرخواهانة‌ این‌ گروه‌ و نیز به‌ منظور پیشگیری‌ از تندرویهای‌ اشراف‌ عرب‌ و بزرگان‌ صحابه‌، با سخنرانی‌ در مسجد، و استناد به‌ قرآن‌ و سیرة‌ پیامبر اکرم‌ صلّی‌اللّه‌ علیه‌وآله‌وسلّم‌، بر تداوم‌ سیاست‌ خود تأکید کرد ( نهج‌البلاغة‌ ، خطبة‌ 126، نامة‌ 70؛ مجلسی‌، ج‌ 41، ص‌ 110ـ 111، 116، 122، ج‌ 75، ص‌ 96). به‌ نقل‌ برخی‌ از مورّخان‌، آن‌ حضرت‌ پس‌ از پایان‌ جنگ‌ جمل‌، در تقسیم‌ غنایم‌ میان‌ بردگان‌ و غیربردگان‌ تفاوتی‌ نگذاشت‌ (تستری‌، ج‌ 2، ص‌ 202)، بعلاوه‌، خواستة‌ برخی‌ یاران‌ و خویشاوندان‌ خود از جمله‌ عقیل‌بن‌ ابیطالب‌، عاصم‌بن‌ میثم‌ و عبدالّله‌بن‌ زمعه‌ را در خصوص‌ افزایشِ سهمشان‌ از بیت‌المال‌ نپذیرفت‌ ( نهج‌البلاغة‌ ، خطبة‌ 224، 232؛ تستری‌، ج‌ 2، ص‌ 216(.برخی‌ از دانشمندان‌ با استناد به‌ سیرة‌ پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌و آله‌وسلّم‌ و حضرت‌ علی‌ علیه‌السلام‌ و احادیث‌ (از جمله‌ حدیثی‌ از امام‌ باقر علیه‌السلام‌ رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 27، ص‌ 244)، رعایت‌ و نظارت‌ بر برابری‌ در تقسیم‌ اموال‌ عمومی‌ را از وظایف‌ حاکم‌ اسلامی‌ دانسته‌اند (حرّ عاملی‌، ج‌ 15، ص‌ 105 به‌ بعد؛ نجفی‌، ج‌ 7، ص‌ 593؛ حکیمی‌، ج‌ 6، ص‌ 309). به‌نظر بعضی‌ نویسندگان‌ (دفتر همکاری‌ حوزه‌ و دانشگاه‌، ص‌ 232؛ حکیمی‌، ج‌ 5، ص‌ 151ـ152، ج‌ 6، ص‌ 115، 379) هر چند در اسلام‌ نظریة‌ برابری‌ مالی‌ افراد مطرح‌ نشده‌ است‌، می‌توان‌ گفت‌ با مقرّر کردن‌ حقوق‌ برابر در اموال‌ عمومی‌ و نیز تشریع‌ احکام‌ حقوقی‌ و اخلاقی‌ مانند خمس‌، زکات‌ و انفاق‌ برای‌ توانگران‌ واقدامات‌ دیگر، اهدافی‌ را پیگیری‌ کرده‌ است‌ که‌ به‌ از میان‌ رفتن‌ فقر مادّی‌ و ایجاد برابری‌ نسبی‌، بویژه‌ از نظر امکانات‌ و فرصتها می‌انجامد. در حدیثی‌ از امام‌ صادق‌ علیه‌السلام‌ (مجلسی‌، ج‌ 93، ص‌ 371) علت‌ تشریع‌ روزه‌ ایجاد برابری‌ میان‌ اغنیا و فقرا دانسته‌ شده‌ است‌؛ همچنانکه‌ یکی‌ از ویژگیهای‌ حکومت‌ حضرت‌ مهدی‌ عجل‌اللّه‌تعالی‌فرجه‌ «تقسیم‌ برابرِ اموال‌» (همان‌، ج‌ 51، ص‌ 29، 81، 84، 92، ج‌ 52، ص‌ 351، 385) ذکر شده‌ است‌.به‌ موجب‌ حدیث‌ مشهور نبوی‌ («النّ'اسُ شُرَکاءٌ (یا: سَو'اءٌ) فی‌ ثَلاثٍ: النّارُ و الماءُ و الکلاء» رجوع کنید به همان‌، ج‌ 63، ص‌ 446؛ طوسی‌، ج‌ 7، ص‌ 146) تمامی‌ مردم‌ در آب‌ رودخانه‌ها و چشمه‌ها، چاهها و نیز گیاهان‌ خودرو، از نظر اباحه‌ و حقّ بهره‌برداری‌، شریک‌ و دارای‌ حقوقی‌ برابرند، و این‌ اموال‌ به‌ فتوای‌ بیشتر فقهای‌ شیعه‌ و عامّه‌ غیر قابل‌ تملّک‌ و تملیک‌ فردی‌ است‌ (رجوع کنید به نجفی‌، ج‌ 8، ص‌ 176، 180؛ زحیلی‌، ج‌ 5، ص‌ 542، 594، 597؛ ابن‌ قدامه‌ مقدسی‌، ج‌ 4، ص‌ 21(.از دیگر مصادیق‌ برابری‌ در حقوق‌ اسلامی‌، برابری‌ افراد در برخی‌ احکام‌ سیاسی‌ است‌. در منشوری‌، که‌ پیامبر اسلام‌ خطاب‌ به‌ مهاجران‌ و انصار دربارة‌ چگونگی‌ رفتار متقابل‌ آنان‌ با یهود اعلام‌ کردند، تعبیراتی‌ متضمّن‌ برابری‌ مسلمانان‌ با یکدیگر و با یهودیان‌، بویژه‌ از نظر حرمت‌ مال‌، جان‌ و دین‌ و نیز انجام‌ مصالحه‌ و معاملة‌ عادلانه‌ و برابر با هم‌، وجود دارد. همچنین‌ بخشی‌ از این‌ منشور (لا'یُسالِمُ مُؤمنٌ دونَ مؤمنٍ فی‌ قتالٍ فی‌ سبیل‌ اللّ'ه‌ الاّ' علی‌ عدلٍ و سَواءٍ؛ رجوع کنید به طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 140ـ141؛ کلینی‌، ج‌ 5، ص‌ 31؛ نیز برای‌ منابع‌ اهل‌ سنّت‌ رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 19، ص‌ 168ـ170، پانویس‌ به‌ نقل‌ از السیرة‌ النبویة‌ ابن‌هشام‌) دالّ بر حقّ مشارکتِ برابر فرد فرد مسلمانان‌ در تصمیم‌ گیری‌ برای‌ مصالحه‌ با دشمن‌ است‌؛ هر چند انعقاد پیمان‌ مصالحه‌ به‌ عهدة‌ امام‌ یا نایب‌ اوست‌ (نجفی‌، ج‌ 7، ص‌ 651؛ زحیلی‌، ص‌ 437). بعلاوه‌، فقهای‌ شیعه‌ و اهل‌ سنّت‌ به‌ استنادِ قرآن‌ (توبه‌: 6) و احادیث‌ (از جمله‌: ذِمَّةُ المسلمینَ واحدةٌ یَسْعی‌' بِهااَدْناهُمْ؛ ... یَسْعی‌' بِذِمَّتهِم‌ اَدناهُم‌ رجوع کنید به حرّ عاملی‌، ج‌ 15، ص‌ 66ـ69؛ طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 140؛ کلینی‌، ج‌ 5، ص‌ 30؛ زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 432) و نیز سیرة‌ پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌و سلّم‌ چنین‌ نظر داده‌اند که‌ هر یک‌ از مسلمانان‌ ـ زن‌ یا مرد، برده‌ یا غیر برده‌، و حتی‌ کودک‌ ممیّز به‌ نظر برخی‌ مذاهب‌ ـ در هنگام‌ جنگ‌ می‌تواند با انعقاد عقد امان‌ \* با افراد معدودی‌ از کافران‌ (کمتر از ده‌ نفر)، آنان‌ را پناه‌ دهد (برای‌ شرایط‌ و تفاصیل‌ مطلب‌ رجوع کنید به شمس‌ الائمه‌ سرخسی‌، ج‌ 10، ص‌ 72؛ ابن‌ قدامه‌، ج‌ 10، ص‌ 432؛ زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 429ـ437؛ نجفی‌، ج‌ 7، ص‌ 536 به‌ بعد).همچنین‌ از آنجا که‌ وجود تبعیض‌ و نابرابری‌ در اجرای‌ قوانین‌، موجبِ سستی‌ قانون‌ و نقض‌ غرض‌ از قانونگذاری‌ و آثار نامطلوب‌ دیگر می‌شود (سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 410(، در فقه‌ بر رفع‌ تبعیضها و اختلافات‌ ناروا و اجرای‌ برابر قانون‌ نسبت‌ به‌ همة‌ افراد جامعه‌ سخت‌ تأکید شده‌ است‌.پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌، به‌ منظور ایجاد روح‌ برابری‌ در میان‌ مردمی‌ که‌ غرق‌ در امتیاز طلبیهای‌ قبیله‌ای‌ و نژادی‌ و فخرفروشیهای‌ دوران‌ جاهلیت‌ بودند، به‌ اقداماتی‌ اساسی‌ مبادرت‌ کردند، از جمله‌ اصرار بر اصل‌ برابری‌ در اجرای‌ قانون‌ (به‌ فرمودة‌ علی‌ علیه‌السّلام‌: «عَمَّمتَ حتی‌' صار النّاسُ فیک‌ سِواءٌ رجوع کنید به نهج‌البلاغة‌ ، خطبة‌ 235؛ مجلسی‌، ج‌ 22، ص‌ 527؛ نیز دربارة‌ نامة‌ سلمان‌ به‌ عمر در این‌ خصوص‌ رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 22، ص‌ 360) و ردّ هر گونه‌ میانجیگری‌ برای‌ تعلیق‌ اجرای‌ احکام‌ کیفری‌، از جمله‌ دربارة‌ کیفر سرقت‌ زنی‌ از اشراف‌ قریش‌، کیفر دزدیِ کنیز همسرشان‌ امّ سلمه‌ (رجوع کنید به بخاری‌ جعفی‌، ج‌ 4، ص‌ 213؛ حرّ عاملی‌، ج‌ 28، ص‌ 42). اقدامات‌ دیگر آن‌ حضرت‌، ایجاد پیوند خانوادگی‌ بین‌ افراد قبایل‌ و خانواده‌های‌ مختلف‌ با طبقات‌ اجتماعی‌ متفاوت‌ بود، مانند پیشنهاد ازدواج‌ جُوَیْبِر فقیر و سیاه‌پوست‌ با ذَلْف'اء دختر زیادبن‌ لُبَیلْ، از بزرگان‌ و ثروتمندان‌ مدینه‌، که‌ آن‌ حضرت‌ در برابر تعّجبِ جویبر از این‌ پیشنهاد، برابری‌ و همسانی‌ افراد بشر را در منشأ و اصل‌ آفرینش‌ یادآور شدند (مجلسی‌، ج‌ 22، ص‌ 118ـ119؛ کلینی‌، ج‌ 5، ص‌ 339ـ341)؛ اقدام‌ به‌ خواستگاری‌ و تزویج‌ دختر عمة‌ خود زینب‌ برای‌ زیدبن‌ حارثه‌، که‌ فرزند خواندة‌ آن‌ حضرت‌ بود، و موارد بسیار دیگر. زحیلی‌ (ج‌ 7،ص‌ 244ـ245) با بر شمردن‌ شماری‌ از این‌ پیوندهای‌ ازدواج‌، شرط‌ بودن‌ «کَفائت‌ \* در نَسَب‌» (خویشاوند بودن‌ زوجین‌) را در عقد نکاح‌ انکار و نیز در صحّتِ روایاتی‌ که‌ داّل‌ بر برتری‌ قریش‌ بر سایر مردم‌ عرب‌ یا عرب‌ بر عجم‌ است‌، مناقشه‌ کرده‌ است‌. حتی‌ معدودی‌ از فقهای‌ اهل‌ سنّت‌ با استناد به‌ ادلّة‌ برابری‌، کفائت‌ را نه‌ شرط‌ صحّت‌ ازدواج‌ شمرده‌اند و نه‌ شرط‌ لزوم‌ آن‌ (همان‌، ص‌ 230)؛ همچنانکه‌ فقهای‌ امامی‌، کُفوْ بودن‌ را تنها از نظر همدین‌ بودن‌ شرط‌ می‌دانند (مغنیه‌، ص‌ 42؛ شهید ثانی‌، ج‌ 5، ص‌ 234ـ236).به‌ نوشتة‌ مطهری‌ (1361 ش‌، ص‌ 98ـ99)، جنبه‌های‌ مختلفی‌ از سیرة‌ پیامبر مانند نشستن‌ در مجالس‌ به‌ صورت‌ دایره‌ و به‌ دور از تشریفات‌، نشستن‌ بر روی‌ خاک‌، انجام‌ کارهای‌ شخصی‌ با دست‌ خود و جز اینها ـ علاوه‌ بر جنبة‌ اخلاقی‌ و تواضع‌ ـ از نظر آثار اجتماعی‌ و تأثیر آن‌ بر رفع‌ تمایزات‌ ناپسند و ایجاد برابری‌ قابل‌ تأمّل‌ است‌. همچنانکه‌ در احادیث‌، تأثیر متقابل‌ برابریِ اجتماعی‌ بر برادری‌ و همبستگی‌ اجتماعی‌ و نیز نقش‌ آن‌ در اصلاح‌ اخلاق‌ ناپسند فردی‌ و اجتماعی‌ چون‌ تکبّر، عصیان‌ و کینه‌جویی‌ تصریح‌ شده‌ است‌ (همان‌، ص‌ 69ـ71؛ حکیمی‌، ج‌ 5، ص‌ 107ـ109؛ نیز برای‌ احادیث‌ رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 66، ص‌ 13، ج‌ 71، ص‌ 226ـ227، ج‌ 89، ص‌ 249(.بنا به‌ متون‌ تاریخی‌ و حدیثی‌، پیامبر اکرم‌ صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌ وسلّم‌ و حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌ بارها تصریح‌ کرده‌اند که‌ حتی‌ اگر نزدیکترین‌ افراد به‌ آنان‌ مانند فرزندانشان‌ مرتکب‌ خلاف‌ قانون‌ بشوند، از شمول‌ قوانین‌ و کیفر مستثنی‌ نخواهند بود (برای‌ سخن‌ آن‌ حضرت‌ دربارة‌ دخترشان‌ فاطمه‌ سلام‌الله‌علیها رجوع کنید به بخاری‌ جعفی‌، ج‌ 4، ص‌ 213ـ214؛ نایینی‌، ص‌ 31ـ32؛ و برای‌ سخن‌ حضرت‌ علی‌ علیه‌السلام‌ دربارة‌ امام‌ حسن‌ و امام‌ حسین‌ علیهماالسلام‌ رجوع کنید به نهج‌البلاغه‌ ، نامة‌ 41، و دربارة‌ یکی‌ از دختران‌ خود رجوع کنید به طوسی‌، ج‌ 10، ص‌ 151). بعلاوه‌، آنان‌ چه‌ بسا احکام‌ الهی‌ را ابتدا دربارة‌ خود یا نزدیکانشان‌ اجرا می‌کردند و سپس‌ دربارة‌ دیگران‌ (برای‌ نمونه‌ رجوع کنید به سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 414( و هیچ‌ امتیازی‌ برای‌ خود قایل‌ نبودند؛ در این‌ باره‌ اعلام‌ آمادگی‌ رسول‌ اکرم‌ در روزهای‌ آخر عمر برای‌ ادای‌ حقوق‌ احتمالی‌ مردم‌ (طبری‌، ج‌ 2، ص‌ 227، سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 413( و نیز حضور حضرت‌ علی‌ علیه‌السلام‌ در زمان‌ خلافت‌ خود نزد قاضی‌ به‌ موجب‌ ادّعایِ کذب‌ یک‌ یهودی‌ (که‌ منجر به‌ اسلام‌ آوردن‌ او شد رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 41، ص‌ 56ـ57) در خور ذکر است‌. به‌ گفتة‌ برخی‌ نویسندگان‌ (مطهری‌، 1361 ش‌، ص‌ 54؛ لوبون‌، ص‌ 159، 764؛ بغا، ص‌ 309ـ310، زحیلی‌، ج‌ 7، ص‌ 245( رعایت‌ اصل‌ برابری‌ میان‌ مردم‌ عرب‌ و تازه‌ مسلمانان‌ غیرعرب‌ یکی‌ از عوامل‌ مهم‌ جذب‌ مردم‌ و ملتها به‌ اسلام‌ بوده‌ است‌.همچنین‌ حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌ ضمنِ التزام‌ عملی‌ خود به‌ اصل‌ برابری‌ در اجرای‌ قانون‌ و عدم‌ پذیرش‌ هر گونه‌ میانجیگری‌ در این‌ زمینه‌ (از جمله‌ اجرای‌ حدّ شرب‌ خمر بر نجاشی‌ علی‌ رغم‌ اعتراض‌ نزدیکان‌ او رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 33، ص‌ 272ـ273، ج‌ 41، ص‌ 9)، به‌ خلفای‌ وقت‌ (دربارة‌ توصیه‌ به‌ خلیفة‌ دوم‌ رجوع کنید به طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 227) و نیز کارگزارانِ خود (از جمله‌: مالک‌ اشتر، اسودبن‌ قُطبَة‌ و حُذیفه‌ رجوع کنید به نهج‌البلاغة‌ ، نامة‌ 53، 59؛ مجلسی‌، ج‌ 28، ص‌ 88) نسبت‌ به‌ رعایت‌ این‌ اصل‌ برای‌ آحاد مردم‌، حتی‌ در اموری‌ مانند نگاه‌، اشاره‌ و سلام‌ کردن‌ سفارش‌ می‌کردند (رجوع کنید به نهج‌البلاغة‌ ، نامة‌ 27، 46؛ مجلسی‌، ج‌ 33، ص‌ 540) و در موارد اِعمال‌ تبعیض‌، با توبیخِ آنان‌، خواستار جبران‌ خسارات‌ وارده‌ می‌شدند؛ از جمله‌ مَصْقَلَة‌بن‌ هُبَیْرة‌ شیبانی‌، حاکم‌ اردشیر خرّه‌ (فیروزآباد فارس‌)، برای‌ تقسیم‌ فَیْء \* میان‌ خویشاوندانش‌ ( نهج‌البلاغة‌ )، نامة‌ 43) و نیز مؤاخذه‌ خزانه‌ دارشان‌، ابن‌ ابی‌ رافع‌، در ماجرای‌ عاریه‌ دادن‌ گردنبندی‌ از بیت‌المال‌ به‌ یکی‌ از دختران‌ امام‌ (رجوع کنید به طوسی‌، ج‌ 10، ص‌ 151(.بنا به‌ احادیث‌ و فقه‌ ( نهج‌البلاغة‌ )، نامة‌ 50، 59؛ مجلسی‌، ج‌32، ص‌ 416، ج‌ 72، ص‌ 354، 356؛ منتظری‌، ج‌ 2، ص‌ 190؛ سبحانی‌، ج‌ 2، ص‌ 409؛ زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 719)، حاکم‌ اسلامی‌ مکلّف‌ به‌ رعایت‌ برابری‌ در اجرای‌ قوانین‌ نسبت‌ به‌ عموم‌ افراد با قطع‌ نظر از نژاد، رنگ‌، زبان‌، وابستگی‌ قبیله‌ای‌ و خانوادگی‌، غنا و فقر، مقام‌ اجتماعی‌ و حتی‌ نیکوکار یا بدکار بودن‌ افراد است‌، و این‌ از حقوق‌ مردم‌ بر والی‌ است‌.از مصادیق‌ بارز برابری‌ در فقه‌، برابری‌ طرفین‌ دعوا در برابر دادگاه‌ و قاضی‌ است‌. فقهای‌ عامّه‌ و بعضی‌ فقهای‌ امامی‌ با استناد به‌ احادیثی‌ از پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم‌ و حضرت‌ علی‌ علیه‌السّلام‌ (فَلْیُواسِ بَیْنَهُم‌ فیِ الاِشارةِ و النَّظَرِ ...؛ برای‌ احادیث‌ و مدارک‌ آن‌ رجوع کنید به نجفی‌، ج‌ 14، ص‌ 83ـ84؛ زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 500) گفته‌اند که‌ رعایت‌ برابری‌ میان‌ طرفین‌ دعوا در اموری‌ مانند اجازة‌ ورود به‌ دادگاه‌، محلّ نشستن‌، ایستاده‌ یا نشسته‌ بودن‌ و نیز دربارة‌ رفتار قاضی‌ با آنان‌ از جمله‌ سلام‌ دادن‌، پاسخ‌ سلام‌ گفتن‌، اشاره‌، نگاه‌، استماع‌ سخنان‌ آنان‌ و هر گونه‌ توجه‌ نسبت‌ به‌ آن‌ دو بر قاضی‌ واجب‌ است‌. شماری‌ از فقها نیز به‌ استحباب‌ این‌ کارها نظر داده‌اند (زحیلی‌، ج‌ 6، ص‌ 499ـ 501؛ الموسوعة‌ الفقهّیة‌ ، ج‌ 11، ص‌ 357ـ358؛ شهید ثانی‌، ج‌ 3، ص‌ 72؛ نجفی‌، ج‌ 14، ص‌ 83ـ85).در سنّت‌ و احادیث‌ پیشوایان‌ دین‌ علیهم‌السّلام‌، و به‌ تبع‌ آن‌ در فقه‌، دربارة‌ اصل‌ رعایت‌ برابری‌ در رفتار اجتماعی‌، از جمله‌ در زمینه‌های‌ آموزشی‌ و تربیتی‌، نکات‌ فراوانی‌ آمده‌ که‌ بعضی‌ درخور اشاره‌ است‌: یکسان‌ نگریستن‌ پیامبر اکرم‌ صلّی‌اللّه‌علیه‌و آله‌وسلّم‌ به‌ یاران‌ خویش‌، (کلینی‌، ج‌ 2، ص‌ 671) و یکسان‌ گوش‌ دادن‌ به‌ سخنان‌ و اظهارات‌ ایشان‌ (رجوع کنید به مجلسی‌، ج‌ 16، ص‌ 153)؛ توصیه‌ کردن‌ ایشان‌ به‌ رعایت‌ برابری‌ در آموزش‌ کودکان‌ (طوسی‌، ج‌ 6، ص‌ 364) و نیز دربارة‌ بخشش‌ و هدیه‌ به‌ آنها و وجوب‌ یا استحباب‌ آن‌ بنابر مذاهب‌ مختلف‌ (شهید ثانی‌، ج‌ 3، ص‌ 193ـ194؛ الموسوعة‌ الفقهیّة‌ ، ج‌ 11، ص‌ 359ـ360)؛ و وجوب‌ تقسیم‌ برابر زکات‌ میان‌ گروههای‌ هشتگانه‌ بنابر برخی‌ مذاهب‌ اهل‌ سنّت‌ ( الموسوعة‌ الفقهیّة‌ ، ج‌ 11، ص‌ 355ـ356؛ و نیز رجوع کنید به زکات‌ \* ).منابع‌: علاوه‌ بر قرآن‌؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح‌ نهج‌البلاغة‌ ، مصر 1959ـ1964؛ ابن‌بابویه‌، من‌لایحضره‌ الفقیه‌ ، قم‌ 1363 ش‌؛ ابن‌شعبه‌، تحف‌ العقول‌ عن‌ آل‌ الرسول‌ (ص‌) ، بیروت‌ 1394/1974؛ ابن‌فارس‌، معجم‌ مقاییس‌ اللغة‌ ، بیروت‌ 1411/1991؛ ابن‌قدامه‌، المغنی‌ ، بیروت‌ 1403/1983؛ ابن‌قدامه‌ مقدسی‌، الشرح‌الکبیر ، در ابن‌قدامه‌، المغنی‌ ، بیروت‌ 1403/1983؛ ابن‌منظور، لسان‌ العرب‌ ، بیروت‌ 1408/1988؛ ارسطو، سیاست‌ ، ترجمة‌ حمید عنایت‌، تهران‌ 1358 ش‌؛ محمدبن‌ اسماعیل‌ بخاری‌ جعفی‌، صحیح‌البخاری‌ ، استانبول‌ 1981؛ مصطفی‌ بغا، بُحوث‌ فی‌ نظام‌ الاسلام‌ ، چاپ‌ خالدبن‌ولید، دمشق‌ 1403/1983؛ محمدتقی‌ تستری‌، بهج‌الصباغة‌ فی‌ شرح‌ نهج‌البلاغة‌ ، تهران‌ 1390ـ1400؛ محمدبن‌حسن‌ حرّ عاملی‌، تفصیل‌ وسائل‌ الشیعة‌ الی‌ تحصیل‌ مسائل‌ الشریعة‌ ، قم‌ 1409ـ1412؛ محمدرضا حکیمی‌، محمد حکیمی‌، و علی‌ حکیمی‌، الحیاة‌ ، تهران‌ 1358ـ 1368 ش‌؛ دفتر همکاری‌ حوزه‌ و دانشگاه‌، گروه‌ حقوق‌ و علوم‌ سیاسی‌، درآمدی‌ بر حقوق‌ اسلامی‌ ، تهران‌ 1368 ش‌؛ حسین‌بن‌محمد راغب‌ اصفهانی‌، المفردات‌ فی‌ غریب‌ القرآن‌ ، چاپ‌ محمد سید کیلانی‌، ؛ وهبه‌ مصطفی‌ تهران‌ 1409/1989؛ ] 1332 ش‌ [ زحیلی‌، الفقه‌ الاسلامی‌ و ادلّته‌ ، دمشق‌ جعفر سبحانی‌ تبریزی‌، مفاهیم‌ القرآن‌ فی‌ معالم‌ الحکومة‌ الاسلامیة‌ ، قم‌ 1364 ش‌؛ محمدبن‌ احمد شمس‌ الائمه‌ سرخسی‌، کتاب‌ المبسوط‌ ، بیروت‌ 1406/1986؛ زین‌الدین‌بن‌ علی‌ شهید ثانی‌، الروضة‌ البهیّة‌ فی‌ شرح‌ اللّمعة‌ الدمشقیّة‌ ، چاپ‌ محمد کلانتر، نجف‌ 1387/1967؛ محمدحسین‌ طباطبائی‌، المیزان‌ فی‌ تفسیر القرآن‌ ، بیروت‌ 1390ـ1394/ 1971ـ1974؛ فضل‌بن‌ حسن‌ طبرسی‌، مجمع‌ البیان‌ فی‌ تفسیر القرآن‌ ، چاپ‌ هاشم‌ رسولی‌ محلاتی‌ و فضل‌الله‌ یزدی‌ طباطبائی‌، بیروت‌ 1408/1988؛ محمدبن‌ جریر طبری‌، تاریخ‌ الامم‌ و الملوک‌ ، بیروت‌ 1408؛ فخرالدین‌بن‌ محمد طریحی‌، مجمع‌ البحرین‌ ، تهران‌ 1365 ش‌؛ محمدبن‌ حسن‌ طوسی‌، تهذیب‌ الاحکام‌ ، چاپ‌ حسن‌ موسوی‌ خرسان‌، بیروت‌ 1401/1981؛ محمد فؤاد عبدالباقی‌، المعجم‌ المفهرس‌ لالفاظ‌ القرآن‌ الکریم‌ ، قاهره‌ 1364؛ علی‌بن‌ابی‌ طالب‌ (ع‌)، امام‌ اول‌، نهج‌البلاغة‌ ، چاپ‌ صبحی‌ صالح‌، قاهره‌ 1411/1991؛ عبدالقادر عودة‌، التشریع‌ الجنائی‌ الاسلامی‌ مقارناً بالقانون‌ الوضعی‌ ، بیروت‌ ] بی‌تا. [ ؛ محمدبن‌ عمر فخر رازی‌، التفسیر الکبیر، قاهره‌، ] بی‌تا. [ ، چاپ‌ افست‌ تهران‌ ] بی‌تا. [ ؛ محمدبن‌ یعقوب‌ فیروزآبادی‌، القاموس‌ المحیط‌ ، بیروت‌ 1407/1987؛ سید قطب‌، العدالة‌ الاجتماعیّة‌ فی‌ الاسلام‌ ، مصر 1377/1958؛ محمدبن‌ یعقوب‌ کلینی‌، الکافی‌ ، چاپ‌ علی‌ اکبر غفاری‌، بیروت‌ 1401؛ گوستاولوبون‌، تمدّن‌ اسلام‌ و عرب‌ ، ترجمة‌ هاشم‌ حسینی‌، تهران‌ 1364 ش‌؛ علی‌بن‌ حسام‌الدین‌ متقی‌، کنزالعمال‌ ، ج‌ 3، چاپ‌ صفوة‌ سقا، بیروت‌ 1405/1985؛ محمد باقربن‌ محمدتقی‌ مجلسی‌، بحارالانوار ، بیروت‌ 1403/1983؛ جلال‌الدین‌ مدنی‌، حقوق‌ اساسی‌ در جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ ، ج‌ 7 : حقوق‌ و آزادیهای‌ افراد ملت‌ ، تهران‌ 1369 ش‌؛ احمد مصطفی‌ مراغی‌، تفسیر المراغی‌ ، بیروت‌ 1985؛ مرتضی‌ مطهری‌، بیست‌ گفتار ، قم‌ 1361 ش‌؛ همو، نظام‌ حقوق‌ زن‌ در اسلام‌ ، قم‌ 1357 ش‌؛ محمد جواد مغنیه‌، الاحوال‌ الشخصیّة‌ علی‌ المذاهب‌ الخمسة‌ ، بیروت‌ 1964؛ حسینعلی‌ منتظری‌، ولایة‌ الفقیه‌ و فقه‌ الدولة‌ الاسلامیّة‌ ، قم‌ 1408؛ الموسوعة‌ الفقهیّة‌ ، کویت‌ 1408/1988؛ محمد حسین‌ نایینی‌، تنبیه‌ الامُة‌ و تنزیه‌ الملّة‌، یا، حکومت‌ از نظر اسلام‌ ، به‌ ضمیمه‌ مقدمه‌ و با صفحه‌ و توضیحات‌ بقلم‌ محمود طالقانی‌، تهران‌ 1361 ش‌؛ محمد حسن‌بن‌ باقر نجفی‌، جواهر الکلام‌ فی‌ شرح‌ شرائع‌ الاسلام‌ ، بیروت‌ 1412/1992؛ محمدبن‌ محمد نصیرالدین‌ طوسی‌، اخلاق‌ ناصری‌ ، چاپ‌ مجتبی‌ مینوی‌ و علیرضا حیدری‌، تهران‌ 1360 ش‌؛Dictionary of the history of ideas , ed, Philip P. Wiener, New York 1973, s. vv. "Class" (by Lewis A. Coser), "Equality" (by R. R.Palmer).

## برابری در ویکیها

### ویکی فقه

مقالات ذیل در ویکی فقه

http://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%81%D9%87%D9%88%D9%85%20%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

#### مفهوم مساوات

ثبوت حکم منطوق برای مفهوم موافق به دلیل اتحاد علّت حکم در هر دو را مفهوم مساوات گویند.

فهرست مندرجات

۱ - تعریف

۱.۱ - مثال

۲ - حجیت مفهوم مساوات

۳ - پانویس

۴ - منبع

۱ - تعریف

مفهوم مساوات، از اقسام مفهوم موافق بوده و در جایی است که مفهوم موافقت، از منطوق یک کلام به سبب اتحاد علت حکم ثابت بر موضوع آن ها، به دست آید؛

یعنی وقتی یقین وجود دارد که علت حکم ثابت بر موضوع در جمله منطوق، همان علت حکم ثابت بر موضوع در مفهوم موافق است، حکم منطوق به مفهوم سرایت داده می‌شود، و به مفهوم موافقی که از این راه به دست می‌آید، مفهوم موافق مساوات می‌گویند؛

به خلاف جایی که مفهوم موافق به سبب اولویت نه اتحاد در مناط حکم به دست می‌آید.

۱.۱ - مثال

مثل این که گفته شود: «لاتشرب الخمر لانه مسکر» که در آن علت حرمت شرب خمر ، اسکار آن دانسته شده است؛ حال اگر نسبت به مسکر بودن چیز دیگری، مثل فقاع ، علم به دست آید، از راه مفهوم موافق مساوات، حکم حرمت شرب به آن نیز تسری داده می‌شود. [۱]

۲ - حجیت مفهوم مساوات

در جایی که علت منصوص باشد مفهوم مساوات حجت است، اما آن جا که علت حکم مستنبط باشد، در حکم قیاس اصولی است و نزد علمای شیعه حجیت ندارد. [۲] [۳] [۴] [۵] [۶] [۷]

۳ - پانویس

۱. ↑ المعجم الاصولی، حیدر، محمد صنقور علی، ص۸۸۸.

۲. ↑ نهایة الاصول، بروجردی، حسین، ص۲۹۵.

۳. ↑ فوائد الاصول، نائینی، محمد حسین، ج۱، ۲، ص۵۵۶.

۴. ↑ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج۲، ص۱۵۱.

۵. ↑ اصول فقه، رشاد، محمد، ج۱، ص۴۹۹.

۶. ↑ اصول الفقه، زهیرالمالکی، محمد ابوالنور، ج۲، ص۹۸.

۷. ↑ الوجیز فی اصول الفقه، زحیلی، وهبه، ص۱۷۱.

منبع

فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص۷۷۰، برگرفته از مقاله «مفهوم مساوات».

#### اصل مساوات در سیره نبوی

http://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84%20%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87%20%D9%86%D8%A8%D9%88%DB%8C

اصل مساوات در سیره نبوی

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

مساوات در لغت به معنی یکسانی و برابری بوده و یکی از اصول بسیار مهم اسلام می‌باشد.

فهرست مندرجات

۱ - مفهوم مساوات

۲ - خاستگاه مساوات

۳ - ماجرای اذان بلال

۴ - اعلام مساوات همگانی

۵ - ابطال برتری نژادی

۶ - مساوات در سیره پیامبر

۷ - پانویس

۸ - منبع

۱ - مفهوم مساوات

مساوات در لغت به معنی یکسانی و برابری بوده [۱]

و یکی از اصول بسیار مهم اسلام می‌باشد که به وسیله پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) جامه عمل پوشید. براساس آموزه‌های قرآنی، تمام انسان‌ها از یک ریشه و فرزندان یک پدر و مادرند و فرقی بین آن‌ها نیست.

۲ - خاستگاه مساوات

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) نیز بر اساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی‌ اصل مساوات را در تمام امورات حکومت مدینه برقرار ساخت و سعی نمود، تا با همگان به طور یکسان رفتار شود و هیچ‌ گونه فرقی بین آنان نباشد، آن حضرت تمام افراد جامعه اسلامی‌ را مانند، دندانه‌های شانه با هم برابر و مساوی می‌دانست و معتقد بود که انسان‌ها هیچ مزیت و برتری بر یکدیگر جز تقوا ندارند. «الناس سواء کاسنان المشط؛ [۲] [۳] [۴] مردم چون دندانه‌های شانه مساویند.»

دین مبین اسلام تمام انسان‌ها را برابر می‌داند و کلیه تفاخرها و امتیازات نژادی و اختلافات طبقاتی و برتری جویی‌های اجتماعی را نفی کرده و به صراحت اعلام کرده است:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم». [۵]

۳ - ماجرای اذان بلال

این نگرش اسلام به انسان‌ها و رفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) براساس آن، سبب جذب بسیاری به اسلام بود. در جریان فتح مکه، زمانی که بلال از جانب آن حضرت مامور گفتن اذان بر بالای کعبه شد، بسیاری از مشرکان به سبب رنگ پوست و برده بودن وی، بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) ایراد گرفتند. چنان که عتاب بن اسید بن ابی‌عیص گفت: خدا را سپاس که پدر من فوت کرده و نیست تا این روز را ببیند و حارث بن هشام نیز ادامه داد که : محمد جز این کلاغ سیاه مؤذن دیگری نیافت و سهیل بن عمرو گفت: چون خدا چیزی را اراده کند، تغییرش دهد، ابوسفیان نیز افزود: من چیزی نمی‌گویم؛ چون می‌ترسم که پروردگار آسمان او را باخبر سازد.

پس جبرئیل بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) نازل شد و آن حضرت را از آنچه گذشته بود، آگاه ساخت، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) آنان را احضار کرده و از آنچه بر زبان رانده بودند، پرسش نمود و آنان نیز بدان اعتراف نمودند، پس از این عیب‌ جویی آنان بر مؤذن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)، آیه فوق نازل شد و همه انسان‌ها را برابر اعلام نمود و از تفاخر و تکاثر و کوچک شمردن فقرا منع کرد و اساس و ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر را فقط میزان تقوا و پرهیزکاری دانست. [۶]

پس بر این اساس همه انسان‌ها از یک اصل و ریشه‌اند و همین وحدت و یگانگی انسان‌ها، اساس و ملاک مساوات و برابری آن‌هاست.

۴ - اعلام مساوات همگانی

مشرکان قریش که نسل‌ها، ثروت، حسب و نسب را مایه برتری و تفاخر می‌دانستند و بر اساس همین تفکر جاهلی و بدون آگاهی از دستورات اصیل اسلامی‌ لب به طعن و عیب‌ جویی از مؤذن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) گشوده و سبب نزول آیه فوق‌ الذکر شده بودند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) را واداشت تا در این رابطه خطبه‌ای ایراد نماید و مساوات اسلامی‌ را به اطلاع همگان برساند. بنابراین در حضور مردم اعلام نمودند:

«یا ایها الناس الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد الا لافضل لعربی علی عجمی‌و لا لعجمی‌علی عربی و لا اسود علی احمر و لا لاحمر علی اسود الاّ بالتقوی، الا هل بلغت؟ قالوا: نعم، قال: لیبلغ الشاهد الغائب» [۷] [۸][۹] مردم آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان نیز یکی است. بنابراین بدانید که نه عربی را بر عجم، و نه عجمی‌ را بر عرب، و نه سیاهی را بر سفید و نه سفیدی را بر سیاه برتری است؛ مگر به تقوا، آیا (این حقیقت) را ابلاغ کردم؟ گفتند: آری، فرمود: حاضران به غایبان ابلاغ کنند.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) خطاب به آنان فرمود:

«ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم نخوه الجاهلیه و تفاخرها بآبائها الا انکم من آدم وآدم من طین، الا ان خیر عبدالله عبد اتقاء.» [۱۰]

‌ای مردم خداوند تکبر و نخوت روزگار جاهلیت و تفاخر به پدران و نیاکان را از میان شما برانداخته است، شما همه فرزندان آدمید و آدم از خاک آفریده شده است، بهترین بنده خدا، بنده‌ای است که تقوا داشته باشد.

۵ - ابطال برتری نژادی

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) با اعلام همگانی اصل مساوات، دیدگاه طبقاتی و نژادی و بالتبع مناسبات برخاسته از آن را که معیار عمل اهل مکه بود، باطل اعلام کرد و همه آنان را همانند هم دانسته و در یک صف و برابر قرار داد و فرمود: «استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبکم» [۱۱] [۱۲] «با هم در یک صف و به مساوات باشید و با هم مختلف نباشید». اگر یک رنگی و برابری و یکتایی را رعایت نکنید، دل‌هایتان پراکنده می‌شود و دست‌ها از یاری یکدیگر باز می‌ماند. تلاش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) بر این بود که مردم را با این حقیقت آشنا سازد و آن دیدگاه طبقاتی و برتری جویی‌های نژاد و نسبی را که مدت طولانی با خلق و خوی اعراب عجین شده بود، ازمیان بردارد.

براساس همین آموزه‌ها و هدف عالی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)، آن حضرت کسانی را که خود را از طبقه برتر، می‌دانستند و به نژاد و قوم و قبیله و پدران و اجداد خود تفاخر می‌کردند و آن را مایه برتری و تمایز از دیگران می‌دانستند، به شدت نکوهش کرده و خطاب به آنان می‌فرمود: «کلکم بنو آدم و آدم خلق من تراب، لینتهین قوم یفتخرون بآبائهم او لیکونن اَهوَن من العجلان» [۱۳]

همه‌تان فرزندان آدمید و آدم از خاک آفریده شده است. گروهی که به پدران خویش مباهات می‌کنند، باید بدان پایان بخشند که در غیر این صورت نزد خدا از سوسک سرگین غلتان نیز خوارتر و بی‌ارزشتر به شمار آیند.

آن حضرت خطاب به قریش که خود را از دیگر اعراب برتر ‌دانستنه و به حسب و نسب بالای خود مغرور بودند و آن را برای خود شان و منزلتی بالاتر از دیگران می‌دانستند، می‌فرمود: «یا معشر قریش یاتی الناس بالاعمال یوم القیامه وتاتون بالدنیا تحملونها علی رقابکم. یا محمد یا محمد، فاقول: هکذا اعرض عنکم فبین انهم ان مالوا الی الدینا لم ینفعهم نسب قریش». [۱۴] [۱۵]

۶ - مساوات در سیره پیامبر

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) علاوه بر خطبه‌ها و بیاناتی که راجع به مساوات و برابری داشت در منطق عملی و رفتار خود نیز این مساوات و برابری را رعایت می‌کرد تا الگویی برای تمام مسلمانان باشد؛ این رفتار و پایبندی به رعایت مساوات به حدی بود که حتی در نگاه کردن به اصحاب و یارانش نیز آن را پاس می‌داشت. مجالس وی چنان بود که هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی‌شد و در حلقه‌ای میان اصحابش چنان می‌نشست، تا هیچ برتری میان وی و یارانش وجود نداشته باشد، چنانکه از ابوذر نقل شده: «کان رسول الله یجلس بین ظهرانی اصحابه یجییء الغریب فلایدری، ایهم هو حتی یسال» [۱۶] [۱۷] [۱۸] رسول‌ خدا در حلقه‌ای میان اصحابش می‌نشست (به گونه‌ای که) فرد بیگانه‌ای وارد مجلس می‌شد و نمی‌دانست، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) کدام یک است، تا می‌پرسید.

گرچه آن حضرت در مقام پیامبر خدا، در بالاترین درجه و مقام بود؛ اما مانند همگان می‌زیست، بر زمین می‌نشست و بر روی زمین غذا می‌خورد، با بردگان هم غذا می‌شد، چون دیگران مایحتاج خانه‌اش را از بازار تهیه می‌کرد و به خانه می‌برد و به هر کس می‌رسید، بدون توجه به کوچکی یا بزرگی و یا توانگری و فقر او سلام می‌کرد و با توانگر و فقیر مصافحه می‌کرد. [۱۹]

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) در موقعیت‌ها و مناسبت‌های گوناگون دوره رسالت خود تلاش کرد تا به انحاء گوناگون مردم را با مساوات و برابری آشنا سازد و در واقع با عملکرد خود سعی می‌کرد تا این اصل مهم را در جامعه اسلامی‌ آن روز نهادینه نماید و کلیه فضیلت‌ها و برتری‌های بی‌اساس را نابود سازد و همگان را ملزم به رعایت مساوات و برابری در تمامی‌امور اجتماعی نماید.

پانویس

۱. ↑ الیاس، انطون، فرهنگ نوین عربی- فارسی، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، ص۳۲۷، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۰ش، چاپ هشتم.

۲. ↑ یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۰۰، بیروت، دارصادر.

۳. ↑ ثقفی کوفی، ابراهیم، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، ج۱، ص۸۲۳، تهران، انجمن اثار ملی، ۱۳۵۳ش.

۴. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تحقیق عبدالکریم ربانی شیرازی، ج۲۲، ص۳۴۸، بیروت، لبنان، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳، چاپ اول.

۵. ↑ حجرات/سوره۴۹، آیه۴۹.

۶. ↑ ابن کثیر، اسماعیل، البدایه والنهایه، تخقیق وتعلیق علی شیری،ج۴، ص۲۶۴، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۰ه. ق، چاپ اول.

۷. ↑ کراجکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، تحقیق سیداحمد حسینی، ص۲۱، قم، مهراستوار، ۱۳۹۴ق، چاپ دوم.

۸. ↑ هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج۳، ص۲۶۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

۹. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج۶، ص۱۸۸، بیروت، دارالکتب العربی.

۱۰. ↑ شیخ صدوق، ابوجعفرمحمد، من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۶۳، قم، منشورات جامعة المدرسین، ‌۱۴۰۴.

۱۱. ↑ محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبرغفاری، ج۸، ص۲۴۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

۱۲. ↑ نعمان مغربی، قاضی، دعائم الاسلام، ج۲، ص۱۹۹، مصر، قاهره، دارالمعارف، چ دوم.

۱۳. ↑ هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج۸، ص۸۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

۱۴. ↑ حلبی، نورالدین، السیره الحلبیه، ج۳، ص۹۱، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰.

۱۵. ↑ ابن اثیر، ابوالحسن، اسدالغابه، ج۱، ص۵۲۰، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.

۱۶. ↑ سجستانی، ابن الاشعث، سنن ابی داوود، ج۲، ص۴۱۲، دارالفکر للطباعه والنشر، ۱۴۱۰، چاپ اول.

۱۷. ↑ عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بیروت، لبنان دارالمعرفه لطباعه والنشر، چاپ دوم، ج۱، ص۱۰۷.

۱۸. ↑ طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص۱۶۰، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ق، چاپ ششم.

۱۹. ↑ ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادرعطا، ج۱، ص۳۶۰-۳۷۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق، ، چ اول.

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله « اصل مساوات در سیره نبوی»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۰۵/۱۸.

#### اقسام مساوات در سیره نبوی

http://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%82%D8%B3%D8%A7%D9%85%20%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87%20%D9%86%D8%A8%D9%88%DB%8C

اقسام مساوات در سیره نبوی

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

اصل مساوات از جمله دستورهای اسلام است و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) در تمام جنبه‌های زندگی، آن را به کار گرفت و همواره در تمام عملکرد‌ها به آن توجه داشت؛ مانند: مساوات در برابر قانون، تحصیل علم، و غیره را انجام می‌داد.

فهرست مندرجات

۱ - مقدمه

۲ - مساوات اجتماعی

۳ - مساوات در برابر قانون

۴ - تقسیم بیت‌المال

۵ - اخذ مالیات‌های اسلامی

۶ - تحصیل علم

۷ - تصدی شغل‌ها و انجام مسئولیت‌ها

۸ - پانویس

۹ - منبع

۱ - مقدمه

اصل مساوات از جمله دستورهای اسلام است و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) در تمام جنبه‌های زندگی، آن را به کار گرفت و همواره در تمام عملکرد‌ها به آن توجه داشت؛ مانند: مساوات در برابر قانون، تقسیم بیت‌المال، مالیات‌های اسلامی، تحصیل علم، تصدی مشاغل و مناصب و … که برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود.

۲ - مساوات اجتماعی

مساوات اجتماعی آن است که در یک جامعه میان انسان‌ها از نظر نژاد، طبقه و حقوق اجتماعی، هیچ اختلاف و تمایزی نباشد و همه افراد از حقوق اجتماعی برابر بهره‌مند باشند و همگان به یک دید نگاه شوند.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) برای اینکه بسیاری از رسوم جاهلی و برتری‌جویی‌های نادرست و اختلافات طبقاتی برجای‌مانده، میان اعراب مسلمان را از میان بردارد، اقدام‌های عملی زیادی در این باره انجام داد تا بر همگان روشن سازد که همه مسلمانان از نظر اجتماعی، مساوی‌اند و فقیران و بردگان با بزرگان و ثروتمندان فرقی ندارند و همه با هم برابرند و هیچ تمایز و برتری بر یکدیگر ندارند. مهم‌ترین نمونه آن ازدواج «جویبر» و «زَلفا» است.

جویبر اهل یمامه و مردی کوتاه‌قد، زشت و فقیر بود که بعد از مسلمان‌شدن به مدینه آمده بود.پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) برای در هم شکستن رسوم جاهلی وی را به خواستگاری دختر «زیاد بن لبید» از بزرگان و محترمان قبیله بنی‌بیاضه (یکی ازقبایل انصار) فرستاد و در جواب زیاد که وی را هم‌شان و لایق ازدواج با دختر خود نمی‌دانست فرمود:

«یا زیاد! جویبر مؤمن و المؤمن کفو للمؤمنه و المسلم کفو للمسلمه فزوجه یا زیاد و لا ترغب عنه؛ [۱] ای زیاد! جویبر، مؤمن است و مرد مؤمن، شایسته و همتای زن مؤمن است و مرد مسلمان، شایسته و همتای زن مسلمان است؛ پس با این ازدواج موافقت کن و مخالفت نکن.»

همچنین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) دختر عمه خود زینب دختر جحش را که نوه عبدالمطلب بود، به ازدواج زید، یعنی همان غلام آزاد شده خود درآورد. در این باره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) به خانه زینب رفت و او را برای زید خواستگاری کرد. [۲] [۳] پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) با این اعمال، اختلافات طبقاتی و خانوادگی و رسوم نادرست اجتماعی و برتری‌جویی‌های نادرست را در هم شکست و همه مسلمانان را چه سیاه و چه سفید، چه برده و چه آزاد، و چه ثروتمند و فقیر را برابر و هم‌کفو اعلام کرد و این‌چنین، مساوات را در جامعه عینیت بخشید، تا همگان به او اقتدا کنند و بدانند که شرافت و برتری انسان‌ها فقط به تقوا و کمالات معنوی است، نه پول، ثروت، نژاد و طبقه خاص.

۳ - مساوات در برابر قانون

یکی دیگر از نمونه‌های بارز مساوات در سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)، برابری در اجرای قانون برای همگان بود. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) این نوع مساوات را سخت پاس می‌داشت. در توصیف آن حضرت آمده است:

«صاروا عنده فی الحق سواءً؛ [۴] [۵] همگان در قبال حق در نظرش یکسان بودند.»

پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) در اجرای قانون، ملاحظه‌ای جز ملاحظه حق نمی‌کرد و اجازه هیچ‌گونه تخطی از آن را به کسی نمی‌داد و حفظ آن را از عوامل حفظ سلامت جامعه و حکومت و عدول از آن را مایه تباهی جامعه و هلاکت می‌دانست؛ به همین سبب به شدت از تبعیض در اجرای قانون منع می‌کرد و می‌فرمود:

«انما هلک بنواسرائیل لانهم کانو یقیمون الحدود علی الوضیع دون الشریف؛ [۶]

بنی‌اسرائیل تنها به این سبب هلاک شدند که حدود را درباره زیردستان اجرا می‌کردند و بزرگان را معاف می‌داشتند.» بنابراین اجازه نمی‌داد، هیچ‌کس خود را فراتر از قانون بداند و هیچ چیز سبب زیر پاگذاشتن قانون شود.

نقل شده است که زنی از قبیله بنی‌مخزوم دزدی کرد. قریش درصدد برآمدند که نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) شفاعت کنند و چون پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) را می‌شناختند، گفتند: «چه کسی جز اسامه که مورد علاقه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) است شهامت این کار را دارد؟» سپس اسامه را شفیع قرار دادند و او در این باره با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) صحبت کرد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) سخت خشمناک شد تا جایی که رنگ چهره‌اش برافروخته شد و به اسامه فرمود: «آیا درباره حدی از حدود الهی شفاعت می‌کنی؟» [۷]

وی از سخن خویش پشیمان شد و معذرت‌خواهی کرد. به دنبال این قضیه، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) خطبه‌ای خواند و فرمود:

«فانما هلک الذین من قبلکم انهم کانوا اذا سرق فیهم الشریف ترکوه و اذا سرف فیهم الضعیف اقاموا علیه الحد و انیّ والذی نفسی بیده، لو اَن فاطمه بنت محمد سَرَقت، فقطعت یدها؛ [۸] [۹] [۱۰] [۱۱] همانا پیشینیان هلاک شدند؛ زیرا اگر فردی بزرگ از ایشان دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد، بر وی حد جاری می‌کردند. سوگند به آن که جانم در دست اوست؛ اگر فاطمه دختر محمد نیز دزدی کرده بود، دست او را می‌بریدم؛ آن‌گاه قانون را درباره آن زن بنی‌مخزوم اجرا کرد.» [۱۲] این پایبندی رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) به اجرای قانون و مساوات همه افراد در برابر آن به حدی بود که خود در آخرین روزهای زندگی‌اش در حالی که به شدت بیمار بود، به مسجد رفت و خطاب به جمع حاضر فرمود:

«ایها الناس فانی … فیکم مراراً؛ [۱۳] [۱۴] ای مردم! من خدایی را که جز او خدایی نیست، در برابر شما می‌ستایم. هر که در میان شما حقی برگردن من دارد، اکنون من؛ اگر تازیانه‌ای (به ناحق) بر پشت کسی زده‌ام، این پشت من، بیاید و به جای آن تازیانه بزند و اگر کسی را دشنام داده‌ام، بیاید و دشنام دهد. زنهار که دشمنی درسرشت و در شان من نیست. بدانید محبوب‌ترین شما نزد من کسی است که اگر حقی برگردن من دارد، از من بستاند یا مرا حلال کند تا خدا را که دیدار می‌کنم، پاک و پاکیزه باشم و چنین می‌بینم که این درخواست، کافی نیست و لازم است چند بار در میان شما برخیزم و آن را تکرار کنم.»

۴ - تقسیم بیت‌المال

حضرت رسول‌اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) درباره حقوقی که به مسلمانان تعلق داشت، نیز تفاوتی قائل نمی‌شد و هیچ برتری و امتیازی برای عرب‌ها و غیر عرب‌ها قائل نبود و هیچ‌گونه تفاوتی بین سفید و سیاه و یا توانگر و ناتوان نمی‌گذاشت؛ بلکه در دادن حق و حقوقی که به آنان تعلق داشت، همگان را به یک دید می‌نگریست و به طور مساوی بین آنان تقسیم می‌کرد؛ چنان‌که در تقسیم غنایم جنگ بدر، هیچ امتیازی برای فرد خاصی قائل نشد و میان همه به طور مساوی تقسیم کرد. [۱۵]

۵ - اخذ مالیات‌های اسلامی

یکی دیگر از نماد‌های مساوات در سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) برابری در مالیات‌های اسلامی چون: خمس، زکات و صدقات بود. این مالیات‌های اسلامی از همه کسانی که درآمد و دارایی‌شان از مقدار مشخصی بالاتر می‌رفت، گرفته می‌شد و برای همه مسلمانان ثابت بود و هیچ‌گونه امتیازات طبقاتی و نسبی در آن راه نداشت. بخش عمده‌ای از این مالیات‌ها برای تعادل اجتماعی و طبقاتی، برای تامین ناتوانان و نیازمندان اختصاص می‌یافت، تا به این طریق هم از تمرکز قدرت و ثروت در دست عده‌ای و فقر و محرومیت عده‌ای دیگر جلوگیری شود و به این وسیله، زمینه عدالت اجتماعی فراهم آید. [۱۶]

۶ - تحصیل علم

از دیگر لوازم رعایت مساوات و برابری در یک جامعه آن است که امکانات رشد و کمال به طور یکسان و مساوی در اختیار همگان قرار گیرد که از مصادیق مهم و اساسی آن، فراهم‌بودن امکان تحصیل و تعلیم و تربیت است؛ یعنی در یک جامعه هر فردی بدون توجه به طبقه‌ای خاص، فقط در سایه لیاقت و شایستگی و استعداد خود بتواند در راه تحصیل قدم بردارد و با تلاش خود به مراحل کمال و شایستگی برسد و بر اساس همین ویژگی‌های عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) است که آن حضرت می‌فرماید:

«طلب العلم فریضه علی کل مسلم؛ [۱۷] [۱۸] طلب و فراگیری علم و دانش بر [۱۶] مسلمانان واجب است.»

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) آن‌چنان به این امر توجه داشت که بهای آزادی اسرای باسواد جنگ بدر را آموزش‌دادن سواد به کودکان مسلمان قرار داد؛ [۱۹]

به این ترتیب، هم اسیرانی که فدیه نداشتند تا در قبال آزادی خود بپردازند، آزاد می‌شدند و هم تعداد زیادی از کودکان مسلمان، خواندن و نوشتن می‌آموختند. آن حضرت به‌انداره‌ای به آموزش اهمیت می‌داد که می‌فرماید:

«اغد عالماً او متعلماً او محباً او متبعاً و لا تکن الخامسه فتهلک؛ [۲۰] روز خود را در حالی آغاز کن که دانشمند یا دانشجو یا شنونده دانش یا دوستدار دانش باشی و از گروه پنجم (خارج از این چهار گروه) مباش که هلاک و نابود می‌شوی.»

اسلام، نگاه و رفتار طبقاتی را در همه امور زیر پا گذاشته و به هیچ کس اجازه نداده است که افراد را در فراگیری دانش بر مبنای ثروت و مکنت طبقه‌بندی کند و هیچ‌گونه تبعیض در تعلیم و تربیت و امکانات آن در سیره نبوی پذیرفته نیست. این حرکت همگانی و اعلام مساوات در تحصیل علم در اوضاع و احوالی عینیت می‌یافت که دیدگاه‌های طبقاتی به شدت بر جامعه آن روز حاکم بود و دانش، خاص توانگران و قدرتمندان بود و محرومان و ناتوانان در کنار سایر محرومیت‌های اجتماعی از علم‌آموزی محروم بودند؛ ولی در مدینه، شهر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)، نشانی از این تبعیض‌ها، به ویژه، محروم‌کردن استعداد‌ها از فراگیری دانش نبود.

۷ - تصدی شغل‌ها و انجام مسئولیت‌ها

از نمونه‌های دیگر مساوات در سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) برابری در واگذاری مشاغل بر اساس اهلیت بود. آن حضرت در ابتدای ورود خود به مدینه، مسئولیت‌ها را تقسیم کرد؛ به گونه‌ای که همه به ترتیب به جهاد می‌رفتند. آن حضرت در این باره فرمود:

«و انّ کلّ غازیة غزت معنا یعقب بعضها بعضاً؛ [۲۱] [۲۲] [۲۳] همه گروه‌های مسلمان که به ترتیب و تناوب به جنگ و جهاد می‌روند (و جنگ به یک گروه، دو مرتبه پشت سر هم تحمیل نخواهد شد).‌»

آن حضرت برای تعیین فرمانده در جنگ‌ها، تنها ملاحظه شایستگی، توانایی و تدبیر افراد را می‌کرد و به سن و حسب و نسب بی‌توجه بود؛ همان‌گونه‌که در جنگ موته چنان کرد و زید بن حارثه که از این امتیاز، بی‌بهره بود، یکی از فرماندهان جنگ بود. [۲۴] [۲۵] آن حضرت با این عملکرد خود، راه کمال را برای همه، حتی زنان گشود؛ زیرا تا آن زمان این راه برای آنان بسته بود. زنان در پرتو اسلام در تمامی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی حضور یافتند و در عرصه‌های گوناگون، شایستگی‌های خود را نشان دادند که از جمله آنان سمیه اولین شهید اسلام بود که با پایداری خود در مقابل مشرکان مکه، الگوی بردباری و ایستادگی شد. [۲۶] [۲۷] صفیه دختر عبدالمطلب هم از جمله زنانی بود که در صحنه‌های نظامی در جنگ احد و خندق حضور فعال داشت. [۲۸] نسیبه دختر کعب، معروف به ام‌عماره هم از زنان فعالی بود که در صحنه‌های اجتماعی و نظامی زیادی چون: صلح حدیبیه، بیعت رضوان، غزوه خیبر، غزوه حنین و... حضور فعال و چشمگیر داشته است. [۲۹] [۳۰] [۳۱]

پانویس

۱. ↑ علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقها، بی‌جا، منشورات المکتبه المرتضویه اخبارآلاثار الجعفریه، بی‌تا، ج۲، ص۶۰۵-۶۰۶.

۲. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر خراسانی، نجف، دارالنعمان للطباعه والنشر، ۱۳۸۶ق، ج۲، ص۲۲۳.

۳. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا (علیه‌السّلام)، تحقیق شیخ حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ق، ج۱۸، ص۲۲۴.

۴. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۳۸۸.

۵. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ‌اندیشه، ۱۳۷۶ش، ج۱، ص۳۲۶.

۶. ↑ تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ق، ج۲، ص۴۴۲.

۷. ↑ ابن‌ عبدالبر،یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول، ۱۹۹۲م، ج۴، ص۱۸۹۲.

۸. ↑ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، تحقیق محمد بن الحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ج۱۰، ص۲۶.

۹. ↑ ابن ‌سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمدعبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی‌تا، ج۴، ص۵۲.

۱۰. ↑ صالحی شامی، یوسف، سبل الهدی، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج۹، ص۱۹۶.

۱۱. ↑ بیهقی، احمد بن حسین، دلایل النبوه، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ق، ج۵، ص۸۸.

۱۲. ↑ بیهقی، احمد بن حسین، دلایل النبوه، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ق، ج۵، ص۸۸.

۱۳. ↑ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق نخبه من العلماء، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا، ج۲، ص۴۳۲

۱۴. ↑ ابن ‌عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر، ۱۴۱۵ق، ج۴۸، ص۳۲۳.

۱۵. ↑ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش، ج۳، ص۹۷۶.

۱۶. ↑ دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره اجتماعی، سیره نبوی، منطق عملی، دفتردوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ش، ص۴۱۸.

۱۷. ↑ کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج۱، ص۳۰-۳۱.

۱۸. ↑ تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج۱، ص۸۳.

۱۹. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ‌اندیشه، ۱۳۷۶ش، ج۲، ص۱۹.

۲۰. ↑ فسوی (البسوی)، ابو یوسف یعقوب بن سفیان، المعرفة و التاریخ، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، المؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۰۱ق، ج۳، ص۳۹۸.

۲۱. ↑ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ص۶۸.

۲۲. ↑ کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج۵، ص۳۱.

۲۳. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج۶، ص۱۴۱.

۲۴. ↑ مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، مکتبة الثقافة الدینیه، بی‌تا، ج۴، ص۲۳۱.

۲۵. ↑ ابن ‌هشام، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ترجمه سید‌هاشم رسولی، ج۲، ص۲۴۸.

۲۶. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج۴، ص۱۵۸۹.

۲۷. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ‌اندیشه، ۱۳۷۶ش، ج۴، ص۱۰۱.

۲۸. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج۲، ص۵۷۵.

۲۹. ↑ ابن‌ اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق، ج۷، ص۱۲.

۳۰. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص۲۵۰.

۳۱. ↑ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، تحقیق محمد بن الحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ج۱، ص۵۳

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «اقسام مساوات در سیره نبوی»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۶/۱۳.

### امامت پدیا (دانشنامه امامت و ولایت)

https://fa.imamatpedia.com/wiki/%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

مساوات

از امامت‌پدیا، دانشنامهٔ امامت و ولایت

Logo disambig-rtl.svg مساوات از چند منظر متفاوت، بررسی می‌شود: مساوات در لغت - مساوات در معارف و سیره نبوی - مساوات در معارف و سیره علوی - مساوات در فقه سیاسی - مساوات در جامعه‌شناسی اسلامی

مساوات به معنای یکسانی و برابری بدین معناست که همه افراد جامعه از نظر حقوق اجتماعی برابر هستند و میان آنان از نظر نژاد، طبقات و جنسیت در حقوق اجتماعی و عمومی فرقی نیست. از نظر اسلام تفاوتی میان انسان‌ها وجود ندارد مگر به تقوا (البته مراد تفاوت‌های طبیعی نیست). این مساوات می‌تواند در امور اجتماعی باشد، یا مساوات در برابر قانون و نیز در تحصیل علم و... .

فهرست

۱ معناشناسی

۲ اهمیت مساوات در اسلام

۳ خاستگاه مساوات

۴ مساوات در سیره پیامبر خاتم (ص)

۵ برخی از اقسام مساوات

۵.۱ مساوات اجتماعی سیاسی و اقتصادی

۵.۲ مساوات در برابر قانون

۵.۳ مساوات در تقسیم بیت‌المال

۵.۴ مساوات در تحصیل علم

۵.۵ مساوات در تصدی امور و انجام دادن مسئولیت‌ها

۶ پرسش مستقیم

۷ جستارهای وابسته

۸ منابع

۹ پانویس

معناشناسی

واژه مساوات، در لغت، به معنای استواری و میانه‌روی[۱].[۲] و در اصطلاح، بدین معناست که همه افراد جامعه از نظر حقوق اجتماعی برابر هستند و میان آنان از نظر نژاد، طبقات و جنسیت در حقوق اجتماعی و عمومی فرقی نیست[۳].[۴]

اهمیت مساوات در اسلام

اسلام دین "مساوات" و عدم تبعیض است و قرآن کریم، خلقت انسان‌ها را همگون و ریشۀ همۀ آنها را از یک پدر و مادر دانسته[۵] و تفاوت‌های صوری را امری خارج از کرامت مشترک انسانی و تنها راه کسب امتیاز را تقوا و فضیلت می‌داند. دستور آغازین پیامبر (ص) بر عدم افتخار قومی، قبیله‌ای، نژادی، عربی، عجمی و مانند آن بود[۶]

در منطق قرآن کریم، نه سفید را بر سیاه مزیتی است و نه عرب را بر عجم؛ نه زمامداران بر شهروندان برتری دارند و نه حاکمان بر مردمان. همه انسان‌ها بی‌هیچ امتیازی در جامعه برابرند و از حقوق عمومی و اجتماعی یکسان بهره‌مندند، چنان که در سخن بلند و پیام‌آور مساوات، حضرت ختمی مرتبت آمده است: «مردمان چون دندانه‌های شانه مساوی‌اند»[۷].

متون اسلامی، مسأله برابری و مساوات را در ابعاد گوناگونی مطرح نموده است؛ از جمله برابری در نژاد[۸]، برابری در بهره‌های اجتماعی و عمومی[۹]، برابری در برابر قانون[۱۰]، برابری در تعمیم حقوق و وظایف[۱۱] و برابری و یکسان بودن در حق‌طلبی[۱۲].[۱۳]

خاستگاه مساوات

بر اساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی، اصل مساوات در تمام امور زندگی و حکومتی باید اجرا شود. پیامبر خاتم (ص) این امر را در تمام امور حکومت مدینه برقرار ساخت و سعی کرد با همگان، یکسان رفتار شود و هیچ‌گونه فرقی بین آنان نباشد. آن حضرت تمام افراد جامعه اسلامی را مانند دندانه‌های شانه با هم برابر و مساوی می‌دانست و معتقد بود، انسان‌ها هیچ برتری بر یکدیگر جز به خاطر تقوا ندارند: "النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ"[۱۴]؛ مردم چون دندانه‌های شانه مساوی‌اند.

این روش در جکومت امیرالمؤمنین (ع) و سیره آن بزرگوار هم جاری بود. ایستادگی بر رعایت مساوات در تقسیم سرانه بیت‌المال از ویژگی‌های امیرمؤمنان علی (ع) بود و به بیان فقیه بزرگ شیعه، شیخ محمد حسن نجفی، نصوص فراوانی حاکی از آن است که علی (ع) سرانه بیت‌المال را به مساوات میان مردم تقسیم می‌کرد و رعایت عدالت در این مورد از صفات ویژه آن حضرت به شمار آمده است[۱۵]. عبایة بن ربعی[۱۶] از امیرمؤمنان علی (ع) روایت کرده است که فرمود: "أُحَاجُّ النَّاسَ‏ يَوْمَ‏ الْقِيَامَةِ بِسَبْعٍ‏ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْقَسْمِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ وَ إِقَامِ الْحُدُودِ"[۱۷]»[۱۸]

مساوات در سیره پیامبر خاتم (ص)

رسول اکرم (ص) علاوه بر بیان خطبه‌ها و سخنانی درباره مساوات، در رفتار خود نیز این مساوات را رعایت می‌کرد تا الگویی برای تمام مسلمانان باشد. پایبندی ایشان به رعایت مساوات به حدی بود که حتی در نگاه کردن به اصحاب و یارانش نیز آن را عملی می‌ساخت. مجالس وی چنان بود که هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی‌شد و در حلقه اصحابش چنان می‌نشست که هیچ برتری میان وی و یارانش وجود نداشته باشد؛ چنان که از ابوذر نقل شده است: "رسول خدا (ص) به گونه‌ای در حلقه اصحابش می‌نشست که اگر فرد بیگانه‌ای به مجلس وارد می‌شد، نمی‌دانست پیامبر (ص) کیست تا اینکه می‌پرسید"[۱۹].

آن حضرت در مقام پیامبر خدا (ص) بالاترین درجه و مقام را داشت؛ اما مانند همگان می‌زیست، بر زمین می‌نشست، روی زمین غذا می‌خورد، با بردگان هم‌غذا می‌شد، مانند دیگران نیازمندی‌های خانه‌اش را از بازار می‌خرید و به خانه می‌برد و به هر کس می‌رسید، بدون توجه به کوچکی یا بزرگی و یا توانگری و فقر او به او سلام و با توانگر و فقیر مصافحه می‌کرد[۲۰].

پیامبر (ص) در مناسبت‌های گوناگون دوره رسالت خود کوشید تا به روش‌های گوناگون، مردم را با مساوات آشنا سازد و در واقع، با عملکرد خود می‌کوشید تا این اصل مهم را در جامعه اسلامی آن روز، نهادینه و تمام فضیلت‌ها و برتری‌های بی‌اساس را نابود و همگان را به رعایت مساوات و برابری در تمامی امور اجتماعی وادار کند[۲۱].

برخی از اقسام مساوات

مساوات در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارای اقسامی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

مساوات اجتماعی سیاسی و اقتصادی

مساوات اجتماعی، آن است که در یک جامعه، میان انسان‌ها از نظر نژاد، طبقه و حقوق اجتماعی، هیچ اختلافی نباشد و همه افراد از حقوق اجتماعی برابر بهره‌مند باشند و همگان یکسان دیده شوند. پیامبر (ص) برای از میان برداشتن بسیاری از رسوم جاهلی و برتری‌جویی‌های نادرست و اختلافات طبقاتی برجای‌مانده میان اعراب مسلمان اقدام‌های عملی زیادی در این باره انجام داد تا بر همگان روشن سازد که همه از نظر اجتماعی مساوی‌اند و فقیران و بردگان با بزرگان و ثروتمندان فرقی ندارند و همه با هم برابر‌اند.

تساوی همگان در برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در گفتار و سیره پیشوایان معصوم موج می‌زند. رسول خدا در بیانی ماندگار که همواره در تاریخ مورد استناد زمامداران عدالت‌پیشه بوده، فرمودند: "ای مردم! پروردگار شما یکی و پدرتان هم یکی است. همگی از آدم و آدم نیز از خاک آفریده شده است. تحقیقاً گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست و هیچ عربی بر غیرعرب برتری ندراد جز به تقوا"[۲۲].

امام صادق (ع) در برابر این پندار که تقوا ملاک بهره‌مندی بیشتر از امکانات عمومی است، می‌فرماید: “پیروان اسلام، فرزندان اسلام‌اند. میان آنان در پرداخت بیت‌المال، مساوات را رعایت می‌کنم و فضائل آنان مربوط به رابطه آنان با خدا است. من مانند فرزندان یک شخص، با آنان رفتار می‌کنم”[۲۳].[۲۴].

مساوات در برابر قانون

قانونی که از سوی خداوند یا پیامبر اکرم (ص) و زمامدار جامعه وضع و اجرا می‌شود، شامل همه افراد می‌شود و هیچ کس، حتی خود پیامبر از آن مستثنا نیست. این امر به معنای تساوی همه در برابر قانون است و از افتخارات اسلام و از عوامل رشد و گسترش آن در جهان به‌شمار می‌آید[۲۵].

از نمونه‌های بارز مساوات در سیره رسول الله (ص) برابری همگان در اجرای قانون بود. پیامبر اکرم (ص) در اجرای قانون، جز به حق را توجه نمی‌کرد و اجازه هیچ گونه تخطی از آن را به کسی نمی‌داد و حفظ آن را از عوامل حفظ سلامت جامعه و حکومت و عدول از آن را مایه تباهی جامعه و هلاکت می‌دانست؛ به همین سبب، دیگران به‌شدت از تبعیض در اجرای قانون منع می‌کرد و می‌فرمود: "بنی اسرائیل، تنها به این سبب هلاک شدند که حدود را درباره زیردستان اجرا می‌کردند و بزرگان را معاف می‌داشتند"[۲۶]؛ بنابراین، رسول خاتم (ص) اجازه نمی‌داد، هیچ‌کس خود را فراتر از قانون بداند و چیزی سبب زیر پاگذاشتن قانون شود[۲۷].

مساوات در تقسیم بیت‌المال

اموال و امکانات عمومی هر کشوری به شهروندانش تعلق دارد. همگان در بهره‌برداری از این امکانات از حق یکسان برخوردارند. نمی‌توان افرادی را به بهانه‌های مختلف بر دیگران ترجیح داد. سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در این زمینه کاملاً گویای چنین حقی برای شهروندان است.

حضرت رسول اکرم (ص) درباره حقوق مسلمانان تفاوتی قائل نمی‌شد و عرب و غیر عرب و سفید و سیاه و توانگر و ناتوان فرقی نمی‌گذاشت؛ بلکه در دادن حق و حقوق آنان، همگان را به یک دید می‌نگریست و بیت المال را به طور مساوی بین آنان تقسیم میکرد؛ چنان‌که در تقسیم غنایم جنگ بدر، هیچ امتیازی برای فرد خاصی قائل نشد و آنها را به طور مساوی میان مسلمانان تقسیم کرد[۲۸].[۲۹]

امام علی (ع) در یکی از نامه‌هایش به کارگزار خویش می‌نویسد: آگاه باشید! حقّ شما بر من است که چیزی ـ جز راز جنگ ـ را از شما نپوشانم، و کاری را جز در حکم (شرع) بی‌رایزنی با شما انجام ندهم، و پرداختن حق را از موقع آن به تأخیر نیفکنم، و تا آن را نرسانم وقفه‌ای در آن روا ندانم، و همه شما را در حقّ برابر شمارم؛ چون چنین کردم نعمت خدا به شما روا می‌گردد[۳۰].[۳۱]

مساوات در تحصیل علم

از مصادیق دیگر و مهم و اساسی مساوات، فراهم‌ بودن امکان تحصیل و تعلیم و تربیت برای همه است؛ یعنی در یک جامعه، هر فردی بدون توجه به طبقه‌ای خاص، فقط در سایه شایستگی و استعداد خود بتواند در راه تحصیل قدم بردارد و با تلاش خود به مراحل کمال برسد. بر اساس همین ویژگی‌های عصر پیامبر (ص) است که آن حضرت می‌فرماید: "طلب و فراگیری علم و دانش بر [نوع] مسلمانان واجب است"[۳۲].

در اسلام، به هیچ‌کس اجازه داده نشده است که افراد را در فراگیری دانش بر مبنای ثروت و مکنت طبقه‌بندی کند و هیچ گونه تبعیض در تعلیم و تربیت و امکانات آن در سیره نبوی پذیرفته نیست. این حرکت همگانی و اعلام مساوات در تحصیل علم در اوضاع و احوالی عینیت می‌یافت که دیدگاه‌های طبقاتی به‌شدت بر جامعه آن روز، حاکم و دانش، خاص توانگران و قدرتمندان بود و محرومان و ناتوانان در کنار سایر محرومیت‌های اجتماعی از علم‌ آموزی نیز محروم بودند؛ ولی در مدینه، شهر پیامبر (ص) از این تبعیض‌ها، به ویژه محروم کردن افراد از فراگیری دانش خبری نبود[۳۳].

مساوات در تصدی امور و انجام دادن مسئولیت‌ها

از نمونه‌های دیگر مساوات برابری در واگذاری مشاغل بر اساس شایستگی است. پیامبر اکرم (ص) در ابتدای ورود خود به مدینه، مسئولیت‌ها را تقسیم کرد؛ به گونه‌ای که همه، به ترتیب برای جهاد می‌رفتند و آن حضرت در این باره فرموده بود: "و إِنَّ كُلَّ غَازِيَةٍ غَزَتْ يَعْقُبُ بَعضُهَا بَعْضاً"[۳۴]؛ همه گروه‌های مسلمان، به ترتیب به جنگ می‌روند (و جنگ، به یک گروه، دو مرتبه پشت سر هم تحمیل نخواهد شد)". آن حضرت برای تعیین فرمانده در جنگ‌ها، تنها به شایستگی، توانایی و تدبیر افراد توجه می‌کرد و به سن، حسب و نسب بی‌توجه بود؛ همان‌گونه که در جنگ موته زید بن حارثه از فرماندهان جنگ بود[۳۵].[۳۶]

منابع

152259.jpg حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم

1100683.jpg دل‍ش‍اد ت‍ه‍ران‍ی‌، م‍ص‍طف‍ی‌، سیره نبوی ج۲

100762.jpg سیدباقری، سید کاظم، عدالت سیاسی در قرآن کریم

11677.jpg فروتن، اباصلت، مرادی، علی اصغر، واژه‌نامه فقه سیاسی

1100625.jpg ورعی، سید جواد، درسنامه فقه سیاسی

پانویس

1. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۳۶ و الزبیدی، تاج العروس، ج ۱۹، ص ۵۴۸؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص۴۳۹.
2. سیدباقری، سید کاظم، عدالت سیاسی در قرآن کریم، ص ۵۳.
3. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی «منطق عملی»، ج ۲، ص ۵۰.
4. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۱۴؛ فروتن، اباصلت، مرادی، علی اصغر، واژه‌نامه فقه سیاسی، ص ۱۶۶.
5. Ra bracket.pngيَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًاLa bracket.png «ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همان که شما را از تنی یگانه آفرید و از (سرشت) او همسرش را پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیار (در جهان) پراکند و از خداوند- که با (سوگند بر نام) او، از هم درخواست می‌کنید- و از (بریدن پیوند) خویشان پروا کنید، بی‌گمان خداوند چشم بر شما دارد» سوره نساء، آیه ۱.
6. Ra bracket.pngيَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌLa bracket.png «ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را باز‌شناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، به راستی خداوند دانایی آگاه است» سوره حجرات، آیه ۱۳.
7. "النَّاسُ‏ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ‏ الْمُشْطِ"؛ تاریخ الیعقوبی، ج۲، ص۱۰۰؛ تاریخ بغداد، ج۷، ص۵۷؛ کنزالعمال، ج۹، ص۳۸؛ و نیز ر. ک: من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۷۹؛ تحف العقول، ص۲۷۴؛ مسند الشهاب، ج۱، ص۱۴۵؛ المبسوط، ج۵، ص۲۳؛ تاریخ مدینة دمشق، ج۵، ص۴۷۸، ج۱۰، ص۳۶۳؛ صفة الصفوة، ج۱، ص۲۰۴؛ البیان و التعریف، ج۲، ص۱۴.
8. Ra bracket.pngيَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًاLa bracket.png «ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همان که شما را از تنی یگانه آفرید و از (سرشت) او همسرش را پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیار (در جهان) پراکند و از خداوند- که با (سوگند بر نام) او، از هم درخواست می‌کنید- و از (بریدن پیوند) خویشان پروا کنید، بی‌گمان خداوند چشم بر شما دارد» سوره نساء، آیه ۱.
9. وسایل الشیعه، ج۱۱، ص۸۰.
10. شرایع الاسلام، ج۲، ص۱۹۸؛ ترمینولوژی حقوق، ص۶۴۶.
11. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.
12. نهج البلاغه، نامه ۵۹.
13. فروتن، اباصلت، مرادی، علی اصغر، واژه‌نامه فقه سیاسی، ص ۱۶۶؛ دل‍ش‍اد ت‍ه‍ران‍ی‌، م‍ص‍طف‍ی‌، سیره نبوی، ج۲ ص ۴۶۳-۴۶۸.
14. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۶۵؛ قاضی عیاض اندلسی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ق، ج ۱، ص ۱۷۴ و شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹.
15. جواهر الکلام، ج۲۱، ص۲۱۶.
16. عبایة بن ربعی اسدی از خواص اصحاب امیرمؤمنان علی (ع) و از اصحاب امام حسن (ع) بوده است. ر. ک: رجال الکشی، ص۱۱۴، ۱۱۵، ۲۲۲؛ معجم رجال الحدیث، ج۹، ص۲۵۳.
17. «روز قیامت با هفت دلیل با مردم احتجاج خواهم کرد: برپا داشتن نماز و پرداختن زکات و امر به معروف و نهی از منکر و تقسیم سرانه بیت‌المال به مساوات و رعایت عدالت میان مردم و اجرای حدود». الخصال، ج۲، ص۳۶۳؛ بحارالانوار، ج۴۱، ص۱۰۶.
18. دل‍ش‍اد ت‍ه‍ران‍ی‌، م‍ص‍طف‍ی‌، سیره نبوی، ج۲ ص ۴۷۹-۵۳۳؛ حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۱۵.
19. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ؛ ابن الاشعث السجستانی، سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۱۲؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۰۶ - ۱۰۷؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص۱۶؛ اسحاق بن راهویه، مسندابن راهویه، ج۱، ص۲۰۹ و النسائی، السنن الکبری، ج۳، ص۴۴۲.
20. برگرفته از کتاب‌های ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ حسن دیلمی، ارشاد القلوب ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۴۶؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵. ص ۵۴.
21. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۱۸.
22. "أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى‏ عَجَمِيٍ‏ فَضْلٌ‏ إِلَّا بِالتَّقْوَى‏"؛ مجلسی، بحارالأنوار، ج۷۶، ص۳۵۰.
23. حکیمی، محمدرضا، الحیاة، ج۶، ص۳۷۲.
24. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ دل‍ش‍اد ت‍ه‍ران‍ی‌، م‍ص‍طف‍ی‌، سیره نبوی، ج۲، ص ۵۰۱؛ ورعی، سید جواد، درسنامه فقه سیاسی، ص ۶۲.
25. ورعی، سید جواد، درسنامه فقه سیاسی، ص ۶۲.
26. "إِنَّمَا هَلَكَ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يُقِيمُونَ الْحُدُودَ عَلَى الْوَضِيعِ دُونَ الشَّرِيفِ"؛ دعائم الاسلام ج ۲، ص ۴۴۲ و مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۸.
27. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۲۰-۱۲۱.
28. تاریخ الطبری، ص ۴۵۷ - ۴۵۸؛ ابن سید الناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۳۰۷ و السیرة النبویه، ج ۱، ص ۶۴۱ - ۶۴۲.
29. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۲۲.
30. "فَإِنَّ حَقّاً عَلَى‏ الْوَالِي‏ أَلَّا يُغَيِّرَهُ‏ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ وَ لَا طَوْلٌ‏ خُصَّ بِهِ وَ أَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوّاً مِنْ عِبَادِهِ وَ عَطْفاً عَلَى إِخْوَانِهِ أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرّاً إِلَّا فِي حَرْبٍ وَ لَا أَطْوِيَ‏ دُونَكُمْ أَمْراً إِلَّا فِي حُكْمٍ وَ لَا أُؤَخِّرَ لَكُمْ حَقّاً عَنْ مَحَلِّهِ وَ لَا أَقِفَ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ‏ وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لِلَّهِ عَلَيْكُمُ النِّعْمَةُ وَ لِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ وَ أَلَّا تَنْكُصُوا عَنْ دَعْوَةٍ وَ لَا تُفَرِّطُوا فِي صَلَاحٍ وَ أَنْ تَخُوضُوا الْغَمَرَاتِ‏ إِلَى الْحَقِّ" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰).
31. ورعی، سید جواد، درسنامه فقه سیاسی، ص ۱۲۸.
32. "طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِ مُسْلِمٍ"؛ الکافی، ج۱، ص۳۰؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، اعلام الدین، ص ۸۱ و ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۵.
33. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۲۳.
34. وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۶۸؛ الکافی، ج۵، ص۳۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۱؛ ابن کثیر، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۲۱؛ السیرة النبویه (ابن هشام)، ج ۱، ص ۵۰۳ و عیون الاثر، ج ۱، ص ۲۲۷.
35. مطهر بن طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۲۳۱؛ السیرة النبویة (ابن هشام)، ج ۲، ص ۳۷۳؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۶ و تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۶۵.
36. حیدری، گلشاد، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۱۲۳-۱۲۴.

## برابری در کتابخانه ها (کتابشناسی برابری و مساوات)

### شبکه کتابخانه های کشور

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تعداد 143 عنوان کتاب در باره برابری در این سایت موجود است

https://libs.nlai.ir/advanced\_search

تعداد 19 عنوان کتاب در باره مساوات در این سایت موجود است

https://libs.nlai.ir/advanced\_search

### پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه های ایران

تعداد 166 عنوان کتاب در باره برابری در این سایت موجود است

http://www.lib.ir/en/advancedsearch/p1/?title=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&author=&subject=&other=&province=0&city=0&libtype=0&firstchar=\*

تعداد 28 عنوان کتاب در باره مساوات در این سایت موجود است

http://www.lib.ir/en/advancedsearch/p1/?title=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA&author=&subject=&other=&province=0&city=0&libtype=0&firstchar=\*

### سامانع منابع دیجتال

تعداد 143 عنوان کتاب در باره برابری در این سایت موجود است. بیشتر منابع مباحث کاربردی است باز ملاحظه گردد

https://dl.nlai.ir/UI/Search/AdvancedSearch.aspx?Query=Title\_and\_statement\_of\_responsibility:%d8%a8%d8%b1%d8%a7%d8%a8%d8%b1%db%8c%20&typeid=&extensionid=&ParentEle=1^0\*2^1\*3^2\*4^3\*5^4&RefineEle=1^-1\*2^-1\*3^-1\*4^-1\*5^-1&Type=list&PageNo=1

تعداد 25 عنوان کتاب در باره مساوات در این سایت موجود است

https://dl.nlai.ir/UI/Search/AdvancedSearch.aspx?Query=Title\_and\_statement\_of\_responsibility:%d9%85%d8%b3%d8%a7%d9%88%d8%a7%d8%aa%20&typeid=&extensionid=&ParentEle=1^0\*2^1\*3^2\*4^3\*5^4&RefineEle=1^-1\*2^-1\*3^-1\*4^-1\*5^-1&Type=list&PageNo=1

### مکتة نور

در این کتابخانه بزرگ عربی بیش از ده ها کتاب عربی در باره المساواة وجود دارد و تعریف و تبیین ذیل نیز از این سایت می باشد

https://www.noor-book.com/?search\_for=%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%A9

المساواة (معلومة)

المساواة:- 1 - المساواة هي اتفاق الشيئين في الكمية، كما ان المشابهة اتفاقهما في الكيفية. ومعنى الاتفاق في الكمية ان أحد الشيئين يمكن ان يستبدل بالآخر، دون زيادة او نقصان، كما في الجملة (ب ج) التي يكون فيها الشيئان المتساويان شيئا واحدا، او كما في الجملة التي تتغير قيمة وحداتها من غير ان تتغير مساواة طربها مثل: (ب+ ج) 2 ب 2+ 2 ب ج+ ج 2. ويقال للشكلين انهما متساويان هندسيا اذا كان احدهما ينطبق على الآخر انطباقا تاما، ويسمى ذلك بالتطابق ( Congruence)، اما اتفاق الشكلين في قياس واحد فيسمى بالتكافؤ ( Equivalence). واذا كان الشكلان متفقين في الهيئة، لا في القياس، كانا متشابهين ( Semblables) لا متساويين. 2 - وللمساواة عند المنطقيين ثلاث حالات، وهي (آ) صدق كل من المفهومين على جميع ما يصدق عليه الآخر. فالإنسان والحيوان الناطق متساويان. (ب) القضيتان المتساويتان هما اللتان يكون بينهما تضمن متبادل. (ج) والصنفان المتساويان هما اللذان يكون كل منهما مشتملا على الآخر، إشارة المساواة في المنطق والرياضيات واحدة وهي:. 3 - والمساواة في علم الاخلاق ( Egalite morale) هي المبدأ المثالي الذي يقرر ان الانسان من حيث هو انسان مساو لأخيه الانسان في الحق والكرامة. ولهذه المساواة ضربان: المساواة المدنية، والمساواة السياسية. أما المساواة المدنية ( Egalite civile)، فهي المبدأ الذي يوجب معاملة جميع الافراد معاملة واحدة من حيث دعوتهم الى القيام بالواجبات المفروضة عليهم، ومن حيث تمتعهم بالحقوق المعترف لهم بها في القانون، دون تفريق بينهم بحسب نسبهم او ثروتهم او طبقتهم. واما المساواة السياسية ( Egalite politique)، فهي المبدأ الذي يعترف لجميع أفراد المجتمع بحق الاشتراك في الحكم. وبحق التعيين في الوظائف العامة، وفقا للشروط التي يحددها القانون، دون تمييز بين طبقاتهم وثرواتهم، بحيث يكونون أمام القانون سواء، لا يختلفون بعضهم عن بعض الا بحسب كفايتهم واستحقاقهم. 4 - والى جانب هذه المساواة المدنية او السياسية (و هي مثالية او صورية) مساواة واقعية ( Reelle) كمساواة رجلين او اكثر في ثرواتهم او شهاداتهم، او مختلف ظروفهم الواقعية. وتسمّى هذه المساواة الواقعية بالمساواة المادية ( Materielle)، وهي مقابلة للمساواة القانونية او السياسية. وليس الغرض من القول بالمساواة انكار الاختلاف الطبيعي بين الافراد، وانما الغرض منه تحقيق العدل الاجتماعي في جميع مرافق الحياة، بحيث تكون نسبة ما يأخذه كل واحد الى ما يستحقه، كنسبة كل من كان في مثل مرتبته الى مثل قسطه. (ر: الديمقراطية، العدالة).

(المعجم الفلسفي ـ الجزء الاول والثاني)

### مکتبة العین الجامعة

در این سایت 20 کتاب عربی در باره المساواة وجود دارد .

https://ebook.univeyes.com/?s=%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%A9&asl\_active=1&p\_asl\_data=1&customset[]=page&customset[]=post&asl\_gen[]=excerpt&asl\_gen[]=content&asl\_gen[]=title&qtranslate\_lang=0&filters\_initial=1&filters\_changed=0

### نوسا (سایت سی مرغ)

در این سایت 41 کتاب در باره برابری وجود دارد .

http://lib.dte.ir/simwebclt/WebAccess/SimWebPortal.dll/DubSrch

### کتابخانه تبیان

در این سایت 38 کتاب در باره برابری وجود دارد .

https://library.tebyan.net/fa/Browse/Search?lstField1=Title&txtField1=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

و 10 عنوان کتاب نیز در باره مساوات معرفی شده است

https://library.tebyan.net/fa/Browse/Search?lstField1=Title&txtField1=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

### کتاب بدیا

در این کتابخانه بزرگ عربی 264 کتاب عربی در باره المساواة وجود دارد

https://ketabpedia.com/?s=%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%A9&product\_cat=0&post\_type=product

### شبکه جامع کتاب گیسوم

در این سایت 205 کتاب در باره برابری وجود دارد

https://www.gisoom.com/search/book/name-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C/recent-0/

و در این آدرس نیز 11 عنوان کتاب در باره مساوات موجود است

https://www.gisoom.com/search/book/name-%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA/recent-0/

### کتابخانه مجازی الفبا

در این سایت 70 کتاب در باره برابری وجود دارد

https://alefbalib.com/index.aspx?pid=16&OrderBy=Title&PageSize=10&Order=ASC&lstField1=Title&lstField5=&lstField4=&lstField2=&lstField3=&txtField1=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&Hidden1=&txtField2=&txtField3=&Actor1=And&Actor2=And&Actor3=And&Actor4=And

و در این آدرس نیز 16 عنوان کتاب در باره مساوات موجود است

https://alefbalib.com/index.aspx?pid=16&CollectionGroup=&GenreID=&MBO=&OrderBy=TitleSearch&Alpha=&SubjectID=&AuthorID=&CollectionID=&PageSize=10&Order=ASC&lstField1=Title&lstField5=Title&lstField4=Title&lstField2=Title&lstField3=Title&txtField1=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA&Actor1=And&Actor2=And&Actor3=And&Actor4=And&PageIndex=0&StatusID=0&RoleID=0

### سامان

در این سایت 100 کتاب در باره برابری وجود دارد

https://www.samanpl.ir/LSearch/LSearch

و در این آدرس نیز 17 عنوان کتاب در باره مساوات موجود است

https://www.samanpl.ir/search/professionalsearch/Index

### پاتوق کتاب فردا

در این سایت 11 کتاب در باره برابری وجود دارد

https://bookroom.ir/?a=book.q&q=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

### پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه

در این سایت صدها منبع در باره برابری وجود دارد

https://hawzah.net/fa/Search/?SearchText=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

و در این آدرس نیز صدها عنوان منبع در باره مساوات موجود است

https://hawzah.net/fa/Search/?SearchText=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

### موتور جستجوی منابع شیعه

در این سایت 10 کتاب در باره برابری وجود دارد

http://shiasearch.com/fa/search/%D8%AC%D8%B3%D8%AA%D8%AC%D9%88.html?mod=link&page=1&obj=0&word=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

و در این آدرس نیز 25 عنوان منبع در باره مساوات موجود است

http://shiasearch.com/fa/search/%D8%AC%D8%B3%D8%AA%D8%AC%D9%88.html?mod=link&page=1&obj=0&word=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

## برابری در مقالات

### بانک مقالات ایران نمایه

هنگام تحقیق جواب نداد لطفا مراجعه نمایید مقاله زیاد دارد

http://www.irannamaye.ir/Search/AdvanceSearch

### ویراساینس جامع ترین پایگاه مقالات و منابع علمی پژوهشی

در این سایت تعداد 3800 مقاله در باره برابری موجود است

https://www.virascience.com/search/?q=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

و نیز تعداد 276 مقاله در باره مساوات موجود است

https://www.virascience.com/search/?q=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

### پایگاه نورمگز (وبگاه مجلات تخصصی)

در این سایت تعداد 282 مقاله در باره برابری موجود است

https://www.noormags.ir/view/fa/search?q=&and=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&or=&note=&exact=&fields=title&pn=1&s=rank&sd=desc&ps=10&origin=start-advance&index=

و نیز تعداد 47 مقاله در باره مساوات موجود است

https://www.noormags.ir/view/fa/search?q=&and=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA&or=&note=&exact=&fields=title&pn=1&s=rank&sd=desc&ps=10&origin=start-advance&index=

### پرتال جامع علوم انسانی

در این سایت تعداد 166 مقاله در باره برابری موجود است

http://ensani.ir/fa/article?ArticleSearch%5Btitle%5D=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&ArticleSearch%5BsortBy%5D=relevance

و نیز تعداد 20 مقاله در باره مساوات موجود است

http://ensani.ir/fa/article?ArticleSearch%5Btitle%5D=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA&ArticleSearch%5BsortBy%5D=relevance

### علم نت

در این سایت تعداد 912 مقاله در باره برابری موجود است

https://elmnet.ir/search?and=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&exact=&or=&not=&intitle=1&author=

و نیز تعداد 71 مقاله در باره مساوات موجود است

https://elmnet.ir/search?and=%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA&exact=&or=&not=&intitle=1&author=

### سامانه نشریات علمی ایران

در این سایت تعداد 154 مقاله در باره برابری موجود است

https://iranjournals.nlai.ir/discover?filtertype\_1=title&filter\_relational\_operator\_1=contains&filter\_1=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&submit\_apply\_filter=&query=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

### پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

در این سایت تعداد 2237 مقاله در باره برابری موجود است

https://www.sid.ir/search/paper/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C/fa/?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=1379%2c1402

و نیز تعداد 135 مقاله در باره مساوات موجود است

https://www.sid.ir/search/paper/%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=1379%2c1402

### مرجع دانش (مقالات همایش ها و کنفرانس ها)

در این سایت تعداد 227 مقاله در باره برابری موجود است

https://civilica.com/search/paper/t-%25D8%25A8%25D8%25B1%25D8%25A7%25D8%25A8%25D8%25B1%25DB%258C-o-Paper\_id-ot-desc/

### پژوهه

در این سایت تعداد ده ها مقاله در باره برابری موجود است

https://cse.google.com/cse?cx=004309897358808276078:apkcs2hto\_o&q=%d8%a8%d8%b1%d8%a7%d8%a8%d8%b1%db%8c

### برابری در پایان نامه ها:

### گنچ پایگاه اطلاعات علمی ایران

در این سایت تعداد 193 پایان نامه در باره برابری موجود است

https://ganj.irandoc.ac.ir/#/search?keywords=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C&basicscope=2

### کتابخانه دیجتال دفتر تبلیغات اسلامی

در این سایت تعداد 39 پایان نامه دانشگاهی و 4 تا حوزوی در باره برابری موجود است

http://dl.islamicdoc.com/faces/search/bibliographic/biblioBriefView.jspx?\_afPfm=-ds6i2a5b1

### برابری در سایت های پرسش و پاسخ

### مرکز ملی پاسخگویی

در آدرس ذیل به ده ها پرسش در باره برابری پاسخ داده شده است

https://www.pasokhgoo.ir/search/node/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%DB%8C

### پایگاه اندیشه قم

در آدرس ذیل به 196 پرسش در باره برابری پاسخ داده شده است

https://pasokh.org/fa/Search?SearchText=%u0628%u0631%u0627%u0628%u0631%u06CC

## برابری در نرم افزارها ی تخصصی اسلامی و انسانی

### نرم افزار بحار الانوار موضوعی

در این نرم افزار کلیه روایتهای مربوط به مساوات نمایه و موضوع بندی شده است

تعداد 49 عنوان مساوات با موضوعات و آدرس قابل مشاهده است هر عنوان و موضوع که انتخاب شد از طریق آدرس می توان روایت را پیدا نمود و برای مستند کردن بخشی از روایت را در نرم افزار جامع الاحادیث تایپ نمایید و از منابع معتبر روایی مستند نمایید

نمايه موضوع نشانى‏

#### \* = المساواة بين الإخوان‏

موضوع = الإسكان في الملكوت و الأمن من الفزع الأكبر بمعرفة عشرة فرائض واجبة

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏13 س‏0 ف‏82118

موضوع = فضل مواساة الإخوان و مساواتهم و إيثارهم في الولاية

آدرس = بحارالانوار ج‏17 ص‏383 س‏0 ف‏23257

موضوع = وجوب رعاية حق الإخوان‏

آدرس = بحارالانوار ج‏71 ص‏226 س‏0 ف‏90241

#### \* = المساواة بين الأصدقاء

موضوع = ثواب من مشى مع صديقيه و لم يفضل أحدهما على الآخر

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏26 س‏0 ف‏91197

#### \* = المساواة بين الأولاد

موضوع = لزوم العدل بين الأولاد

آدرس = بحارالانوار ج‏101 ص‏92 س‏0 ف‏132895

موضوع = لزوم المساواة بين الأولاد حتى في تقبيلهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏101 ص‏92 س‏0 ف‏132894

آدرس = بحارالانوار ج‏101 ص‏97 س‏0 ف‏132949

آدرس = بحارالانوار ج‏101 ص‏99 س‏0 ف‏132965

موضوع = لزوم المواساة بين الأولاد

آدرس = بحارالانوار ج‏71 ص‏83 س‏0 ف‏89721

#### \* = المساواة بين الرعية

موضوع = إباء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص من خيانة المسلمين بتفضيل أحدهم في عطاء بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏112 س‏0 ف‏53188

موضوع = إشارة أصحاب أمير المؤمنين علي ص عليه بتفضيل الأشراف و إباؤه من تفضيلهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏108 س‏0 ف‏53147

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏122 س‏0 ف‏53230

موضوع = تقسيم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص بيت المال بين الموالي و العرب بالسوية

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏132 س‏0 ف‏53340

موضوع = عدالة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص في رعيته و تحذيرهم من الجور و طعنه على حكام الجور قبله‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏112 س‏0 ف‏53195

موضوع = لزوم سير الوالي على الرفق و اللين و العدل و إنصاف المظلوم و العفو عن الناس و المواساة و المساواة

آدرس = بحارالانوار ج‏28 ص‏88 س‏3 ف‏39202

#### \* = المساواة بين الرفاق‏

موضوع = عد أقرب الخلق إلى الله في القيامة من عدل عند القدرة و من ساوى في سلوكه و من قال الحق و لو عليه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏370 س‏0 ف‏82663

#### \* = المساواة بين المجتمع‏

موضوع = تأثير المواساة و التراحم و الحلم في رفع التفاضل و التفاوت و النزاع و الخلاف بين المجتمع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏12 ص‏175 س‏0 ف‏17136

موضوع = لزوم عدل الوالي في حكمه و رعايته الحق في القريب و البعيد و صبره عليه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏263 س‏9 ف‏98151

موضوع = مساواة الضعيف و القوي في حكومة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص‏

آدرس = بحارالانوار ج‏40 ص‏329 س‏0 ف‏52406

#### \* = المساواة بين المسلمين‏

موضوع = إكساء أمير المؤمنين ص الناس من بيت المال و امتناعه إعطاء برنس خز منها للحسن ع بل أقرع عليها للمسلمين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏104 س‏0 ف‏53123

موضوع = تقسيم أمير المؤمنين ص الكسوة من بيت المال بين أهل الكوفة و امتناعه من إعطاء برنس خز للحسن ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏97 ص‏55 س‏0 ف‏127126

#### \* = المساواة في الابتلاء

موضوع = تساوي الخلق في الابتلاء بالمصائب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏53 س‏0 ف‏100287

#### \* = المساواة في الإحسان‏

موضوع = دلالة آية هل جزاء الإحسان إلا الإحسان على لزوم جزاء الإحسان بمثله للمؤمن و الكافر و البر و الفاجر

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏311 س‏3 ف‏103175

#### \* = المساواة في الأحكام‏

موضوع = التسوية بين الرجال و النساء في العيدين و الجمعة

آدرس = بحارالانوار ج‏87 ص‏353 س‏0 ف‏116073

موضوع = التسوية بين الرجال و النساء في تشريع الصلوات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏88 ص‏164 س‏0 ف‏116426

موضوع = فضل المؤمن على المسلم في الأعمال و القربات مع تساويهما في الأحكام‏

آدرس = بحارالانوار ج‏65 ص‏283 س‏0 ف‏81782

#### \* = المساواة في الإسلام‏

موضوع = إباء أمير المؤمنين علي ص من الانتصار بالجور و تأكده على تساوي الطبقات في الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏108 س‏0 ف‏53148

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏122 س‏0 ف‏53231

موضوع = استواء الناس على اختلاف أجناسهم في الإسلام و تفاضلهم بالأعمال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏49 ص‏101 س‏0 ف‏65945

موضوع = استواء بني آدم في النسب و القومية و تفاضلهم عند الله بالتقوى‏

آدرس = بحارالانوار ج‏22 ص‏348 س‏0 ف‏29506

موضوع = أمر النبي ص بمواساة الموالي عبيدهم في الملبس و المأكل‏

آدرس = بحارالانوار ج‏40 ص‏323 س‏0 ف‏52364

موضوع = تساوي المسلمين السابق و اللاحق و الحر و العبد في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏112 س‏0 ف‏53199

موضوع = تساوي المسلمين القبيح منهم و الجميل في الدين و الحسب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏325 س‏8 ف‏103299

موضوع = دلالة آية من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و آية يضاعفه له أضعافا كثيرة على تفوق المؤمن على المسلم في الطاعة و الثواب و إن تساويا في الأحكام‏

آدرس = بحارالانوار ج‏65 ص‏250 س‏0 ف‏81642

موضوع = عدم اختصاص الإسلام بقوم دون آخر

آدرس = بحارالانوار ج‏89 ص‏14 س‏0 ف‏116893

موضوع = قمع الإسلام نخوة الجاهلية و التفاخر بالآباء

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏53 س‏22 ف‏95670

موضوع = مراعاة حقوق الإنسان بالرغم من مسلكه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏21 ص‏136 س‏11 ف‏27214

موضوع = مساواة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص بين السيد القريشي و الأسود الحبشي في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏131 س‏0 ف‏53299

#### \* = المساواة في الأنساب‏

موضوع = استواء الناس في الأنساب و تفاضلهم عند الله بالتقوى‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏54 س‏1 ف‏95671

موضوع = تشخص الإنسان بعقله و دينه و تقواه لا بنسبه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏202 س‏0 ف‏101949

موضوع = كون الشرافة بالتقوى مع استواء الأنساب إلى آدم ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏160 س‏0 ف‏96828

#### \* = المساواة في البيع‏

موضوع = اشتراء أمير المؤمنين ص الثياب من غلام لا يعرفه لئلا يفضله في الشراء

آدرس = بحارالانوار ج‏40 ص‏323 س‏0 ف‏52361

#### \* = المساواة في التعليم‏

موضوع = تفسير آية و لا تصعر خدك للناس بالتسوية بين الناس في العلم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏2 ص‏62 س‏0 ف‏1702

#### \* = المساواة في التكاليف‏

موضوع = استواء النساء و الرجال في أحكام الصلاة

آدرس = بحارالانوار ج‏85 ص‏125 س‏0 ف‏114611

موضوع = تساوي المسلمين في الواجبات و الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏23 ص‏74 س‏0 ف‏30994

موضوع = مساواة الفرائض على جميع الناس‏

آدرس = بحارالانوار ج‏2 ص‏280 س‏0 ف‏3084

موضوع = مساواة المسلمين في الحقوق و الواجبات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏21 ص‏366 س‏0 ف‏27963

#### \* = المساواة في الحدود

موضوع = استشهاد علي ص بآية إنها لكبيرة إلا على الخاشعين و آية لا يجرمنكم شنئان قوم على أن لا تعدلوا على لزوم حد المجرم رغما لمكانته أو تأذيه من الحق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏9 س‏0 ف‏52614

موضوع = إقادة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص قنبرا ثلاثة أسواط لخطئه في الحد

آدرس = بحارالانوار ج‏40 ص‏312 س‏0 ف‏52296

موضوع = الحث على إقامة الحدود على القريب و البعيد

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏349 س‏0 ف‏92766

موضوع = تصلب أمير المؤمنين ص في إقامة الحدود على الشريف و الوضيع حتى على أهله‏

آدرس = بحارالانوار ج‏40 ص‏115 س‏16 ف‏51503

#### \* = المساواة في الحرم‏

موضوع = احتجاج الكاظم ع على هارون بآية سواء العاكف فيه و الباد على مساواة جميع الحاج في الحرم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏48 ص‏141 س‏0 ف‏65029

#### \* = المساواة في الحساب‏

موضوع = احتجاج النبي ص بآية فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم على استواء قرابته مع غيرهم في الحساب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏93 ص‏221 س‏0 ف‏122250

موضوع = دلالة آية من يعمل سوء يجز به على استواء قرابة النبي ص مع غيرهم في الحساب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏93 ص‏221 س‏0 ف‏122253

#### \* = المساواة في الحقوق‏

موضوع = الترغيب إلى قبول الحق لكونه جاريا لكل نفس و عليها

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏152 س‏0 ف‏53404

موضوع = تساهم الطبقات الاجتماعية في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏248 س‏5 ف‏98033

موضوع = تساوي المسلمين في الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏132 س‏0 ف‏96483

موضوع = تساوي المسلمين في الواجبات و الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏23 ص‏74 س‏0 ف‏30994

موضوع = تساوي الناس في الحقوق كتساوي أسنان المشط

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏251 س‏3 ف‏102562

موضوع = جريان الحق على كل من يجري له إلا الله فإنه يجري له فقط لكونه قادرا عادلا في قضائه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏27 ص‏251 س‏0 ف‏38560

موضوع = فرض الحقوق الاجتماعية على الناس و لهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏356 س‏10 ف‏98894

موضوع = لزوم الإنصاف مع المؤمنين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏287 س‏11 ف‏98378

موضوع = مراعاة حقوق الإنسان بالرغم من مسلكه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏21 ص‏136 س‏11 ف‏27214

موضوع = مساواة المسلمين في الحقوق و الواجبات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏21 ص‏366 س‏0 ف‏27963

موضوع = مساواة طبقات المجتمع في الحقوق الاجتماعية

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏259 س‏6 ف‏98118

#### \* = المساواة في الديات‏

موضوع = تساوي المسلمين في القصاص و الديات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏113 س‏0 ف‏45498

#### \* = المساواة في العطاء

موضوع = تساوي المسلمين السابق و اللاحق و الحر و العبد في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏112 س‏0 ف‏53199

موضوع = تسوية النبي ص بين العرب و الموالي في عطاياه و تزويجه لسلمان و بلال و صهيب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏42 ص‏160 س‏0 ف‏55359

موضوع = تعليم النبي ص شرائع الإسلام لأبي ذر و سلمان و المقداد

آدرس = بحارالانوار ج‏65 ص‏392 س‏0 ف‏82066

موضوع = تقسيم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص بيت المال بين الموالي و العرب بالسوية

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏132 س‏0 ف‏53340

موضوع = تقسيم علي المال على الرعية بالسوية

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏358 س‏0 ف‏92837

موضوع = عدل أمير المؤمنين علي ص في تقسيم بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏305 س‏0 ف‏54135

موضوع = مساواة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص بين السيد القريشي و الأسود الحبشي في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏131 س‏0 ف‏53299

موضوع = وجوب العدل في الرعية و القسم بالسوية و القول بالحق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏22 ص‏315 س‏0 ف‏29306

#### \* = المساواة في العمل‏

موضوع = تقديم الرضا ع نفسه على عبده في الدعاء بالقبول في الأضحى دون الفطر لاستواء عملهما في الفطر دون الأضحى‏

آدرس = بحارالانوار ج‏49 ص‏105 س‏0 ف‏65970

#### \* = المساواة في الفطرة

موضوع = مساواة الناس في الفطرة و اختلافهم في الهداية

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏212 س‏0 ف‏82440

#### \* = المساواة في القسمة

موضوع = محاجة أمير المؤمنين ص المسلمين يوم القيامة بأدائه الصلاة و الزكاة و الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و العدل و المساواة و إقامة الدين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏106 س‏0 ف‏53133

موضوع = مخاصمة علي ص قريشا و الناس بكونه أولهم إيمانا و أقومهم بأمر الله و أوفاهم بعهده و أعدلهم بالرعية و أعلمهم بالقضاء و أقسمهم بالسوية و أفضلهم عند الله‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏107 س‏0 ف‏53140

#### \* = المساواة في القصاص‏

موضوع = أخوة المسلمين و تكافؤ دمائهم و وحدتهم و نفوذ ذمة أدناهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏67 ص‏242 س‏0 ف‏83865

موضوع = تساوي المسلمين في القصاص و الديات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏113 س‏0 ف‏45498

#### \* = المساواة في القضاء

موضوع = مرافعة أمير المؤمنين ص مع يهودي في درع إلى شريح القاضي‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏56 س‏0 ف‏52878

#### \* = المساواة في المجتمع‏

موضوع = شدة اختلاط النبي ص مع الناس و تألفه مع الفقراء و استوائهم عنده على اختلاف قومياتهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏22 ص‏360 س‏0 ف‏29576

#### \* = المساواة في المعيشة

موضوع = صلاح الناس بتفاوتهم في المقدرات و هلاكهم عند استوائهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏385 س‏0 ف‏99056

#### \* = المساواة في بيت المال‏

موضوع = إباء أمير المؤمنين ص من بذل بيت المال للقدرة و مساواته بين الرعية في أمواله و أموالهم بالسوية

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏357 س‏0 ف‏92833

موضوع = إكساء أمير المؤمنين ص الناس من بيت المال و امتناعه إعطاء برنس خز منها للحسن ع بل أقرع عليها للمسلمين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏41 ص‏104 س‏0 ف‏53123

موضوع = امتناع أمير المؤمنين علي ص من بيع دينه بإعطاء بعض الرعية زيادة على حقه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏359 س‏0 ف‏92854

موضوع = تقسيم أمير المؤمنين ص الكسوة من بيت المال بين أهل الكوفة و امتناعه من إعطاء برنس خز للحسن ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏97 ص‏55 س‏0 ف‏127126

موضوع = لزوم مراعاة الطبقة السفلى من المجتمع و مساهمتهم في بيت المال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏249 س‏1 ف‏98038

#### \* = المساواة في صلاة الجماعة

موضوع = جواز علو المأموم على الإمام‏

آدرس = بحارالانوار ج‏85 ص‏52 س‏0 ف‏114365

#### \* = المساواة مع الإمام ع‏

موضوع = جواز الصلاة خلف قبر الإمام ع لا بين يديه و لا عن طرفيه لعدم جواز التقدم عليه و لا التساوي معه‏

آدرس = بحارالانوار ج‏80 ص‏315 س‏0 ف‏109977

موضوع = جواز الصلاة خلف قبور الأئمة ع دون أمامها أو طرفيها لحرمة التقدم و المساواة للإمام ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏97 ص‏128 س‏0 ف‏127506

#### \* = الهلاك عند المساواة

موضوع = صلاح الناس بتفاوتهم في المقدرات و هلاكهم عند استوائهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏385 س‏0 ف‏99056

#### \* = تساوي الأئمة ع‏

موضوع = استكمال الإيمان بالاعتقاد بإمامة الأئمة و استوائهم في الفضل‏

آدرس = بحارالانوار ج‏39 ص‏91 س‏0 ف‏49423

موضوع = استواء الأئمة ص في الخلق و العلم و الفضل و المنزلة عند الله‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏363 س‏0 ف‏35770

موضوع = استواء الأئمة ع أولهم و آخرهم في الفضل‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏360 س‏0 ف‏35749

موضوع = استواء الأئمة ع أولهم و آخرهم في الفضل و القدرة على كل شي‏ء و كفر من فرق بينهم أو أنكر فضل أحدهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏26 ص‏6 س‏19 ف‏35913

موضوع = استواء الأئمة ع في العلم و الجواب عن مسألة واحدة مع أفضلية النبي و أمير المؤمنين ص منهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏101 ص‏328 س‏0 ف‏134288

موضوع = استواء الأئمة ع في المنزلة مع أفضلية النبي و علي ص عليهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏4 س‏0 ف‏82093

موضوع = استواء الأئمة في العلم بأحكام الشرع و تفاضلهم في غيرها

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏360 س‏0 ف‏35746

موضوع = استواء الأئمة مع النبي و علي ص في التشريع و وجوب الطاعة مع اختصاص النبي و علي ص بفضلهما

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏357 س‏0 ف‏35734

موضوع = استواء النبي و الأئمة ص في العلم بالأحكام و تفسير القرآن مع تفاضلهم في الأعلمية

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏358 س‏0 ف‏35737

موضوع = استواء النبي و الأئمة ص في العلم و الشجاعة و تفاضلهم في العطايا على قدر ما يؤمرون‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏357 س‏0 ف‏35735

موضوع = استواء النبي و الأئمة ص في وجوب الطاعة و الأمر مع تفاضلهم في العظمة

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏359 س‏0 ف‏35742

موضوع = استواء النبي و الأئمة ص في وجوب الطاعة و تفاضلهم في العلم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏357 س‏0 ف‏35736

موضوع = استواء علي مع النبي ص في الفضل و وجوب الطاعة و كذلك الأئمة ع من بعده‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏352 س‏0 ف‏35714

موضوع = استواء علي و الأئمة مع النبي ص في الفضل و وجوب الطاعة لكونهم الحجة البالغة و أمناء الله على كل علم و إعذار و إنذار

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏353 س‏0 ف‏35722

موضوع = اشتراط حقيقة الإيمان بمعرفة استواء الأئمة ص‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏359 س‏0 ف‏35745

موضوع = اشتراط كمال الإيمان بمعرفة استواء الأئمة ص في وجوب الطاعة و الحجية و العلم بالأحكام مع أفضلية النبي و علي ص‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏360 س‏0 ف‏35747

موضوع = اشتراط كمال الإيمان بمعرفة استواء الأئمة مع النبي و علي ص في الحجية و الطاعة و التشريع مع اختصاصهما بالفضل‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏353 س‏0 ف‏35721

موضوع = تساوي فضل الأئمة ع التسعة من ولد الحسين ع و منزلتهم عند الله و كون آخرهم قائمهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏36 ص‏255 س‏0 ف‏43656

موضوع = تفسير الذين ءامنوا بالنبي و علي ص و ألحقنا بهم ذريتهم بالأئمة ع و ما ألتناهم من عملهم بعدم تفاوتهم جميعا في الحجة و الطاعة

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏356 س‏0 ف‏35733

موضوع = تفسير و الذين ءامنوا و اتبعناهم ذريتهم بالذين آمنوا بالنبي ص و علي ع و الأئمة ع و ألحقنا بهم ذريتهم بتساوي الأئمة ع في الحجة و وجوب الطاعة

آدرس = بحارالانوار ج‏23 ص‏355 س‏0 ف‏32463

موضوع = جواز تسمية الأئمة ع أيضا بأمير المؤمنين لاستوائهم في الإمامة

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏332 س‏0 ف‏46768

موضوع = دلالة الإمام ع السابق على اللاحق و تصديق اللاحق للسابق مع استوائهم في ما يجري عليهم‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏358 س‏0 ف‏35738

موضوع = عدم حصول حقيقة الإيمان إلا بالاعتقاد بتكافؤ الأئمة ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏332 س‏0 ف‏46769

موضوع = عدم كمال الإيمان إلا باعتقاد استواء الأئمة مع النبي في الحجية و الطاعة و التشريع مع أفضلية النبي و علي‏

آدرس = بحارالانوار ج‏16 ص‏363 س‏0 ف‏22014

موضوع = كون الأئمة ص ذرية النبي ص و على منهاجه مع تساويهم في الفضل و الطاعة

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏7 س‏0 ف‏82102

موضوع = مساواة الأئمة ع في الحجة و الطاعة

آدرس = بحارالانوار ج‏39 ص‏91 س‏0 ف‏49424

موضوع = مساواة الأئمة ع للنبي ص‏

آدرس = بحارالانوار ج‏27 ص‏153 س‏0 ف‏38155

موضوع = نزول العلم من الله على النبي ص أولا ثم أمير المؤمنين ص ثم على الأئمة ص بالترتيب رعاية لمنزلة الأولين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏359 س‏0 ف‏35743

موضوع = نص النبي ص على استواء الأئمة ص في الفضل و المنزلة

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏356 س‏0 ف‏35732

#### \* = تساوي الثقلين‏

موضوع = استخلاف النبي ص الثقلين القرآن و عترته أهل بيته لهداية أمته مذكرا بتساويهما و تلازمهما حتى يردا عليه الحوض‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏113 س‏0 ف‏45489

موضوع = استخلاف النبي ص في مسجد الخيف الثقلين القرآن و عترته أهل بيته ع في أمته مذكرا بتساويهما و تلازمهما حتى يردا عليه الحوض‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏113 س‏0 ف‏45501

موضوع = تبيين النبي ص في مسجد الخيف الثقلين بالقرآن و عترته أهل بيته ع و أنهما متساويان متلازمان حتى يردا عليه الحوض فيسأل أمته عنهما

آدرس = بحارالانوار ج‏23 ص‏129 س‏0 ف‏31299

موضوع = تعيين الله الأئمة ع بفرض ولايتهم و مقارنتهم بنفسه و برسوله في آية أولي الأمر و نص النبي ص عليهم في آخر خطبة له بقوله إني تارك فيكم الثقلين إلخ‏

آدرس = بحارالانوار ج‏66 ص‏16 س‏0 ف‏82128

موضوع = خطبة النبي ص في مسجد الخيف عام حجة الوداع في استخلافه الثقلين القرآن و عترته لهداية أمته و أنهما متساويان و متلازمان حتى يردا عليه الحوض‏

آدرس = بحارالانوار ج‏89 ص‏102 س‏0 ف‏117268

موضوع = خطبة النبي ص في مسجد الخيف في استخلافه الثقلين القرآن و عترته للتمسك بهما و أنهما متساويان و متلازمان حتى يردا عليه الحوض‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏126 س‏0 ف‏45592

موضوع = خطبة النبي ص في مسجد الخيف في حجة الوداع في استخلافه القرآن و عترته أهل بيته ع لهداية أمته متساويين و متلازمين حتى يردا عليه الحوض‏

آدرس = بحارالانوار ج‏27 ص‏68 س‏0 ف‏37720

#### \* = تساوي النجوم‏

موضوع = تساوي النجوم في الجرم و المقدار

آدرس = بحارالانوار ج‏9 ص‏304 س‏0 ف‏12214

#### \* = تساوي أهل البيت ع‏

موضوع = استواء النبي و الأئمة ص في العلم و الشجاعة و تفاضلهم في العطايا على قدر ما يؤمرون‏

آدرس = بحارالانوار ج‏25 ص‏357 س‏0 ف‏35735

موضوع = تساوي النبي ص و الأئمة ع إلا في النبوة و الأزواج‏

آدرس = بحارالانوار ج‏26 ص‏317 س‏0 ف‏37263

موضوع = مساواة الأئمة ع في الحكم و التشريع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏39 ص‏92 س‏0 ف‏49434

موضوع = وحدة أهل البيت ع في العلم و الفضل و الشأن‏

آدرس = بحارالانوار ج‏26 ص‏317 س‏0 ف‏37262

#### \* = مساواة الأنساب‏

موضوع = تساوي المسلمين القبيح منهم و الجميل في الدين و الحسب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏325 س‏8 ف‏103299

#### \* = مساواة الأئمة ع‏

موضوع = مساواة الأئمة أولهم و آخرهم مع أمير المؤمنين ص في الموالاة و الزيارة

آدرس = بحارالانوار ج‏97 ص‏121 س‏0 ف‏127461

#### \* = مساواة المسلمين‏

موضوع = اشتراك جميع المسلمين في الأحكام‏

آدرس = بحارالانوار ج‏65 ص‏271 س‏0 ف‏81731

موضوع = النهي عن سب قريش و بعض العرب و إذلال الموالي‏

آدرس = بحارالانوار ج‏64 ص‏174 س‏0 ف‏79821

موضوع = تساوي المسلمين في القصاص و الديات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏37 ص‏113 س‏0 ف‏45498

موضوع = تساوي المسلمين في الواجبات و الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏23 ص‏74 س‏0 ف‏30994

موضوع = كون شرائع الدين واحدة عادلة ينجو من تبعها و يهلك من تركها

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏398 س‏0 ف‏99155

موضوع = مساواة المسلمين في الحقوق و الواجبات‏

آدرس = بحارالانوار ج‏21 ص‏366 س‏0 ف‏27963

موضوع = وحدة ذمة المسلمين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏28 ص‏104 س‏11 ف‏39257

#### \* = مساواة المؤمنين‏

موضوع = عد الإنصاف و مساواة الأخ في الله و ذكر الله على كل حال سيد الأعمال‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏64 س‏7 ف‏95799

موضوع = مساواة المؤمنين في الحقوق‏

آدرس = بحارالانوار ج‏74 ص‏148 س‏0 ف‏96682

#### \* = مساواة الناس‏

موضوع = استواء الناس في الحسب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏72 ص‏108 س‏0 ف‏91672

موضوع = المساواة بين الناس لرجوعهم إلى أصل واحد و هو التراب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏64 ص‏175 س‏0 ف‏79827

موضوع = تحذير لقمان ابنه من تحقير أحد بخلقان ثوبه و هما مخلوقين لرب واحد

آدرس = بحارالانوار ج‏69 ص‏46 س‏0 ف‏87103

موضوع = تفاضل الناس بثقل أعمالهم يوم القيامة مع استوائهم في بدئهم من النطفة ثم تحولهم إلى جيفة

آدرس = بحارالانوار ج‏70 ص‏231 س‏0 ف‏88988

#### \* = مساواة النبي ص‏

موضوع = رعاية النبي ص النوبة مع السائلين‏

آدرس = بحارالانوار ج‏96 ص‏13 س‏0 ف‏124573

موضوع = مساواة النبي ص بين نفسه و علي ع في ما يحب و يكره‏

آدرس = بحارالانوار ج‏80 ص‏241 س‏0 ف‏109808

#### \* = مساواة أهل البيت ع‏

موضوع = استواء أهل البيت ع أولهم و آخرهم في الفضل‏

آدرس = بحارالانوار ج‏57 ص‏302 س‏0 ف‏74128

#### \* = مساواة بني آدم‏

موضوع = مساواة الناس لانتساب جميعهم إلى آدم ع‏

آدرس = بحارالانوار ج‏75 ص‏56 س‏0 ف‏100365

موضوع = مساواة بني آدم و عدم تفاضلهم في النسب‏

آدرس = بحارالانوار ج‏1 ص‏82 س‏0 ف‏4

### نرم افزار جامع الاحادیث 5/3

روایاتی که عبارت مساوات دارند در ذیل قابل مشاهده است

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / 335 / 87 باب حق الإخوان

اعْلَمْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ حَقَّ الْإِخْوَانِ فَرْضٌ لَازِمٌ أَنْ تَفْدُوهُمْ بِأَنْفُسِكُمْ وَ أَسْمَاعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ وَ جَمِيعِ جَوَارِحِكُمْ وَ هُمْ حُصُونُكُمُ الَّتِي تَلْجَئُونَ إِلَيْهَا فِي الشَّدَائِدِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَا تُبَاطِئُوهُمْ وَ لَا تُخَالِفُوهُمْ وَ لَا تَغْتَابُوهُمْ وَ لَا تَدَعُوا نُصْرَتَهُمْ وَ لَا مُعَاوَنَتَهُمْ وَ ابْذُلُوا النُّفُوسَ وَ الْأَمْوَالَ دُونَهُمْ وَ الْإِقْبَالَ عَلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ بِالدُّعَاءِ لَهُمْ وَ مُوَاسَاتَهُمْ وَ مُسَاوَاتَهُمْ‏ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَ الْمُوَاسَاةُ وَ نُصْرَتَهُمْ ظَالِمِينَ وَ مَظْلُومِينَ بِالدَّفْعِ عَنْهُمْ وَ رُوِيَ أَنَّهُ سُئِلَ الْعَالِمُ ع عَنِ الرَّجُلِ يُصْبِحُ مَغْمُوماً لَا يَدْرِي سَبَبَ غَمِّهِ فَقَالَ إِذَا أَصَابَهُ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ أَخَاهُ مَغْمُومٌ وَ كَذَلِكَ إِذَا أَصْبَحَ فَرْحَانَ لِغَيْرِ سَبَبٍ يُوجِبُ الْفَرَحَ فَبِاللَّهِ نَسْتَعِينُ عَلَى حُقُوقِ الْإِخْوَانِ وَ الْأَخُ الَّذِي تَجِبُ لَهُ هَذِهِ الْحُقُوقُ الَّذِي لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فِي جُمْلَةِ الدِّينِ وَ تَفْصِيلِهِ ثُمَّ مَا يَجِبُ لَهُ بِالْحُقُوقِ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ مَا بَيْنَ الْإِخْوَانِ وَ بُعْدِهِ بِحَسَبِ ذَلِكَ.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام / 595 / [سورة البقرة(2): الآيات 178 الى 179] ..... ص : 594

354 قَالَ الْإِمَامُ ع: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع‏ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ يَعْنِي الْمُسَاوَاةَ، وَ أَنْ يُسْلَكَ بِالْقَاتِلِ طَرِيقُ الْمَقْتُولِ- الَّذِي سَلَكَهُ بِهِ لَمَّا قَتَلَهُ‏ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ تُقْتَلُ الْمَرْأَةُ بِالْمَرْأَةِ إِذَا قَتَلَتْهَا.

كافي (ط - دار الحديث) / ج‏13 / 616 / 25 - باب ابن أخ و جد ..... ص : 608

قَالَ يُونُسُ: إِنَّ الْجَدَّ يُنَزَّلُ مَنْزِلَةَ الْأَخِ بِتَقَرُّبِهِ بِالْقَرَابَةِ الَّتِي رَأى‏ بِمِثْلِهَا يَتَقَرَّبُ الْأَخُ، وَ بِمُسَاوَاتِهِ‏ إِيَّاهُ فِي مَوْضِعِ قَرَابَتِهِ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ لِذلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلى‏ تَسْمِيَةِ سَهْمِهِ حَاجَةٌ مَعَ الْإِخْوَةِ؛ لِأَنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِمْ فِي الْقَرَابَةِ، وَ هُوَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ، يُنَزَّلُ‏

الهداية الكبرى / 440 / الباب الرابع عشر باب الإمام المهدي المنتظر(عليه السلام)

وَ يَرْجِعُ الْحَدِيثُ إِلَى الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ يَا مُفَضَّلُ فَقَدْ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ ذَكَرَهُمْ رَجُلًا رَجُلًا فِي خُطْبَتِهِ وَ كَأَنِّي وَاعِيهَا وَ نَاظِرُهَا يَا مُفَضَّلُ: «حَدِيثُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ غَرِيبٌ مُسْتَغْرَبٌ لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ فِي الْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ» فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَهَ فَقَالَ: فَرِّجْ عَنْ شِيعَتِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِعِلْمِ هَذَا الصَّعْبِ الْمُسْتَصْعَبِ الْغَرِيبِ الْمُسْتَغْرَبِ قَالَ: نَعَمْ يَا أَصْبَغُ إِنَّ الصَّعْبَ هُوَ الْمُؤَاسَاةُ وَ الْمُسْتَصْعَبُ هُوَ الْمُسَاوَاةُ.

الهداية الكبرى / 440 / الباب الرابع عشر باب الإمام المهدي المنتظر(عليه السلام)

قَالَ الْأَصْبَغُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ الْمُوَاسَاةُ وَ الْمُسَاوَاةُ؟ قَالَ تُوَاسِي أَخَاكَ الْمُؤْمِنَ مِنْ كُلِّ شَيْ‏ءٍ رَزَقَكَ اللَّهُ إِيَّاهُ وَ لَا تَحْرِمُهُ وَ لَا تَمْتَحِنُهُ فِي دِينِهِ، فَإِذَا امْتَحَنْتَهُ فَوَجَدْتَهُ حَقِيقِيَّ الْإِيمَانِ مُخْلِصَ التَّوْحِيدِ لَزِمَتْكَ مُسَاوَاتُهُ‏ وَ هُوَ أَنْ تُسَاوِيَهُ فِي كُلِّ مَا تَمْلِكُهُ صَغِيراً كَانَ أَوْ كَبِيراً تَالِداً أَوْ طَارِفاً وَ حَتَّى وَ اللَّهِ فِي الْإِبْرَةِ فَهَذَا وَ اللَّهِ هُوَ الْمُسَاوَاةُ وَ الْمُوَاسَاةُ.

تحف العقول / النص / 7 / وصيته لأمير المؤمنين ع ..... ص : 6

يَا عَلِيُّ أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَدِ النَّاسِ وَ مَنْ وَرِعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ تَكُفُّ لِسَانَكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ يَسَعُكَ بَيْتُكَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُسَاوَاةُ [مُوَاسَاةُ] الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مِنْ حُلَلِ [خَلَلِ‏] اللَّهِ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَ رَجُلٌ صَلَّى ثُمَّ عَقَّبَ إِلَى الصَّلَاةِ الْأُخْرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ وَ الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَفْدُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ ثَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الْحَجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ الصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلِيَّةَ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنَّ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَ عَقْلٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَحَبَّ لِأَخِيهِ مَا أَحَبَّ لِنَفْسِهِ وَ رَجُلٌ بَلَغَهُ أَمْرٌ فَلَمْ يَتَقَدَّمْ فِيهِ وَ لَمْ يَتَأَخَّرْ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ الْأَمْرَ لِلَّهِ رِضًا

فضائل الأشهر الثلاثة / 71 / كتاب فضائل شهر رمضان

51- أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْفَقِيهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ جَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ مِنْهُ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةِ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَ جَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخَصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ الْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَ هُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَ هُوَ شَهْرُ الْمُسَاوَاةِ [الْمُوَاسَاةِ] وَ هُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِناً صَائِماً كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَ مَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُفَطِّرَ صَائِماً فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا

علل الشرائع / ج‏2 / 369 / 90 باب علة الزكاة ..... ص : 368

3 حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّحَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ‏ أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَلَّفَ أَهْلَ الصِّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ مِنَ الْبَلْوَى كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَ‏ لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ‏ فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ تَوْطِينُ النَّفْسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ أَدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الطَّمَعِ فِي الزِّيَادَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَ الْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمُسَاوَاةِ وَ تَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ وَ هِيَ عِظَةٌ لِأَهْلِ الْغِنَى وَ عِبْرَةٌ لَهُمْ لِيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ بِهِمْ وَ مَا لَهُمْ مِنَ الْحَثِّ فِي ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَا خَوَّلَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ وَ الدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ وَ الْخَوْفِ أَنْ يَصِيرُوا مِثْلَهُمْ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ فِي أَدَاءِ الزَّكَاةِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ صِلَةِ الْأَرْحَامِ وَ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.

عيون الحكم و المواعظ (لليثي) / 125 / الفصل التاسع في وزن أفعل و يعبر عنه بألف التعظيم ..... ص : 111

2841- أَفْضَلُ الْمُرُوَّةِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ بِالْأَمْوَالِ وَ مُسَاوَاتُهُمْ‏ فِي الْأَحْوَالِ.

غرر الحكم و درر الكلم / 208 / 413 ..... ص : 208

أصدق الإخوان مودّة أفضلهم لإخوانه فى السّرّاء مساواة و فى الضّرّاء مواساة.

غرر الحكم و درر الكلم / 213 / 487 ..... ص : 213

أفضل المرؤة مواساة الإخوان بالأموال و مساواتهم‏ فى الأحوال.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 258 / علائم المروة و آثارها ..... ص : 258

5504 أَفْضَلُ الْمُرُوءَةِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ بِالْأَمْوَالِ وَ مُسَاوَاتُهُمْ‏ فِي الْأَحْوَالِ (465/ 2).

عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية / ج‏2 / 99 / المسلك الرابع في أحاديث رواها الشيخ العلامة الفهامة خاتمة المجتهدين شرف الملة و الحق و الدين أبي‏[أبو] عبد الله المقداد بن عبد الله السيوري الأسدي تغمده الله برضوانه ..... ص : 5

272 وَ رَوَى زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ‏ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي آيَةِ نَفْيِ الْمُسَاوَاةِ بَيْنَ الْمُجَاهِدِينَ وَ الْقَاعِدِينَ اسْتِثْنَاءُ غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ فَجَاءَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَ كَانَ أَعْمَى وَ هُوَ يَبْكِي فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ لِمَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْجِهَادَ فَغَشِيَهُ الْوَحْيُ ثَانِياً ثُمَّ أُسْرِيَ عَنْهُ فَقَالَ اقْرَأْ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ فَأُلْحِقَتْهَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُلْحَقِهَا عِنْدَ صَدْعٍ فِي الْكَتِفِ.

عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية / ج‏3 / 81 / باب الصلاة ..... ص : 64

58 وَ رَوَى الْحَضْرَمِيُّ وَ كُلَيْبٌ الْأَسَدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ حِينَ حَكَى لَهُمَا الْأَذَانَ أَنْ يُجْعَلَ التَّكْبِيرُ فِي آخِرِ الْأَذَانِ كَأَوَّلِهِ وَ مُسَاوَاةَ الْإِقَامَةِ لِلْأَذَانِ.

وسائل الشيعة / ج‏29 / 54 / 19 - باب أن الثابت بقتل العمد هو القصاص فإن تراضى الولي و القاتل بالدية أو أكثر أو أقل جاز ..... ص : 52

35136- 8- الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ ع فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏- يَعْنِي الْمُسَاوَاةَ وَ أَنْ يُسْلَكَ بِالْقَاتِلِ فِي طَرِيقِ الْمَقْتُولِ الْمَسْلَكَ الَّذِي سَلَكَهُ بِهِ مَنْ قَتَلَهُ‏ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏- تُقْتَلُ الْمَرْأَةُ بِالْمَرْأَةِ إِذَا قَتَلَتْهَا فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ‏ءٌ- فَمَنْ عُفِيَ لَهُ الْقَاتِلُ وَ رَضِيَ هُوَ وَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ أَنْ يَدْفَعَ الدِّيَةَ وَ عَفَا عَنْهُ بِهَا فَاتِّباعٌ‏ مِنَ الْوَلِيِّ مُطَالَبَةٌ بِالْمَعْرُوفِ‏ وَ تَقَاصٌ‏ وَ أَداءٌ إِلَيْهِ‏ مِنَ الْمَعْفُوِّ لَهُ الْقَاتِلِ‏ بِإِحْسانٍ‏ لَا يُضَارُّهُ وَ لَا يُمَاطِلُهُ لِقَضَائِهَا ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ- إِذْ أَجَازَ أَنْ يَعْفُوَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ عَنِ الْقَاتِلِ عَلَى دِيَةٍ يَأْخُذُهَا فَإِنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَفْوُ أَوِ الْقَتْلُ لَقَلَّمَا طَابَتْ نَفْسُ وَلِيِّ الْمَقْتُولِ بِالْعَفْوِ بِلَا عِوَضٍ يَأْخُذُهُ فَكَانَ قَلَّمَا يَسْلَمُ الْقَاتِلُ مِنَ الْقَتْلِ‏ فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ‏- مَنِ اعْتَدَى بَعْدَ الْعَفْوِ عَنِ الْقَتْلِ بِمَا يَأْخُذُهُ مِنَ الدِّيَةِ فَقَتَلَ الْقَاتِلَ بَعْدَ عَفْوِهِ عَنْهُ بِالدِّيَةِ الَّتِي بَذَلَهَا وَ رَضِيَ هُوَ بِهَا فَلَهُ عَذابٌ أَلِيمٌ‏ فِي الْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ فِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ بِالْقِصَاصِ لِقَتْلِهِ لِمَنْ لَا يَحِلُّ قَتْلُهُ لَهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ‏ وَ لَكُمْ فِي الْقِصاصِ حَياةٌ- لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي هَمَّ بِقَتْلِهِ وَ حَيَاةَ الْجَانِي قِصَاصَ الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ وَ حَيَاةً لِغَيْرِهِمَا

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام / ج-2 / 170 / العاشر: في مكان صلاة الزائر للنبي و الأئمة عليهم السلام ..... ص : 169

وَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا عَنْ يَمِينِهِ وَ لَا عَنْ شِمَالِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَ لَا يُسَاوَى. أَقُولُ: حُمِلَتِ الْمُسَاوَاةُ عَلَى الْكَرَاهَةِ.

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام / ج-3 / 383 / الإمام لا يتقدم و لا يساوى. ..... ص : 383

أَقُولُ: وَ أَكْثَرُ أَحَادِيثِ الْجَمَاعَةِ دَلَّتْ عَلَى تَقَدُّمِ الْإِمَامِ، وَ حَدِيثُ الْإِمَامَيْنِ وُقُوفُ الْمَأْمُومِ الْوَاحِدِ (عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ) غَيْرُ صَرِيحٍ فِي عُمُومِ جَوَازِ الْمُسَاوَاةِ بَلِ الثَّانِي غَيْرُ صَرِيحٍ فِي خُصُوصِهَا فَالْأَحْوَطُ التَّقَدُّمُ.

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام / ج-8 / 473 / الخامس: في أن الثابت بقتل العمد هو القصاص، ..... ص : 472

65 3- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ‏ فِي قَوْلِهِ‏ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ (يَعْنِي الْمُسَاوَاةَ، وَ أَنْ يُسْلَكَ بِالْقَاتِلِ فِي طَرِيقِ الْمَقْتُولِ الْمَسْلَكَ الَّذِي سَلَكَهُ مَنْ قَتَلَهُ،) الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ تُقْتَلُ الْمَرْأَةُ بِالْمَرْأَةِ إِذَا قَتَلَتْهَا.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول / ج‏23 / 172 / الحديث 16 ..... ص : 171

الْأَخِ مِنَ الْأَبِ يَرِثُ مِيرَاثَ الْأَخِ وَ إِذَا كَانَتْ مَنْزِلَةُ الْجَدِّ مَنْزِلَةَ الْأَخِ مِنَ الْأَبِ يَرِثُ مَا يَرِثُ الْأَخُ يَجُوزُ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ أَخْبَاراً خَاصَّةً إِلَّا أَنَّهُ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا- أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَطْعَمَ الْجَدَّ السُّدُسَ مَعَ الْأَبِ وَ لَمْ يُعْطِهِ مَعَ الْوَلَدِ وَ لَيْسَ هَذَا أَيْضاً مِمَّا يُوَافِقُ إِجْمَاعَ الْعِصَابَةِ أَنَّ مَنْزِلَةَ الْأَخِ وَ الْجَدِّ بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ قَالَ يُونُسُ إِنَّ الْجَدَّ يُنَزَّلُ مَنْزِلَةَ الْأَخِ بِتَقَرُّبِهِ بِالْقَرَابَةِ الَّتِي رَأَى بِمِثْلِهَا يَتَقَرَّبُ الْأَخُ وَ بِمُسَاوَاتِهِ‏ إِيَّاهُ فِي مَوْضِعِ قَرَابَتِهِ مِنَ الْمَيِّتِ وَ لِذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَى تَسْمِيَةِ سَهْمِهِ حَاجَةٌ مَعَ الْإِخْوَةِ لِأَنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِمْ فِي الْقَرَابَةِ وَ هُوَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ يُنَزَّلُ بِمَنْزِلَةِ الذَّكَرِ مِنْهُمْ مَا بَلَغُوا كَمَا سَمَّى اللَّهُ سَهْمَ الْأَبَوَيْنِ فَسَمَّى سَهْمَ الْأُمِّ فَقَالَ لِلْأُمِّ الثُّلُثُ وَ كَنَّى عَنْ تَسْمِيَةِ سَهْمِ الْأَبِ وَ إِنْ كَانَ لَهُ فِي الْمِيرَاثِ سَهْمٌ مَفْرُوضٌ فَكَذَلِكَ سَمَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيرَاثَ الْأَخِ وَ كَنَّى عَنْ مِيرَاثِ الْجَدِّ لِأَنَّهُ يَجْرِي مَجْرَاهُ وَ هُوَ نَظِيرُهُ وَ مِثْلُهُ فِي وَجْهِ الْقَرَابَةِ مِنَ الْمَيِّتِ سَوَاءً هَذَا قَرَابَتُهُ إِلَى الْمَيِّتِ بِالْأَبِ وَ هَذَا قَرَابَتُهُ إِلَى الْمَيِّتِ بِالْأَبِ فَصَارَتْ قَرَابَتُهُمَا إِلَى الْمَيِّتِ مِنْ جِهَةٍ وَاحِدَةٍ فَلِذَلِكَ اسْتَوَيَا فِي الْمِيرَاثِ وَ أَمَّا اسْتِوَاءُ ابْنِ الْأَخِ وَ الْجَدِّ فِي الْمِيرَاثِ سَوَاءً إِذَا لَمْ يَكُنْ غَيْرُهُمَا صَارَا شَرِيكَيْنِ فِي اسْتِوَاءِ الْمِيرَاثِ لِأَنَّ الْعِلَّةَ فِي اسْتِوَاءِ ابْنِ الْأَخِ وَ الْجَدِّ فِي الْمِيرَاثِ غَيْرُ عِلَّةِ اسْتِوَاءِ الْأَخِ وَ الْجَدِّ فِي الْمِيرَاثِ فَاسْتِوَاءُ الْجَدِّ وَ الْأَخِ فِي الْمِيرَاثِ سَوَاءً مِنْ جِهَةِ قَرَابَتِهِمَا سَوَاءً وَ اسْتِوَاءُ الْجَدِّ وَ ابْنِ الْأَخِ مِنْ جِهَةِ أَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا يَرِثُ مِيرَاثَ مَنْ سَمَّى اللَّهُ لَهُ سَهْماً فَالْجَدُّ يَرِثُ مِيرَاثَ الْأَبِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَّى لِلْأَبِ سَهْماً مُسَمًّى وَ وَرِثَ ابْنُ الْأَخِ مِيرَاثَ الْأَخِ لِأَنَّ اللَّهَ سَمَّى لِلْأَخِ سَهْماً مُسَمًّى فَوَرِثَ الْجَدُّ مَعَ الْأَخِ مِنْ جِهَةِ الْقَرَابَةِ وَ وَرِثَ ابْنُ الْأَخِ مَعَ الْجَدِّ مِنْ جِهَةِ وَجْهِ تَسْمِيَةِ سَهْمِ الْأَخِ‏

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏2 / 7 / باب 8 ثواب الهداية و التعليم و فضلهما و فضل العلماء و ذم إضلال الناس ..... ص : 1

وَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ ع‏ إِنَّ مِنْ مُحِبِّي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ص مَسَاكِينَ مُوَاسَاتُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ مساواة [مُوَاسَاةِ] مَسَاكِينِ الْفُقَرَاءِ وَ هُمُ الَّذِينَ سَكَنَتْ جَوَارِحُهُمْ وَ ضَعُفَتْ قُوَاهُمْ عَنْ مُقَابَلَةِ أَعْدَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ يُعَيِّرُونَهُمْ بِدِينِهِمْ وَ يُسَفِّهُونَ أَحْلَامَهُمْ أَلَا فَمَنْ قَوَّاهُمْ بِفِقْهِهِ وَ عِلْمِهِ حَتَّى أَزَالَ مَسْكَنَتَهُمْ ثُمَّ سَلَّطَهُمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ الظَّاهِرِينَ النَّوَاصِبِ وَ عَلَى الْأَعْدَاءِ الْبَاطِنِينَ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَتِهِ حَتَّى يَهْزِمُوهُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ يَذُودُوهُمْ عَنْ أَوْلِيَاءِ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ص حَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى تِلْكَ الْمَسْكَنَةَ إِلَى شَيَاطِينِهِمْ فَأَعْجَزَهُمْ عَنْ إِضْلَالِهِمْ قَضَى اللَّهُ تَعَالَى بِذَلِكَ قَضَاءَ حَقٍّ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ ص.

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏27 / 322 / باب 1 نوادر الاحتجاج في الإمامة منهم و من أصحابهم عليهم السلام ..... ص : 318

الْمُؤْمِنِينَ مَنْ جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ كَانَ عَلِيٌّ ع هُوَ الْمُصَدِّقُ فَانْقَطَعَ الْحَرُورِيُّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّهُ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْغَارِ فَذَلِكَ رَذِيلَةٌ لَا فَضِيلَةٌ مِنْ وُجُوهٍ الْأَوَّلُ أَنَّا لَا نَجِدُ لَهُ فِي الْآيَةِ مَدْحاً أَكْثَرَ مِنْ خُرُوجِهِ مَعَهُ وَ صُحْبَتِهِ لَهُ وَ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ أَنَّ الصُّحْبَةَ قَدْ يَكُونُ لِلْكَافِرِ مَعَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَقُولُ‏ قالَ لَهُ صاحِبُهُ وَ هُوَ يُحاوِرُهُ أَ كَفَرْتَ‏ وَ قَوْلُهُ‏ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنى‏ وَ فُرادى‏ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ما بِصاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ وَ لَا مَدْحَ لَهُ فِي صُحْبَتِهِ إِذْ لَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ ضَيْماً وَ لَمْ يُحَارِبْ عَنْهُ عَدُوّاً الثَّانِي قَوْلُهُ تَعَالَى‏ لا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا وَ ذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى قَلَقِهِ وَ ضَرَعِهِ وَ قِلَّةِ صَبْرِهِ وَ خَوْفِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عَدَمِ وُثُوقِهِ بِمَا وَعَدَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنَ السَّلَامَةِ وَ الظَفَرِ وَ لَمْ يَرْضَ بِمُسَاوَاتِهِ‏ لِلنَّبِيِّ ص حَتَّى نَهَاهُ عَنْ حَالِهِ ثُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ حُزْنِهِ هَلْ كَانَ رِضاً لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ سَخَطاً لَهُ فَإِنْ قُلْتَ إِنَّهُ رِضاً لِلَّهِ تَعَالَى خُصِمْتَ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص لَا يَنْهَى عَنْ شَيْ‏ءٍ لِلَّهِ فِيهِ رِضًا وَ إِنْ قُلْتَ إِنَّهُ سَخَطٌ فَمَا فَضْلُ مَنْ نَهَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ سَخَطِ اللَّهِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ إِنْ كَانَ أَصَابَ فِي حُزْنِهِ فَقَدْ أَخْطَأَ مَنْ نَهَاهُ وَ حَاشَا النَّبِيَّ ص أَنْ يَكُونَ قَدْ أَخْطَأَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا أَنَّ حُزْنَهُ كَانَ خَطَأً فَنَهَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ خَطَائِهِ الثَّالِثُ قَوْلُهُ تَعَالَى‏ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا تَعْرِيفٌ لِجَاهِلٍ لَمْ يَعْرِفْ حَقِيقَةَ مَا يَهُمُّ فِيهِ وَ لَوْ لَمْ يَعْرِفِ النَّبِيُّ ص فَسَادَ اعْتِقَادِهِ لَمْ يَحْسُنْ مِنْهُ الْقَوْلُ‏ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا وَ أَيْضاً فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ حَيْثُ خَلَقَهُمْ وَ رَزَقَهُمْ وَ هُمْ فِي عِلْمِهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى‏

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏27 / 343 / باب 4 الدلائل التي ذكرها شيخنا الطبرسي روح الله روحه في كتاب إعلام الورى على إمامة أئمتنا عليهم السلام ..... ص : 338

وَ إِذَا كَانَ الْإِجْمَاعُ الْمُقَدَّمُ ذِكْرُهُ حَاصِلًا عَلَى طَهَارَتِهِمْ وَ عَدَالَتِهِمْ وَ وُجُوبِ وَلَايَتِهِمْ ثَبَتَ إِمَامَتُهُمْ بِتَصْدِيقِهِمْ لِمَنْ أَثْبَتَ ذَلِكَ وَ بِمَا ذَكَرْنَاهُ مِنِ اخْتِصَاصِهِمْ بِهِمْ وَ هَذَا وَاضِحٌ وَ الْمِنَّةُ لِلَّهِ دَلَالَةٌ أُخْرَى وَ مِمَّا يَدُلُّ أَيْضاً عَلَى إِمَامَتِهِمْ ع وَ أَنَّهُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ بَعْدَ النَّبِيِّ ص مَا نَجِدُهُ مِنْ تَسْخِيرِ اللَّهِ تَعَالَى الْوَلِيَّ لَهُمْ فِي التَّعْظِيمِ لِمَنْزِلَتِهِمْ وَ الْعَدُوَّ لَهُمْ فِي الْإِجْلَالِ لِمَرْتَبَتِهِمْ وَ إِلْهَامِهِ سُبْحَانَهُ جَمِيعَ الْقُلُوبِ إِعْلَاءَ شَأْنِهِمْ وَ رَفْعَ مَكَانِهِمْ عَلَى تَبَايُنِ مَذَاهِبِهِمْ وَ آرَائِهِمْ وَ اخْتِلَافِ نِحَلِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ فَقَدْ عَلِمَ كُلُّ مَنْ سَمِعَ الْأَخْبَارَ وَ تَتَبَّعَ الْآثَارَ أَنَّ جَمِيعَ الْمُتَغَلِّبِينَ عَلَيْهِمْ الْمُظْهِرِينَ لِاسْتِحْقَاقِ الْأَمْرِ دُونَهُمْ لَمْ يَعْدِلُوا قَطُّ عَنْ تَبْجِيلِهِمْ وَ إِجْلَالِ قَدْرِهِمْ وَ لَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُمْ وَ إِنْ كَانَ بَعْضُ أَعْدَائِهِمْ قَدْ بَارَزَ بَعْضُهُمْ بِالْعَدَاوَةِ لِدَوَاعٍ دَعَتْهُمْ إِلَى ذَلِكَ أَ لَا تَرَى أَنَّ الْمُتَقَدِّمِينَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَدْ أَظْهَرُوا مِنْ تَقْدِيمِهِ وَ تَعْظِيمِ وَلَدَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع فِي زَمَانِ إِمَامَتِهِمْ عَلَى الْأُمَّةِ وَ كَذَلِكَ النَّاكِثُونَ لِبَيْعَتِهِ لَمْ يَتَمَكَّنُوا مَعَ ذَلِكَ مِنْ إِنْكَارِ فَضْلِهِ وَ لَا امْتَنَعُوا مِنَ الشَّهَادَةِ لَهُ بِفَضْلِهِ وَ لَا فَسَّقُوهُ فِي فِعْلِهِ وَ كَذَلِكَ مُعَاوِيَةُ وَ إِنْ كَانَ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ وَ بَنَى أَكْثَرَ أُمُورِهِ عَلَى الْعِنَادِ لَمْ يُنْكِرْ جَمِيعَ حُقُوقِهِ وَ لَا دَفَعَ عَظِيمَ مَنْزِلَتِهِ فِي الدِّينِ بَلْ قَفَّى أَثَرَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ فِي التَّعَلُّلِ بِطَلَبِ دَمِ عُثْمَانَ وَ كَانَ يُظْهِرُ الْقَنَاعَةَ مِنْهُ بِأَنْ يُقِرَّهُ عَلَى وَلَايَتِهِ الَّتِي وَلَّاهُ إِيَّاهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ فَيَكُفَّ عَنْ خِلَافِهِ وَ يَصِيرَ إِلَى طَاعَتِهِ وَ لَمْ يُمْكِنْهُ الدَّفْعُ لِكَوْنِهِ ع الْأَفْضَلَ فِي الْإِسْلَامِ وَ الشَّرَفِ وَ الْوُصْلَةِ بِالنَّبِيِّ ص وَ الْعِلْمِ وَ الزُّهْدِ وَ لَا الْإِنْكَارُ لِشَيْ‏ءٍ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا الِادِّعَاءُ لِنَفْسِهِ مُسَاوَاتَهُ‏ فِيهِ أَوْ مُقَارَبَتَهُ وَ مُدَانَاتَهُ‏

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏71 / 227 / باب 15 حقوق الإخوان و استحباب تذاكرهم و ما يناسب ذلك من المطالب ..... ص : 221

جَلَّ وَ عَزَّ بِالدُّعَاءِ لَهُمْ وَ مُوَاسَاتِهِمْ وَ مُسَاوَاتِهِمْ‏ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَ الْمُوَاسَاةُ وَ نُصْرَتَهُمْ ظَالِمِينَ وَ مَظْلُومِينَ بِالدَّفْعِ عَنْهُمْ.

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏74 / 62 / باب 3 ما أوصى رسول الله ص إلى أمير المؤمنين ع ..... ص : 44

يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُسَاوَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ-

بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج‏101 / 388 / باب 3 أقسام الجنايات و أحكام القصاص ..... ص : 384

12- م، تفسير الإمام عليه السلام‏ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ‏ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى‏ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ‏ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏ يَعْنِي الْمُسَاوَاةَ وَ أَنْ يَسْلُكَ الْقَاتِلُ فِي طَرِيقِ الْمَقْتُولِ الَّذِي سَلَكَهُ بِهِ لَمَّا قَتَلَهُ- الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏ يُقْتَلُ الْمَرْأَةُ بِالْمَرْأَةِ إِذَا قَتَلَهَا- فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ‏ءٌ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ الْقَاتِلُ وَ رَضِيَ هُوَ وَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ أَنْ يَدْفَعَ الدِّيَةَ وَ عَفَا عَنْهُ بِهَا فَاتِّباعٌ‏ مِنَ الْوَلِيِّ مُطَالَبَةُ تَقَاصٍ‏ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ مِنَ الْعَافِي الْقَاتِلِ- بِإِحْسانٍ‏ لَا يُضَارُّهُ وَ لَا يُمَاطِلُهُ- ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ إِذْ أَجَازَ أَنْ يَعْفُوَ وَلِيُّ الْمَقْتُولِ عَنِ الْقَاتِلِ عَلَى دِيَةٍ يَأْخُذُهَا فَإِنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا الْقَتْلُ أَوِ الْعَفْوُ لَقَلَّ مَا طَابَتْ نَفْسُ وَلِيِّ الْمَقْتُولِ بِالْعَفْوِ بِلَا عِوَضٍ يَأْخُذُهُ فَكَانَ قَلَّ مَا يَسْلَمُ الْقَاتِلُ مِنَ الْقَتْلِ- فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ‏ بَعْدَ الْعَفْوِ عَنْهُ بِالدِّيَةِ الَّتِي بَذَلَهَا وَ رَضِيَ هُوَ بِهَا فَلَهُ عَذابٌ أَلِيمٌ‏ فِي الْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ لَكُمْ‏ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ فِي الْقِصاصِ حَياةٌ لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ يَعْرِفُ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي كَانَ هَمَّ بِقَتْلِهِ وَ حَيَاةً لِهَذَا الْجَانِي الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ وَ حَيَاةً لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ- لَا يَجْسُرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ- يا أُولِي الْأَلْبابِ‏ أُولِي الْعُقُولِ‏ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ‏.

النور المبين في قصص الأنبياء و المرسلين (للجزائري) / 257 / الفصل الرابع في بعثه موسى و هارون إلى فرعون و تفصيل الأحوال إلى وقت غرق فرعون و قومه ..... ص : 234

وَ قِيلَ إِنَّهُ خَافَ لِأَنَّهُ لَمْ يَدْرِ أَنَّ الْعَصَا إِذَا انْقَلَبَتْ حَيَّةً هَلْ تُظْهِرُ الْمَزِيَّةَ لِأَنَّهُ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهَا تَتَلَقَّفُهَا وَ كَانَ ذَلِكَ مَوْضِعَ خَوْفٍ لِأَنَّهَا لَوْ انْقَلَبَتْ حَيَّةً وَ لَمْ تَتَلَقَّفْ مَا يَأْفِكُونَ رُبَّمَا ادْعُوا الْمُسَاوَاةَ سِيَّمَا وَ الْأَهْوَاءَ مَعَهُمْ وَ الدَّوْلَةُ لَهُمْ فَلَمَّا تَلَقَّفَتْ زَالَتِ الشُّبْهَةُ.

شرح آقا جمال خوانسارى بر غرر الحكم و درر الكلم / ج‏2 / 465 / 3314 افضل المروءة مواساة الاخوان بالاموال و مساواتهم فى الاحوال. ..... ص : 465

3314 افضل المروءة مواساة الاخوان بالاموال و مساواتهم‏ فى الاحوال.

تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب / ج‏3 / 510 / [سورة النساء(4): الآيات 93 الى 97] ..... ص : 506

و في عوالي اللّئالي: روى زيد بن ثابت‏ أنّه لم يكن في آية نفي المساواة بين المجاهدين و القاعدين استثناء غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ. فجاء ابن أمّ مكتوم، و كان أعمى، و هو يبكي فقال: يا رسول اللّه، كيف لمن لا يستطيع الجهاد؟ فغشيه الوحي ثانيا، ثمّ أسري عنه فقال: اقرأ: غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ فألحقتها. و الّذي نفسي بيده، لكأنّي أنظر الى ملحقها عند صدع في الكتف.

مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل / ج‏9 / 47 / 105 - باب وجوب أداء حق المؤمن و جملة من حقوقه الواجبة و المندوبة ..... ص : 39

وَ لَا تُخَالِفُوهُمْ وَ لَا تَغْتَابُوهُمْ وَ لَا تَدَعُوا نُصْرَتَهُمْ وَ لَا مُعَاوَنَتَهُمْ وَ ابْذُلُوا النُّفُوسَ وَ الْأَمْوَالَ دُونَهُمْ وَ الْإِقْبَالَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالدُّعَاءِ لَهُمْ وَ مُوَاسَاتَهُمْ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَ الْمُوَاسَاةُ وَ نُصْرَتَهُمْ ظَالِمِينَ وَ مَظْلُومِينَ بِالدَّفْعِ عَنْهُمْ إِلَى أَنْ قَالَ فَبِاللَّهِ نَسْتَعِينُ عَلَى حُقُوقِ الْإِخْوَانِ وَ الْأَخِ الَّذِي يَجِبُ لَهُ هَذِهِ الْحُقُوقُ الَّذِي لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فِي جُمْلَةِ الدِّينِ وَ تَفْصِيلِهِ ثُمَّ مَا يَجِبُ لَهُ بِالْحُقُوقِ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ- [مَا] بَيْنَ الْإِخْوَانِ وَ بُعْدِهِ بِحَسَبِ ذَلِكَ أَرْوِي عَنِ الْعَالِمِ ع أَنَّهُ وَقَفَ بِحِيَالِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ قَالَ مَا أَعْظَمَ حَقَّكِ [يَا كَعْبَةُ] وَ اللَّهِ إِنَّ حَقَّ الْمُؤْمِنِ لَأَعْظَمُ مِنْ حَقِّكِ.

مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل / ج‏11 / 22 / 1 - باب وجوبه على الكفاية مع القدرة عليه أو الاحتياج إليه و سقوطه عن الأعمى و الأعرج و الفقير ..... ص : 7

12327-، وَ رَوَى زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي آيَةِ نَفْيِ الْمُسَاوَاةِ بَيْنَ الْمُجَاهِدِينَ وَ الْقَاعِدِينَ اسْتِثْنَاءُ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ فَجَاءَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَ كَانَ أَعْمَى وَ هُوَ يَبْكِي فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ لِمَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْجِهَادَ فَغَشِيَهُ الْوَحْيُ ثَانِياً ثُمَّ أُسْرِيَ عَنْهُ فَقَالَ اقْرَأْ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ فَأَلْحَقْنَاهُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُلْحَقِهَا عِنْدَ صَدْعٍ فِي الْكَتِفِ.

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي) / ج‏31 / 90 / (3) باب أن من قتل مؤمنا متعمدا يقاد به فإن المؤمنين تتكافأ دماءهم الا أن يرضى أولياء المقتول بالدية أو بأكثر منها أو أقل و لم تطل الدماء ..... ص : 86

- 68- 47308- (10) وسائل 29/ 54: الحسن بن علىّ العسكرىّ عليهما السلام في تفسيره عن آبائه على علىّ بن الحسين عليهم السلام قال‏ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلى‏» يعنى المساواة و أن يسلك بالقاتل في طريق المقتول المسلك الّذى سلكه به من قتله‏ «الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثى‏ بِالْأُنْثى‏» تقتل المرأة بالمرأة إذا قتلتها «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ‏ءٌ» فمن عفا له (اى للقاتل) و رضى هو و وليّ المقتول أن يدفع الدّية و عفا عنه بها «فَاتِّباعٌ» من الوليّ مطالبة «بِالْمَعْرُوفِ» و تقاصّ‏ «وَ أَداءٌ إِلَيْهِ» من (المعفوّ له) القاتل‏ «بِإِحْسانٍ» لا يضارّه و لا يماطله لقضائها «ذلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ» إذ أجاز أن يعفو وليّ المقتول عن القاتل على دية يأخذها فإنّه لو لم يكن إلّا العفو أو القتل لقلّما طابت نفس وليّ المقتول بالعفو بلا عوض يأخذه فكان قلّما يسلم القاتل من القتل‏ «فَمَنِ اعْتَدى‏ بَعْدَ ذلِكَ» من اعتدى بعد العفو عن‏

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 145 / ى - مساوات مالى ..... ص : 145

14 النّبيّ «ص»: يا علي! سيّد الأعمال ثلاث خصال: إنصافك النّاس من نفسك، و مساواة الأخ في اللَّه، و ذكر اللَّه على كلّ حال.

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 154 / تذييل ..... ص : 154

«مساواة الأخ في اللَّه‏

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 158 / أ - مواسات و ايمان ..... ص : 157

4 الإمام على «ع»: أفضل المروءة مواساة الإخوان بالأموال، و مساواتهم‏ في الأحوال.

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 178 / 1 - در روزگار پيامبر«ص» ..... ص : 178

3 النّبيّ «ص»: يا عليّ، سيّد الأعمال ثلاث خصال، إنصافك النّاس من نفسك، و مساواة الأخ في اللَّه، و ذكر اللَّه على كلّ حال.

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 200 / - از امام رضا«ع» ..... ص : 200

30 الإمام الرّضا «ع»: ... و مؤاساتهم (الإخوان) و مساواتهم‏، في كلّ ما يجوز فيه المساواة و المؤاساة ....

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏5 / 201 / - از امام رضا«ع» ..... ص : 200

32 الإمام الرّضا «ع»- عن محمّد بن سنان، أنّ أبا الحسن عليّ بن موسى الرّضا «ع» كتب إليه فيما كتب، من جواب مسائله: إنّ علّة الزّكاة من اجل قوت الفقراء، و تحصين أموال الأغنياء. لأنّ اللَّه تعالى كلّف أهل الصّحّة القيام بشأن أهل الزّمانة من البلوى ... و الحثّ لهم على المساواة، و تقوية الفقراء، و المعونة لهم على أمر الدّين.

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏6 / 348 / حديث ..... ص : 348

2 الإمام الرّضا «ع»- فيما يعلّل به تشريع الزّكاة: ... لأنّ اللَّه كلّف أهل الصّحّة القيام بشأن أهل الزّمانة من البلوى ... مع ما فيه من الزّيادة و الرأفة و الرّحمة لأهل الضّعف، و العطف على أهل المسكنة، و الحثّ لهم على المساواة، و تقوية الفقراء و المعونة لهم على أمر الدّين ...

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏6 / 365 / - زكات و نقش آن در تحكيم«اصل مواسات» ..... ص : 365

6 الإمام الرّضا «ع»- في بيان علل تشريع الزّكاة: ... و الحثّ لهم على المساواة.

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏6 / 421 / برخى از گونه‏هاى فقر(15 گونه) ..... ص : 419

«... لأنّ اللَّه كلّف أهل الصّحّة، القيام بشأن أهل الزّمانة من البلوى ... مع ما فيه من الزّيادة و الرّأفة و الرّحمة لأهل الضّعف، و العطف على أهل المسكنة، و الحثّ لهم على المساواة، و تقوية الفقراء، و المعونة لهم على أمر الدّين ...

الحياة / ترجمه احمد آرام / ج‏6 / 685 / حديث ..... ص : 682

8 الإمام الرّضا «ع»: اعلم- يرحمك اللَّه- أنّ حقّ الإخوان واجب فرض لازم ... و هم حصونكم الّتي تلجأون إليها في الشّدائد في الدّنيا و الآخرة ... لا تدعوا نصرتهم و لا معاونتهم، و ابذلوا النّفوس و الأموال دونهم، و الإقبال على اللَّه جلّ و عزّ بالدّعاء لهم، و مؤاساتهم و مساواتهم‏ في كلّ ما يجوز فيه المساواة و المؤاساة ...

### نرم افزار فقه جامع اهل البیت علیهم السلام 2

عبارت برابری در متن کتاب ها بسیار زیاد است اینجا فقط هرجا در سر عنوان مطلب عبارت برابری بوده آمده است به آدرس های ذیل مراجعه فرمایید

عنوان: جستجو - برابرى

جهاد در آينه روايات؛ ج‌1، ص: 292

7. برابرى همۀ نظاميان در برابر حق و قانون در چشم فرماندهان:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از محققان در پژوهشگاه تحقيقات اسلامى، جهاد در آينه روايات، دو جلد، انتشارات زمزم هدايت، قم - ايران، اول، 1428 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جهاد در آينه روايات؛ ج‌2، ص: 182

5. برقرارى صلح با ارتش دشمن بر اساس عدالت و برابرى:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از محققان در پژوهشگاه تحقيقات اسلامى، جهاد در آينه روايات، دو جلد، انتشارات زمزم هدايت، قم - ايران، اول، 1428 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فرهنگ موضوعى جهاد و دفاع؛ ص: 240

366. شرائط صلح، عدالت و برابرى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از محققان در پژوهشگاه تحقيقات اسلامى، فرهنگ موضوعى جهاد و دفاع، در يك جلد، انتشارات زمزم هدايت، قم - ايران، اول، 1429 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌1، ص: 566

اصل مساوات و برابرى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌2، ص: 281

3. برابرى و نفى تبعيض‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌3، ص: 461

3. اصل برابرى دولتها در استيفاى حق آزادى، استقلال و حاكميت‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌3، ص: 466

اصل برابرى ملتها از ديدگاه قرآن‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌3، ص: 467

برابرى ملتها از ديدگاه على عليه السلام‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقيهان امامى و عرصه‌هاى ولايت فقيه؛ ج‌2، ص: 668

(ج) برابرى اعطاى قطعه‌اى از زمين موات با تحجير، در صورت اعطاى آن توسط سلطان‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قاسمى، محمد على و پژوهشگران دانشگاه علوم اسلامى رضوى، فقيهان امامى و عرصه‌هاى ولايت فقيه، دو جلد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامى رضوى، مشهد مقدس - ايران، اول، 1426 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)؛ ج‌33، ص: 14

9. برابرى همه در حكم و اجراى عدالت:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از مؤلفان، مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)، 56 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)؛ ج‌41، ص: 94

اوّلين وظيفه: مساوات و برابرى ميان خصوم‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از مؤلفان، مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)، 56 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام؛ ج‌2، ص: 87

برابرى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، 3 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1426 ه‍ ق

### نرم افزار فقه جامع اهل البیت علیهم السلام 2

عبارت مساوات در متن کتاب ها بسیار زیاد است اینجا فقط هرجا در سر عنوان مطلب عبارت مساوات بوده آمده است به آدرس های ذیل مراجعه فرمایید

عنوان: جستجو - مساوات

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 49

[آزادى و مساوات، اساس سلطنت ولايتيه]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 60

[د) مساوات آحاد ملت با سلطان]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 60

[مساوات در حقوق]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 60

[مساوات در احكام]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 61

[مساوات در مجازات]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 100

[ب) مغالطه دربارۀ مساوات]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تنبيه الأمة و تنزيه الملة؛ ص: 101

[مساوات در اسلام]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، تنبيه الأمة و تنزيه الملة، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تحرير الوسيلة - ترجمه؛ ج‌4، ص: 377

مسألۀ 1- اگر سبب و مباشر، اجتماع نمايند پس با مساوات آنها يا اينكه مباشر قوى‌تر باشد، مباشر، ضامن است‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
خمينى، سيد روح اللّٰه موسوى - مترجم: اسلامى، على، تحرير الوسيلة - ترجمه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، 21، 1425 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

رسائل فقهى (علامه جعفرى)؛ ص: 215

5- اصل مساوات تساوى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
تبريزى، جعفرى، محمد تقى، رسائل فقهى (علامه جعفرى)، در يك جلد، مؤسسة منشورات كرامت، تهران - ايران، اول، 1419 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جامع المسائل (بهجت)؛ ج‌5، ص: 403

2. شرط دوم قصاص: مساوات در دين است‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
گيلانى، فومنى، محمد تقى بهجت، جامع المسائل (بهجت)، 5 جلد، دفتر معظم‌له، قم - ايران، دوم، 1426 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جامع المسائل (بهجت)؛ ج‌5، ص: 446

عدم اعتبار مساوات در ذكورت و انوثت‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
گيلانى، فومنى، محمد تقى بهجت، جامع المسائل (بهجت)، 5 جلد، دفتر معظم‌له، قم - ايران، دوم، 1426 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جهاد در آينه روايات؛ ج‌1، ص: 309

24. ضرورت رعايت مساوات در رسيدگى به وضع سربازان و خانواده آنها:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از محققان در پژوهشگاه تحقيقات اسلامى، جهاد در آينه روايات، دو جلد، انتشارات زمزم هدايت، قم - ايران، اول، 1428 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جهاد در آينه روايات؛ ج‌1، ص: 324

2. مساوات در قانونمدارى و اجراى قانون براى همه، از ويژگيهاى فرماندهان:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از محققان در پژوهشگاه تحقيقات اسلامى، جهاد در آينه روايات، دو جلد، انتشارات زمزم هدايت، قم - ايران، اول، 1428 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌1، ص: 566

اصل مساوات و برابرى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه سياسى (عميد)؛ ج‌2، ص: 132

11. مساوات و نفى تبعيض:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
زنجانى، عباس على عميد، فقه سياسى (عميد)، 3 جلد، انتشارات امير كبير، تهران - ايران، چهارم، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

استفتاءات جديد (مكارم)؛ ج‌3، ص: 400

1- مساوات در دين‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
شيرازى، ناصر مكارم، استفتاءات جديد (مكارم)، 3 جلد، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، دوم، 1427 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

استفتاءات جديد (مكارم)؛ ج‌3، ص: 403

3- مساوات در عقل‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
شيرازى، ناصر مكارم، استفتاءات جديد (مكارم)، 3 جلد، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، دوم، 1427 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

استفتاءات جديد (مكارم)؛ ج‌3، ص: 403

5- مساوات در جنسيّت‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
شيرازى، ناصر مكارم، استفتاءات جديد (مكارم)، 3 جلد، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، دوم، 1427 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

كتاب النكاح (مكارم)؛ ج‌6، ص: 132

طايفۀ ثانيه: رواياتى كه مساوات را لازم مى‌داند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
شيرازى، ناصر مكارم، كتاب النكاح (مكارم)، 6 جلد، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

كتاب النكاح (مكارم)؛ ج‌6، ص: 134

الأمر الثانى: بحثهايى كه در مساوات و تفاضل داشتيم در جايى است كه زوج مى‌خواهد سهمش را به زوجۀ ديگر بدهد‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
شيرازى، ناصر مكارم، كتاب النكاح (مكارم)، 6 جلد، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)؛ ج‌41، ص: 94

اوّلين وظيفه: مساوات و برابرى ميان خصوم‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از مؤلفان، مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)، 56 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)؛ ج‌45، ص: 217

ب- مساوات در تمايل قلبى‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از مؤلفان، مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)، 56 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)؛ ج‌54، ص: 203

ج) آزادى و مساوات‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از مؤلفان، مجله فقه اهل بيت عليهم السلام (فارسى)، 56 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

قواعد فقه (محقق داماد)؛ ج‌4، ص: 7

د) اصل مساوات در مقابل قانون:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
يزدى، سيد مصطفى محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، 4 جلد، مركز نشر علوم اسلامى، تهران - ايران، دوازدهم، 1406 ه‍ ق

عنوان: جستجو - مساواة

تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)؛ ج‌1، ص: 478

5. الثالث و العشرون: في مساواة الاستنشاق للمضمضة في ذلك نظر،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، 6 جلد، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم - ايران، اول، 1420 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

البيان؛ ص: 234

الثالث: مساواة موقف الإمام للمأموم أو تقدمه عليه،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، البيان، در يك جلد، محقق، قم - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

البيان؛ ص: 236

الثامن: مساواة موقف المأموم للإمام أو علوه عنه،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، البيان، در يك جلد، محقق، قم - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج‌3، ص: 394

و منها: مساواة مساجده في العلو و الهبوط،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، 4 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1419 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تمهيد القواعد الأصولية و العربية؛ ص: 176

قاعدة «58» مساواة الشي‌ء للشي‌ء كقولنا: استوى زيد و عمرو، أو تماثلا، أو هو هو،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، تمهيد القواعد الأصولية و العربية، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الحاشية الأولى على الألفية؛ ص: 553

[الرابع: مساواة مسجده لموقفه]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الحاشية الأولى على الألفية، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1420 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الحاشية الثانية على الألفية؛ ص: 553

[الرابع: مساواة مسجده لموقفه]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الحاشية الثانية على الألفية، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1420 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية؛ ص: 272

[الرابع: مساواة مسجده لموقفه]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1420 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مشارق الشموس في شرح الدروس؛ ج‌3، ص: 158

[و لو اتصل الواقف بالجاري اتّحدا مع مساواة سطحها]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
خوانسارى، آقا حسين بن محمد، مشارق الشموس في شرح الدروس، 4 جلد، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل؛ ج-3، ص: 160

9- مساواة المسجد للموقف و موضع اليدين.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، حرّ، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، 8 جلد، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل؛ ج-3، ص: 398

4- يستحبّ مساواة [موقف المأموم و] «4» موقف الإمام في العلوّ.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، حرّ، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، 8 جلد، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

وسائل الشيعة؛ ج‌6، ص: 357

«1» 10 بَابُ اسْتِحْبَابِ مُسَاوَاةِ الْمَسْجِدِ لِلْمَوْقِفِ وَ مَوْضِعِ الْيَدَيْنِ وَ كَرَاهَةِ عُلُوِّ مَسْجِدِ الْجَبْهَةِ عَنْهُمَا وَ جَوَازِ كَوْنِهِ أَخْفَضَ مِنْهُمَا‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، 30 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1409 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

وسائل الشيعة؛ ج‌27، ص: 214

«4» 3 بَابُ اسْتِحْبَابِ مُسَاوَاةِ الْقَاضِي بَيْنَ الْخُصُومِ فِي الْإِشَارَةِ وَ النَّظَرِ وَ الْمَجْلِسِ وَ كَرَاهَةِ ضِيَافَةِ أَحَدِ الْخَصْمَيْنِ دُونَ الْآخَرِ‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، 30 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1409 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج‌4، ص: 105

و مساواة موضع الجبهة للموقف أو خفضه عنه‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اصفهانى، فاضل هندى، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، 11 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج‌4، ص: 360

و يستحبّ مساواة الركوع القراءة زمانا‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اصفهانى، فاضل هندى، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، 11 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الرسائل الفقهية (للخواجوئي)؛ ج‌2، ص: 258

20- مسألة [مساواة موضع الجبهة لموضع القدم]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
مازندرانى، خاتون‌آبادى، (محمد)اسماعيل خواجوئى، الرسائل الفقهية (للخواجوئي)، 2 جلد، دار الكتاب الإسلامي، قم - ايران، اول، 1411 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج‌8، ص: 302

و منها- مساواة مسجده لموقفه‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
بحرانى، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، 25 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1405 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج‌25، ص: 60

الثاني [في استحباب مساواة العقيقة للمولود]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
بحرانى، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، 25 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1405 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

سداد العباد و رشاد العباد؛ ص: 144

الثالث: مساواة موقف الإمام للمأموم مع وحدته‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
بحرانى، آل عصفور، حسين بن محمد، سداد العباد و رشاد العباد، در يك جلد، كتابفروشى محلاتى، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

سداد العباد و رشاد العباد؛ ص: 146

الثامن: مساواة موقف الإمام المأموم أو علو المأموم عنه،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
بحرانى، آل عصفور، حسين بن محمد، سداد العباد و رشاد العباد، در يك جلد، كتابفروشى محلاتى، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)؛ ج‌9، ص: 29

[في استحباب مساواة الركوع القراءة زماناً]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
عاملى، سيد جواد بن محمد حسينى، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلاّمة (ط - الحديثة)، 23 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1419 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

رياض المسائل (ط - القديمة)؛ ج‌2، ص: 381

[مساواة الفريضة للسهام]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
حائرى، سيد على بن محمد طباطبايى، رياض المسائل (ط - القديمة)، 2 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

أنوار الفقاهة - كتاب الزكاة (لكاشف الغطاء، حسن)؛ ص: 10

رابعها: نسب للأكثر مساواة المجنون للطفل في جميع الأحكام المتقدمة‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، كاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - كتاب الزكاة (لكاشف الغطاء، حسن)، در يك جلد، مؤسسه كاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

أنوار الفقاهة - كتاب الصلاة (لكاشف الغطاء، حسن)؛ ص: 97

بحث: عدم جواز مساواة الرجل للمرأة في الصلاة‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، كاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - كتاب الصلاة (لكاشف الغطاء، حسن)، در يك جلد، مؤسسه كاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

أنوار الفقاهة - كتاب القضاء (لكاشف الغطاء، حسن)؛ ص: 120

سادسها: الحصص ان تساوت قدر الثلاثة لثلاثة و قيمة بمعنى مساواة أجزاء المقسوم لقيمة الجملة فالقسمة بتعديلها على قدر السهام‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، كاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - كتاب القضاء (لكاشف الغطاء، حسن)، در يك جلد، مؤسسه كاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

أنوار الفقاهة - كتاب المكاسب (لكاشف الغطاء، حسن)؛ ص: 134

الثالث و الثلاثون: الأصل مساواة للفرد في النقل و الانتقال‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، كاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - كتاب المكاسب (لكاشف الغطاء، حسن)، در يك جلد، مؤسسه كاشف الغطاء، نجف اشرف - عراق، اول، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جواهر الكلام في ثوبه الجديد؛ ج‌5، ص: 232

[مساواة حروف البدل لحروف الفاتحة‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام في ثوبه الجديد، 7 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

جواهر الكلام في ثوبه الجديد؛ ج‌5، ص: 233

[المدار في مساواة الحروف على الملفوظ منها‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام في ثوبه الجديد، 7 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

ينابيع الأحكام في معرفة الحلال و الحرام؛ ج‌1، ص: 119

الجهة الرابعة: [هل يعتبر فيه مساواة سطوحه أو يكفي مجرّد اتّصال بعضه بعضا و لو مع الاختلاف في سطوحه؟]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قزوينى، سيد على موسوى، ينابيع الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، دو جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1424 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌4، ص: 459

9 بَابُ اسْتِحْبَابِ مُسَاوَاةِ الْمَسْجِدِ لِلْمَوْقِفِ وَ مَوْضِعِ الْيَدَيْنِ وَ كَرَاهَةِ عُلُوِّ مَسْجِدِ الْجَبْهَةِ عَنْهُمَا وَ جَوَازِ كَوْنِهِ أَخْفَضَ مِنْهُمَا‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نورى، محدث، ميرزا حسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، 18 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت - لبنان، اول، 1408 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌17، ص: 350

3 بَابُ اسْتِحْبَابِ مُسَاوَاةِ الْقَاضِي بَيْنَ الْخَصْمَيْنِ فِي الْإِشَارَةِ وَ النَّظَرِ وَ الْمَجْلِسِ وَ كَرَاهَةِ ضِيَافَةِ أَحَدِ الْخَصْمَيْنِ دُونَ الْآخَرِ‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نورى، محدث، ميرزا حسين، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، 18 جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت - لبنان، اول، 1408 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

العروة الوثقى في الدين؛ ص: 23

سابعها: مساواة موضع القدمين و موضع الجبهة‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
نجفى، كاشف الغطاء، عباس بن حسن بن جعفر، العروة الوثقى في الدين، در يك جلد، مؤسسه كاشف الغطاء، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مستمسك العروة الوثقى؛ ج‌6، ص: 351

[السابع: مساواة موضع الجبهة للموقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
حكيم، سيد محسن طباطبايى، مستمسك العروة الوثقى، 14 جلد، مؤسسة دار التفسير، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

منهاج الصالحين (المحشى للحكيم)؛ ج‌1، ص: 235

مسألة 57- لا تجب مساواة الركعتين الأخيرتين في القراءة و الذكر‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
حكيم، سيد محسن طباطبايى، منهاج الصالحين (المحشّٰى للحكيم)، 2 جلد، دار التعارف للمطبوعات، بيروت - لبنان، اول، 1410 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تحرير الوسيلة؛ ج‌2، ص: 545

مسألة 21 يثبت القصاص في العين، و تقتص مع مساواة المحل، فلا تقلع اليمنى باليسرى و لا بالعكس،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
خمينى، سيد روح اللّٰه موسوى، تحرير الوسيلة، 2 جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

موسوعة الإمام الخوئي؛ ج‌15، ص: 97

[السابع: مساواة موضع الجبهة للموقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
خويى، سيد ابو القاسم موسوى، موسوعة الإمام الخوئي، 33 جلد، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ايران، اول، 1418 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مهذب الأحكام (للسبزواري)؛ ج‌6، ص: 423

[السابع: مساواة موضع الجبهة للموقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
سبزوارى، سيد عبد الأعلى، مهذّب الأحكام (للسبزواري)، 30 جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ايران، چهارم، 1413 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مهذب الأحكام (للسبزواري)؛ ج‌7، ص: 10

[ (الثالث عشر): مساواة موضع الجبهة مع الموقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
سبزوارى، سيد عبد الأعلى، مهذّب الأحكام (للسبزواري)، 30 جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ايران، چهارم، 1413 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مهذب الأحكام (للسبزواري)؛ ج‌29، ص: 21

[ (مسألة 22): يقتص في العين مع مساواة المحل فتقطع اليمنى باليمنى و اليسرى باليسرى دون العكس]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
سبزوارى، سيد عبد الأعلى، مهذّب الأحكام (للسبزواري)، 30 جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ايران، چهارم، 1413 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

كتاب الصلاة (للأراكي)؛ ج‌2، ص: 156

الثالثة: ما دلّ على مساواة الأمرين مطلقا‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اراكى، محمد على، كتاب الصلاة (للأراكي)، 2 جلد، دفتر جناب مؤلف، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

المسائل الواضحة؛ ج‌1، ص: 160

الشرط الثامن [في مساواة موضع الوقوف و السجود أو لا يقل عن أربعة أصابع]:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اراكى، محمد على، المسائل الواضحة، 2 جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، 1414 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الأحكام الواضحة (للفاضل)؛ ص: 152

(مسألة 641): لا تجب مساواة الركعتين الأخيرتين في القراءة و الذكر،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
لنكرانى، محمد فاضل موحدى، الأحكام الواضحة (للفاضل)، در يك جلد، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، قم - ايران، چهارم، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

الأحكام الواضحة (للفاضل)؛ ص: 161

السابع: مساواة موضع الجبهة للموقف؛

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
لنكرانى، محمد فاضل موحدى، الأحكام الواضحة (للفاضل)، در يك جلد، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، قم - ايران، چهارم، 1422 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - القصاص؛ ص: 391

[مسألة 21 يثبت القصاص في العين و تقتصّ مع مساواة المحلّ]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
لنكرانى، محمد فاضل موحدى، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - القصاص، در يك جلد، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1421 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مدارك العروة (للإشتهاردي)؛ ج‌15، ص: 399

[ (السابع) مساواة موضع الجبهة للموقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اشتهاردى، على پناه، مدارك العروة (للإشتهاردي)، 30 جلد، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران - ايران، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مدارك العروة (للإشتهاردي)؛ ج‌15، ص: 433

[ (الثالث عشر) مساواة موضع الجبهة مع الوقف]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
اشتهاردى، على پناه، مدارك العروة (للإشتهاردي)، 30 جلد، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران - ايران، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

دروس في معرفة الوقت و القبلة؛ ص: 169

الثالث مساواة الميل الأعظم‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
آملى، حسن حسن زاده، دروس في معرفة الوقت و القبلة، در يك جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، چهارم، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

دروس في معرفة الوقت و القبلة؛ ص: 173

الخامس مساواة تمام الميل الأعظم‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
آملى، حسن حسن زاده، دروس في معرفة الوقت و القبلة، در يك جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، چهارم، 1416 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

نظام النكاح في الشريعة الإسلامية الغراء؛ ج‌1، ص: 59

الثاني: مساواة المرأة في الحكم في المستثنى و المستثنى منه،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
تبريزى، جعفر سبحانى، نظام النكاح في الشريعة الإسلامية الغراء، دو جلد، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

منهاج الصالحين (للسيستاني)؛ ج‌1، ص: 212

مسألة 626: لا تجب مساواة الركعتين الأخيرتين في القراءة و الذكر‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
سيستانى، سيد على حسينى، منهاج الصالحين (للسيستاني)، 3 جلد، دفتر حضرت آية الله سيستانى، قم - ايران، پنجم، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌2، ص: 155

ب- مساواة الحضر للسفر في عدم الإعادة:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌2، ص: 155

ج‍- مساواة متعمّد الجنابة لغيره في عدم الإعادة:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌2، ص: 167

1- مساواة الجاموس للبقر في حكم الزكاة:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌2، ص: 663

ب- مساواة المرأة للرجل في ما فيه الدية الكاملة من أعضائه:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌3، ص: 268

ب/ 2- مساواة المرأة للرجل في شروط الإحصان:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌4، ص: 133

2- مساواة الصلاة المقضيّة للفائتة في الأحكام:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌4، ص: 410

5- مساواة الظنّ الغير المعتبر شرعاً للشكّ في عدم نقض الطهارة به:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌5، ص: 201

- مساواة لطع الكلب الإناء لولوغه فيه في كيفيّة التطهير:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌5، ص: 391

4- مساواة القليل من المسكر للكثير في الأحكام:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌5، ص: 444

أ/ 7- مساواة اللطع للولوغ في الحكم:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌5، ص: 445

أ/ 12- عدم مساواة ماء الغسالة لماء الولوغ:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌6، ص: 90

1- مساواة النفساء للحائض في الأحكام:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

معجم فقه الجواهر؛ ج‌6، ص: 90

4- مساواة غسل النفاس لغسل الحائض:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، 6 جلد، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، 1417 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

موسوعة الفقه الإسلامي طبقا لمذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج‌7، ص: 133

مساواة الرجل و المرأة في شروط الإحصان‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، موسوعة الفقه الإسلامي طبقا لمذهب أهل البيت عليهم السلام، 11 جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، 1423 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

النفي و التغريب في مصادر التشريع الإسلامي؛ ص: 60

السابع: مساواة الأب للابن:

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
طبسى، نجم الدين، النفي و التغريب في مصادر التشريع الإسلامي، در يك جلد، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

البراهين الواضحات - دراسات في القضاء؛ ج‌1، ص: 295

الفرع الثانى: في مساواة المسافر و الحاضر في سماع دعواهما، ان لم يكن ضرر على احدهما بالخصوص‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قمشه‌اى، محمد على اسماعيل‌پور، البراهين الواضحات - دراسات في القضاء، 2 جلد، قم - ايران، اول، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

مباني منهاج الصالحين؛ ج‌4، ص: 495

[مسألة 129: لا تجب مساواة الركعتين الأخيرتين في القراءة و الذكر]

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قمّى، سيد تقى طباطبايى، مباني منهاج الصالحين، 10 جلد، منشورات قلم الشرق، قم - ايران، اول، 1426 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه الصادق عليه السلام (للروحاني)؛ ج‌5، ص: 36

مساواة موضع الجبهة للموقف‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قمّى، سيد صادق حسينى روحانى، فقه الصادق عليه السلام (للروحاني)، 26 جلد، دار الكتاب - مدرسه امام صادق عليه السلام، قم - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

فقه الصادق عليه السلام (للروحاني)؛ ج‌5، ص: 214

مساواة الركوع للقيام‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
قمّى، سيد صادق حسينى روحانى، فقه الصادق عليه السلام (للروحاني)، 26 جلد، دار الكتاب - مدرسه امام صادق عليه السلام، قم - ايران، اول، 1412 ه‍ ق

\* \* \* \* \*

منهاج الصالحين (للفياض)؛ ج‌1، ص: 256

(مسألة 634): لا تجب مساواة الركعتين الأخيرتين في القراءة و الذكر،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
كابلى، محمد اسحاق فياض، منهاج الصالحين (للفياض)، 3 جلد، ه‍ ق

\* \* \* \* \*

هداية العباد (للصافي)؛ ج‌1، ص: 184

مسألة 1084- الظاهر مساواة صلاة الجمعة لسائر الصلوات المفروضة في أحكام الخلل‌

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_  
گلپايگانى، لطف الله صافى، هداية العباد (للصافي)، در يك جلد، دار القرآن الكريم، قم - ايران، اول، 1416 ه‍ ق

### نرم افزار جامع التفاسیر 3

عبارت برابری در متن کتاب ها بسیار زیاد است اینجا فقط هرجا در سر عنوان مطلب عبارت برابری بوده آمده است به آدرس های ذیل مراجعه فرمایید

آيين اخلاق در قرآن / 801 / برابرى در حقوق و وظايف: ..... ص : 801

برابرى‏ در حقوق و وظايف:

فرهنگ موضوعى تفاسير / ج‏1 / 385 / برابرى - - - ) ..... ص : 385

برابرى‏---)

ترجمه تفسير الميزان / ج‏14 / 517 / بيان آيات برابرى همه مؤمنين در عبادت در مسجد الحرام و تهديد كسانى كه راه خدا و مسجد الحرام را مى‏بندند ..... ص : 517

بيان آيات [برابرى‏ همه مؤمنين در عبادت در مسجد الحرام و تهديد كسانى كه راه خدا و مسجد الحرام را مى‏بندند]

ترجمه تفسير الميزان / ج‏14 / 531 / بحث روايتى رواياتى در باره برابرى مردم در مكه(سواء العاكف فيه و الباد)، ظلم در آن شهر مقدس(و من يرد فيه بإلحاد بظلم...) و منافع مترتب بر حج(ليشهدوا منافع لهم) ..... ص : 531

بحث روايتى [رواياتى در باره برابرى‏ مردم در مكه (سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَ الْبادِ)، ظلم در آن شهر مقدس (وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ ...) و منافع مترتب بر حج (لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ‏)]

تفسير نمونه / ج‏7 / 235 / تفسير: منتظر برابرى قوا نباشيد! ..... ص : 235

تفسير: منتظر برابرى‏ قوا نباشيد!

تفسير نمونه / ج‏11 / 391 / 2 - برابرى مرد و زن ..... ص : 391

\*\*\* 2- برابرى‏ مرد و زن‏

جرعه اى از زلال قرآن / ج‏5 / 280 / برابرى اذيت خدا و رسول با لعن ابدى ..... ص : 280

برابرى‏ اذيت خدا و رسول با لعن ابدى‏

فرهنگ قرآن / ج‏24 / 264 / 6. برابرى با مسلمانان ..... ص : 264

6. برابرى‏ با مسلمانان‏

بيان در علوم و مسائل كلى قرآن / 103 / قانون برابرى و ملاك برترى در قرآن ..... ص : 103

قانون برابرى‏ و ملاك برترى در قرآن‏

با قرآن در مكه و مدينه / 396 / 1. عدم برابرى مؤمنان با غضب شدگان ..... ص : 396

1. عدم برابرى‏ مؤمنان با غضب شدگان‏

### نرم افزار جامع التفاسیر 3

عبارت مساوات در متن کتاب ها بسیار زیاد است اینجا فقط هرجا در سر عنوان مطلب عبارت مساوات بوده آمده است به آدرس های ذیل مراجعه فرمایید

ترجمه بديع القرآن / 173 / باب مساوات ..... ص : 173

باب مساوات‏

ترجمه بديع القرآن / 409 / آيات شاهد باب بيست و يكم: مساوات ..... ص : 409

آيات شاهد باب بيست و يكم: مساوات‏

ترجمه بديع القرآن / 462 / شعر شاهد باب بيست و يكم؛ مساوات: ..... ص : 462

شعر شاهد باب بيست و يكم؛ مساوات‏:

فرهنگ موضوعى تفاسير / ج‏3 / 1708 / مساوات ..... ص : 1708

مساوات‏

ترجمه تفسير الميزان / ج‏2 / 296 / ترخيص در اختلاط سر پرستان و اولياى ايتام با ايتام، متضمن مساوات بين تمام مؤمنين است. ..... ص : 296

[ترخيص در اختلاط سر پرستان و اولياى ايتام با ايتام، متضمن مساوات‏ بين تمام مؤمنين است.]

تفسير نمونه / ج‏2 / 163 / 6 - مساوات يا عدالت؟ ..... ص : 163

6- مساوات‏ يا عدالت؟

تفسير نمونه / ج‏17 / 313 / نكته: مساوات مرد و زن در پيشگاه خدا ..... ص : 313

\*\*\* نكته: مساوات‏ مرد و زن در پيشگاه خدا

تفسير راهنما / ج‏21 / 477 / مساوات: ..... ص : 477

مساوات‏:

فرهنگ قرآن / ج‏10 / 373 / مساوات در حج ..... ص : 373

مساوات‏ در حج‏

فرهنگ قرآن / ج‏10 / 520 / 30. عدم مساوات در خانواده ..... ص : 520

30. عدم مساوات‏ در خانواده‏

فرهنگ قرآن / ج‏28 / 244 / مساوات ..... ص : 244

مساوات‏

با قرآن در مكه و مدينه / 235 / 9. مساوات ميان متمكن و مستمند ..... ص : 235

9. مساوات‏ ميان متمكن و مستمند

قرآن منشور زندگى / 201 / 2 - اخوت و مساوات انسان‏ها ..... ص : 201

2- اخوّت و مساوات‏ انسان‏ها

تفسير سوره حجرات / 332 / مساوات افراد بشر ..... ص : 332

مساوات‏ افراد بشر

تفسير سوره حجرات / 336 / مساوات دو درجه ..... ص : 336

مساوات‏ دو درجه‏

تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم / ج‏3 / 557 / (مساواة درجات الجنة مع دركات النار) ..... ص : 557

(مساواة درجات الجنة مع دركات النار)

الأمثل فى تفسير كتاب الله المنزل / ج‏13 / 253 / مساواة الرجل و المرأة عند الله: ..... ص : 253

مساواة الرجل و المرأة عند اللّه:

معارج التفكر و دقائق التدبر / ج‏8 / 523 / ثانيا: مما في السورة من إيجاز و مساواة ..... ص : 523

\*\*\* ثانيا: ممّا في السورة من إيجاز و مساواة

التفسير الحديث : ترتيب السور حسب النزول / ج‏5 / 440 / تعليق على آية[سورة الروم(30): آية 21] و من آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمة و استطراد إلى ما قرره القرآن من مساواة بين الرجل و المرأة و مركز الزوجة ..... ص : 440

تعليق على آية وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً و استطراد إلى ما قرره القرآن من مساواة بين الرجل و المرأة و مركز الزوجة

### نرم افزار دانشنامه اخلاق اسلامی

عبارت برابری و مساوات در سرفصل ها و عناوین .

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، جلد: ۳، صفحه: ۱۲۳

الف - در كارهاى خداوند، هموزن ذرّه‌اى، ستم نيست

ب - بر پا داشتن قسط (برابرى)

۲. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، جلد: ۳، صفحه: ۱۲۵

ب - بر پا داشتن قسط (برابرى)

ج - فرمان به برابرى

۳. حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، جلد: ۶، صفحه: ۱۱۷

۷/۱ برابرى زن و مرد در فضيلت‌ها

۴. مشکاة الانوار في غرر الاخبار، صفحه: ۴۴۳

فصل نهم: در رفتار با مردم و برابرى با آنان

۵. آيين اخلاق در قرآن، صفحه: ۸۰۱

برابرى در حقوق و وظايف:

برابرى در حقوق و وظايف: مشورت و رضايت دو طرف:

۶. تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (س)، صفحه: ۵۵۷

اخلاص موجب برابرى با عبادت

اخلاص موجب برابرى با عبادت اهميت و لزوم اخلاص روح اعمال در گرو اخلاص...

۷. ترجمه منیة المرید، صفحه: ۱۱۹

اعتراف بگفتار شاگرد

برابرى شاگردان شاگردان از نظر اسبق آنها

۸. ‌کيميای سعادت، صفحه: ۱۴۰

[عدالت و نمودهاى آن]

[عدالت: حفظ برابرى و نسبتهاى ديگر]

۱. معجم المحاسن و المساوئ، جلد: ۷، صفحه: ۴۶۴

۳ - جامع الأخبار ص ۹۸:

...مساواة الخوف و الرجاء في قلب المؤمن:...

۲. معجم المحاسن و المساوئ، جلد: ۱۰، صفحه: ۳۰۴

۲ - أمالي الصدوق ص ۳۳۸:

۲ - أمالي الصدوق ص ۳۳۸: ۱۳۷۰ التسويف و مساواة اليوم مع الامس ۱ - أمالي الطوسي ج ۲ ص ۵۲۶ الطبعة الجديدة:...

۳. شرح رسالة الحقوق للإمام زین العابدین (علیه السلام)، جلد: ۱، صفحه: ۳۳۸

النوع الرابع منها:

مساواة عامة بين الأحرار و الأرقاء:

۴. مرآة الکمال لمن رام درک مصالح الأعمال، جلد: ۱، صفحه: ۴۶۴

و منها: ان يركع و يداه تحت ثيابه،

...و منها: مساواة موضع سجوده لموقفه،...

۵. تسهيل النظر و تعجيل الظفر في أخلاق الملک و سیاسة الملک، صفحه: ۲۶۵

۸ - مُسَاوَاة الْملك نَفسه مَعَ الرّعية

۶. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۳۷

مساوات در ماليات‌هاى اسلامى مساوات در ماليات‌هاى اسلامى مساوات در تحصيل علم

۷. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۴

أقسام العدل و كيفية تحقيقها:

عدالة الشهود و علاقتها بالمروءة: ثانيا: المساواة: المساواة لغة:

۸. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۵

المساواة لغة:

لفظ سواء في القرآن الكريم: المساواة اصطلاحا: الفرق بين العدالة و المساواة:

۹. الأخلاق، صفحه: ۱۶۷

العدل

العدل و المساواة: حجج القائلين بعدم المساواة:

۱۰. أخلاق النبي صلی الله علیه و آله و أهل بیته علیهم السلام، صفحه: ۵۶

۷ - انعاؤه للتفاخر

۸ - مواساته للفقراء ۹ - المساواة ۱ - المساواة في العطاء

۱۱. أخلاق النبي صلی الله علیه و آله و أهل بیته علیهم السلام، صفحه: ۵۷

۱ - المساواة في العطاء

۲ - المساواة أمام القانون ۳ - المساواة في الحقوق

۱۲. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۱

اصل مساوات

۱۳. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۳

خاستگاه مساوات

۱۴. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۹

خاستگاه مساوات

اعلام مساوات همگانى و نفى اختلاف‌هاى طبقاتى

۱۵. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۸۹

اعلام مساوات همگانى و نفى اختلاف‌هاى طبقاتى

سيرۀ مساوات

۱۶. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۰

سيرۀ مساوات

اقسام مساوات

۱۷. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۱

مساوات اجتماعى

۱۸. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۹

مساوات اجتماعى

بر هم خوردن مساوات اجتماعى

۱۹. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۱۲

بر هم خوردن مساوات اجتماعى

مساوات در برابر قانون

۲۰. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۱۹

مساوات در برابر قانون

مساوات در تقسيم سرانۀ بيت المال

۲۱. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۴۵

مساوات در تصدى امور و انجام دادن مسئوليت‌ها

۲۲. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۳، صفحه: ۵۶۷

اهميت و جايگاه برپا داشتن حق و عدل

اجراى حق و قانون به مساوات

۲۳. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۳، صفحه: ۵۸۳

پرهيز از داورى در حال نامناسب

رعايت مساوات

۲۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، صفحه: ۲۸۱

(۱) اين خطبه را در پاسخ آنها كه به مساوات در تقسيم غنائم اعتراض كردند ايراد فرموده

۲۵. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام، صفحه: ۵۸

۳۶ - باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوۀ سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو

۳۶ - باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوۀ سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو ۳۷ - باب استحباب شكرگزارى خدا براى نعمت اسلام و تندرستى

۲۶. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد: ۲۲، صفحه: ۶۶۱

اصالت فرد و اصالت جامعه

آزادى و مساوات

۲۷. نهج البلاغة (ترجمه انصاریان)، صفحه: ۱۱۰

۱۲۲ - از سخنان آن حضرت است در رابطه با خوارج وقتى كه حكميت را انكار كردند، در اين كلام اصحاب خود را نسبت به حكميت سرزنش مى‌نمايد، و دربارۀ آنان مى‌گويد:

۱۲۳ - از سخنان آن حضرت است وقتى با تندى به او گفتند كه چرا در تقسيم بيت‌المال ميان همه مساوات مى‌كند و سابقه و شرافت افراد را در نظر نمى‌گيرد.

۲۸. ‌اخلاق و معاشرت در اسلام، صفحه: ۷۶

۱۱ - اصل خيرخواهى:

...۱۴ - اصل مساوات و مواسات:...

۲۹. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۱۲، صفحه: ۶۴

۳۶ - بَابُ تَحْرِيمِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْفَقِيرِ اَلْمُسْلِمِ بِخِلاَفِ السَّلاَمِ عَلَى الْغَنِيِّ بَلْ تَجِبُ الْمُسَاوَاةُ

۳۶ - بَابُ تَحْرِيمِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْفَقِيرِ اَلْمُسْلِمِ بِخِلاَفِ السَّلاَمِ عَلَى الْغَنِيِّ بَلْ تَجِبُ الْمُسَاوَاةُ ۳۷ - بَابُ اسْتِحْبَابِ التَّحْمِيدِ عَلَى اَلْإِسْلاَمِ وَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ رُؤْيَةِ اَلْكَافِرِ وَ الْمُبْتَلَى مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْمِعَ الْمُبْتَلَى

۳۰. مستدرك الوسائل، جلد: ۹، صفحه: ۳۷۸

۶ - بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلْحَاجِّ أَنْ يَطُوفَ ثَلاَثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أُسْبُوعاً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَثَلاَثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ شَوْطاً وَ يُتِمَّ الْأُسْبُوعَ الْأَخِيرَ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَمَا قَدَرَ

۷ - بَابُ أَنَّ مَنْ أَقَامَ بِمَكَّةَ سَنَةً اسْتُحِبَّ لَهُ اخْتِيَارُ الطَّوَافِ الْمَنْدُوبِ عَلَى الصَّلاَةِ الْمَنْدُوبَةِ وَ مَنْ أَقَامَ سَنَتَيْنِ تَخَيَّرَ وَ اسْتُحِبَّ لَهُ الْمُسَاوَاةُ وَ مَنْ أَقَامَ ثَلاَثاً اسْتُحِبَّ لَهُ اخْتِيَارُ الصَّلاَةِ

۳۱. الشجرة الإلهیة، جلد: ۳، صفحه: ۸۴

[كلام المشائين في الفرق بين الأشد و الأضعف، و الأزيد و الأنقص]

[كلام المشائين في الفرق بين الأشد و الأضعف، و الأزيد و الأنقص] [في المساواة و اللامساواة]

۳۲. موسوعة الکلمة، جلد: ۱۳، صفحه: ۲۴۰

خصال أجرها الجنّة

خصال أجرها الجنّة الإنصاف و المساواة عليك بالورع و الاجتهاد

۳۳. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۱، صفحه: ۱۲۴

أولا: هل تكتسب الأخلاق:

۱ - النمو الأخلاقي و النمو المعرفي: ۲ - الخبرة الاجتماعية القائمة على المساواة: ۳ - الاستقلال عن سلطة الكبار القسرية:

۳۴. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۰

العدل و المساواة

العدل و المساواة أولا: العدل العدل لغة:

۳۵. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۶

الفرق بين العدالة و المساواة:

من صور المساواة في الإسلام:

۳۶. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۷

الآيات الواردة في «العدل و المساواة»

الآيات الواردة في «العدل و المساواة» أولا: العدل: آيات العدل فيها عام:...

۳۷. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۷۹۹

آيات العدل فيها في الحكم:

ثانيا: المساواة: أ - بين المسلمين و غيرهم: آيات العدل فيها فيمن تحت الولاية من اليتامى و النساء:

۳۸. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۸۰۸

الأحاديث الواردة في (المساواة)

۳۹. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۸۰۹

الأحاديث الواردة في (المساواة)

المثل التطبيقي من حياة النبي صلّى اللّه عليه و سلّم في (العدل و المساواة)

۴۰. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۸۱۱

من الآثار و أقوال العلماء و المفسرين الواردة في (العدل و المساواة)

۴۱. موسوعة نضرة النعیم في مکارم أخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جلد: ۷، صفحه: ۲۸۱۸

من الآثار و أقوال العلماء و المفسرين الواردة في (العدل و المساواة)

من فوائد (العدل) أما عن فوائد (المساواة) فمنها

۴۲. ‌شرح غرر الحکم (خوانساری)، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۵

۳۳۱۰ - اسعد النّاس بالدّنيا التّارك لها، و اسعدهم بالآخرة العامل لها.

...۳۳۱۴ - افضل المروءة مواساة الاخوان بالاموال و مساواتهم فى الاحوال.

۴۳. الصداقة و الصدیق، صفحه: ۱۸۵

[إرضاء و إسخاط]

...[تمني المساواة]...

۴۴. إتحاف السّادة المتقین بشرح إحیاء علوم الدین، جلد: ۶، صفحه: ۳۵۹

فصل [لا تصح مفاوضة و عنان بغير النقدين و التبر و الفلوس النافقة]

الباب الثالث في بيان العدل و المساواة و اجتناب الظلم و التجاوز عن الحدود في المعاملة القسم الأول: فيما يعم ضرره و هو أنواع:

۴۵. معجم المحاسن و المساوئ، جلد: ۱۸، صفحه: ۹۱

۱۱ - عدّة الداعي ص ۳۰۲:

۱۲ - من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۲۵۴-۲۵۹ مكارم الأخلاق ص ۴۳۳: ۲۶۲۵ المواساة بين الأولاد (أي المساواة) ۱ - الأشعثيّات ص ۱۸۹:...

۴۶. مکارم أخلاق النبي و الائمة علیهم السلام، صفحه: ۱۸۵

فصل [في كيفيّة تقسيمه بيت المال، و أنّه عليه السّلام لم يأخذ لنفسه شيئا]

فصل [في مساواته عليه السّلام في تقسيم بيت المال، و صلاته بعد أن يقسّمها]

۴۷. أخلاقيات الإمام علي أمير المؤمنين علیه السلام، جلد: ۲، صفحه: ۱۳۲

سابعا - مساعدة الجميع، و اللطف بهم:

ثامنا - المساواة، و عدم التمييز:

۴۸. دستور الأخلاق في القرآن، صفحه: ۹۰۱

۲ - انتشار النّوع:

۲ - انتشار النّوع: المساواة في الحقوق، و الواجبات: تشاور، و تراض:...

۴۹. أخلاق أهل البیت علیهم السلام، صفحه: ۲۸۳

تحرير المرأة في الإسلام

المساواة بين الرجل و المرأة

۵۰. أخلاق أهل البیت علیهم السلام، صفحه: ۳۲۶

ج - حرية الدعوة الإسلامية:

ج - حرية الدعوة الإسلامية: ۴ - حق المساواة:

۵۱. أخلاق أهل البیت علیهم السلام، صفحه: ۳۲۷

۴ - حق المساواة:

المساواة في الإسلام

۵۲. النظام التربوی فی الإسلام، صفحه: ۷۲

۱ - العناية بالأبناء:

۲ - المساواة بينهم:

۵۳. أخلاق النبي صلی الله علیه و آله و أهل بیته علیهم السلام، صفحه: ۲۳۱

۳ - التبسّم في وجه المؤمن

۳ - التبسّم في وجه المؤمن ۴ - التودّد إلى النّاس ۵ - المساواة في السّلام

۱. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۳۷

مساوات در ماليات‌هاى اسلامى

مساوات در ماليات‌هاى اسلامى مساوات در تحصيل علم

۲. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۱

اصل مساوات

۳. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۳

خاستگاه مساوات

۴. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۹

خاستگاه مساوات

اعلام مساوات همگانى و نفى اختلاف‌هاى طبقاتى

۵. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۴۸۹

اعلام مساوات همگانى و نفى اختلاف‌هاى طبقاتى

سيرۀ مساوات

۶. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۰

سيرۀ مساوات

اقسام مساوات

۷. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۱

مساوات اجتماعى

۸. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۰۹

مساوات اجتماعى

بر هم خوردن مساوات اجتماعى

۹. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۱۲

بر هم خوردن مساوات اجتماعى

مساوات در برابر قانون

۱۰. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۱۹

مساوات در برابر قانون

مساوات در تقسيم سرانۀ بيت المال

۱۱. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۲، صفحه: ۵۴۵

مساوات در تصدى امور و انجام دادن مسئوليت‌ها

۱۲. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۳، صفحه: ۵۶۷

اهميت و جايگاه برپا داشتن حق و عدل

اجراى حق و قانون به مساوات

۱۳. سیره نبوی «منطق عملی»، جلد: ۳، صفحه: ۵۸۳

پرهيز از داورى در حال نامناسب

رعايت مساوات

۱۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، صفحه: ۲۸۱

(۱) اين خطبه را در پاسخ آنها كه به مساوات در تقسيم غنائم اعتراض كردند ايراد فرموده

۱۵. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام، صفحه: ۵۸

۳۶ - باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوۀ سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو

۳۶ - باب حرمت تبعيض بين فقير و ثروتمند در نحوۀ سلام كردن و وجوب رعايت مساوات بين آن دو ۳۷ - باب استحباب شكرگزارى خدا براى نعمت اسلام و تندرستى

۱۶. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد: ۲۲، صفحه: ۶۶۱

اصالت فرد و اصالت جامعه

آزادى و مساوات

۱۷. نهج البلاغة (ترجمه انصاریان)، صفحه: ۱۱۰

۱۲۲ - از سخنان آن حضرت است در رابطه با خوارج وقتى كه حكميت را انكار كردند، در اين كلام اصحاب خود را نسبت به حكميت سرزنش مى‌نمايد، و دربارۀ آنان مى‌گويد:

۱۲۳ - از سخنان آن حضرت است وقتى با تندى به او گفتند كه چرا در تقسيم بيت‌المال ميان همه مساوات مى‌كند و سابقه و شرافت افراد را در نظر نمى‌گيرد.

۱۸. ‌اخلاق و معاشرت در اسلام، صفحه: ۷۶

۱۱ - اصل خيرخواهى:

...۱۴ - اصل مساوات و مواسات:...

۱۹. معجم المحاسن و المساوئ، جلد: ۷، صفحه: ۴۶۴

۳ - جامع الأخبار ص ۹۸:

...مساواة الخوف و الرجاء في قلب المؤمن:...

۲۰. معجم المحاسن و المساوئ، جلد: ۱۰، صفحه: ۳۰۴

۲ - أمالي الصدوق ص ۳۳۸:

۲ - أمالي الصدوق ص ۳۳۸: ۱۳۷۰ التسويف و مساواة اليوم مع الامس ۱ - أمالي الطوسي ج ۲ ص ۵۲۶ الطبعة الجديدة:...

۲۱. شرح رسالة الحقوق للإمام زین العابدین (علیه السلام)، جلد: ۱، صفحه: ۳۳۸

النوع الرابع منها:

مساواة عامة بين الأحرار و الأرقاء:

۲۲. مرآة الکمال لمن رام درک مصالح الأعمال، جلد: ۱، صفحه: ۴۶۴

و منها: ان يركع و يداه تحت ثيابه،

...و منها: مساواة موضع سجوده لموقفه،...

۲۳. تسهيل النظر و تعجيل الظفر في أخلاق الملک و سیاسة الملک، صفحه: ۲۶۵

۸ - مُسَاوَاة الْملك نَفسه مَعَ الرّعية

1. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، 9جلد، نشر هجرت - قم، چاپ: دوم، 1409 ه.ق. [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)
3. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 4) في ك: مع هذا سنين مع السواء. [↑](#footnote-ref-4)
5. صاحب، اسماعيل بن عباد، المحيط فى اللغة، 11جلد، عالم الكتب - بيروت، چاپ: اول، 1414 ه.ق. [↑](#footnote-ref-5)
6. [↑](#footnote-ref-6)
7. [↑](#footnote-ref-7)
8. [↑](#footnote-ref-8)
9. [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 1) هو زيد الخيل كما فى الحيوان( 4: 339) و الشعر و الشعراء فى أثناء ترجمة الأعشى، و نقد الشعر 39. و روى أيضا من قصيدة لمعقر البارقى فى الأغانى( 10: 44). [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 2) عجزه:

    |  |
    | --- |
    | فأحداقهم تحت الحديد خوازر. |

    [↑](#footnote-ref-11)
12. ( 3) ديوان الحطيئة 69 و اللسان( سوا). [↑](#footnote-ref-12)
13. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، 6جلد، مكتب الاعلام الاسلامي - قم، چاپ: اول، 1404 ه.ق. [↑](#footnote-ref-13)
14. ( 6) هذا شطر بيت لعنترة، و عجزه:

    |  |
    | --- |
    | قياما بأعضاد السّراء المعطّف‏ |

    و هو في ديوانه ص 52، و الحجة للفارسي 1/ 246، و النوادر لأبي زيد ص 122، و المخصص 12/ 160. [↑](#footnote-ref-14)
15. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، 1جلد، دار القلم - بيروت، چاپ: اول، 1412 ه.ق. [↑](#footnote-ref-15)
16. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانى)، 4جلد، مرتضوي - تهران، چاپ: دوم، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-16)
17. زمخشرى، محمود بن عمر، أساس البلاغة، 1جلد، دار صادر - بيروت، چاپ: اول، 1979 م. [↑](#footnote-ref-17)
18. ( 3) في ع برفع المعوج و بناء« سوي» للمجهول. [↑](#footnote-ref-18)
19. ( 4) الجملة الدعائية من ط و كتبت تحت« رقية» في الأصل. [↑](#footnote-ref-19)
20. مطرزى، ناصر بن عبدالسيد، المغرب فى ترتيب المعرب، 2جلد، مكتبه اسامه بن زيد - حلب، چاپ: اول، 1979 م. [↑](#footnote-ref-20)
21. [↑](#footnote-ref-21)
22. [↑](#footnote-ref-22)
23. [↑](#footnote-ref-23)
24. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، 2جلد، موسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم، 1414 ه.ق. [↑](#footnote-ref-24)
25. ( 3). ترتيب العين، ج 2، ص 1154،« عدل». [↑](#footnote-ref-25)
26. ( 4). التحقيق، ج 8، ص 55،« عدل». [↑](#footnote-ref-26)
27. ( 5). مفردات، ص 551،« عدل». [↑](#footnote-ref-27)
28. ( 6). عدل و قسط الهى، شاهد بر وحدانيّت و يگانگى خداوند است.( الميزان، ج 3، ص 114) [↑](#footnote-ref-28)
29. ( 1).« شهادت للّه» متفرّع بر اجراى كامل عدالت و قيام به‏قسط است.( ر. ك: الميزان، ج 5، ص 109) [↑](#footnote-ref-29)
30. ( 1). بعيد نيست كه مقصود از« ميزان» دين باشد، زيرا به‏وسيله دين، عقايد و اعمال اشخاص توزين مى‏شود، و اين معنا بيشتر مناسب سياق است.( الميزان، ج 19، ص 171) [↑](#footnote-ref-30)
31. ( 2). امام صادق عليه السلام در توضيح آيه شريفه فرمودند:« فى المودّة» يعنى در دوستى نمى‏توانيد عدالت را رعايت كنيد.( الكافى، ج 5، ص 362، ح 1؛ تفسير نورالثقلين، ج 1، ص 558، ح 601) [↑](#footnote-ref-31)
32. ( 1). بر اين مبنا كه متعلّق« تلوا» و« تعرضوا» اقامه قسط باشد. [↑](#footnote-ref-32)
33. ( 1). ذكر ايجاد آهن در كنار ارسال پيامبران و نزول كتب‏آسمانى و اقامه عدل مى‏تواند كنايه از قدرت باشد، كه در اجراى تعاليم الهى و عدالت نقش بسزا دارد. [↑](#footnote-ref-33)
34. ( 2). مراد از« لاتعدلوا» از لحاظ نفقه و ... است.( مجمع‏البيان، ج 3-/ 4، ص 11؛ الكافى، ج 5، ص 362، ح 1) [↑](#footnote-ref-34)
35. ( 1). مراد از« انّ اللّه خبير بما تعملون» اين است كه خداوندبه سبب اعمال‏تان يعنى ترك عدالت، شما را مجازات مى‏كند.( روح‏البيان، ج 2، ص 358) [↑](#footnote-ref-35)
36. ( 2). چون نقطه مقابل« ظلم» عدل است؛ يعنى از فرزندان عادل تو به اين عهد امامت مى‏رسند، امّا به ستمكاران نه. [↑](#footnote-ref-36)
37. ( 1). جمله« فانّ اللّه كان بما تعملون خبيراً» بر وجوب اجراى‏عدالت نسبت به خود و ديگران دلالت مى‏كند.( مجمع‏البيان، ج 3-/ 4، ص 190) [↑](#footnote-ref-37)
38. ( 1). از تقدّم ذكرى« عدل» بر احسان و بخشش به خويشاوندان مى‏توان تقدّم رتبى را استفاده كرد. [↑](#footnote-ref-38)
39. ( 1).« ضيزى‏» يعنى قسمت ناعادلانه‏اى است كه پسر را براى خود انتخاب كرديد و دختر را براى خدا.( كشف‏الاسرار، ج 9، ص 363؛ التفسير الكبير، ج 10، ص 248) [↑](#footnote-ref-39)
40. ( 2). مراد از« و عملوا الصّالحات» واجبات و مستحبّات و ازجمله آنها عدالت و تقوا است.( روح‏المعانى، ج 4، جزء 6، ص 123؛ روح‏البيان، ج 2، ص 358) [↑](#footnote-ref-40)
41. ( 1). اعلام جنگ از سوى خدا و رسول صلى الله عليه و آله با هدف« لاتَظلمون و لاتُظلمون» صورت مى‏گيرد، بنابراين عدالت اقتصادى در جامعه از اهداف خدا و رسول صلى الله عليه و آله است. [↑](#footnote-ref-41)
42. ( 1). آيه شريفه درباره حكّام يهود نازل شده است.( الكشف‏و البيان، ج 4، ص 66) [↑](#footnote-ref-42)
43. ( 1). امام صادق عليه السلام در توضيح آيه مذكور فرمود: در دوستى نمى‏توانيد عدالت را رعايت كنيد.( الكافى، ج 5، ص 362، ح 1؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 558، ح 601) [↑](#footnote-ref-43)
44. هاشمى رفسنجانى، اكبر، فرهنگ قرآن، 33جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 2، 1383 ه.ش. [↑](#footnote-ref-44)
45. ( 1). بنا بر اين احتمال كه مراد از« من قوم موسى» عدّه‏اى از بنى‏اسرائيل باشند كه تمسّك به حق و شريعت موسى عليه السلام داشتند.( مجمع‏البيان، ج 3-/ 4، ص 753) [↑](#footnote-ref-45)
46. ( 1). عبارت« مهلك القرى‏ بظلم و أهلها غافلون» جارى مجراى تعليل است، به اين معنا كه اهل يك قريه و ملّتى را به هلاكت نمى‏رسانيم، مگر اينكه رسولى را به سوى آنان بفرستيم تا آنان را به حجّتهاى الهى متنبّه و آگاه سازد.( مجمع‏البيان، ج 3-/ 4، ص 567؛ الكشاف، ج 2، ص 67) [↑](#footnote-ref-46)
47. ( 2).« قائماً بالقسط» حال براى ضمير« هو» است كه به« اللّه» برمى‏گردد.( تفسير التحرير والتنوير، ج 3، جزء 3، ص 44؛ تفسير القرآن العظيم، ابن‏كثير، ج 1، ص 361) [↑](#footnote-ref-47)
48. ( 1). مراد از« اعمى‏» كافر، جاهل و نادان است.( روض‏الجنان، ج 11، ص 209؛ الجامع لاحكام القرآن، قرطبى، ج 10، ص 307) [↑](#footnote-ref-48)
49. ( 1). مراد از« قصصنا عليك من قبل» بيان آن در سوره انعام( 6) آيه 146 است.( كشف‏الاسرار، ج 5، ص 465؛ روح‏المعانى، ج 8، جزء 14، ص 367) [↑](#footnote-ref-49)
50. ( 1). تماميّت كلمه از جهت عدل، اين است كه مواد و اجزاى آن يك نواخت باشد و هر چيز را آن طور كه شأنش هست، بسنجد.( الميزان، ج 7، ص 329-/ 330) [↑](#footnote-ref-50)
51. ( 2).« قائماً بالقسط» حال است براى فاعل« شهد اللّه».( الميزان، ج 3، ص 115) [↑](#footnote-ref-51)
52. ( 1). در« فإذا جاء رسولهم» ايجاز به حذف و اضمار و تقدير است. تقدير عبارت چنين است: وقتى پيامبرشان به سوى‏شان آمد و ابلاغ رسالت كرد، سپس قومش اختلاف كردند با تكذيب‏[ گروهى‏] و تصديق‏[ گروهى ديگر] ميان آنان قضاوت مى‏شود، پس مكذّبان هلاك مى‏شوند و مؤمنان نجات مى‏يابند.( مجمع‏البيان، ج 5-/ 6، ص 172؛ فتح‏القدير، ج 2، ص 449) [↑](#footnote-ref-52)
53. ( 1). مراد از« و به يعدلون» به حق داورى كردن است.( مجمع‏البيان، ج 3-/ 4، ص 773) [↑](#footnote-ref-53)
54. ( 2). بنا بر قولى، مقصود از آيه ياد شده، يهود است.( مجمع‏البيان، ج 1-/ 2، ص 720) [↑](#footnote-ref-54)
55. ( 1). امام صادق عليه السلام در پاسخ سؤال از آيه فوق فرمود: خداوند به امام اوّل امر كرده است كه هر آنچه نزد اوست به امام بعدش واگذار كند.( تفسير نورالثقلين، ج 1، ص 496، ح 321) پس مراد از فاعل« يأمركم» امامان مى‏باشند. [↑](#footnote-ref-55)
56. ( 2). مخاصمه‏كنندگان نزد داود عليه السلام از فرشتگان بودند.( التبيان، ج 8، ص 552؛ الجامع لاحكام القرآن، قرطبى، ج 15، ص 113) [↑](#footnote-ref-56)
57. ( 1). مراد از« قوم موسى» بنى‏اسرائيل است.( انوارالتنزيل، بيضاوى، ج 3، ص 66؛ البحرالمحيط، ج 5، ص 198) [↑](#footnote-ref-57)
58. ( 1). خبر جمله« افمن زيّن له سوء عمله» كه« أهو كمن علم الحسن و القبيح و عمل بما علم و لم‏يزيّن له سوء عمله» مى‏باشد كه محذوف است.( مجمع‏البيان، ج 7-/ 8، ص 628) [↑](#footnote-ref-58)
59. ( 1). مفسّران، جمله« ليقوم النّاس بالقسط» را غايت و غرض‏انزال ميزان گرفته و گفته‏اند: معناى جمله اين است كه ما ترازو را نازل كرديم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهيم تا ضرر نبينند.( الميزان، ج 19، ص 171) [↑](#footnote-ref-59)
60. ( 2). بنا بر اينكه كلمه« بالعدل» متعلّق به جمله« وليكتب» باشد. [↑](#footnote-ref-60)
61. ( 1). مراد از« بالحق» عدالت است‏[ يعنى نظام آفرينش بر پايه عدل است‏].( لباب‏التأويل، ج 4، ص 120؛ فتح‏القدير، ج 5، ص 8) [↑](#footnote-ref-61)
62. هاشمى رفسنجانى، اكبر، فرهنگ قرآن، 33جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 2، 1383 ه.ش. [↑](#footnote-ref-62)
63. ( 1). مراد از« عملوا الصّالحات» واجبات و مستحبّات و از جمله آنها، عدل و تقوا است.( روح‏المعانى، ج 4، جزء 6، ص 123؛ روح‏البيان، ج 2، ص 358) [↑](#footnote-ref-63)
64. ( 1). عدالت، شرط در شهود است.( مجمع‏البيان، ج 1-/ 2، ص 683) [↑](#footnote-ref-64)
65. ( 2). امام صادق عليه السلام درباره« فان خفتم ألّا تعدلوا» در آيه‏فرمود: مقصود[ رعايت عدالت‏] در نفقه است.( الكافى، ج 5، ص 363، ح 1؛ تفسير نورالثقلين، ج 1، ص 439، ح 36) [↑](#footnote-ref-65)
66. ( 3).« جنف» به معناى ستم و ميل به باطل است كه در وصيّت موصى اعمال مى‏شود.« إثم» نيز به همين معنا است. در اين صورت لازم است كه آن را اصلاح كنند؛ يعنى او را به وصيّت عادلانه وادار كنند.( مجمع‏البيان، ج 1-/ 2، ص 484-/ 486) [↑](#footnote-ref-66)
67. ( 4).« جنفاً» عبارت از اين است كه انحراف از حق از روى‏خطا باشد و« أو إثماً» در صورتى است كه انحراف از حق از روى عمد باشد و اين معنا از امام باقر عليه السلام نيز نقل شده است.( مجمع‏البيان، ج 1-/ 2، ص 486) [↑](#footnote-ref-67)
68. ( 1). به قرينه مقابله با« ظلم» عدالت در رهبرى و امامت شرط است. [↑](#footnote-ref-68)
69. ( 2). از امام صادق عليه السلام نقل شده كه مراد از« قسطاس‏المستقيم» امام است.( بحارالانوار، ج 24، ص 187، ح 1) [↑](#footnote-ref-69)
70. ( 3).« تذكّر» ياد آوردن چيزى است كه قبلًا انسان به نوعى از آن آگاه بوده و يا بدان تمايل داشته است. [↑](#footnote-ref-70)
71. هاشمى رفسنجانى، اكبر، فرهنگ قرآن، 33جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 2، 1383 ه.ش. [↑](#footnote-ref-71)